



سیاست‌نگار

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال دهم / شماره دهم / پاییز ۱۴۰۱

سیاست‌نگار

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال دهم / شماره دهم / پاییز ۱۴۰۱

ویژه برنامه هفتم



۱۰

سیاست‌نگار

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال دهم / شماره دهم / پاییز ۱۴۰۱

ویژه برنامه هفتم

بخش اول: ضرورت سیاستگذاری و مطالبات مقام معظم رهبری
دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در رابطه با سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله

بخش دوم: آسیب‌شناسی، موانع و تحلیل وضعیت

الف) آسیب‌ها و موانع
آسیب‌شناسی سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله
آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی
ب) تحلیل وضعیت موجود
شرایط اقتصاد کشور و بایسته‌های تدوین برنامه هفتم توسعه
تحلیل راهبردی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در آستانه برنامه هفتم
پیش‌نیازهای تحقق سیاست‌های کلی برنامه هفتم

بخش سوم: سیاست‌های پیشنهادی، ارزیابی و نقد

درآمدی بر تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم (نظام مسائل)
سیاست‌های پیشنهادی برای برنامه هفتم توسعه
سیاست‌های ارسالی و نظرات مشورتی دولت و شورای مجمع



انتشارات
دبیرخانه
مجمع تشخیص
مصلحت نظام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کمیسیون مشترک دفتر مقام معظم رهبری
و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

فصل نامه سیاست کلان

سال دهم، شماره دهم، پاییز ۱۴۰۱

«ویژه برنامه هفتم»

■ مطالب مندرج در فصل نامه بیان گر دیدگاه های نویسندگان بوده و

به معنی تأیید همه یا بخشی از آن نیست.

■ نقل قول مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

■ فصل نامه در پذیرش، رد یا ویرایش مقالات آزاد است.

نشانی: تهران، بلوار میرداماد، خیابان مصدق شمالی، نبش کوچه

چهارم، پلاک ۱۰، ساختمان شهید سلیمانی

تماس با ما: ۲۲۲۵۸۹۱۳

نمابر: ۲۲۲۷۷۲۸۲

صاحب امتیاز: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول: علی احمدی

مدیران اجرایی: حبیب اله حمیدی، علی فرجی

ویراستاران: احمد خالقیان، علیرضا رسول زاده

صفحه آرایی: مرتضی فرش چی، حسن میرزایی

طراحی جلد: محمود خستو

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه.....	۳
❖ متن ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه هفتم.....	۹
بخش اول: ضرورت سیاست‌گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری.....	۱۵
❖ دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در رابطه با سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله.....	۱۷
بخش دوم: آسیب‌شناسی، موانع و تحلیل وضعیت.....	۲۵
الف) آسیب‌ها و موانع	
❖ آسیب‌شناسی سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله.....	۲۷
❖ آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی.....	۴۷
ب) تحلیل وضعیت موجود	
❖ شرایط اقتصاد کشور و بایسته‌های تدوین برنامه هفتم توسعه.....	۶۵
❖ تحلیل راهبردی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در آستانه برنامه هفتم.....	۷۹
❖ پیش‌نیازهای تحقق سیاست‌های کلی برنامه هفتم.....	۹۷
بخش سوم: سیاست‌های پیشنهادی، ارزیابی و نقد.....	۱۰۷
❖ درآمدی بر تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم (نظام مسائل).....	۱۰۹
الف) نظام مسائل اقتصادی: اقتصاد ایران و دردهایش.....	۱۱۰
ب) تحلیل نظام مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور.....	۱۲۱
ج) نظام مسائل سیاست خارجی.....	۱۲۸
د) نسبت اسناد بالادستی با سیاست‌های کلی پنج‌ساله.....	۱۳۱
ه) ایده سیاست‌های کلی برنامه هفتم.....	۱۳۲
❖ سیاست‌های پیشنهادی برای برنامه هفتم توسعه.....	۱۳۴
الف) مرحله اول پیشنهاد‌های کمیسیون‌ها دبیرخانه مجمع تشخیص.....	۱۳۵
ب) مرحله دوم جمع‌بندی کمیسیون تلفیق در خصوص سیاست‌ها.....	۱۵۵
ج) نقد و نظرهای مشورتی دستگاه‌های مختلف اجرایی در خصوص سیاست‌ها.....	۱۶۳
❖ سیاست‌های ارسالی و نظرات مشورتی دولت و شورای مجمع.....	۱۹۵
الف) سیاست‌های ارسالی برای نظر مشورتی.....	۱۹۵
ب) پیشنهاد دولت در خصوص سیاست‌های کلی.....	۱۹۹
ج) جمع‌بندی و نظر نهایی مشورتی شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۲۰۶

مقدمه

سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه از اردیبهشت ۱۳۹۹ در شرایطی در دستورکار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت که قبل از آن شش مجموعه سیاست کلی از این دست برای برنامه‌های پنج‌ساله توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده بود. برنامه هفتم، آخرین برنامه در افق چشم‌انداز و اولین برنامه تحقق بیانیه گام دوم است. سیاست‌های برنامه هفتم از یک طرف معطوف به این دو مهم و از طرف دیگر معطوف به واقعیت‌های موجود، شفاف‌تر شدن خط‌کشی‌ها با دنیا و عینی‌تر شدن ظرفیت‌ها و مشکلات داخلی و همین‌طور نقاط قوت و ضعف در تجربه سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌سال گذشته است.

تحلیل‌ها و بررسی‌ها نشان می‌دهد که:

الف) پیشرفت و توسعه کشور در بعد اقتصادی دارای سه بیماری مزمن است:

۱) **رشد اقتصادی پرنوسان:** کارشناسان اقتصادی معتقدند، ریشه اصلی نوسان اقتصادی در چهار علت است: ۱) تورم؛ (نوسان ۱۰ تا ۴۰ درصدی در برنامه ششم. هدف‌گذاری تورم در این برنامه ۸/۸ درصد بود، اما میانگین آن ۲۷ درصد شد)، ۲) کسری بودجه دولت، ۳) نظام بانکی ناسالم و ۴) نظام ارزی نامتعادل.

۲) **رشد اقتصادی کاهنده:** بر اساس گزارش‌ها از ۶۰ سال گذشته تا به حال، رشد اقتصادی به مراتب سیر کاهشی داشته است. موتور محرک رشد دو عامل است: ۱) سرمایه‌گذاری و ۲) بهره‌وری. مسیرهای مربوط به کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری داخلی در کلاف قوانین و مقررات انبوه، بعضاً متناقض، متعارض، تکراری و مبهم مسدود شده است. فضای سرمایه‌گذاری خارجی نیز چندان مساعد نیست. بهره‌وری نیز، نیازمند دانش، تکنولوژی و مدیریت است. فقدان مدیریت صحیح، دو مولفه دیگر یعنی دانش و تکنولوژی را نیز سخت تحت‌تاثیر قرار داده است.

۳) **رشد اقتصادی غیرعادلانه.** قریب به اتفاق آمارها نشان می‌دهند که در مسیر رشد اقتصادی، عدالت فردی، سیر کاهنده داشته و رو به اضمحلال رفته و عدالت سرزمینی در برنامه‌ها مخدوش شده است.

ب) در بعد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه نیز کاستی‌ها و محدودیت‌هایی وجود داشته است که به اختصار می‌توان به آنها اشاره نمود:

۱- تحقق سیاست‌ها در مقام عمل به سادگی امکان‌پذیر نیست. سیاست مستلزم تحول در روش‌ها و ابزار حکمرانی است، تحول مستلزم همراهی مردم و نهادها در مسیر تغییر است، اما آنچه مشاهده شده است دیوانسالاری اداری، محیط کسب‌وکار و ساختار اقتصادی معیوب در برابر تغییرات مقاومت می‌کند.

با ارزیابی سیاست‌های کلی و برنامه‌های پنج‌ساله گذشته و میزان تحقق این برنامه‌ها مشخص شده که برنامه‌ها نه تنها در تحقق اهداف ناموفق بوده‌اند بلکه در بسیاری موارد با اهداف سیاست‌ها زاویه داشته‌اند.

۲- وجود مشکلات و محدودیت‌های خارجی ناشی از حضور قدرت مداخله‌گر در منطقه و تحریم‌های گسترده

۳- برنامه‌های پنج‌ساله، جامع‌نگر^۱ و در صدد رفع همه مشکلات و مسائل کشور در یک دوره پنج‌ساله و امور محور و فاقد اولویت‌های مشخص در هریک از حوزه‌ها و امور در اداره کشور بوده است. ضمن آنکه بی‌عملی و فقدان اراده در دولت‌هایی که مجری هریک از این سیاست‌های پنج‌ساله بوده‌اند مزید بر علت شده است.

هرچند نهاد دولت در کشور تضعیف شده است و در حل مسائل نمی‌تواند قدرتمند عمل کند. در این راستا تحولات دنیا و روندهای جهانی شده و سه باتکلیفی عمده تاثیرگذار برآمده از آن بر ضعف دولت در حل مسئله افزوده است: (۱) تکاپوی دولت با مردم که بیشتر بر پایه اقتصاد و رشد اقتصادی و خدمات است، (۲) تکاپوی دولت با شبکه منطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای که بیشتر مبتنی بر تعارض است، (۳) تکاپوی دولت با گرایش‌های فروملی و فراملی در پرتو انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات و انتقال بخشی از قدرت به این گروه‌ها است. با این حال، دولت که یک تحلیل و فهم استراتژیک از وضع کشور دارد، می‌تواند به عنوان چراغ راهنما عمل کند. گزاره‌های مورد نظر دولت باید مورد اتفاق و اجماع قرار گیرد و با سنجه‌های معتبر وزن داده شود.

^۱ - در اینجا منظور برنامه‌ریزی جامع در ادبیات برنامه‌ریزی نیست بلکه به معنی همه مسائل را در کل دیدن است.

این نکته را نباید نادیده گرفت که مشکل اصلی کشور اقتصادی است، این مشکل و عوامل موجه آن در دوره‌های گذشته هم وجود داشته است، اما پرسش اینجاست که چرا با وجود محوریت اقتصادی در برنامه‌های گذشته این مشکل حل نشده است؟ پاسخ کوتاه این است که اگرچه مشکل اصلی کشور اقتصاد است اما راه حل آن صرفاً اقتصادی نیست. مسیری که باید در آن حرکت کرد جامعه است، اگر مسیر تحقق پیشرفت هموار نشود، همه برنامه‌ها را زمین می‌زند، در حال حاضر جامعه نیازمند ارتقاء اعتماد و سرمایه اجتماعی است و این نکته کلیدی است که دریچه را برای بررسی نظام مسائل، اعم از اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... باز می‌کند. لذا نظام مسائل کشور در دبیرخانه مجمع در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و سیاست خارجی در کارگروه‌های تخصصی مختلف بررسی و احصاء شد. در کنار کارگروه‌های تخصصی هریک از کمیسیون‌های تخصصی مجمع نیز نظام مسائل حوزه تخصصی خود را بررسی نمودند. در نهایت فهرستی از نظام مسائل کشور در حوزه‌های مختلف تهیه شد.

از آنجا که حل همه مسائل در یک برنامه پنج‌ساله امکان‌پذیر نبود، دو پرسش کلیدی مطرح شد: ۱) آیا برای برنامه هفتم توسعه می‌بایست هدف‌گذاری کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، چه هدف یا اهدافی می‌بایست مدنظر قرار گیرد؟ پرسش دوم این بوده که اگر سیاست‌ها مسئله‌محور تعریف شود، معیار اولویت‌بندی مسائل کدام است؟ در پاسخ به پرسش اول، در بررسی‌های کارشناسی دو نوع هدف‌گذاری استخراج شد. یکی، هدف‌گذاری واحد باشد و دیگری هدف‌گذاری می‌تواند متعدد باشد. در رابطه با هدف‌گذاری واحد در میان اهداف متعدد و متنوع، دو هدف کلیدی برجسته بود:

۱- بهبود ۵۰ درصدی زندگی مردم؛ در این صورت مجموعه بندهای سیاست‌های کلی پیشنهادی با حذف و اضافه، به عنوان الزامات تحقق این هدف تعریف می‌شد.

۲- استحکام ساخت درونی نظام؛ در این صورت، این هدف دارای سه مولفه کلید بود:



در هدف‌گذاری بیش از یک هدف، براساس تحلیل محتوای ۲۱ بند سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم توسعه و ۱۴ بند ایده اولیه و نیز سایر پیش‌نویس‌ها بر اساس کدگذاری خرد؛ در ابتدا، ۲۰۵ مفهوم شناسایی شد، در مقوله‌بندی مفاهیم، ابتدا مفاهیم در بیست مقوله محوری و سپس در شش مقوله انتخابی دسته‌بندی گردید که عبارتند از: ۱- اقتصاد، ۲- فرهنگ، ۳- سلامت، رفاه و بهداشت عمومی، ۴- قدرت بازدارندگی و جایگاه ایران، ۵- تحول ساختاری و ۶- علم و فناوری.

در پاسخ به پرسش، دوم نظام مسائل کشور براساس چهار شاخص مورد سنجش و اولویت‌بندی قرار گرفت: (۱) اهمیت مسئله در مطالبات و دغدغه‌های مردم، (۲) اهمیت مسئله در مطالبات، اسناد و بیانات رهبری، (۳) ضرورت مسئله و (۴) فوریت مسئله.

بر این مبنا سیاست‌های کلی برنامه هفتم بر محور حل مسائل ابتدا در چهار حوزه (۱) اقتصاد، (۲) فرهنگی و اجتماعی، (۳) فناوری و (۴) منطقه، دسته‌بندی و سپس در درون هر حوزه، مسائل اولویت‌دار بر اساس شاخص‌های مورد اشاره تعیین شدند.

- در حوزه اقتصاد: ۱- رشد اقتصادی، ۲- تورم و کاهش ارزش پول ملی، ۳- نظام پولی و بانکی معیوب، ۴- نظام مالیاتی ناسالم، ۵- ساختار و فرایند بودجه‌ریزی ناسالم، ۶- امنیت غذایی و الزامات آن مورد تاکید قرار گرفت.
 - در حوزه فرهنگی- اجتماعی: ۱- سبک زندگی ایرانی-اسلامی، ۲- تقویت همبستگی و هویت ملی، ۳- اعتماد و سرمایه اجتماعی، ۴- نرخ باروری جمعیت و ۵- سلامت اجتماعی (تامین اجتماعی، نظام سلامت)
 - در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات: ۱- تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و ارتقای خدمات، ۲- افزایش مناسب پیشرفت و نوآوری با تاکید بر زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو تجدیدپذیر، شرکت‌های دانش بنیان.
 - در حوزه منطقه‌ای: ۱- تحول و ظرفیت‌سازی در دستگاه دیپلماسی برای کنش‌گری فعال رسمی و عمومی، ۲- رویکرد اقتصاد محور در روابط، بویژه با همسایگان در منطقه، ۳- استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک کشور در مبادلات اقتصادی و تجاری و ۴- ارتقای بازدارندگی
 - شایان ذکر است در حوزه جغرافیایی: اجرای سیاست‌های کلی آمایش سرزمین و در بعد نیروی انسانی، تحقق سیاست‌های کلی نظام اداری و تحول قضایی به عنوان زیرساخت این سیاست‌ها تلقی می‌شود.
- در نتیجه اقتضای سیاست‌های کلی برنامه هفتم، اصلاح رویکرد حاکم بر سیاست‌ها، عدم تکرار مفاهیم، کم‌کردن فاصله با آرمان‌های انقلاب اسلامی و جبران کوتاهی‌ها و کاستی‌ها با بهره‌گیری از فرصت‌ها و توانمندسازی دولت در حل مسئله قرار گرفت؛ لذا سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در هفت محور و بیست و شش بند سیاستی با رویکرد توانمندسازی دولت و در جهت تحقق موارد زیر است:

- ۱- گسترده ترین سطح از مشکلات موجود را حل و بیشترین بستر برای تحقق آرمان ها و سیاست های کلی موضوعی را فراهم نماید.
- ۲- آسیب های ناشی از برنامه های گذشته (مسئله محور نبودن، زاویه دار بودن با سایر سیاست های کلی و نظارت ناپذیر بودن) را برطرف نماید.
- ۳- پاسخی به چالش های برشمرده شده در گذشته و در پنج سال آینده ارائه دهد.
- ۴- متکی به سیاست های کلی ابلاغی به ویژه اقتصاد مقاومتی، جمعیت و تحول در نظام اداری باشد.
- ۵- مجموعه ای منسجم با اولویت، ضرورت و اهمیت برای اقدامات خاص جهت رسیدن اهداف مشخص باشد.
- ۶- ارزیابی میزان اثربخشی سیاست از طریق برنامه ها را امکان پذیر نماید.

علی احمدی

مهرماه ۱۴۰۱

متن ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه هفتم

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی برنامه هفتم که با اولویت اصلی «پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» تعیین شده است، ابلاغ می‌گردد:

از اعضای محترم به‌ویژه رئیس مکرّم مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز دبیرخانه آن که با فعالیت فشرده و کوشش فراوان در جلسات صحن مجمع و کمیسیون ذی‌ربط، پیش‌نویس سیاست‌های کلی برنامه هفتم را مورد بررسی قرار دادند و نظرات خود را در این زمینه به اینجانب ارائه کردند، تقدیر و تشکر می‌کنم. مشارکت فعال و مؤثر دولت و مجلس و قوه قضائیه و سایر ارکان نظام نیز شایسته تقدیر است. تهیه و تصویب قانون برنامه هفتم بر پایه این سیاست‌ها و اجرای دقیق و مسئولانه آن، گامی دیگر در تحقق اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهد بود همچنان که نظارت فعال هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت، به حُسن اجرای سیاست‌های کلی برنامه، کمک خواهد کرد. شایسته است برخی از راه‌های تحقق سیاست‌ها و الزامات مالی و شاخص‌های کمی که در پیشنهادها و مجمع است و در مجموعه سیاست‌های ابلاغی مذکور نیست، در حد وسع و امکانات دولت در تهیه لایحه مورد توجه و عمل قرار گیرد.

سید علی خامنه‌ای

۲۰ شهریور ۱۴۰۱

سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم

اقتصادی:

۱- هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم با رعایت سیاست‌های کلی مصوب، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد در طول برنامه تعیین می‌شود با تأکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید (منابع انسانی، سرمایه، فناوری و مدیریت).

۲- ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز و تک‌رقمی کردن تورم طی پنج‌سال و جهت‌دهی به نقدینگی و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد و جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد.

۳- اصلاح ساختار بودجه دولت از طریق:

- احصاء و شفاف‌سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تأدیه بدهی‌ها.
- واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسر بودجه.
- تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام با واگذاری از طریق مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی در طرح‌های عمرانی انتفاعی.
- شفاف‌سازی و ضابطه‌مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی در بودجه.

۴- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تبدیل مالیات به منبع اصلی تأمین بودجه جاری دولت، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تأکید بر رونق تولید و عدالت مالیاتی.

۵- استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به منظور ارائه عادلانه خدمات.

امور زیربنایی:

۶- تأمین امنیت غذایی و تولید حداقل ۹۰ درصد کالاهای اساسی و اقلام غذایی در داخل، همراه با حفظ و ارتقای ذخایر ژنتیکی و منابع آبی و افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی. اصلاح الگوی کشت با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای و منابع آبی و با اولویت بخشی به تولید کالاهای راهبردی کشاورزی.

۷-

- استقرار نظام مدیریت یکپارچه منابع آب کشور و افزایش بهره‌وری حدود پنج درصدی آب کشاورزی.
- کنترل و مدیریت آب‌های سطحی و افزایش منابع زیرزمینی آب از طریق آبخیزداری و آبخوان‌داری.
- برنامه‌ریزی برای دستیابی به سایر آب‌ها و بازچرخانی آب‌های صنعتی و پساب.

۸-

- افزایش حداکثری تولید نفت خام و گاز طبیعی در میادین مشترک.
- افزایش ضریب بازیافت در میادین مستقل.
- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز.

۹- اجرای چند طرح عظیم اقتصادی ملی، پیشران، زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده‌نگری.

۱۰- فعال‌سازی مزیت‌های جغرافیایی - سیاسی و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز مبادلات و خدمات تجاری، انرژی، ارتباطات و حمل‌ونقل با روان‌سازی مقررات و ایجاد و توسعه زیرساخت‌های لازم.

۱۱- تحقق سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با توجه به مزیت‌های بالفعل و بالقوه و اجرایی ساختن موارد برجسته آن با توجه ویژه بر دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی.

۱۲- ارتقای نظام سلامت بر اساس سیاست‌های کلی سلامت.

فرهنگی و اجتماعی:

۱۳- اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقای هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های کشور، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و مردمی و افراد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی و حمایت و پشتیبانی مؤثر دولت از آن.

۱۴- تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی در گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی - ایرانی و مواجهه مؤثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان.

۱۵- تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان.

۱۶- افزایش نرخ باروری و مولید به حداقل ۲ و نیم طی پنج سال با حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری و رفع موانع و ایجاد مشوق‌های مؤثر و اصلاح فرهنگی.

۱۷- توسعه صنعت گردشگری و ترویج صنایع دستی.

۱۸- ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و فساد براساس شاخص‌های معتبر و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم و با زمان‌بندی متناسب.

علمی، فناوری و آموزشی:

۱۹- برقراری حاکمیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی - ایرانی در فضای مجازی با تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و تأمین محتوا و خدمات متناسب و ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی با تأکید بر مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور.

۲۰- افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات و زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر.
روزآمدسازی و ارتقای نظام آموزشی و پژوهشی کشور.

سیاسی و سیاست خارجی:

- ۲۱- کش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی با ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی در دستگاه دیپلماسی و همکاری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.
- ۲۲- تقویت رویکرد اقتصاد محور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان.

دفاعی و امنیتی:

- ۲۳- تقویت بنیه دفاعی به منظور ارتقای بازدارندگی و اکتساب فناوری‌های اقتدار آفرین مورد نیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تأکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت دار با تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور.
- ۲۴- تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری در قبال تهدیدات، به‌ویژه تهدیدات سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتویی با اولویت پدافند غیرعامل.

اداری، حقوقی و قضایی:

- ۲۵- تحول در نظام اداری و اصلاح ساختار آن مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام اداری با تأکید بر هوشمندسازی و تحقق دولت الکترونیک، حذف تشکیلات موازی و غیرضرور، به‌روزرسانی قوانین و مقررات، اصلاح روش‌ها و رفع فساد و زمینه‌های آن در مناسبات اداری.
- ۲۶- روزآمدسازی سند تحول قضایی و اجرای آن با تأکید بر:

- پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی.
- هوشمندسازی فرایندها و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در ارائه خدمات قضایی.
- اجرای ۱۰۰ درصدی حدنگار.
- حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب و کار.
- استفاده از ظرفیت‌های مردمی و توسعه روش‌های مشارکتی و غیرقضایی در حل و فصل دعاوی.
- تقویت و تثبیت سهم قوه قضائیه از منابع بودجه عمومی دولت و تأمین نیازهای مالی و استخدامی قوه قضائیه.
- بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری.
- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان.

بخش اول: ضرورت سیاست‌گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

بیانات و مطالبات مقام معظم رهبری در رابطه با برنامه‌های توسعه

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در رابطه با سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله

کمیسیون مشترک

چکیده

بیانات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله) از ضابطه‌ها و شاخص‌های اصلی در تشخیص و تعیین اهمیت، ضرورت، ابعاد و چگونگی تحقق سیاست‌های کلی و به ویژه سیاست‌های برنامه‌های توسعه است.

متن حاضر، گردآوری بیانات و مطالبات معظم‌له در خصوص سیاست‌های کلی برنامه‌ای به شکل عام، ملاحظات مربوط به سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم تا ششم توسعه به شکل خاص و نیز بیانات و مطالبات ایشان در خصوص سیاست‌های برنامه هفتم می‌باشد که در فواصل مختلف و در حضور مخاطبان گوناگون مطرح شده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، انضباط سیاستی، اجرای سیاست‌ها، نظارت مستمر، برنامه‌های توسعه

الف) بیانات و مطالبات کلی در مورد سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله

۱- اثر محسوس در صورت رعایت دقیق سیاست‌ها

اگر برنامه پنج‌ساله با آن سیاست‌هایی که ما به طور مشخص و با مشورت فراوان و کار زیادی که روی آن شده و اعلام هم کرده‌ایم، تطبیق کند، من شک ندارم که در طول پنج سال، اثر محسوسی دیده خواهد شد. نمی‌گویم به کلی همه مشکلات حل می‌شود؛ اما یقیناً اثر محسوسی دیده خواهد شد. مشروط بر این که آن سیاست‌ها دقیقاً رعایت شود. البته ما، هم به خود دولت و هم به مجلس سفارش کردیم که مراقبت کنند تا آنجایی که عملی است - که فکر هم می‌کنیم همه‌اش یا نزدیک به همه‌اش عملی است - این سیاست‌ها در مواد برنامه‌ها دیده شود. (۱۳۷۸/۹/۱)

۲- باید طوری باشد که دقیقاً سیاست‌ها در تک‌تک برنامه‌ها قابل مشاهده باشد.

برنامه‌ها از دل سیاست‌ها می‌جوشد. مسئله سیاست‌ها و برنامه‌ریزی و بحث در دولت و بعد در مجمع تشخیص مصلحت نظام و ملاحظه نقدهای مختلف و انتخاب سیاست‌ها و بعد برنامه‌ریزی بر اساس سیاست‌ها، یک روال طبیعی و منطقی پیدا کرد؛ لیکن توجه داشته باشید که در خلال این برنامه‌ریزی، سیاست‌هایی که از این مراحل گوناگون گذشته، دقیقاً رعایت شود. این که برنامه‌ها باید از دل سیاست‌ها بجوشد، بایستی به معنای حقیقی کلمه منبعث از سیاست‌ها و ساخته‌وپرداخته این سیاست‌ها باشد که اگر برنامه در جایی موفق شد، آدم بداند این سیاست درست بوده، اگر برنامه خطا کرد، آدم بداند سیاست غلط بوده؛ یعنی باید این تلازم معلوم شود. اگر یک جا در برنامه‌ها طوری شد که سیاست‌ها رعایت نگردید، آن وقت علت غلط بودن برنامه مشخص می‌شود. این غیر از آن چیزی است که به عملکرد مجریان مربوط می‌شود. بالاخره درصدی به عملکرد مجریان برمی‌گردد و سیاست‌ها از اینها برکنار خواهد ماند؛ بنابراین، آدم نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا این سیاستی که ما نشستیم باین همه مقدمات و مجمع تشخیص و قبش هیئت دولت و شاید چند هزار ساعت کاری که آقایان در سازمان برنامه برای تنظیم این سیاست‌ها انجام دادند و بعد هم پیش ما آمد و کارهایی که ما کردیم، بالاخره درست بود یا غلط بود. باید طوری باشد که دقیقاً این سیاست‌ها در تک‌تک برنامه‌ها قابل مشاهده باشد و آدم بداند این برنامه ناشی از آن سیاست است؛ یعنی یک ارتباط منطقی و طبیعی وجود داشته باشد. (۱۳۷۸/۶/۲)

۳- فرایند و اهمیت تنظیم برنامه‌های دولت بر اساس سیاست‌ها و تطبیق با آن

ترتیب کار مثل برنامه‌های قبل است؛ دولت برنامه را به ما پیشنهاد کرد، ما هم پسندیدیم و همان‌طور عمل شد. دولت با کارِ کارشناسی، سیاست‌ها را به رهبری پیشنهاد می‌کند. سیاست‌ها مسائل بلندمدت نیست؛ پنج‌ساله است. گاهی در مقطع پنج‌ساله، سیاستی اولویت پیدا می‌کند؛ این را دولت می‌تواند با محاسبات و دقت‌های خودش پیش‌بینی و سپس به رهبری پیشنهاد کند؛ رهبری هم به مجمع تشخیص مصلحت می‌دهد تا بررسی کنند. البته دولت هنوز سیاست‌ها را به ما پیشنهاد نکرده است. ما خواهش کردیم قبل از دادن سیاست‌ها به ما و ابلاغ سیاست‌ها، هیچ‌چیز به‌عنوان پایه‌ها و چهارچوب برنامه به دستگاه‌ها ابلاغ نشود تا بر اساس سیاست‌ها و طبق قانون اساسی، برنامه چهارچوب‌بندی و فصل‌بندی و سپس تدوین شود. (۱۳۸۲/۵/۱۵)

اهمیت برنامه برای شماها روشن است و می‌دانید که برنامه چقدر مهم است؛ برنامه، هم هماهنگی ایجاد می‌کند، هم هم‌افزایی ایجاد می‌کند، هم زنجیره برنامه‌ها - پی‌درپی - ما را به اهداف چشم‌انداز می‌رساند؛ یعنی اگر چنانچه این زنجیره برنامه‌ها، یک جا در وسط قطع شد، ما نمی‌توانیم به آن نتیجه برسیم، این روشن است؛ بنابراین، برنامه خیلی اهمیت دارد. خب، حالا برنامه یک فرایندی هم دارد که در قانون اساسی مشخص است: سیاست‌هایی است که ابلاغ می‌شود و اعلام می‌شود، بر اساس این سیاست‌ها، دولت برنامه را تهیه می‌کند، بعد این برنامه تبدیل به قانون می‌شود که همه ملزم باشند به جزئیات این برنامه عمل کنند؛ بنابراین مجلس هم در جریان کار برنامه، در این فرایند قرار می‌گیرد. (۱۳۹۵/۶/۳)

۴- ایجاد یاس در دشمنان

نه فقط برای برنامه‌های چهارم و پنجم، بلکه در چشم‌اندازهای کلی برای هر تحرک سیاسی و اقتصادی در کشور، این نقطه حتماً موردنظر باشد. باید به جایی برسیم که دشمن احساس کند نمی‌تواند؛ باید مأیوس شود. آن‌گاه دشمنی‌ها به پایان خواهد رسید و یا کم خواهد شد.

(۱۳۸۲/۵/۱۵)

ب) بیانات و مطالبات خاص هر برنامه

از آنجا که مطالبات مقام معظم رهبری در مورد برنامه‌های دوم تا ششم توسعه در ویژه‌نامه‌ی برنامه ششم مجله سیاست کلان در صفحات ۲۵ تا ۴۷ انتشار یافته است، در این ویژه‌نامه تکرار نشده است. با این وصف ملاحظات معظم‌له در مورد سیاست‌های برنامه ششم به شرح زیر است:

سه محور اصلی اقتصاد، فرهنگ و علم و فناوری:

برنامه ششم یعنی سیاست‌های پنج‌سال کشور تدوین خواهد شد؛ شما نقشه راه عملی برای پنج‌سال کشور را در این برنامه ششم ان‌شاء... تدوین خواهید کرد. سه نقطه اصلی - البته برنامه باید جامع باشد - وجود دارد:

- یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلی پیدا کند.
- یکی مسئله فرهنگ است؛ هر جامی‌گوییم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی؛ فرهنگ این است. این جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به وجود آمد، ما خوشحال بشویم که بله، فرهنگ پیشرفت کرده؛ نه، پیشرفت فرهنگ و تکیه روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزش‌های انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما - به عنوان سربازان این انقلاب - است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب کار کنیم.
- و سوم علم؛ حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمد... در این سال‌ها، در این ده، دوازده سال حرکت خوبی در کشور به وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملی و بخش مهمی از عزت ملی و بخش قابل توجهی از ثروت ملی به برکت علم به دست می‌آید؛ مسئله علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته دانش، برای کشور خیلی مهم است. (۱۳۹۳/۳/۴)

نگارش قانون برنامه باتوجه به سیاست‌های برنامه

توصیه دوم مربوط به برنامه ششم است؛ برنامه ششم - که سیاست‌هایش در مراحل نهایی است و ان‌شاء... به‌زودی به دستگاه‌های مختلف ابلاغ خواهد شد - بادقت موردتوجه قرار بگیرد. (۱۳۹۳/۳/۴)

تبیین سیاست‌ها و چستی آن

این مجموعه پس از بررسی‌های فراوان و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بر پایه محورهای سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پیشسازی در عرصه علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تنظیم شده است. اتکا بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از زیرساخت‌های موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت جهادی و روحیه انقلابی و تکیه بر اولویت‌های اساسی آمده در سیاست‌های کلی: «اصل ۴۴»، «اقتصاد مقاومتی»، «علم و فناوری»، «نظام اداری» و «جمعیت» و از همه بالاتر توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به‌رغم تمایل و اراده دشمنان عنود، با تحقق اهداف برنامه ششم در ارائه الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت که به‌کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، یاری رساند. در تدوین این سیاست‌ها تلاش شده است با درنظرگرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه داخلی و خارجی، مجموعه‌ای به‌عنوان سیاست‌های کلی که مبنای تنظیم قانون پنج‌ساله ششم خواهد بود، تعیین شود که در یک دوره پنج‌ساله کاملاً دست‌یافتنی باشد. (۱۳۹۴/۴/۹)

وظایف دستگاه‌ها

مراقبت و دقت نظر جناب‌عالی (رئیس‌جمهور) و سایر مسئولان در قوای سه‌گانه و نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطمینان لازم را برای حسن اجرای این سیاست‌ها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه، تامین خواهد کرد. (۱۳۹۴/۴/۹)

توصیه بعدی این است که با برنامه حرکت کنید. برنامه ششم [توسعه] برنامه جامعی است؛ امسال هم سال شروع برنامه است. البته ما تاخیر داریم؛ سال شروع برنامه سال گذشته بود. برنامه ششم، برنامه مهمی است؛ با برنامه، با دقت کامل و پیش‌بینی همه امکانات، حرکت انجام بگیرد؛ به برنامه باید اهمیت داد. (۱۳۹۶/۵/۱۲)

انطباق با سیاست‌ها

با اسناد بالادستی و سیاست‌هایی هم که اعلام می‌شود، سعی کنید [قانون] انطباق داشته باشد. حالا مثلاً برنامه ششم در دستور کار شما است؛ خیلی هم مهم است؛ این را من عرض بکنم. برنامه ششم فوق‌العاده مهم است؛ در مورد این برنامه کوتاهی و اغماض و کم گذاشتن، هیچ جایز نیست؛ یعنی واقعاً باید برنامه را کامل و خوب و دقیق تمام بکنید. خب اوضاع، اوضاع خاصی است؛ هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسی؛ برای کشور الان اوضاع ویژه‌ای است و باید برنامه‌ای که شما برای پنج سال می‌گذارید، یک برنامه به معنای واقعی کلمه کامل باشد. خب، طبعاً وقتی این برنامه تنظیم شد، این شد جزو اسناد بالادستی؛ قانون که می‌خواهید بگذارید، با این برنامه یا با برنامه‌های [دیگر] مثلاً فرض کنید [سیاست‌های کلی] اصل ۴۴ و امثال این‌ها باید تطبیق بکند. (۱۳۹۵/۳/۱۶)

بیانات و مطالبات رهبری در مورد سیاست‌های برنامه هفتم

تنظیم برنامه بر اساس سیاست‌ها

یکی از مسائل مهم کشور که به مسئولین [گفته‌ایم] - حالا شما هم از دولت، هم از مجلس اینجا حضور دارید - مسئله برنامه هفتم توسعه است که این برنامه البته بایستی سال گذشته تصویب می‌شد و امسال منشأ برنامه سالیانه ۱۴۰۱ قرار می‌گرفت که خب سال گذشته نشد. امسال این را به یک جایی برسانید ان شاء الله...؛ همت کنید تا بر اساس سیاست‌های کلی، این برنامه تنظیم بشود و در دولت و مجلس ان شاء الله... این مسئله به اتمام برسد. (۱۴۰۱/۱/۲۳)

مسئله محوری و پرهیز از کلی‌گویی

یک مسئله مهم، برنامه هفتم است که حالا شما باید آن را تنظیم کنید. برنامه هفتم یعنی تکلیف پنج سال آینده کشور را معین کنید؛ برنامه هفتم یک سال هم عقب افتاده دیگر، یعنی باید پارسال تمام می‌شد که نشد. اصلاً در برنامه‌های پنج‌ساله و به تعبیر رایج برنامه‌های توسعه - که بنده با این کلمه توسعه هم خیلی موافق نیستم، اما حالا بالاخره مصطلح است - کلی‌گویی فایده‌ای

ندارد. گاهی اوقات در این برنامه‌های توسعه یک کلی‌گویی‌هایی می‌شود که هرگونه اقدامی با هر سلیقه‌ای را می‌شود در آن گنجانند؛ این فایده‌ای ندارد. برنامه بایستی راه را به طور روشن نشان بدهد، و جلوی پای دستگاه‌های اجرائی کشور بگذارد، جلوی پای همه دست‌اندرکاران کشور باید بگذارد. به نظر ما راهش هم این است که برنامه هفتم را مسئله‌محور کنید؛ یعنی یکی از چیزهایی که در برنامه هفتم مهم است، مسئله‌محور کردن است. (۱۴۰۱/۴/۳)

تعیین اولویت در سرفصل‌ها و رعایت اولویت‌ها در هر سرفصل

توصیه بعدی ما این است که اولویت‌ها را رعایت کنید؛ بالاخره توان دولت محدود است، به همه کار که نمی‌شود رسید؛ بایستی بینیم کارهای اولویت‌دار کدام است. اولویت را هم بین سرفصل‌های اساسی پیدا کنید؛ مثلاً فرض کنید که ما یک سرفصل داریم به‌عنوان اقتصاد، یک سرفصل داریم به‌عنوان علم، یک سرفصل داریم به‌عنوان امنیت، یک سرفصل داریم به‌عنوان آسیب‌های اجتماعی، یک سرفصل داریم به‌عنوان فرهنگ؛ اینها سرفصل‌های اصلی است که حالا به نظر بنده فعلاً اولویت، اقتصاد است. نه اینکه به بقیه کارها نباید رسید؛ چرا، به همه کارها باید رسید اما عطف توجه عمده باید به‌سوی مسائل اقتصاد باشد که حالا عرض خواهم کرد.

خب، بعد که در سرفصل‌ها اولویت معین شد، در همان مواردی هم که در زیرمجموعه هر سرفصلی هست، باز اولویت‌هایی وجود دارد؛ مثلاً در باب اقتصاد اولویت چیست؟ در باب فرهنگ اولویت چیست؟ در همه اینها باید اولویت‌ها را رعایت کنیم. البته عرض کردم که به نظر من امروز مسئله اصلی و مسئله اولویت‌دار، مسئله اقتصاد است. [البته] این مال امروز است؛ تا کی؟ نمی‌دانیم؛ تا یک برهه‌ای. به مسئله اقتصاد جداً باید برسید؛ البته با پیوست فرهنگی؛ یعنی هر کار اقتصادی‌ای که انجام می‌دهید، حتماً پیوست فرهنگی همراهش باید باشد که این جزو چیزهای لازم است. حالا فرض کنید که مسئله دیپلماسی و مسئله فرهنگ و مسائل دیگر هم هست که بایستی آنها را [هم] انجام بدهید.

حالا در مسئله اقتصاد دو سه نکته در زیر این مجموعه وجود دارد که عرض می‌کنم:

- یک مسئله این است که مجموعه مدیران اصلی اقتصاد کشور باید منسجم عمل کنند.
- دوم اینکه همان‌طور که گفتیم، در خود اقتصاد اولویت‌ها مشخص بشود که حالا من بعداً یک اشاره‌ای می‌کنم.
- سوم در باب مسائل اقتصاد این است که خب در اقتصاد چند نقطه اساسی وجود دارد، روی این‌ها تمرکز بشود. مثلاً فرض کنید شاخص‌های اساسی: مثل اندازه تورم و رشد تورم یا رشد اقتصادی که حالا در سیاست‌ها برای مسئله رشد اقتصادی یک اندازه‌ای معین شده؛ ما روی آن عدد هشت تکیه می‌کنیم. یا مسئله رشد سرمایه‌گذاری؛ یا رشد اشتغال، یا رشد درآمد سرانه، یا کاهش فاصله طبقاتی. عمده‌ترین سرفصل اقتصادی ما برای پیشرفت اقتصاد مسئله تولید است. (۱۴۰۱/۶/۸)

بخش دوم: آسیب‌شناسی، موانع و تحلیل وضعیت

الف) آسیب‌ها

- آسیب‌شناسی سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله
- آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی

ب) تحلیل وضع موجود

- شرایط اقتصاد کشور و بایسته‌های تدوین برنامه هفتم
- تحلیل راهبردی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در آستانه برنامه هفتم
- پیش‌نیازهای تحقق سیاست‌های برنامه هفتم

آسیب‌شناسی سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله

محسن کشاورز^۱

حسین عرب اسدی^۲

چکیده

تدوین سیاست‌های کلی مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی بر عهده مقام معظم رهبری قرار داشته که حاکم بر قوانین و مقررات از جمله برنامه‌های توسعه است. سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه از زمان تدوین برنامه دوم در دستور کار قرار گرفته و به عنوان مبنایی برای تدوین قانون برنامه مورد تاکید بوده است. با توجه به در پیش بودن برنامه هفتم توسعه و لزوم ارتقای کیفیت نگارش سیاست‌های کلی، پژوهش حاضر ضمن تحلیل و بررسی سیاست‌های کلی مبنای برنامه دوم تا ششم، به دنبال ارائه رهیافت‌های نوینی در زمینه نگارش سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه است. روش تحلیل این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی و با تکیه بر الگوی تحلیل سیاست‌های کلی از منظر گونه‌های سیاستی، نظام اهداف و نظام راهبردهاست. نتایج بیانگر این است که الگوی سیاست‌نویسی توسعه به دلیل فقدان چهارچوب نگارشی استاندارد، دارای ناهمگونی ساختاری و محتوایی است و لازم است تا چهارچوب نگارشی مطلوب و کاربردی در این زمینه ارائه گردد. همچنین ارائه شش پیشنهاد در زمینه تدوین سیاست‌های کلی مبنای برنامه هفتم توسعه از جمله نتایج این تحقیق به شمار می‌رود.

کلیدواژگان: سیاست‌های کلی، برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری توسعه، برنامه هفتم توسعه

۱- دکترای اقتصاد، مربی گروه سیاست‌پژوهی اقتصاد و صنعت پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

۲- دکترای مدیریت، معاون سرمایه انسانی سازمان اداری و استخدامی کشور

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام از وظایف رهبری شمرده شده است. در تعریف، سیاست‌های کلی، مجموعه‌ای هماهنگ از جهت‌گیری‌ها، اهداف مرحله‌ای و راهبردی کلان نظام در دوره‌های زمانی مشخص است که برای تحقق آرمان‌ها و اهداف قانون اساسی وضع شده است. این سیاست‌ها که حتی‌الامکان باید شاخص‌پذیر و قابل نظارت باشد، برای کلیه ارکان نظام الزام‌آور بوده و ناظر بر همه قوانین از جمله برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه است و بایستی دارای ویژگی‌هایی چون پایداری، آینده‌نگری، واقعی بودن و فراگیری باشد. سیاست‌های کلی به جهت جایگاه کلیدی که در معماری نظام حکمرانی کشور دارد، نیازمند بررسی و مذاقه کارشناسی اهل فن است و صرفاً از رهگذر این امر است که می‌تواند به اتقان و استحکام رسیده و نقش راهبردی خود را در اداره کشور به دست آورد.

برنامه‌های توسعه به‌عنوان کلیدی‌ترین ابزار قانونی برای مدیریت و سازماندهی پیشرفت در کشور محسوب می‌گردد. این برنامه‌ها که سابقه و قدمتی در حدود ۷ دهه در ایران داشته، همواره در کانون توجه سیاست‌پژوهان و کارشناسان نظام حکمرانی قرار داشته و ارتقای کیفیت آن را به معنای تسهیل در دستیابی به پیشرفت می‌دانسته‌اند. از جمله مواردی که تحت شمول سیاست‌های کلی قرار داشته، برنامه‌های توسعه است که بایستی ذیل این سیاست‌ها به تدوین قانون و مواد حقوقی برسد. از این رو، نسبت وثیقی و محکمی بین کیفیت برنامه‌ریزی توسعه با سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه وجود داشته و فهم تحولات ایجاد شده در این امر و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری کلان توسعه امری ضروری و قابل توجه است. بر این اساس، پژوهش حاضر با توجه به در پیش بودن برنامه هفتم توسعه و لزوم ارائه پیشنهاداتی کاربردی برای ارتقای کیفیت سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه می‌کوشد تا از رهگذر ارائه مبنایی نظری برای فهم و تحلیل

سیاست‌های کلی به بررسی و تحلیل سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم تا ششم توسعه پرداخت. بر این اساس، پژوهش پیش رو در بخش اول به بررسی تعریف ارائه شده توسط دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه سیاست‌های کلی می‌پردازد و محوری‌ترین مفاهیم مندرج در آن را واکاوی می‌کند. در بخش دوم، روش تحلیل سیاست‌های کلی در سه بخش گونه‌شناسی، نظام اهداف و نظام راهبردها ارائه شده و در بخش سوم، نتایج به دست آمده از پیاده‌سازی الگوی تحلیل سیاست‌های کلی در دو محور تحلیل‌های برنامه‌ای و تحلیل‌های جامع ارائه می‌گردد. در نهایت در بخش چهارم پژوهش نیز باتوجه به نتایج به دست آمده در بخش قبل، پیشنهاداتی برای تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه ارائه می‌گردد.

۲- روش تحقیق

به منظور تحلیل و بازنویسی سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم توسعه از چهارچوب‌های مفهومی تحت عنوان «الگوی ساختاری - محتوایی تحلیل و نگارش سیاست‌های کلی» استفاده شده است. این چهارچوب مفهومی دارای هفت زیر الگوست که منطق اصلی در تحلیل بندها و کلیت بسته سیاستی را تبیین می‌نماید. یکی از الگوهای اصلی در این تحلیل، گونه‌شناسی محتوایی بندهای سیاستی است. چهارچوب مفهومی دیگر، الگوی نگارش یک بند سیاستی است.

۱-۳. گونه‌شناسی سیاست

در یک تقسیم‌بندی، سیاست‌ها یا خط‌مشی‌ها به سه نوع سیاست‌های فراگیر (ابرسیاست یا ابرخط‌مشی)، سیاست‌های هادی (راهنما) و سیاست‌های عمومی تقسیم می‌شود. سیاست فراگیر از دو حوزه دیگر کلی‌تر است و عموم حوزه‌های قانون‌گذاری را شامل می‌شود. همچنین ابرسیاست‌ها، جهت و چگونگی سیاست‌گذاری خط‌مشی‌های هادی را مشخص می‌نماید. خط‌مشی فراگیر یا ابرخط‌مشی، جنبه فراگیرتری نسبت به دیگر خط‌مشی‌ها داشته و از همه کلی‌تر است. خط‌مشی‌های فراگیر حاوی پیش‌فرض‌ها، معیارها، الگوها و رهنمودهایی است که خط‌مشی‌های عمومی باید از آن تبعیت کند. خط‌مشی فراگیر آئینه تمام‌نمایی از ایدئولوژی،

ارزش‌ها، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه خاص می‌باشند. سیاست‌های هادی با دیدی کلان نسبت به مسائل و مشکلات، چهارچوبی مفید را برای تهیه و تنظیم سیاست‌های عمومی کشور فراهم می‌سازد. سیاست‌های هادی معمولاً نقشه راه مشترک میان چند سازمان یا نهاد عمومی را تبیین می‌کند. در این نوع خط‌مشی، نحوه خط‌مشی‌گذاری از نظر امکانات فنی و تکنیکی و سایر عوامل موثر نیز بررسی و تشریح می‌شود. به کمک خط‌مشی‌های راهنما می‌توان شیوه‌های مناسب خط‌مشی‌گذاری را در وضعیت‌های مختلف شناسایی و از خطا و مخاطراتی که در سر راه خط‌مشی‌گذار وجود دارد خود را در امان داشت. سیاست‌های عمومی نیز بیانگر چگونگی عملیات و فعالیت‌های سازمان عمومی در راستای برطرف کردن مشکلات و مسائل جامعه است. (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸، ۹)



نمایه ۲: گونه‌شناسی سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

مبتنی بر این الگو، هر بند سیاستی ارائه شده را می‌توان به اعتبار محتوای ارائه شده در آن، در یکی از این سه دسته سیاست جای داد به گونه‌ای که اگر جنبه‌های ارزشی و ایدئولوژیک در متن بند سیاستی مورد توجه قرار گرفته باشد، می‌توان سیاست کلی را از نوع فراگیر، در صورتی که محتوای ارائه شده یک الگو و چهارچوب مفهومی را برای تحقق یک سری از مطلوب‌ها تصویر کرده باشد، سیاست راهنما و در صورتی که سیاست کلی حاوی مفاهیم عملیاتی و میدانی باشد، سیاست کلی را از نوع عمومی دانست.

به عنوان نمونه بند ۷۳ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۱ به عنوان یک سیاست فراگیر محسوب می‌گردد. در این بند مسئله اصلی سیاست‌گذار، اولویت‌دهی به نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی - ایرانی در ساختار نظام حکمرانی است به گونه‌ای که وجه تمایز این نظام از سایر نظام‌های سیاسی در جهان قابل تشخیص باشد. بند ۲ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۲ نمونه‌ای از سیاست‌های فراگیر است. در این بند توسعه فضای کسب‌وکار و تقویت ساختارهای رقابتی به عنوان یک الگوی کلان جهت فعالیت‌های اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفته است. بند ۵۸ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۳ به عنوان یک سیاست عمومی قابل معرفی است. در این بند سیاستی، چالش قاچاق کالا و ارز به عنوان مسئله‌ای در سطح عموم جامعه مورد توجه قرار گرفته و لزوم توجه به مبادی ورود قاچاق و محل عرضه آن توسط سیاست‌گذار تاکید شده است.

۲-۳. ساختار یک سیاست

در این چهارچوب مفهومی، سیاست‌های کلی بایستی بیانگر هدف و راهبرد مشخص و قابل استخراج باشد. هدف اصلی سیاست‌گذار از وضع سیاست، تحقق هدفی است که وقوع آن را مطلوب می‌داند لذا یک بند سیاستی بایستی از جزئی تحت عنوان هدف سیاستی برخوردار باشد تا مراد سیاست‌گذار را برای بهره‌برداران سیاست شفاف نماید. اما از آنجایی که هر نظام سیاسی برای تحقق اهداف خود، راهبردهایی را به عنوان مسیر تحقق اهداف مورد توجه قرار می‌دهد، سیاست‌گذار بایستی علاوه بر ذکر اهداف، راهبردهای تحقق آن را نیز در متن سیاست تصریح نماید تا بهره‌برداری از محتوای سیاست با حداقل تفسیر یا اعوجاج همراه باشد. بر این اساس، وجود جزئی تحت عنوان راهبرد نیز در متن گزاره سیاستی ضروری به نظر می‌رسد.

۱- توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی - ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

۲- بهبود مستمر فضای کسب‌وکار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.

۳- پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز از مبادی ورودی تا محل عرضه‌ی آن در بازار.



نمایه ۳: ساختار پیشنهادی نگارش یک سیاست کلی

بر اساس این الگوی تحلیلی، هر بند سیاستی بایستی دارای هدف و راهبرد باشد. وجود هدف، تمرکز اصلی نظام حکمرانی را بر نقطه‌ای مشخص تعیین کرده و وجود راهبرد، مسیر دستیابی به هدف را روشن خواهد نمود.

به عنوان نمونه بند ۷۶ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۱، سیاستی است که صرفاً اهداف و آرمان مطلوب سیاست‌گذار را روایت کرده و در زمینه مسیر و روش دستیابی به هدف، سخنی به میان نیاورده است. اما در بند ۶۰ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۲ در کنار اهداف توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری‌های نوین، راهبرد اولویت‌دهی به دیپلماسی اقتصادی به عنوان مسیری برای دستیابی به این دسته از اهداف توسط سیاست‌گذار تبیین شده است.

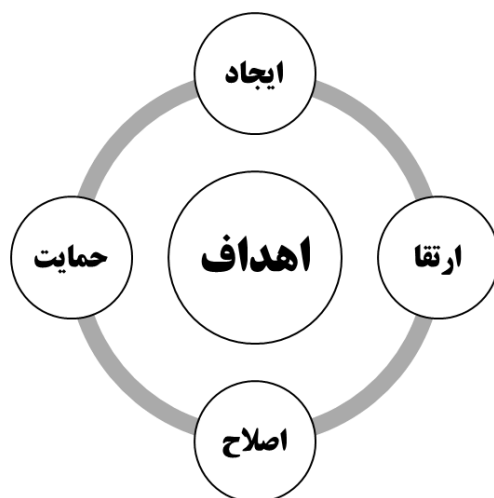
۳-۳. نظام اهداف سیاست

پس از تجزیه هر بند سیاستی به دو جز هدف و راهبرد، می‌توان با تجمیع اهداف به دست آمده از سیاست‌های کلی، به بررسی ویژگی‌ها و مختصات اهداف مدنظر سیاست‌گذار پرداخت. برای این امر، می‌توان اهداف سیاست‌های کلی را در چهار دسته ایجاد، حمایت، اصلاح و ارتقا جای داد. اهداف اصلاحی آن دسته از اهداف هستند که به دنبال بهبود برخی معایب در نظام حکمرانی موجود هستند و بدون ایجاد تحول بنیادین در آنها، می‌خواهند جنبه‌های معیوب آن را ترمیم کنند. اهداف ایجاد، اهدافی‌اند که به وجود آوردن پدیده‌ای

۱- افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزشی کشور.

۲- اولویت‌دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز.

را در دستور کار خود قرار داده و می‌خواهند عنصر جدیدی را در نظام حکمرانی خلق نمایند. اهداف حمایتی نیز اهدافی هستند که می‌خواهند یکی از جنبه‌های موجود در نظام حکمرانی را مورد پشتیبانی قرار داده و توجه به آن را در ذهن برنامه‌ریزان و مجریان پررنگ نمایند. بالاخره اهداف ارتقایی نیز آن دسته از اهداف هستند که ایجاد تحول و رشد در یکی از متغیرهای موجود نظام حکمرانی را دنبال می‌کنند.



نمایه ۴: ابعاد اصلی هدف‌گذاری در سیاست‌های کلی نظام

به عنوان نمونه بند ۱۴ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۱ دارای اهداف ارتقایی است به گونه‌ای که افزایش تولید، اشتغال، عدالت و کاهش شدت انرژی را به عنوان یک هدف سیاستی مدنظر قرار داده و می‌کوشد تا سطح این متغیرها را به میزان مطلوبی ارتقا دهد. نمونه‌ای از اهداف ایجاد در بند ۴۰ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۲ ارائه شده است. در این بند سیاستی، استقرار و ایجاد یک نظام تأمین اجتماعی چندلایه به عنوان یک عنصر نوین در نظام حکمرانی مورد توجه سیاست‌گذار قرار گرفته است. هدف

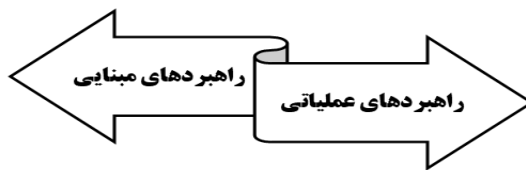
۱- تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۲- استقرار نظام جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد و چندلایه‌ی تأمین اجتماعی کشور.

ذکر شده در بند ۷۱ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۱ نمونه‌ای از اهداف حمایتی محسوب می‌گردد چرا که سیاست‌گذار تلاش کرده تا حمایت از تولیدکنندگان آثار فرهنگی و هنری را برجسته سازد. بند ۲ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۲ نمونه‌ای از سیاست‌ها با اهداف اصلاحی است. در این سیاست بهبود وضعیت در فضای کسب‌وکار و اعمال اصلاحات لازم در این زمینه مورد توجه سیاست‌گذار قرار گرفته است.

۳-۴. نظام راهبردهای سیاست

برای تحلیل راهبردهای سیاستی نیز از تفکیک راهبردهای مبنایی و عملیاتی استفاده شده است. راهبردهای مبنایی به آن دسته از مسیرهای رسیدن به هدف اطلاق می‌شود که مُجمل بوده و برای عملیاتی‌شدن و کاربست در میدان عمل، نیازمند تفصیل و تشریح بیشتر و استخراج دلالت‌های اجرایی هستند. این دسته از راهبردها بیانگر خطوط بسیار کلان تحقق اهداف بوده که نیازمند بسط بیشتر است و مجریان بایستی به اتکا آنان، راهبردهای خردتر و عملیاتی‌تر را استخراج نمایند. اما راهبردهای عملیاتی، راهبردهایی هستند که ناظر به یک یا چند راهکار شفاف و عینی بوده که به فضای اجرا و پیاده‌سازی بسیار نزدیک است. این راهبردها قربات بالایی با فضای اجرایی داشته و مفاهیم و جهت‌گیری‌های مندرج در آنها، به زبان سیاستمدار و فهم بدنه اجرایی بسیار نزدیک است.



نمایه ۵: انواع راهبردهای مندرج در سیاست‌های کلی نظام

ذکر این نکته ضروری است که راهبردهای مبنایی و عملیاتی دو سر یک طیف محسوب شده و هر راهبرد سیاستی به یکی از این دو سر نزدیک بوده اما الزاماً منطبق بر یک سر طیف نخواهد

۱- حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری مقوم اخلاق، فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی.

۲- بهبود مستمر فضای کسب‌وکار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.

بود. بر این اساس، در دسته‌بندی راهبردها با توجه به میزان غلبه هر کدام از این دو سر طیف، راهبرد سیاستی به دو بخش راهبرد عملیاتی یا مبنایی تفکیک شده است.

نمونه‌ای از سیاست‌های کلی با راهبرد اجرایی در بند ۵ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۱ ارائه شده است. در این بند گسترش و تعمیق نظام جامع تامین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و افزایش سهم موثر بازار سرمایه را به‌عنوان راهبردی برای دستیابی به هدف معرفی نموده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، راهبرد ارائه‌شده کاملاً حاوی مفاهیم عملیاتی بوده و به میدان عمل و پیاده‌سازی بسیار نزدیک است. اما در بند ۷۲ از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۲، یک راهبرد مبنایی معرفی شده است. در این بند و از منظر سیاست‌گذار، هدف توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی - ایرانی و مقابله با تهدیدات بایستی از طریق حضور موثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی صورت گیرد اما پیاده‌سازی این راهبرد نیازمند تفصیل بیشتر و ترجمه آن به زبان اجرایی است.

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل ساختاری - محتوایی سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در دو قسمت تحلیل‌های برنامه‌ای و تحلیل کلان ارائه می‌گردد. بدین منظور در هر بخش، ابتدا وضعیت گونه‌شناسی سیاست‌های کلی ارائه شده و سپس تحلیلی از نظام اهداف و نظام راهبردها ارائه می‌گردد.

۱- گسترش و تعمیق نظام جامع تامین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و افزایش سهم موثر بازار سرمایه در جهت توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور با تاکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی.

۲- حضور موثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به‌منظور توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی - ایرانی و مقابله با تهدیدات.

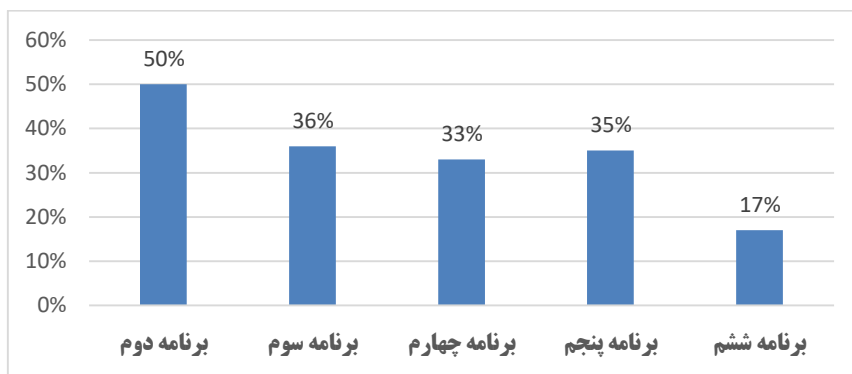
۴-۱. تحلیل کلان سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه

در جدول زیر، وضعیت توزیع سه گونه اصلی سیاست‌های کلی در هریک از برنامه‌های توسعه ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه عمده متمرکز بر سیاست‌های عمومی و راهنما بوده و سهم سیاست‌های فراگیر، به نسبت دو نوع سیاست دیگر کمتر است.

جدول ۱: تحلیل گونه‌های سیاستی در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه

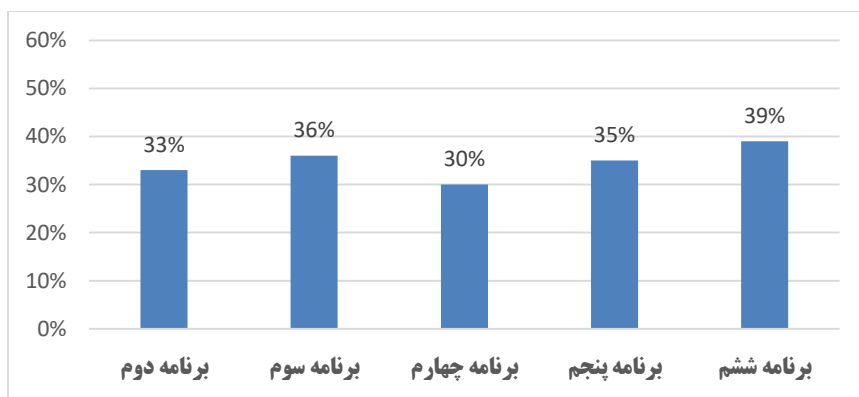
سیاست‌های عمومی	سیاست‌های راهنما	سیاست‌های فراگیر	امور
۲	۴	۶	برنامه توسعه دوم
٪۱۷	٪۳۳	٪۵۰	
۱۰	۱۳	۱۳	برنامه توسعه سوم
٪۲۸	٪۳۶	٪۳۶	
۱۹	۱۶	۱۷	برنامه توسعه چهارم
٪۳۷	٪۳۰	٪۳۳	
۱۳	۱۶	۱۶	برنامه توسعه پنجم
٪۳۰	٪۳۵	٪۳۵	
۳۵	۳۱	۱۴	برنامه توسعه ششم
٪۴۴	٪۳۹	٪۱۷	
۷۹	۸۰	۶۶	کل برنامه‌های توسعه
٪۳۵	٪۳۵	٪۳۰	

برای کسب بینشی عمیق‌تر از وضعیت سیاست‌گذاری کلان توسعه، بایستی به تغییرات سهم هریک از گونه‌های سیاستی در طول زمان توجه نمود تا بتوان روند تحولات موجود در این حوزه را ادراک کرد. بر این اساس در نمودارهای زیر، روند زمانی تغییر سهم هر یک از گونه‌های سیاستی در برنامه‌های دوم تا ششم ارائه شده است.



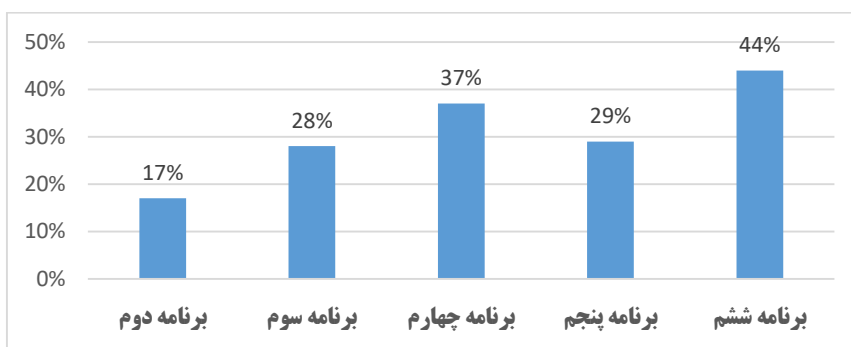
نمایه ۶: تحلیل روند سهم سیاست‌های فراگیر در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

همان‌طور که از نمودار فوق مشاهده می‌شود، سهم سیاست‌های فراگیر در طول زمان کاهش معنادار و قابل توجهی در برنامه‌های توسعه داشته است؛ به گونه‌ای که از سهم ۵۰ درصدی در برنامه دوم به سهمی در حدود ۱۷ درصد در برنامه ششم رسیده است. در نقطه مقابل، سهم سیاست‌های راهنما در طول برنامه‌های توسعه به میزان کوچکی افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که از سهم ۳۳ درصدی در برنامه دوم توسعه، به ۳۹ درصد در برنامه ششم رسیده است.



نمایه ۷: تحلیل روند سهم سیاست‌های راهنما در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

وضعیت تغییرات سهم سیاست‌های عمومی در طول برنامه توسعه در نمودار زیر ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم این نوع سیاست‌ها در طول زمان، افزایش قابل توجه داشته به گونه‌ای که از سهم ۱۷ درصدی در برنامه دوم، به سهمی در حدود ۴۴ درصد در برنامه ششم رسیده است.



نمایه ۸: تحلیل روند سهم سیاست‌های عمومی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

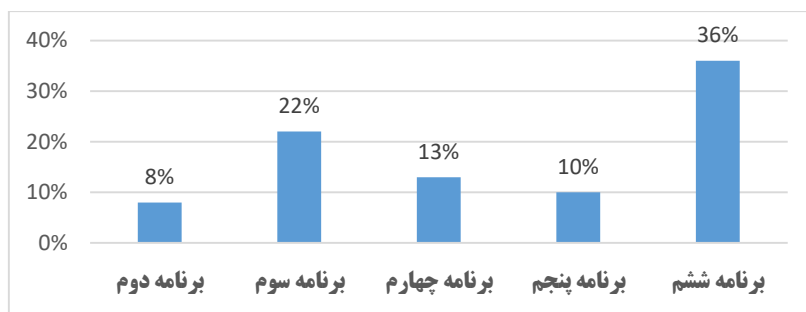
تحلیل روند سهم گونه‌های سیاستی در طول چهار دهه گذشته بیانگر آن است که سیاست‌گذار به این جمع‌بندی رسیده که بایستی سهم سیاست‌های عمومی را افزایش دهد و درعین حال به ذکر حداقل از سیاست‌های فراگیر اکتفا نماید. نکته بعدی این است که دیدگاه سیاست‌گذار در زمینه سهم سیاست‌های راهنما تغییر چندان محسوسی نکرده و به صورت متوسط، اختصاص سهمی در حدود ۳۵٪ را برای این دسته از سیاست‌ها مفید دانسته است. بر اساس شواهد و آمار ارائه‌شده در تحلیل روند گونه‌های سیاستی می‌توان ادعا نمود که سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه به‌مرورزمان از کلیات و جهت‌گیری‌های کلان به ارائه سیاست‌های کاربردی‌تر و عملیاتی‌تر تغییر ماهیت داده است.

در جدول زیر، توزیع هریک از اهداف چهارگانه مندرج در سیاست‌های کلی هر برنامه توسعه و وضعیت سهم هریک از این چهار هدف در کل سیاست‌های برنامه توسعه ارائه‌شده است. بر اساس جدول زیر، بیشترین سهم در اهداف سیاستی ناظر به اهداف ارتقایی و کمترین آن مربوط به اهداف اصلاحی است. همچنین سهم اهداف ایجادي نیز به‌عنوان اهداف درجه دوم مدنظر سیاست‌گذار توسعه بوده است.

جدول ۲: تحلیل نظام اهداف در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

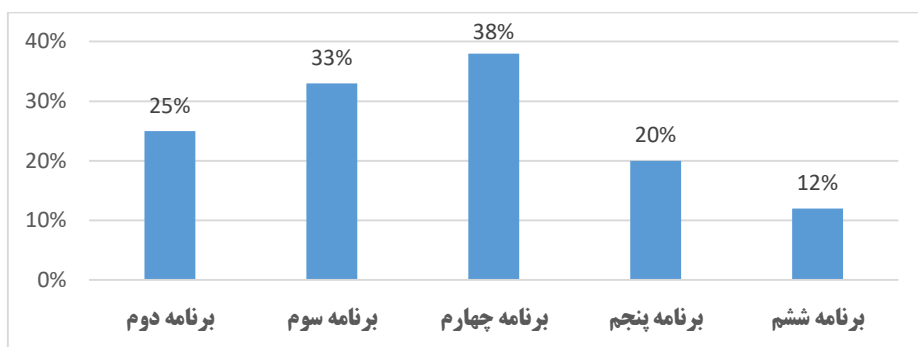
امور	ایجاد	حمایت	اصلاح	ارتقا
برنامه توسعه دوم	۱	۳	۵	۳
	٪۸	٪۲۵	٪۴۲	٪۲۵
برنامه توسعه سوم	۸	۱۲	۶	۱۰
	٪۲۲	٪۳۳	٪۱۷	٪۲۸
برنامه توسعه چهارم	۷	۲۰	۱۰	۱۵
	٪۱۳	٪۳۸	٪۲۰	٪۲۹
برنامه توسعه پنجم	۴	۹	۱۳	۱۹
	٪۱۰	٪۲۰	٪۲۸	٪۴۲
برنامه توسعه ششم	۲۹	۱۰	۶	۳۵
	٪۳۶	٪۱۲	٪۱۰	٪۴۲
کل برنامه‌های توسعه	۴۹	۵۴	۴۰	۸۲
	٪۲۱	٪۲۴	٪۱۸	٪۳۷

برای درک روند تغییرات حاصل شده در هدف‌گذاری‌های توسعه، نمودارهای زیر که نشان‌دهنده سهم هرگونه از اهداف در کل بسته‌های سیاستی در طول زمان است، ارائه می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم اهداف ایجادی در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در طول زمان روند نوسانی را تجربه کرده است؛ به‌گونه‌ای که از سهم زیر ۱۰٪ در برنامه دوم توسعه به ۲۲٪ در برنامه سوم رسیده، اما طی برنامه‌های چهارم و پنجم مجدداً کاهش داشته و نهایتاً در برنامه ششم توسعه به حدود ۳۶٪ رسیده است.



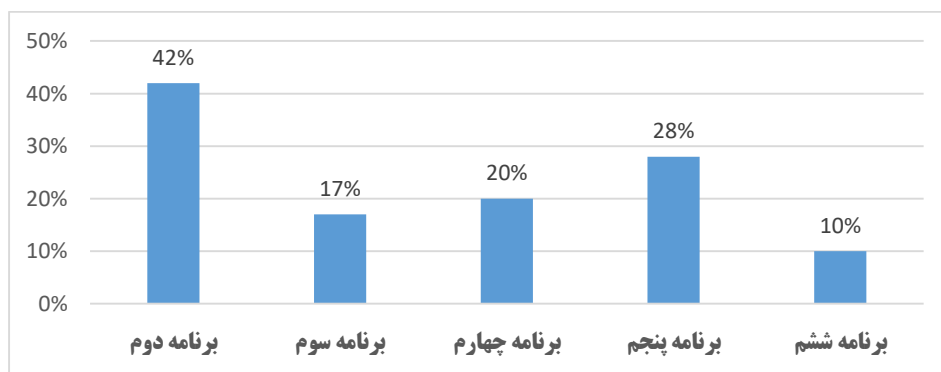
نمایه ۹: تحلیل روند سهم اهداف ایجادی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

در نقطه مقابل، سهم اهداف حمایتی در برنامه‌های توسعه در ابتدا افزایش، اما در نهایت کاهش را تجربه کرده است؛ به گونه‌ای که سهم اهداف حمایتی از برنامه دوم تا چهارم، وضعیتی روبه‌رشد را تجربه کرده، اما در برنامه پنجم و ششم، روند سهم اهداف حمایتی در سیاست‌های مبنای برنامه‌های توسعه نزولی بوده است.



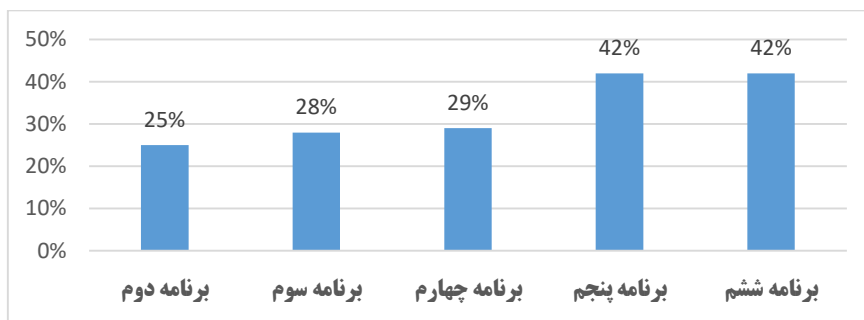
نمایه ۱۰: تحلیل روند سهم اهداف حمایتی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

از طرف دیگر، روند اهداف اصلاحی تقریباً مسیر مشخصی را طی کرده و از سهم ۴۲ درصدی در برنامه دوم به سهمی حدود ۱۰ درصد در برنامه ششم رسیده است. تحلیل روند اهداف اصلاحی نشان می‌دهد که سیاست‌گذار در زمینه کاهش رویکرد اصلاحی در سیاست‌گذاری به جمع‌بندی رسیده و سهم این نوع اهداف را به مرور کاهش داده است.



نمایه ۱۱: تحلیل روند سهم اهداف اصلاحی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

با توجه به نمودار زیر، سهم اهداف ارتقایی در طول برنامه‌های توسعه دارای روند صعودی بوده است؛ به گونه‌ای که از ۲۵ درصد در برنامه دوم توسعه، به ۴۲ درصد در برنامه ششم رسیده است؛ لذا به نظر می‌رسد که جمع‌بندی سیاست‌گذار توسعه به مرور زمان و با توجه به تغییرات تکنولوژیکی ایجاد شده بر افزایش سهم سیاست‌های ارتقایی در برنامه‌های توسعه بوده است.



نمایه ۱۲: تحلیل روند سهم اهداف ارتقایی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

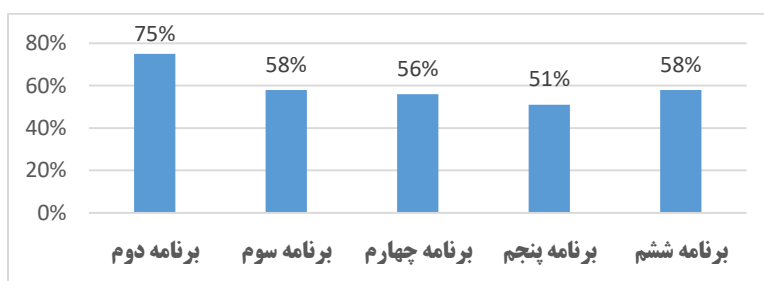
در جمع‌بندی تحلیل روند تغییرات اهداف سیاستی در برنامه‌های توسعه می‌توان گفت که سیاست‌گذار توسعه در زمینه اهداف ایجاد به جمع‌بندی روشنی نرسیده و در برنامه‌های مختلف و احتمالاً بنا به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه در آن مقطع و به اقتضای وضعیت زمان و مکان، ایجاد ابعاد جدید در نظام حکمرانی را مورد توجه قرار داده است. از طرف دیگر، اهداف حمایتی نیز تقریباً مشمول همین اقتضائات سیاسی و اجتماعی شده و در برنامه‌های دوم تا چهارم و بنا به شرایط ایجاد شده افزایش یافته؛ اما در برنامه پنجم و ششم، کاهش محسوسی را تجربه نموده است. در نقطه مقابل، روند سهم اهداف اصلاحی و ارتقایی در طول چهار دهه گذشته علی‌رغم تفاوت در جهت حرکت، در مسیر قابل رصدی حرکت کرده است؛ به گونه‌ای که اصلاح، به عنوان یک رویکرد سیاست‌گذاری در طول برنامه‌های توسعه روندی نزولی و ارتقا به عنوان یک رویکرد تحولی، روندی صعودی را تجربه کرده است. این امر بیانگر این مهم است که از دیدگاه سیاست‌گذار، ریل‌گذاری‌های صورت گرفته در طول زمان برای ایجاد نهادها و رویه‌های توسعه‌آفرین موفق بوده و اعمال اصلاحات در آن‌ها حداقلی است؛ اما این نهادها و رویه‌های خلق شده نیازمند این هستند که بنا به اقتضائات و شرایط روز، ارتقا یافته و نسخه‌های جدیدتر و به‌روزتر آن در کشور پیاده‌سازی شود.

در جدول زیر، سهم راهبردهای اجرایی و مبنایی در هریک از سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه کشور ارائه شده است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سهم راهبردهای مبنایی بیشتر از راهبردهای اجرایی است و در واقع سیاست‌گذار تمایل بیشتری به بیان مسیرهای کلی و اجمالی برای راهبرد توسعه داشته است، اما نکته مهم جدول زیر این است که بیش از نیمی از سیاست‌های مبنایی برنامه‌های توسعه فاقد راهبرد تصریحی است. در تحلیل این امر می‌توان دو سناریو را مدنظر قرار داد؛ در سناریوی اول، سیاست‌گذار برای آزادی عمل برنامه‌نویس توسعه، ضرورتی به ذکر راهبرد در متن سیاست ندیده و صرفاً به صورت اقتضایی و در برخی موارد به ذکر راهبردهای مبنایی و اجرایی اکتفا کرده است. در سناریوی دوم، فقدان راهبردهای تصریحی در متن سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه، بیانگر عدم جمع‌بندی سیاست‌گذار از نحوه دستیابی به اهداف و فقدان چهارچوب تحلیلی لازم برای ارائه راهبردهای کارآمد است. در این صورت، سهم بالای سیاست‌های کلی فاقد راهبرد تصریحی به عنوان نقطه ضعفی در سیاست نویسی محسوب می‌گردد. باتوجه به این نکته که سیاست‌های کلی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند (رضائی، ۱۳۹۵، ۲۴) می‌توان نتیجه گرفت که وجود دو جز هدف و راهبرد ضروری است. هدف جزئی از سیاست است که آرمان و مطلوب مدنظر سیاست‌گذار را مشخص کرده و راهبرد نیز حاوی اصولی است که می‌تواند کیفیت دستیابی به اهداف را به زبان مفاهیم اجرایی تبیین کند. از این منظر، وجود سهم بالای سیاست‌های فاقد راهبرد می‌تواند ضعفی اساسی در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه باشد و به کارکرد جهت‌دهی سیاست‌های کلی و جایگاه کلیدی آن در راهبردی برنامه‌های توسعه، ضربه بزند.

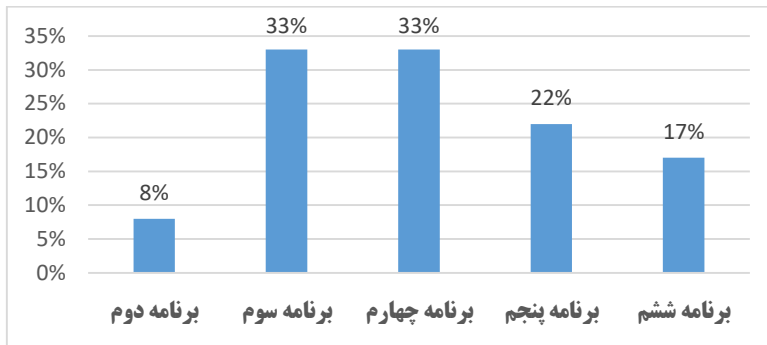
جدول ۳: تحلیل نظام راهبردها در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه

امور	اجرایی	مبنایی	بدون راهبرد
برنامه توسعه دوم	۲	۱	۹
	%۱۷	%۸	%۷۵
برنامه توسعه سوم	۳	۱۲	۲۱
	%۹	%۳۳	%۵۸
برنامه توسعه چهارم	۶	۱۷	۲۹
	%۱۱	%۳۳	%۵۶
برنامه توسعه پنجم	۱۲	۱۰	۲۳
	%۲۷	%۲۲	%۵۱
برنامه توسعه ششم	۲۰	۱۳	۴۷
	%۲۵	%۱۷	%۵۸
کل برنامه‌های توسعه	۴۳	۵۳	۱۲۹
	%۱۹	%۲۴	%۵۷

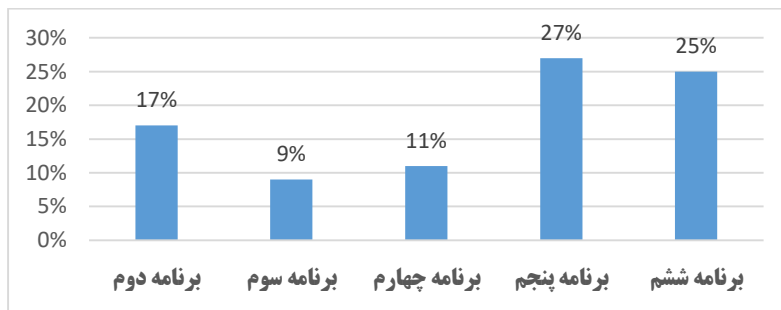
در نمودارهای زیر، سهم هریک از وضعیت‌های سه‌گانه در راهبردهای سیاست‌گذاری توسعه در طول چهار دهه گذشته ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم سیاست‌های فاقد راهبردهای تصریحی در طول برنامه‌های توسعه، دارای روندی نزولی است؛ به گونه‌ای که از سهمی در حدود ۷۵ درصد در برنامه دوم، به ۵۸ درصد در برنامه ششم رسیده است.



نمایه ۱۳: تحلیل روند سهم سیاست‌های فاقد راهبرد در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه
وضعیت روند سهم راهبردهای مبنایی در طول زمان، نشانگر آن است که سیاست‌گذار در یک مقطع، افزایش قابل توجهی در حدود چهار برابر را در این نوع راهبردها اعمال کرده، اما از برنامه پنجم به بعد، روند نزولی را برای این دسته از سیاست‌های کلی در پیش گرفته است.



نمایه ۱۴: تحلیل روند سهم راهبردهای مبنایی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه در نقطه مقابل، سهم سیاست‌های دارای راهبردهای اجرایی، علی‌رغم یک افت اولیه، روندی با رشد ملایم را تجربه کرده و از حدود ۱۷ درصد در برنامه دوم توسعه به حدود ۲۵ درصد در برنامه ششم رسیده است.



نمایه ۱۵: تحلیل روند سهم راهبردهای اجرایی در سیاست‌های کلی مبنای برنامه‌های توسعه در جمع‌بندی این بخش بایستی اشاره کرد که از آن‌جا که سهم سیاست‌های فاقد راهبرد تصریحی در طول برنامه‌های توسعه دارای روندی نزولی است، می‌توان استنباط نمود که سیاست‌گذار توسعه به این جمع‌بندی رسیده که برای هدایت و راهبری کارآمدتر توسعه در کشور نیازمند این است که علاوه بر ذکر اهداف، به بیان راهبردهای تحقق اهداف در متن سیاست‌های کلی مبنای برنامه نیز بپردازد، اما در فرایند اعمال این جهت‌گیری در سیاست‌نویسی، ابتدا به دنبال این بوده تا راهبردها را صرفاً در سطح مبنایی بیان کند و از ارائه راهبردهای تفصیلی پرهیز نماید. این امر از افزایش قابل توجه سهم راهبردهای مبنایی در برنامه‌های سوم و چهارم و سهم کمتر این

دست راهبردها در این دو برنامه قابل استنباط است. اما تغییرات سهم راهبردهای مبنایی و اجرایی در برنامه‌های پنجم و ششم نشان می‌دهد که ظاهراً خواسته‌های سیاست‌گذار توسعه با این رویکرد نیز محقق نشده و راهبری برنامه‌های توسعه با توسل به راهبردهای مبنایی، غرض و مقصود سیاست‌گذار را فراهم نکرده است. از این‌رو سهم سیاست‌های دارای راهبرد اجرایی در طول برنامه پنجم و ششم توسعه افزایش محسوس یافته و از متوسط سهم ۱۰ درصد در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به متوسط ۲۶ درصد در برنامه‌های پنجم و ششم رسیده است.

۵- جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در کشور، پیشنهاداتی برای ارتقای سیاست نویسی توسعه جهت تدوین دقیق‌تر و کامل‌تر سیاست‌های کلی مبنای برنامه هفتم توسعه ارائه می‌شود.

۵-۱. ابتدای سیاست‌ها بر مسائل به‌جای امورات

از جمله نکات پُر ابهام در نگارش سیاست‌های کلی مبنای برنامه ششم توسعه، ابتناء کلیت سیاست‌ها بر امور توسعه است. هرچند تبیین و تعریف دقیقی از امور و حدود مرزهای آن در هریک از بسته‌های سیاستی تا کنون صورت نگرفته است، اما به نظر می‌رسد که تدوین سیاست‌های کلی در قالب امور هشت‌گانه می‌تواند چالش‌های نظری و عملی قابل‌توجهی را ایجاد کند.

به نظر می‌رسد هم به جهت شکست‌خوردن تجربه برنامه‌ریزی‌های جامع در نظام‌های برنامه‌ریزی توسعه در جهان و هم به دلیل نقدهای وارده بر الگوی سیاست‌نویسی مبتنی بر امور، سیاست‌نویسی توسعه برای برنامه هفتم باید یک انتقال پارادایمی را تجربه کرده و به سمت سیاست‌نویسی مبتنی بر مسئله حرکت کند.

منابع

۱. کمیسیون مشترک دفتر مقام معظم رهبری و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت، مجموعه سیاست‌های کلی نظام تا پایان سال ۱۳۹۹، انتشارات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
۲. خانمحمدی، هادی و اصلی پور، حسین (۱۳۹۶)، طراحی شبکه مضمون‌های سیاست‌های کلی نظام خانواده مبتنی بر شیوه الگوسازی ساختاری تفسیری، فصلنامه زنان و خانواده، سال ۱۲، شماره ۳۹، صص ۱۴۰-۱۰۷.
۳. جولایی، حسن و زارعی، نوشین و کشتکار، وحید (۱۳۹۷)، مروری بر مفاهیم سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری، نشریه فرهنگستان علوم پزشکی، سال ۲، شماره ۱، صص ۴۸-۲۸.
۴. بابایی، سحر و توکلی، غلامرضا (۲۳۹۶)، احصا عقلانیت‌های پایه در فرایند سیاست‌گذاری عمومی، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۸۲-۶۳.
۵. یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۶)، شناخت فرایند سیاست‌گذاری عمومی؛ نگاهی کلی به مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌ها، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۰۱-۱۸۹.
۶. گرجی پور، اسماعیل (۱۳۹۵)، اسناد سیاستی نظام تأمین اجتماعی چندلایه کشور، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.

آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی

اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران
مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

چکیده

در این گزارش، به آسیب‌شناسی عملکرد شش برنامه توسعه بعد از انقلاب پرداخته شده است. بازخوانی تجربه‌های گذشته، گویای این واقعیت است که فرآیند برنامه‌ریزی: «طراحی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت» از شایستگی و توانایی کافی برای ایجاد پیشرفت و توسعه پایدار برخوردار نیست. عدم توجه به درخواست‌ها و نقطه نظرات تمامی ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی، تمرکزگرایی بالا در برنامه‌ها، بی‌توجهی به توازن منطقه‌ای، تلاش برای هدف‌گذاری در همه بخش‌ها (عدم اولویت‌بندی)، بر نارسایی‌های برنامه‌ها در تحقق اهداف پیش‌بینی شده افزوده است، به نحوی که بعضی منتقدان حتی از تداوم برنامه‌ریزی، به مثابه آیین تکراری سخن می‌گویند. به این معنا که برنامه‌ریزی بدون این که تناسبی با مشکلات و مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن داشته باشد، در طول این سال‌ها صرفاً در حد یک مسئولیت‌اداری تنزل یافته و ادامه یافته است و در عمل به فرصت‌سوزی و دور شدن از مسیر توسعه دامن زده است.

کلیدواژگان: آسیب‌شناسی، مدیریت تحول، برنامه هفتم

مقدمه

با عنایت به آن که هم‌اکنون در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه قرار دادیم و با توجه به این که تدوین یک برنامه مسئله‌محور، واقع‌بینانه و اولویت‌محور نیازمند وفاق ملی و اجماع نخبگان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بر سر مفهوم، نقش و اهمیت برنامه در حل و فصل مسائل و مشکلات پیشرو است، ضرورت دارد رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور مورد کنکاش و بررسی تحلیل و انتقادی قرار گیرد و آسیب‌شناسی شود تا بر اساس درس‌های حاصل شده، سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه به عنوان نقشه راه تدوین لایحه و احکام برنامه به‌گونه‌ای تدوین و تعیین گردد که با ایجاد تحولات اساسی در ساختارها و سازوکارهای تدوین و اجرای برنامه، بستر ساز تحقق اهداف مهمی نظیر جهش‌آفرینی در تولید، بهبود چشمگیر در وضعیت رفاه و معیشت خانوارها و ثبات بخشی به اقتصاد کشور گردد و از این گذر الزامات پایه‌ای نیل به توسعه فراهم آید.

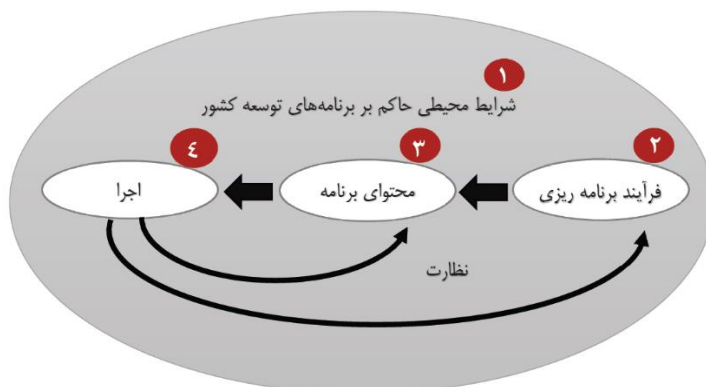
بر این اساس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، به عنوان بازوی مشورتی بخش خصوصی با همکاری کمیسیون‌های تخصصی، در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه، تلاش دارد با نگاهی به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی، به نظام برنامه‌ریزی پیشنهاد دهد. امید می‌رود این گزارش گامی هرچند کوچک اما موثر در راستای بهبود مسیر توسعه اقتصادی و تحقق آرمان‌های در نظر گرفته شده در برنامه هفتم توسعه باشد.

آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه کشور

به منظور این که آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه محدود به یک یا چند حوزه نگردد و با نگاهی همه‌جانبه به اهم موانع پیشروی برنامه‌های توسعه پرداخته شود، در ادامه سعی شده است با ترکیب و نظم‌دهی مجموعه پژوهش‌های انجام شده در زمینه آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه، در قالب مدل ارائه شده در شکل (۱)، اهم چالش‌ها و موانع پیش‌روی تحقق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه کشور، در چهار سطح به شرح زیر ارائه شده

است^۱: الف) ایرادات مربوط به شرایط محیطی حاکم بر برنامه‌های توسعه کشور (مرحله ماقبل برنامه‌ریزی)
ب) ایرادات مربوط به فرایند برنامه‌ریزی ج) ایرادات مربوط به محتوای برنامه ایرادات مربوط به اجرای برنامه.

شکل ۱- مدل آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه کشور



الف- ایرادات مربوط به شرایط محیطی حاکم بر برنامه‌ها

۱- فقدان فهم مشترک در سطح مفاهیم توسعه

با وجود این که یکی از ملزومات اساسی در ابتدای حرکت به سمت توسعه، تعریف مفهوم یا ارائه الگوی مشترکی از توسعه و اتفاق نظر صاحب نظران و متخصصان در خصوص آن است، اما این موضوع تاکنون در برنامه‌های توسعه کشور به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته و در هیچ از یک برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، تعریف روشنی از مفاهیم «توسعه» و «برنامه‌ریزی توسعه»، ابعاد و ویژگی‌های آنها ارائه نشده است. به عنوان مثال در دهه اخیر مفهوم برنامه‌ریزی را به مثابه تخصیص بودجه پنج‌ساله و رقابت بخش‌ها برای اخذ منابع بیشتر در نظر گرفته‌اند که پیرو این امر، از یک‌سو برنامه به صورت انبوهی از ارقام و اعداد درآمده و از سوی دیگر حفظ سازگاری بین اجزا و انبوه اطلاعات، بسیار دشوار و حتی غیرممکن بوده است.

۱- شایان ذکر است که بخش آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه، از پژوهش‌های انجام شده توسط مردوخ‌ی (۱۳۹۷)، رجب‌پور (۱۳۹۸)، برمکی (۱۳۹۳)، تهرانی (۱۳۹۳) و شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (۱۳۸۸)، زالی (۱۳۹۱)، سجادی و متقی (۱۳۹۳) و مکنون، سلیمی و بهرامی (۱۳۹۷)، اقتباس شده است.

۲- عدم وجود آمار و اطلاعات به‌هنگام و در دسترس

تدوین یک برنامه مطلوب، مستلزم شناخت و آگاهی کافی نسبت به وضع و شرایط موجود است که این مهم از طریق بررسی آمار و ارقام حاصل می‌گردد. این در حالی است که موضوع بااهمیت وجود اطلاعات جامع و قابل‌اعتماد در نظام برنامه‌ریزی کشور مغفول مانده و کشور ایران علاوه بر فقدان اطلاعات و آمارهای دقیق و به‌هنگام، گاهی با اطلاعات و آمارهای متناقض مواجه است که برخی از مصادیق آن به شرح ذیل است:

✓ گزارش رسمی عملکرد اقتصادی دولت در سال‌های برنامه‌های توسعه از یک سو به دلیل ناقص بودن و از سوی دیگر به دلیل انتشار با بیش از یک سال تاخیر، نمی‌تواند مبنای برنامه‌ریزی قرار گیرد (به عنوان مثال گزارش عملکرد اقتصادی سال ۱۳۸۴ که در سال ۱۳۸۶ منتشر شد).

✓ آمارهای منتشر شده توسط دو مرجع آمار رسمی کشور (بانک مرکزی و مرکز آمار ایران) دارای تعارض و بعضاً تناقض هستند (به عنوان مثال بر اساس آمار بانک مرکزی، ارزش افزوده بخش صنعت از ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۷ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته، اما مطابق آمار مرکز آمار ایران، متغیر مذکور از ۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به کمتر از ۷ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است).

۳- ساختار سیاسی و اجتماعی کشور

جهت‌گیری‌ها و رهنمودهای سیاسی معمولاً بر سیاست‌ها، ابزارها و راهکارهای عقلانی برنامه‌های توسعه حاکم هستند و اتفاقات خارج از برنامه به شدت برنامه‌های توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. از همین رو آن چه در بسیاری از برنامه‌ها از جمله برنامه اول، سوم و پنجم عمرانی (پیش از انقلاب) و اول، دوم و سوم توسعه (بعد از انقلاب) در عمل اتفاق افتاده، یا در برنامه‌ها پیش‌بینی نشده و یا با اهداف در نظر گرفته شده در برنامه‌ها هم‌خوانی نداشته است. به عنوان مثالی در این زمینه در دستور کار قرار گرفتن برخی برنامه‌های هم‌بعد با برنامه‌های توسعه نظیر طرح تعدیل ساختاری در دولت آقای هاشمی، طرح ساماندهی اقتصادی در دولت آقای خاتمی و طرح تحول اقتصادی در دولت آقای احمدی‌نژاد خارج از چهارچوب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، به دلیل ملاحظات سیاسی اشاره کرد که در عمل موجب شده، بخش مهمی از توان بدنه کارشناسی دولت صرف تهیه طرح‌ها و برنامه‌های جانبی شود و در عمل فرایند اجرای برنامه‌های پنج‌ساله در حاشیه قرار گیرند.

۴- ناهماهنگی های قانونی در خصوص برنامه ریزی

مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر برنامه ریزی توسعه در ایران فاقد انطباق و انسجام لازم است که گاه با هم پوشانی، تناقض و گاه با خلأهای قانونی روبرو است. از جمله کاستی های قانونی برنامه ریزی توسعه در کشور عبارت اند از:

- ✓ مشخص نبودن محدوده عمل قانونی مجلس شورای اسلامی در مورد تغییر لوایح برنامه های توسعه (در مواردی تغییرات اعمال شده توسط مجلس فراتر از تغییرات جزئی بوده و درواقع نوعی دخالت در وظایف قوه مجریه محسوب می شود)
- ✓ نامشخص بودن سازوکار قانونی جلب مشارکت بخش ها و مناطق در تدوین برنامه های توسعه
- ✓ فقدان سازوکار قانونی برای نحوه تعامل کارشناسان نظام برنامه ریزی با سیاست گذاران در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی در مسیر تدوین سیاست های کلی و لوایح برنامه های توسعه
- ✓ وجود نارسایی های جدی در ترکیب اعضا و شرح وظایف شورای اقتصاد به عنوان نهاد عالی نظام برنامه ریزی و نهاد ناظر بر فرایند اجرای برنامه های توسعه

ب- ایرادات مربوط به فرایند برنامه ریزی

فرایند تدوین و تنظیم برنامه های توسعه همان طور که در شکل شماره (۲) ملاحظه می شود، فرایند به خصوصی را برای تدوین و تکمیل طی می کند. در کشور ایران سیاست های کلی برنامه های توسعه از سوی مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و به دولت به عنوان مجری برنامه های توسعه ابلاغ می شود. از سوی دیگر وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی نیز نیازها، برنامه ها و پیشنهاد های خود را برای یک دوره پنج ساله تدوین کرده و به منظور تلفیق به سازمان مدیریت و برنامه ریزی ارسال می کنند. این نهاد نیز پس از تلفیق، آن را برای تصویب نهایی در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می دهد. البته در مجلس شورای اسلامی نیز بخش های مختلف برنامه ابتدا در کمیسیون های تخصصی و سپس در کمیسیون تلفیق مورد بررسی و بازبینی قرار می گیرد.

شکل ۲- فرایندهای تدوین و تنظیم برنامه‌های توسعه



این فرایند که طی چرخه عظیمی شامل مجمع تشخیص مصلحت، دولت و مجلس انجام می‌شود، دارای ضروریاتی می‌باشد که عدم رعایت آنها سبب بروز برخی از مشکلات خواهد شد. در ادامه به بررسی این آسیب‌ها پرداخته شده است.

۱. تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی و به مشارکت نگرفتن تمامی ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی

علی‌رغم تلاش‌ها و تاکیدات بسیار بر ضرورت امر تمرکززدایی، نظام برنامه‌ریزی در کشور با درجه بسیار بالایی از تمرکز تعریف شده و همواره شاهد هستیم که تمرکزگرایی در برنامه‌های توسعه کشور از مناطق به مراکز و بخش‌ها، از بخش‌ها به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و از این سازمان به مقامات عالی سیاسی گرایش دارد و نظام سیاسی و قانونی و نحوه تامین مالی برنامه‌ها نیز به طور جدی این تمرکز را پشتیبانی می‌کنند.

استمرار شیوه متمرکز برنامه‌ریزی توسعه در سطح ملی و کلان، بدون مشارکت و مسئولیت استان‌ها در تهیه و تنظیم و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه یا حتی بدون توجه به اولویت‌های اقتصادی - اجتماعی ۳۱ استان کشور از چالش‌های اساسی مربوط به فرایند برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. با توجه به این که بازیگران مختلفی در عرصه اقتصاد کشور به ایفای نقش می‌پردازند و برنامه‌های توسعه بر عملکرد هر یک موثر است، لذا لازمه اجرای موفق برنامه‌ها، وجود توافقی کلی میان بازیگران مختلف (بخش خصوصی، دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌های استانی، صاحب‌نظران و نخبگان دانشگاهی و

نمایندگان جریان‌های فکری) در عرصه اقتصاد کشور بر سر اولویت‌ها و احکام برنامه‌ها است. این در حالی است که این امر مهم در کشور تحقق نیافته؛ به نحوی که همواره یکی از گله‌های بخش خصوصی و تشکلهای صنفی بی‌توجهی به نقش نهادی، مدنی و سیاسی بخش خصوصی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق تعاون و اتاق اصناف) عموم مردم در طراحی، اجرا، نظارت، ارزشیابی و تامین مالی برنامه‌ها بوده است و دستگاه‌های اجرایی نیز به دلیل دخیل نبودن در روند برنامه‌ریزی، یا انگیزه‌ای برای اجرا ندارند یا اصولاً درک درست و صحیحی از برنامه‌ها به دست نمی‌آورند.

۲. مداخله قانونی دیدگاه‌های غیرکارشناسی

فرایند تدوین برنامه‌های توسعه دچار خلأهایی است که عملاً امکان ورود نظرات غیرکارشناسی را در برنامه‌ها ایجاد می‌کند. در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ✓ گاه به هنگام بررسی قانون برنامه‌های پنج‌ساله در مجلس، پیشنهاد یک نماینده با در نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای و نه ملی، سبب اضافه یا تعدیل شدن یک ماده قانونی می‌شود.
- ✓ بارزترین نمونه این مداخلات غیر کارشناسانه، تغییراتی که بر جداول کمی برنامه در مجلس، به شیوه رأی‌گیری اعمال می‌شود؛ حال آن که این اعداد و ارقام انتخابی نبوده و حاصل محاسبات انجام‌شده به کمک روش‌های اقتصادسنجی و بر اساس شرایط موجود و امکانات در دسترس می‌باشند.

۳. ملاحظات مرتبط با زمانبندی فرایند برنامه‌ریزی

به دلایل مختلف تدوین برنامه در کشور با محدودیت‌ها و ملاحظات زمانی مواجه است، برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

- ✓ ملاحظات ناشی از تغییر دولت یا مجلس، یکی از دلایل تسریع در تدوین برنامه‌های توسعه می‌باشد که پیرو این امر، دولت و مجلس تمایل دارند در مدت تصدی، برنامه میان‌مدتی را با بر اساس نظرات و منویات خود، تدوین و به مرحله اجرا درآورند. از مثال‌های بارز این امر می‌توان به تدوین برنامه چهارم توسعه در مجلس ششم و نهایی کردن آن توسط مجلس هفتم اشاره نمود.

✓ بسیاری از سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه از منظر زمانی در قالب مواد و احکام برنامه قابلیت پیگیری و اجرا را ندارند. به عبارت دیگر برخی سیاست‌های کلی برنامه در ظرف زمانی پنج‌ساله قابل تحقق و اجرا نیستند.

۴. عدم رعایت تقدم و تأخر زمانی در فرایند تدوین برنامه

علی‌رغم اینکه در قدم اول باید خطوط کلی و خط‌مشی‌های اساسی برنامه مشخص و سپس احکام برنامه در راستای تحقق آنها تدوین گردد، اما تدوین سیاست‌های کلی در مجمع تشخیص مصلحت و محتوای (احکام) برنامه در دولت، هم‌زمان با هم جلو رفته و فرصت مناسب برای اطلاع از محتوای برنامه و تطبیق آن با سیاست‌های کلی وجود ندارد که این امر نتیجه‌ای جز عدم همسویی احکام برنامه با سیاست‌های کلی ندارد. همچنین معمولاً زمان ارائه لایحه برنامه به مجلس نیز به گونه‌ای است که فرصت کافی برای بررسی و اصلاح لایحه وجود ندارد و حتی گاه دولت‌ها از این محدودیت استفاده کرده و با ارائه دیرهنگام برنامه به مجلس، این فرصت را محدودتر می‌نمایند.

۵. نگاه بودجه‌ای به برنامه در دستگاه‌ها و بخش‌ها

میان بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های توسعه کشور هماهنگی وجود ندارد، اهداف، راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ها تحت الشعاع تخصیص منابع و تصمیمات موقت و بودجه‌ای قرار گرفته و ادبیات، ابزارها و شیوه‌های بودجه‌ریزی بر نظام برنامه‌ریزی حاکم و مسلط شده است. همچنین به دلیل حاکم بودن نگاه بودجه‌ای به برنامه، اجرای برنامه در دستگاه‌ها، عمدتاً به صرف هزینه تعبیر می‌شود و از همین رو در گزارش عملکرد برنامه‌ها نیز بدون اشاره به میزان دستیابی به اهداف، از اختصاص پول (اعتبارات هزینه‌شده) گزارش داده می‌شود. لازم به ذکر است که به دلیل سایه انداختن بودجه بر برنامه و تابعیت برنامه از بودجه در عمل، جایگاه برنامه توسعه در کشور به تعدادی طرح عمرانی تقلیل یافته است.

۶. نگاه دوره‌ای و عدم استمرار برنامه‌ریزی

فرایند برنامه‌ریزی به صورت دوره‌ای و در قالب کمیته‌هایی هر پنج سال یک‌بار انجام می‌گیرد و پس از تصویب برنامه، این لایحه به طور کامل به دلیل فصلی بودن گسسته شده و تجربیات آن در اختیار دستگاه اجرایی قرار نمی‌گیرد؛ لذا برای اینکه برنامه‌ریزی از حالت فصلی خارج شود و به یک امر مستمر و دائمی تبدیل گردد، وجود کمیته‌هایی جهت نظارت دائمی و اصلاح برنامه ضرورتی انکارناپذیر است.

۷. فقدان راهبردهای بلندمدت برای نظام برنامه‌ریزی کشور

علی‌رغم سابقه طولانی امر برنامه‌ریزی در کشور، حاکم نبودن راهبرد مشخصی بر فرایند برنامه‌ریزی سبب شده که نوع برنامه‌ها از نظر جامعیت، نگرش‌های منطقه‌ای - بخشی، عمق و حد تفصیل، مشخص نباشد. این در حالی است که موارد مذکور باید به‌روشنی در نظام بلندمدت برنامه‌ریزی مشخص باشد و به‌عنوان یک الزام قانونی در دستور کار برنامه‌ریزان و مجریان برنامه در هر مقطع برنامه‌ریزی قرار گیرد تا برنامه به‌تبع نگرش‌های شخصی و تغییر در مدیریت‌های سیاسی و اقتصادی کشور، از مسیر اصلی خود منحرف نشود.

ج- ایرادات مربوط به محتوای برنامه

۱- ابهام در نحوه ارتباط اسناد بالادستی و برنامه‌های میان‌مدت

نحوه ارتباط میان اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی نظام) با برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله مبهم است و موجب شده که یک چتر سیاستی بلندمدت بر برنامه‌های میان‌مدت کشور حاکم نباشد و بعضاً کشور با افراط و تفریط در برنامه‌ریزی مواجه شود. به‌عنوان نمونه:

- ✓ برنامه اول با رویکرد تفصیلی تدوین شد و به یکباره در برنامه دوم رویکرد ارشادی و سیاست‌های تعدیل، به صورت شتاب‌زده و بدون بسترسازی لازم برای کنترل آثار جانبی منفی آن، مورد پیگیری قرار گرفت.
- ✓ تعدد اسناد بالادستی نظام از دیگر نقاط ابهام برنامه‌ریزی در کشور است و سیاست‌های کلی متعدد توسط بسیاری از صاحب‌نظران غیرضروری و غیرمنطقی خوانده شده است.

۲- تعدد اهداف و عدم اولویت‌گذاری صحیح در اهداف برنامه

برنامه‌های توسعه در کشور همواره دربرگیرنده اهداف و سیاست‌های متعدد و غیرمنعطف برای تعداد بی‌شماری از بخش‌ها و زیربخش‌ها بوده که این رویه کاهش ضمانت اجرایی برنامه‌ها را به دنبال داشته است. به عنوان مثال در سند برنامه ششم توسعه برای یک دوره پنج‌ساله، بی‌شمار هدف کلی، راهبرد و سیاست مطرح گردید. این در حالی است که بر اساس ادبیات برنامه‌ریزی، در نظر گرفتن بیش از چند هدف محدود در سند برنامه، حاکی از غالب بودن وجه نمایشی اهداف است، در حالی که ضمانتی برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده وجود ندارد.

۳- کلی، تفسیرپذیر و تفصیلی بودن افراطی برخی مواد برنامه‌ها

نظام برنامه‌ریزی کشور نه تنها منجر به تدوین برنامه‌ها و عملیات اجرایی و مشخص نشده است، بلکه برنامه‌ریزی به طرح برخی راه‌حل‌های کلی در قوانین بودجه محدود گردیده و حتی مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی برنامه نیز توسط دولت تهیه نشده است. از وجهی دیگر، ارائه مواد و قوانین به صورت کلی در برنامه‌های توسعه، سبب ایجاد ابهام در پیاده‌سازی و تفسیر مواد و توجیه عملکرد برنامه‌ها شده است. تدوین برخی برنامه‌ها به صورت تفصیلی و با جزئیات فراوان نیز از دیگر نقاط ضعف نظام برنامه‌ریزی ایران است که به عنوان مثال می‌توان به برنامه اول توسعه اشاره نمود.

۴- عدم وجود الگوی روشن و رابطه علی و معلولی صحیح میان اجزای برنامه

معمولاً در برنامه‌های توسعه، بین بخش‌ها (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) و حتی بین اجزای داخلی بخش‌ها (زیر بخش‌های اقتصادی مثل صنعت، بازرگانی، کشاورزی و...) ارتباط منطقی و تکمیل‌کننده دیده نمی‌شود که دلایل زیر را برای این امر می‌توان برشمرد:

✓ تدوین یک ماده قانونی بدون حضور ذی‌نفعان اصلی، به‌عنوان مثال علی‌رغم اینکه احکام و قوانین مرتبط با حوزه آموزش، پژوهش و فناوری باید در جهت تامین نیازهای داخلی تنظیم شود، اما احکام و قوانین مذکور، ارتباط مشخصی با توسعه اقتصادی، صنعتی و غیره ندارند. این امر بدین جهت است که بخش‌های صنعت، اقتصاد، فرهنگ و غیره به‌عنوان متقاضی و نظام آموزشی کشور به‌عنوان عرضه‌کننده نیروی کار، در طول فرایند برنامه‌ریزی هیچ کجا یکدیگر را ملاقات نمی‌کنند.

✓ در مواردی که ذی‌نفعان حضور داشته‌اند نیز یکی از طرفین دارای نفوذ و اعتبار بیشتری بوده، لذا وزن سیاست‌ها به سمت آن سنگینی کرده و بدین ترتیب با ایجاد گسستگی در برنامه، ارتباط منطقی میان مواد برنامه برهم‌خورده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به در حاشیه قرارگرفتن سیاست‌های صنعتی در تعامل با سیاست‌های بازرگانی و گسستگی میان این دو دسته سیاست اشاره نمود. در حال حاضر سیاست‌های تجاری به طور کامل جدا از برنامه‌های صنعتی تدوین می‌شوند.

۵- عدم توجه به سناریوهای احتمالی در آینده

یکی از ضعف‌های اصلی نظام برنامه‌ریزی کشور عدم استقرار رویکرد آینده‌پژوهی در نظام تدوین برنامه‌ها است. با توجه به شرایط خاص اقتصادی و سیاسی کشور در منطقه و جهان و نیز قرارگرفتن ایران در معرض آسیب‌های طبیعی، احتمال بروز اتفاقات و رخداد‌های غیرمنتظره به ویژه در حوزه اقتصاد کشور بسیار زیاد است. کمترین خاصیت آینده‌نگری در برنامه‌های توسعه کشور، جبران کمبود و نقیصه نظام تدبیر در تهیه و تنظیم برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت توسعه و تنظیم و ترتیب اولویت امور و مسائل در دستور کار آینده در هر دو بخش دولتی و خصوصی در سطوح ملی، استانی، بخشی و بنگاهی است. تجربه اجرای برنامه‌های توسعه سنوات گذشته حاکی از آن است که هرگاه شوک پیش‌بینی نشده‌ای به اقتصاد کشور وارد می‌شود یا هرگاه کمبودی در تامین منابع برنامه‌های توسعه و یا بودجه‌های سالانه پیش می‌آید، اولویت‌های تعیین شده در برنامه برای همیشه عوض شده و یا نادیده گرفته می‌شوند؛ لذا ضروری است ابعاد و چگونگی تاثیر مسائلی نظیر تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های تامین منابع مالی، نوسانات شدید درآمدهای نفتی و غیره در برنامه‌های توسعه موردتوجه قرار گیرد. در برخی از این موارد حتی لازم است از تکنیک‌های آینده‌نگاری در تدوین برنامه‌ها و برخورد با سناریوهای مختلف استفاده شود.

۶- بلندپروازانه بودن اهداف برنامه

با وجود این که تعیین هدف هر برنامه بر اساس توان اجرایی کشور و امکانات واقعی آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما در برنامه‌های توسعه، توانایی‌ها و محدودیت‌های جامعه به شکل اصولی مورد توجه قرار نگرفته یا محدودیت‌های آتی به درستی پیش‌بینی نشده است؛ لذا برنامه‌های توسعه بیش از حد بلندپروازانه طراحی شده‌اند. در واقع این یک نگرش بسیار آرمان‌گرایانه و غیرواقع‌بینانه است که مثلاً ظرف مدت پنج سال یا حتی بیشتر بتوان معضلات کشوری را که با ساختارهای ویژه‌ای از لحاظ توسعه‌یافتگی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تکنولوژیک، سیاسی، اجتماعی و... روبه‌رو است، تغییر داد. تا در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار گیرد. شایان ذکر است که در برنامه چهارم و پنجم توسعه، الزام دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز به‌عنوان اصل پذیرفته شد که این امر تعیین اهداف بلندپروازانه را در پی داشت.

۷- عدم همخوانی با برنامه‌های توسعه قبلی

به طور کلی نمی‌توان بین برنامه‌های مختلف ارتباط روشن محتوایی و ساختاری پیدا کرد و برنامه‌های مختلف توسعه کشور به‌عنوان حلقه‌های یک زنجیر، در کنار همدیگر دیده نمی‌شوند. به عنوان مثال نمی‌توان برنامه چهارم را دنباله‌رو برنامه سوم و مکمل اقدامات و برطرف‌کننده ضعف‌های آن دانست. همچنین در برنامه‌های توسعه، اهداف برنامه و شیوه تعیین نیز متفاوت است. مثلاً در برنامه دوم طرح ساماندهی اقتصادی، ملاک عمل قرار گرفته و عمده مضامین، ماهیت بلندمدت دارند و در قالب برنامه‌های میان‌مدت امکان تحقق کامل اهداف آن وجود ندارد. شایان ذکر است که عدم هم‌خوانی برنامه‌های توسعه با تجربه‌های گذشته برنامه‌ریزی، به میزان قابل توجهی از دوره‌ای بودن فرایند برنامه‌ریزی و بی‌توجهی به آسیب‌شناسی برنامه‌ها نشئت می‌گیرد.

۸- عدم توجه به برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای

در برنامه‌های توسعه، برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم‌کار ملی بین مناطق یا تقسیم‌کار منطقه‌ای بین نواحی هرگز مورد توجه قرار نگرفته است. به عبارتی مکانیسم درگیرشدن مناطق و استان‌ها در تهیه، تدوین و اجرای برنامه و نیز نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه‌ریزی ملی مشخص نمی‌باشد؛ لذا عدم توجه به امر برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای، غفلت از امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای - محلی در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته است.

۹- دولتی‌زدگی در برنامه

برنامه‌های توسعه غالباً برنامه‌های تخصیص منابع در بخش دولتی بوده و در بسیاری موارد ضرورت سیاست‌گذاری، علامت‌دهی و هدایت فعالیت بخش خصوصی به‌عنوان یک عامل مهم اقتصادی در نظر گرفته نشده است. حتی در غالب موارد، روش‌ها و ابزارهای برنامه‌ریزی در بخش‌هایی چون کشاورزی و مسکن که بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی آنها نقش مسلط دارد، با بخش‌های دیگری چون صنعت و بازرگانی که عمدتاً توسط دولت اداره می‌شوند، مشابه و یکسان بوده است.

۱۰- عدم وجود برنامه‌های اجرایی و عملیاتی

اجرای‌شدن برنامه‌های توسعه منوط به برنامه‌های اجرایی است، گویی برنامه توسعه بدون برنامه‌های اجرایی، فاقد عنصر مهم تعهد و غیر قابل حسابرسی می‌باشند. در واقع هر جا که در برنامه‌های توسعه، برنامه‌های اجرایی به معنای دقیق کلمه وجود داشته، اجرای برنامه موفقیت‌آمیز بوده است. این در حالی است که تاکنون برنامه‌های توسعه کشور فاقد برنامه‌های اجرایی بوده‌اند و در کنار متن قانون برنامه توسعه، متونی تحت عنوان اسناد پشتیبان شامل رویکردهای کلی حاکم بر برنامه و بخش‌های مختلف آن منتشر می‌گردد که نه تنها قانون نبوده، بلکه جنبه الزام‌آور و اجرایی ندارند.

شایان ذکر است که هرچند در ماده (۱۵۵) برنامه چهارم توسعه بر لزوم تهیه برنامه‌های اجرایی بر اساس اسناد توسعه ملی و استانی از سوی دستگاه‌ها تاکید شده، اما این ماده در برنامه چهارم به اجرا در نیامد و در دو برنامه پنجم و ششم توسعه این ماده از نظر گروه تدوین برنامه مورد غفلت قرار گرفته است.

۱۱- فقدان ارتباط منطقی بین جداول کمی و محتوای برنامه‌ها

منطق برنامه‌ریزی حکم می‌کند جداول کمی، ترجمه مواد برنامه به اعداد و ارقام باشند تا از طرفی تکلیف مجریان شفاف شود و از طرف دیگر امکان ارزیابی و نظارت بر عملکرد ایشان نیز فراهم آید. با این وجود در حال حاضر مواد برنامه و جداول کمی هریک به راه خود می‌روند و با طی فرایندهای منفک از یکدیگر تهیه می‌شوند. شایان ذکر است که در برنامه چهارم توسعه، جداول کمی در انتهای احکام برنامه ذکر شده بود، اما برنامه پنجم توسعه بنا به دلایل مبهم بدون جداول کمی، هم از طرف دولت ارائه شد و هم از طرف مجلس تصویب گردید.

همچنین در فرایند تصویب گاهی تغییراتی در مفاد برنامه ایجاد می‌شود که علی‌رغم داشتن بار مالی، در جداول کمی برنامه منظور نمی‌شود. به عنوان مثال در فرایند تصویب برنامه چهارم توسعه کشور به‌رغم تغییرات به‌عمل آمده در کمیسیون تلفیق برنامه مجلس که برخی از این تغییرات بار مالی قابل ملاحظه‌ای به همراه داشت (از جمله تغییرات مربوط به مواد ۱۷، ۱۸، ۲۷، ۴۶، ۵۲، ۹۱، ۹۶، ۹۷ و ۱۲۱)، اما جدول‌های کمی برنامه بدون اعمال هیچ‌گونه تغییری به تصویب رسید.

د- ایرادات مربوط به اجرا و نظارت بر برنامه

۱- سرعت و گستردگی تحولات سیاسی- اقتصادی در کشور

یکی از ریشه‌های وجود مشکلات بسیار و از جمله عدم وجود برنامه‌ها و سیاست‌های واحد در اداره کشور، تحولات سیاسی مداوم می‌باشد. با توجه به این که در هر حادثه مهم سیاسی، الزاماً چند سال صرف از بین بردن برخی از مبانی اقتصادی غیر قابل قبول گردانندگان سیاسی و چند سال نیز برای ایجاد مبانی تازه صرف می‌شود، لذا بدیهی است که هر تحول سیاسی مهم برای به وجود آوردن یک ساختار اقتصادی تازه، به زمانی نسبتاً طولانی احتیاج دارد.

۲- قابلیت‌های اداری ضعیف دولت جهت اجرای برنامه‌های گسترده

گسترش بی‌رویه سند برنامه و افزودن لایه‌های مختلف به آن، حتی با فرض درست بودن این رویه، به دلیل محدودیت مدیریت و نظارت بر آن در بدنه اداری کشور یکی از دلایل عدم توفیق در اجرای برنامه‌هاست و این خود نشان‌دهنده ضعف و محدودیت آن دولت است. در این راستا می‌توان به تعداد انبوه سند‌های بخشی و فرابخشی در قوانین برنامه‌های سنواتی که خود حجم زیادی از توان کارشناسی دولت را مشغول کرده، اشاره نمود.

۳- ضعف سازوکارهای نظارتی

ضعف یا فقدان نظارت کارآمد، جدی، سریع، به‌هنگام امروزی و معطوف به نتیجه در سطوح مختلف هرم نظارتی، در عین تعدد مراجع نظارتی و نظارت‌های غیر قابل موثر قبل و بعد از اجرای برنامه از چالش‌های اصلی پیشروی اجرای برنامه محسوب می‌شود. همچنین، با وجود این که امر نظارت بر برنامه‌های توسعه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، اما وظایف نظارتی نهادهای مختلف در کشور یا فاقد تعریف و تعیین محدوده یا ابزار نظارتی است یا دارای تداخل می‌باشد.

در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

✓ علی‌رغم وظایف نظارتی دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و...، سازوکار نظارتی دائمی برای نظارت معنادار و توسعه‌ای و اعمال اصلاحات وجود ندارد.

✓ طبق قانون اساسی، مهم‌ترین نهاد ناظر بر عملکرد دولت (به‌عنوان مجری برنامه‌های توسعه)، مجلس شورای اسلامی است و مهم‌ترین بازوی مجلس نیز برای حسابرسی مالی دقیق عملکرد دولت، دیوان محاسبات است. لکن تجربه نشان داده گزارش‌های تفریغ بودجه که گزارشی از نحوه عملکرد سالانه برنامه‌ها می‌باشد، با بی‌توجهی نمایندگان روبه‌رو می‌شود.

✓ در گریب‌ودن روند‌های نظارتی مجلس با مشکلات ساختاری متعدد، کارایی مجلس در امر نظارت بر برنامه‌های توسعه را کاهش داده است.

✓ سازوکارهای نظارتی درون دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها به دلیل موانع مختلف، در بسیاری موارد یا فعال نمی‌شوند یا در حد شناسایی مشکلات، باقی می‌مانند و به مواخذه، برخورد با مشکلات و رفع آنها منتهی نمی‌گردند.

۴- ابهامات در گزارش‌های عملکرد برنامه‌های توسعه

با وجود این که یکی از وظایف رئیس‌جمهور، تهیه و ارائه گزارش سالیانه نظارت و ارزیابی پیشرفت برنامه‌های توسعه است، اما به دلیل حجم بالای گزارش‌های مذکور (ناشی از حجم بالای برنامه)، عملاً امکان بررسی کامل آن وجود ندارد. از وجهی دیگر، نحوه تنظیم گزارش‌ها نیز هم به لحاظ روش‌شناختی و هم به لحاظ محتوا دارای ایرادات فراوانی است.

موارد زیر بیانگر مشکل وجود ابهامات در گزارش عملکرد برنامه‌ها می‌باشند:

✓ در خصوص میزان توفیق سیاست‌های اجرا شده، صرفاً از عبارت «ثمربخش بوده است»، استفاده شده و در برخی موارد نیز آمارهای دقیقی برای ارائه وجود ندارد. همچنین بخش‌های مهمی از گزارش عملکرد، نسبتی با مفاد برنامه ندارند.

✓ تنها مرکز آمارگیری مهم در کشور (مرکز آمار ایران) دولتی است. این در حالیست که به‌منظور کاهش احتمال تأثیرپذیری آمارها، باید نهادهای نظارتی از استقلال کافی نسبت به مجریان برنامه‌ها برخوردار باشند.

✓ بخش‌های مهمی از گزارش‌های عملکرد، اساساً در خدمت اهداف نظارت نیست و بیان کلیاتی از وظایف روزمره دستگاه‌های اجرایی است.

✓ به دلیل حاکم بودن «نگاه بودجه‌ای به برنامه»، گزارش‌های عملکرد نیز تحت تأثیر قرار گرفته به‌گونه‌ای که به جای بیان میزان دستیابی به اهداف، در گزارش به بیان میزان تخصیص منابع و جذب آنها پرداخته شده است.

۵- تداخل تقویم زمانی برنامه‌ها با تقویم سیاسی کشور

با توجه به این که مجلس شورای اسلامی و دولت هر چهار سال یک بار عوض می‌شوند و برنامه‌های توسعه نیز هر پنج سال یک بار تدوین و تصویب می‌شوند، لذا هر برنامه الزاماً دو دولت و دو مجلس را ملاقات خواهد کرد. این مسئله با توجه به اختلاف دیدگاه‌های احتمالی دولت‌ها و مجالس مختلف با هم، معمولاً موجب تغییرات گسترده در برنامه‌ها، نوسانات زیاد در اجرا یا برخورد گزینشی با مفاد برنامه شده است.

۶- عدم توجه به بسترهای اجتماعی لازم برای اجرای قوانین

در اغلب موارد بدون آن که به فرهنگ‌سازی، توجیه و مشارکت فعال افکار عمومی و به طور کلی فراهم آوردن بسترهای لازم برای اجرای یک سیاست یا قانون توجه شود، از ابزارهای قانونی برای مجبور کردن مردم و دستگاه‌ها به انجام برخی امور استفاده می‌شود که این امر با توجه به عدم اقبال و اجماع مردم و مجریان قانون، از یک طرف به اجرای بد قانون و از طرف دیگر به افزایش هزینه‌های نظارت بر اجرای قانون و برخورد با متخلفین منتهی شده است. به عنوان مثال با وجود آن که یکی از اهداف برنامه‌های توسعه در ایران، «توسعه دانش‌محور» بوده، اما هیچ‌گاه ابزار و وسایل دستیابی به این هدف به‌طور شفاف، تعیین نشده است. همچنین، در برنامه چهارم توسعه رشد بهره‌وری کل عوامل تولید سالیانه به طور متوسط ۲/۵ درصد دیده شده است. این درحالی است که برای این منظور لازم است تمهیدات مقتضی از جمله آموزش‌های لازم به نیروی کار، تولید فیلم‌ها و برنامه‌های متناسب در صداوسیما و رسانه‌ها و... دیده شود که متأسفانه توجه کافی نشده است.

نتیجه

بر اساس مجموع موارد فوق‌الذکر این نتیجه حاصل می‌شود که، روال برنامه‌ریزی در کشور (قبل، حین و پس از برنامه‌ریزی)، دارای چالش‌های اساسی است. عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌ها را می‌توان به‌طور عمده و اساسی ناشی از کیفیت نظام تدبیر از جمله در فرآیندهای برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری و در ساختار مدیریت و نظام اجرایی برنامه‌ها دانست. عملکرد شش برنامه توسعه بعد از انقلاب گویای این واقعیت است که فرآیند برنامه‌ریزی «طراحی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت» از شایستگی و توانایی کافی برخوردار نیست.

فرایند تدوین تا اجرای برنامه‌های توسعه، قادر به ایجاد پیشرفت و توسعه پایدار نیست و باید به‌گونه‌ای جدی و قبل از تهیه و تنظیم و تصویب برنامه‌ها و راهبردها، مورد بازبینی و بازسازی قرار گیرد و اجزا و عناصر انسانی و سازمانی این فرایند در سطوح مختلف دیوانی و اجرایی، از نظر صلاحیت درک شرایط و مسئولیت‌های فردی و جمعی، در قبال الزامات تحول و شناخت راهبردها و راهکارها حل مسائل و مشکلات، آموزش‌های جدیدی را کسب کنند.

شرایط اقتصاد کشور و بایسته‌های تدوین برنامه هفتم توسعه

اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

چکیده

برنامه هفتم توسعه به عنوان آخرین گام برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و فرآیند تدوین این برنامه در دوره زمانی که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار حساس به سر می‌برند؛ وضعیتی را ایجاد می‌کند که سیاست‌گذاری‌های آینده کشور با هوشمندی و به دور از آزمون و خطای مکرر، برگزیده شوند تا فرصت‌های موجود به تهدید مبدل نگردد و فرصت‌های گذشته، تا حد زیادی جبران گردد.

اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی و مشاور قوای سه‌گانه، با در نظر گرفتن شرایط کنونی اقتصاد کشور و در جهت ساماندهی الگوی برنامه‌ریزی برای دستیابی به الگوی مطلوب و توسعه محور، خواستار «اعمال مدیریت تحول» در برنامه هفتم توسعه با در نظر گرفتن مجموعه الزام‌ها و بایسته‌هایی در سیاست‌های کلی برنامه هفتم است تا از این‌گذر، آینده اقتصاد کشور به تکرار تجربه‌های ناموفق برنامه‌های قبلی توسعه گرفتار نشود.

کلیدواژگان: برنامه هفتم توسعه، وضعیت اقتصادی کشور، بایسته‌های سیاست‌گذاری

مقدمه

فرایند تدوین برنامه هفتم توسعه در زمانی قرار گرفته است که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار حساس به سر می‌برند. به‌رغم بیش از ۶۰ سال سابقه برنامه‌ریزی توسعه در کشور و سپری شدن ۱۵ سال از ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله، دستاوردهای برنامه‌ریزی کمتر از حد مورد انتظار در زمان تهیه و تصویب برنامه‌ها بوده است. مثال مشخص آن که، ارزیابی روند متغیرهای مهم اقتصادی و چشم‌اندازهای حاکم بر آن طی سال‌ها دهه ۹۰ شمسی، نه تنها نسبت به سال‌های میانی دهه ۸۰ شمسی که سند چشم‌انداز بیست‌ساله ابلاغ گردید، نامطلوب ارزیابی می‌شود، بلکه در مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، از عملکرد ضعیف کشور حکایت می‌کند.

الف) شرایط اقتصاد کشور و برنامه هفتم توسعه

میانگین ۱,۴ درصدی رشد اقتصادی بدون نفت و ۰,۱ درصدی رشد اقتصادی با نفت در دهه ۹۰، حکایت از گرفتار شدن کشور در تله رشد محدود و نامتناسب با اهداف سند چشم‌انداز (میانگین نرخ رشد سالانه ۸ درصدی) دارد. ثبت تورم‌های ۲۸,۶، ۳۲,۱، ۲۶,۶، ۳۳,۴ و ۲۷,۳ درصدی در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و هفت‌ماهه ۱۳۹۹ از روند پرتلاطم قیمت‌ها در اقتصاد طی سال‌های دهه ۹۰، هم‌زمان با بازگشت شرایط تحریمی به اقتصاد کشور و شدت گرفتن انتظارات تورمی و رونق سفته‌بازی در بازارهای ارز، طلا، مسکن و... حکایت می‌کند. مهم‌تر آن که تورم دورقمی سطح بالا در تلفیق با وضعیت رکودی اقتصاد، گویای آن است که چشم‌انداز اقتصاد کشور در سال‌های آتی علاوه بر تعمیق پدیده رکود تورمی در بخش حقیقی اقتصاد، گسترش احتمالی پدیده فقر و ناهنجاری‌های ناشی از آن در جامعه است.

همچنین، تداوم روند نزولی سرمایه‌گذاری در سال‌های دهه ۹۰ و ثبت رشد منفی ۱۲,۳ و منفی ۵,۹ درصدی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی طی دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به این معناست که در فضای پرا التهاب کشور انگیزه‌ای به سرمایه‌گذاری وجود ندارد و فعالیت‌های مولد

اقتصادی در اولویت قرار ندارند. همچنین، تداوم روند کاهنده سرمایه‌گذاری و روند فزاینده نرخ استهلاک طی سال‌های دهه ۹۰، نهایتاً موجب شد که در سال ۱۳۹۸ برای اولین در تاریخ اقتصاد کشور، استهلاک سرمایه از تشکیل سرمایه پیشی بگیرد و رقم موجودی سرمایه در این سال نسبت به سال قبل کاهش یابد. در شرایط حاضر اقتصاد کشور با محدودیت جدی و تنگنای اساسی در کلیدی‌ترین عامل تعیین‌کننده ظرفیت رشد اقتصادی کشور در دهه آینده، مواجه است.

از زاویه‌ای دیگر، مقایسه وضعیت کشور در شاخص‌های اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و رفاه اجتماعی با کشورهای سند چشم‌انداز در سال ۲۰۱۹، گویای آن است که کشور ایران در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز، در جایگاه ۲۳ام در نرخ تورم، جایگاه ۱۶ام در ضریب جینی، جایگاه ۱۸ام در نرخ بیکاری، جایگاه ۱۲ام در سرانه تولید ناخالص داخلی، جایگاه ۹ام در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، جایگاه ۱۷ام در نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی و جایگاه ۲۰ام در درصد مشارکت زنان در نیروی کار، قرار گرفته است که نشان از عملکرد ضعیف و نامتناسب کشور در تحقق اهداف سند چشم‌انداز دارد. همچنین، میانگین رتبه کشور در شاخص‌های فوق‌الذکر از جایگاه ۱۶ام کشور در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز و ناکامی کشور در تحقق بخشی به هدف دستیابی به رتبه اول منطقه حکایت می‌کند.^۱

با توجه به مراتب یاد شده، تنگناها و محدودیت‌های کنونی ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری‌های آینده کشور با هوشمندی و به دور از آزمون و خطای مکرر برگزیده شوند تا فرصت‌های موجود به تهدید مبدل نگردد و فرصت‌های بر باد داده شده گذشته، تا حد زیادی جبران گردد. مهم‌ترین تنگناها و چالش‌هایی که نظام برنامه‌ریزی در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه با آن مواجه است عبارت‌اند از:

۱- طرزی، تقی و علیرضا نور محمدی (۱۳۹۹)، شاخصهای اقتصادی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت رفاه اجتماعی، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، ص ۱۹.

الف- وضعیت نامساعد محیط داخلی اقتصاد کشور

اقتصاد کشور در شرایط حاضر در سطح داخلی با انواع چالش ها و نااطمینانی ها مواجه است که به عنوان مانعی بر سر راه توسعه کشور قرار گرفته اند. اهم چالش های داخلی اقتصاد کشور عبارت اند از:

- عدم جذابیت فعالیت های تولیدی در اقتصاد کشور و سودآوری بالای فعالیت های سوداگری در بازارهای مسکن، طلا، ارز و...
- مواجه شدن کشور با انواع شوک های پیش بینی نشده (شیوع گسترده بیماری کرونا و تغییرات پیش بینی نشده زیست محیطی)
- گسترش بیش از پیش فساد و رانت جویی در برخی بخش ها
- محدود شدن منابع حیاتی کشور مانند منابع آبی
- کوچک شدن نقش و جایگاه اقتصادی کشور در جهان
- افزایش نقش و سهم دولت در اقتصاد
- تشدید عدم تعادل های گسترده در عرصه های گوناگون اقتصادی، شامل:
 - عدم تعادل در تراز پرداخت های غیر نفتی
 - عدم تعادل در بودجه دولت (رشد هزینه های جاری و محدودیت درآمدها)
 - عدم تعادل در بودجه خانوار (رشد مخارج و کاهش قدرت خرید)
 - عدم تعادل در نظام پولی و بانکی (فشار تقاضای تسهیلات و رشد حجم معوقات)
 - عدم تعادل بین حال و آینده (مصرف گرایی شدید و قلت تشکیل سرمایه)
 - عدم تعادل در بازار کار (عرضه انبوه نیروی بیکار و دانش آموخته و تقاضای ناچیز بازار کار)
- عدم توازن منطقه ای که پدیده توسعه نیافتگی را در تعدادی از استان های کشور خطرناک کرده است.

– تنزل وضعیت اجتماعی در ابعاد گوناگون، شامل:

- تنزل شدید سرمایه اجتماعی
- تضعیف طبقه متوسط
- سطح نازل شاخص کیفیت زندگی (مرتبه ۸۰ در میان ۱۱۱ کشور)
- سطح بالای شاخص فلاکت (۳۰,۶ درصد) در مقایسه با کمترین (قطر ۲,۵ درصد) و بالاترین (مقدونیه ۳۵ درصد)
- نابرابری درآمدها و اتکای طبقه متوسط به وام و طبقه نا برخوردار به یارانه برای حفظ سطح زندگی حداقلی
- نا اطمینانی نسبت به آینده
- هزینه سنگین و قیمت تمام شده خدمات دولتی به مردم

ب- تسلط شرایط تحریمی بر اقتصاد کشور

اقتصاد کشور به واسطه شرایط تحریمی، در فضای بین‌الملل با محدودیت‌های متعددی روبه‌رو است. تحریم‌ها به‌عنوان عاملی بیرونی باهدف قراردادن مجراهای آسیب‌پذیری اقتصاد ایران، محدودیت‌های تجاری، مالی و بانکی را بر بدنه اقتصاد کشور تحمیل کرده است. مهم‌ترین اثر تحریم‌ها، کاهش صادرات نفت، بالابردن هزینه‌های مبادله از طریق بالارفتن هزینه‌های حمل‌ونقل، عدم همکاری بانک‌های خارجی در نقل‌وانتقال پول، ممنوعیت ورود برخی کالاها به کشور، از دست دادن شرکای خارجی و بازارهای صادراتی، افزایش ریسک اعتباری معامله با ایران و... است که خود ضمن افزایش هزینه‌های تولید و سخت شدن صادرات، کاهش جدی درآمدهای پیش‌بینی شده دولت به ویژه از ناحیه صادرات نفت را به همراه داشته است. از این رو، محدودیت مالی دولت به عنوان یک مانع اصلی پیشروی تدوین و اجرای برنامه هفتم توسعه قرار دارد. در شرایطی که فضای کسب‌وکار داخلی نیز مانعی جدی برای تولید است، فشارها و محدودیت‌های بین‌المللی ناشی از بازگشت مجدد تحریم‌ها، دولت را محدودیت‌های درآمدی گسترده‌ای مواجه کرده است، تدوین برنامه هفتم توسعه نیازمند در نظر گرفتن مجموعه بایسته‌هایی است که تجربه‌های نه‌چندان موفق قبلی مجدد تکرار نگردد.

ج- چشم‌انداز محدودیت منابع ارزی و جهش‌های مکرر در متغیر کلیدی نرخ ارز

مدیریت منابع ارزی کشور در یکی از حساس‌ترین وضعیت‌های خود قرار دارد. نوسانات گسترده در نرخ ارز طی نیمه نخست سال ۱۳۹۷ تاکنون، بی‌ثباتی اقتصاد کلان را تشدید کرده و نا اطمینانی و ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داده است. آشفته‌گی‌های رخ داده در نرخ ارز ضمن آن که ضربات سنگینی را به بخش‌های مولد اقتصاد وارد ساخته و گسترده شدن فعالیت‌های دلالی و سفته‌بازی را در اقتصاد کشور موجب شده، به علت عدم مدیریت کارای دولت، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های درگیر در ثبات‌بخشی به این بازار، اعتماد کنش‌گران عرصه اقتصاد به سیاست‌گذاری‌های دولت به شدت کاسته شده است؛ لذا، در صورتی که با درایت برای منابع ارزی کشور برنامه‌ریزی نشود، نابسامانی‌های ارزی نه تنها موجب می‌شود که اجرای برنامه هفتم توسعه نیز همانند برنامه‌های گذشته در هاله‌ای از ابهام فرو رود، بلکه پس‌افتادگی‌های اقتصاد کشور از ناحیه آشفته‌گی‌های ارزی ایجاد شده در اقتصاد، تشدید خواهد گردید.

د- جایگاه نامساعد کشور در بخش انرژی

بازار نفت جهان پس از سپری کردن چرخه‌ای از قیمت‌های بالا و رسیدن به اشباع، دوره‌ای رکودی را طی می‌کند که چشم‌انداز آن محدود شدن کاربرد سوخت‌های فسیلی را به عنوان یکی از گزینه‌های نه چندان نامحتمل در خود جای داده است. این بدان معنی است که جهان در مرز دگردیسی از لحاظ جایگاه انرژی‌های فسیلی قرار دارد و ایران وابسته به نفت به نقطه‌ای رسیده است که باید تصمیمی قاطع در مورد سیاست‌های انرژی خود اتخاذ کند. در این تصمیم، قطع وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، کارآمدسازی مصرف انرژی در کشور و افزایش سهم انرژی‌های پاک در شمار اجزای تفکیک‌ناپذیر قرار دارد. ایران امروز حتی بیش از جهان امروز به گزینش سیاست‌های برازنده انرژی‌های پاک و پایدار نیازمند است زیرا در دو دهه اخیر که جهان این تحولات را تجربه کرده است، ایران از انجام اصلاحات ضروری برای رسیدن به جایگاه برتر در زمینه نقش انرژی در توسعه ملی، سر باز زده است. تحولات بازار نفت سبب شده است که چشم‌انداز آینده برای ایران روشن‌تر شود و امروز به باور عموم متخصصان بازسازی بخش انرژی، محوری اجتناب‌ناپذیر برای پایداری زندگی اقتصادی ایران است.

ب) بایسته‌های تدوین برنامه هفتم توسعه

همان‌طور که ملاحظه شد، روال برنامه‌ریزی در کشور، پیش از برنامه‌ریزی، حین برنامه‌ریزی و پس از برنامه‌ریزی، دارای چالش‌های اساسی است. همچنین، برنامه‌ریزی توسعه در کشورمان، بیش از آن که برآمده از دل مجموعه نقاط قوت و فرصت اقتصاد کشور در راستای رفع تنگناها و مقابله با تهدیدهای پیشرو باشد، به شکلی بلندپروازانه و بدون توجه به محدودیت‌های موجود اقتصاد کشور انجام گرفته است و در عمل ضمن ناکامی در دستیابی به اهداف بی‌شمار تعیین شده در برنامه‌ها، به فرصت‌سوزی و دورشدن از مسیر توسعه دامن زده است. از سوی دیگر، برنامه هفتم توسعه آخرین فرصت برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله است و فرایند تدوین این برنامه در دوره زمانی قرار دارد که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار حساس به سر می‌برند که در تاریخ معاصر این مرزوبوم کم‌سابقه است. از این رو، ضروری است فرایند تهیه و تصویب برنامه هفتم توسعه به دور از شتاب‌زدگی و بر اساس کار کارشناسی، با تغییر و تحولات اساسی در نحوه فکر درباره مأموریت‌های برنامه و انتظارات از آن، محتوای برنامه و نحوه تهیه و تصویب آن متحول شود.

از زاویه‌ای دیگر، طبق ماده (۸) قانون برنامه و بودجه، دولت باید حداقل شش ماه قبل از پایان هر دوره برنامه، لایحه برنامه دوره بعد را جهت تصویب به مجلس تقدیم کند. بنابراین دولت دوازدهم تا شهریور ماه ۱۴۰۰ فرصت دارد تا لایحه برنامه هفتم را تهیه و به مجلس تقدیم نماید. نظر به اینکه در حال حاضر دولت با مسائل و مشکلات متعددی نظیر تدوین قانون بودجه ۱۴۰۰، رفع مشکلات به وجود آمده از ناحیه بازگشت تحریم‌ها و غیره مواجه است، لذا پیش‌بینی می‌شود که دولت در ظرف زمانی تعیین شده، قادر به تهیه و تدوین برنامه هفتم توسعه نباشد و قانون برنامه هفتم توسعه نیز همانند برنامه ششم توسعه با تاخیر زمانی بیش از یک سال تصویب شود.

از این رو، اتاق ایران به‌عنوان نماینده بخش خصوصی و مشاور قوای سه‌گانه، بر اساس آسیب-شناسی انجام شده و با در نظر گرفتن شرایط کنونی اقتصاد کشور و در جهت ساماندهی الگوی برنامه-ریزی برای دستیابی به الگوی مطلوب و توسعه محور، خواستار «اعمال مدیریت تحول» در برنامه هفتم توسعه با در نظر گرفتن مجموعه الزام‌ها و بایسته‌هایی در سیاست‌های کلی برنامه هفتم به شرح زیر است

تا از این گذر آینده اقتصاد کشور به تکرار تجربه‌های ناموفق برنامه‌های قبلی توسعه گرفتار نشود:

الف- اصلاح نظام تدبیر و برنامه‌ریزی کشور

در شرایط حاضر، اقتصاد کشور در مسیر نوعی روزمرگی، تسلسل و تراکم دشواری‌ها و تنگناها قرار دارد و فقدان رویکرد آینده‌شناسی در سیاست‌گذاری‌ها، اقتصاد کشور را همواره با مشکلات و موانع پیش‌بینی نشده مواجه کرده است. از این رو، بخش عمده‌ای از عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه قبلی، ناشی از کیفیت نظام تدبیر از جمله در فرآیندهای برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری و در ساختار مدیریت و نظام اجرایی برنامه‌ها است.

ایجاد تغییر و اصلاح نظام تدبیر در کشوری که ۱۶۰ دستگاه و مرجع تولید مقررات و تقریباً ۱۱۰۰۰ عنوان قانون دارد (در مقایسه با کشور فرانسه با ۲۰۰ سال سابقه قانون‌گذاری دارای ۲۸۰۰ عنوان قانون) بسیار مشکل و زمان‌بر است و می‌توان گفت به قانون‌گذاری باید به عنوان آخرین راه‌حل توجه کرد.

پیشنهاد می‌شود با ایجاد کارگروهی متشکل از صاحب‌نظران و متخصصان حوزه اقتصاد سیاسی، اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد بین‌الملل، نظام تدبیر و مدیریت امور عمومی به صورت مستقل و بدون وابستگی به هیچ یک از قوای سه‌گانه، مطالعات آینده‌پژوهی و آینده‌نگری توسعه اقتصادی- اجتماعی زیر نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شود و در اولین سناریوی برخاسته از مطالعات خویش، سناریوی ادامه وضع موجود طراحی و سپس بر پایه روش‌های مرسوم آینده‌نگری، نسبت به تهیه و تنظیم سناریوی ممکن و مطلوب در برنامه هفتم توسعه اقدام شود. در ادامه ضروریست در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، نظام تدبیر و برنامه‌ریزی کشور در محورهای زیر اصلاح شود:

۱- مشارکت همه ذی‌نفعان (بخش خصوصی، نخبگان دانشگاهی، جامعه مدنی و مشارکت تمام سطوح استانی و منطقه‌ای در فرآیند تدوین برنامه)

نقطه تمایز تدوین برنامه هفتم توسعه با برنامه‌های قبلی آن است که دولت با محدودیت‌های درآمدی گسترده‌ای مواجه است. از زاویه‌ای دیگر، بخش خصوصی به واسطه تحقق درآمدهای مالیاتی دولت، تامین مالی زیرساخت‌های عمرانی و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی و تجاری، نقش حائز اهمیتی در اقتصاد و رشد اقتصادی کشور ایفا می‌کند. از این رو، باز تعریف نقش بخش خصوصی به عنوان یک ذی‌نفع اصلی برنامه‌های توسعه در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه به منظور تدوین یک برنامه توسعه کاربردی، اجرایی و اثربخش ضرورت دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد در سیاست‌های کلی برنامه هفتم به مشارکت همه ذی‌نفعان تاکید شود و نظام برنامه‌ریزی کشور ملزم شود در فرآیند تدوین برنامه از بخش خصوصی دعوت به عمل آورد.

۲- متمرکز کردن قدرت اجرایی کشور

در شرایط حاضر قدرت اجرایی دولت در سطح کشور و در قالب شوراهای متعدد پخش شده است که این عدم تمرکز به‌نحوی موجب شده دولت از تمامی ظرفیت‌های خود در فرآیند تدوین برنامه به‌طور بهینه بهره‌مند نگردد. ازاینرو برای متمرکز کردن قدرت سیاستگذاری و اجرایی دولت، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه به صراحت بندهای زیر قید شود:

✓ از ابتدای برنامه هفتم توسعه همه شوراهای عالی در کشور منحل و همه اختیارات و وظایف آنها به وزیر مربوطه منتقل شود.

✓ در سه سال اول برنامه، کلیه اختیارات اجرایی وزارتخانه‌ها (اداره مدارس و آموزشگاه‌های دولتی، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و... به جز امور انتظامی) به شهرداری‌ها واگذار شود و شهرداری‌ها اداره موارد مذکور را بر عهده گیرند. برای تامین هزینه‌های این اقدام، مالیات‌های هر استان (به جز استان‌های برخوردار...) در همان استان صرف شود. برای رفع محرومیت برخی استان‌ها، از محل حمایت هدفمند از بخش خصوصی طرح‌های دارای بازده اقتصادی ایجاد و به تدریج توان مالیاتی آنها افزایش یابد.

✓ کلیه نهادهای عمومی غیردولتی موظف‌اند که اقدامات اقتصادی و حمایتی خود را در چهارچوب تحقق اهداف برنامه هفتم تنظیم کنند.

۳- تعیین حدود دخالت مجلس در فرآیند تصویب برنامه

علی‌رغم اختیارات قانونی مجلس شورای اسلامی، ضروریست محدوده عمل قانونی این نهاد در مورد تغییر لوایح برنامه‌های توسعه مشخص شود و از تغییرات کلی در برنامه‌ها توسط مجلس شورای اسلامی جلوگیری به عمل آید، چرا که در برخی موارد تغییرات ایجادشده در برنامه‌ها از سوی مجلس، فراتر از تغییرات جزئی بوده و در واقع به‌نوعی دخالت در وظایف قوه مجریه محسوب می‌شود. از این رو، ضروریست در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه حدود دخالت مجلس در فرآیند تصویب برنامه مشخص گردد.

ب- برقراری تعامل سازنده با نظام بین‌الملل

اقتصاد کشور به واسطه شرایط تحریمی، در فضای بین‌الملل با محدودیت‌های متعددی روبه‌رو است. تحریم‌ها به عنوان عاملی بیرونی با هدف قراردادن مجراهای آسیب‌پذیری اقتصاد ایران، محدودیت‌های گسترده‌ای را به اقتصاد کشور تحمیل کرده است. طی سال‌های اخیر سخت‌شدن شرایط تحریمی با ایجاد نا اطمینانی در چشم‌انداز اقتصاد، نوسانات گسترده در متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم و نرخ ارز و غیره ایجاد کرده است و هم‌زمان تغییر مکرر قوانین و مقررات موجب شده فعالان اقتصادی نتوانند از حداقل اطمینان برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود در بلندمدت برخوردار باشند. بر اساس گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار اتاق ایران، از بهار ۱۳۹۷ تا تابستان ۱۳۹۹ «عدم ثبات در سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی» و «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات مواد اولیه و محصولات» به عنوان دو مانع اصلی پیش‌روی فعالان اقتصادی کشور بوده است.

نکته مهم‌تر آن که ظرفیت رشدآفرینی در کشور کاهش یافته و بخش تولید کشور از فناوری روز دنیا که عامل ارتقای بهره‌وری عقب مانده است. با تغییرات سریع فناوری، اکنون مزیت بزرگ کشور در حوزه نفت و گاز در معرض تهدید قرار دارد و ممکن است در آینده

نزدیک بخش مهمی از این ذخایر ارزش اقتصادی خود را از دست بدهند و آن چه می‌توانست منابعی برای جبران عقب‌ماندگی تاریخی کشور ایجاد کند از دست برود. از این رو، برقراری تعامل سازنده با جهان ازجمله رویکردهایی است که در سیاست‌های برنامه توسعه هفتم باید به آن توجه شود تا در چهارچوب همکاری‌های بین‌المللی و با هدف متحول‌سازی زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور، از فرصت‌های این تعامل سازنده در راستای بهبود وضعیت اقتصادی کشور استفاده به عمل آید. همچنین، ضرورت دارد برای دستیابی به قدرت برتر در منطقه، جهت‌گیری‌های سیاست‌های کلی مشخص گردد تا از این گذر کشور ایران بتواند برتری عاری از سلطه برای حفظ صلح و ثبات منطقه داشته باشد.

ج- ارتقای بهره‌وری عوامل تولید در اقتصاد

به واسطه فناوری پایین، تخصیص‌نشدن فعالیت‌ها، بهینه‌نبودن رویه‌ها و روش‌های تولید، سهم پایین اقتصاد دانش‌بنیان، استفاده اندک از نیروی کار تحصیل کرده و در یک‌کلام خلق ارزش بر مبنای رانت و واسطه‌گری، سطح بهره‌وری و سهم آن در رشد اقتصادی به نسبت سایر کشورهای در حال توسعه و ظرفیت‌های کشور پایین است. بدون تعارفات معمول باید گفت اقتصاد کشور با بحران بهره‌وری روبه‌رو است. طبق گزارش ۲۰۱۹ سازمان بهره‌وری آسیایی در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۷ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران با «۱- درصد» بعد از کشورهای برونئی، میانمار و نپال در پایین‌ترین رتبه در بین کشورهای عضو سازمان بهره‌وری آسیایی قرار دارد. لذا ضروریست ارتقای بهره‌وری عوامل تولید در اولویت اصلی سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه قرار گیرد. گذار از نظام اقتصادی فعلی به سمت نظام اقتصادی کارا و با بهره‌وری بالا، مستلزم ایجاد هم‌تغییرات نهادی (ارتقای کیفیت قانون‌گذاری و حکمرانی و اجرایی) و هم اصلاحات قیمتی (با هدف نشان دادن کم‌یابی منابع آب و انرژی و غیره) است.

د - بهره‌مندی از ظرفیت‌های ایرانیان خارج از کشور

با توجه به منفی بودن رشد سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر، محدودیت رشد سال‌های آتی کاملاً آشکار است. از سوی دیگر هم نوسازی اقتصاد ایران هم افزایش ظرفیت تولید و ارتقای بهره‌وری انرژی نیازمند سرمایه است. وضعیت نظام بانکی کشور چشم‌انداز تامین منابع از این بخش را مبهم کرده است. بودجه دولت نیز دارای کسری گسترده است و لذا حتی با رفع تحریم‌ها نیز منابع در اختیار تنها کفاف مخارج ضروری را خواهد داد. از این رو از استفاده از سرمایه‌های خارجی گریزی نیست، اگرچه همواره در نحوه استفاده از آن باید شرط کارایی را در نظر گرفت. پیشنهاد می‌شود یکی از سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه تمهید سازوکارهای لازم برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های مالی و فنی ایرانیان خارج از کشور باشد.

ه - در نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای و آمایش سرزمین

در برنامه‌های توسعه، برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم‌کار ملی بین مناطق یا تقسیم‌کار منطقه‌ای بین نواحی هرگز مورد توجه قرار نگرفته است. به عبارتی سازوکار درگیر شدن مناطق و استان‌ها در تهیه، تدوین و اجرای برنامه و نیز نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه‌ریزی ملی مشخص نیست. لذا عدم توجه به امر برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای، ضمن آن که غفلت از امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای - محلی در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته، به گسترده شدن عدم توازن منطقه‌ای که پدیده توسعه‌نیافتگی را در تعدادی از استان‌های کشور خطرناک کرده، دامن زده است. از آنجا که در شرایط حاضر، سند آمایش سرزمین نیز در حال تدوین است، ضرورت دارد سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، هماهنگ با اهداف و اولویت‌های در نظر گرفته شده در این سند تدوین شود و نظام تدبیر در برنامه هفتم توسعه ملاحظات مربوط به برنامه‌ریزی منطق‌های و آمایش سرزمین را در نظر گیرد.

دو پیش نیاز اصلی در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرد:

اول- عدم گستردگی و پراکندگی سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی برنامه هفتم نباید گسترده و پراکنده باشند. در واقع، سیاست‌های کلی باید جهت‌گیری‌های ساختاری و الزام‌آور را که بقاء و تعالی کشور به آنها بستگی دارد، به صورت شفاف بیان کند. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، سیاست‌های کلی اصلاح نظام اداری و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و غیره راهبردهای کلی وجود دارد. لذا ابلاغ سیاست کلی برنامه هفتم در بندهای متعدد و گوناگون، حاصلی نخواهد داشت جز تکرار تجربه از دست دادن فرصت‌ها. از این رو برای اصلاح وضعیت، نخستین گام این است که سیاست‌های کلی برنامه هفتم سندی با تعداد محدودی بند باشد که در آن به طور مشخص موضوعاتی از قبیل موضوعات فوق تعیین تکلیف شود.

دوم- تاکید بر چالش‌محوری در سیاست‌های کلی برنامه

در شرایط حاضر پیش از گذشته تحول رویکرد حاکم بر تدوین برنامه‌های توسعه از برنامه‌ای تفضیلی به برنامه‌ای مسئله‌محور اهمیت یافته است. از این رو، ضروریست سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه تاکید صریح داشته باشند که برنامه هفتم توسعه به جای یک برنامه کلان، به صورت برنامه‌ای موضوع‌محور تدوین شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود محورهای اصلی زیر در سیاست‌های کلی و احکام برنامه هفتم توسعه مد نظر قرار گیرد:

- ✓ بازیابی نقش و جایگاه اقتصادی کشور در زنجیره ارزش
- ✓ تقویت بنیه تولیدی کشور با تاکید بر تولیدات صادرات محور
- ✓ کارآمدشدن جدی دولت
- ✓ مبارزه جدی با فساد در شئون مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور.

امید می‌رود، نقطه شروع بازسازی اقتصاد کشور با پیگیری رویکرد «اعمال مدیریت تحول» در برنامه هفتم توسعه و با در نظر گرفتن مجموعه الزام‌ها و بایسته‌های اشاره شده در سیاست‌های کلی برنامه نمود یابد. در برنامه هفتم توسعه حاکمیت باید حقوق حاکمیتی خود را به روشنی ساماندهی کند و مسیر زندگی اقتصادی را به سمت و سویی بکشد که تحقق آرمان‌های درازمدت را ممکن سازد. در این راستا اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، آمادگی خود را برای ارائه هرگونه نظر مشورتی و کارشناسی اعلام می‌کند.

منابع

- برمکی، افشین، (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- تهرانی، ایمان، (۱۳۹۳)، برنامه ششم توسعه (۲) ضرورت تغییر نگرش به برنامه‌های توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- رجبپور، حسین، (۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی ۱. مروری بر تحولات نظام برنامه‌ریزی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- زالی، نادر (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی در ایران با پیشنهاد مأموریت محوری در سیاست‌گذاری‌های توسعه منطقه‌ای، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شمار ششم.
- سجادی، حمید و ابراهیم متقی (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی امکان‌پذیری نظارت و کنترل در برنامه‌های توسعه ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش سیاسی، سال دهم، شماره دوم.
- شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران، (۱۳۸۸) آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران.
- طرزی، تقی و علیرضا نور محمدی (۱۳۹۹)، شاخص‌های اقتصادی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت رفاه اجتماعی، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، ص ۱۹.
- مردوخ، بایزید، (۱۳۹۷)، توسعه، نظام تدبیر، مدیریت تغییر و نگاه به آینده.
- مکنون، رضا، جلیل سلیمی و محسن بهرامی (۱۳۹۷)، فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره دهم.

تحلیل راهبردی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در آستانه برنامه هفتم

مرکز پژوهش‌های مجلس

چکیده

علی‌رغم سابقه طولانی برنامه‌ریزی توسعه در کشور و اختصاص اعتبارات گسترده و البته وقوع شوک‌های خارجی متعدد، قوانین برنامه نتوانسته‌اند زمینه‌ساز تحقق سیاست‌های کلی نظام شوند. حال که در آستانه تدوین برنامه هفتم قرار داریم، کوشش برای بهبود هرچه بیشتر فرایند برنامه‌ریزی و توسعه امری بسیار ضروری خواهد بود.

مرکز پژوهش‌ها تلاش نموده، تحلیل راهبردی خود را از محیط داخلی و بیرونی کشور در افق برنامه هفتم برای تنظیم برنامه با رویکرد «ماموریت‌گرای چندبعدی» ارائه نماید. در این رویکرد، مبتنی بر یک روایت واحد از فضای راهبردی حاکم بر محیط کشور، چند موضوع و ضرورت اصلی کشور در افق پنج‌ساله به‌عنوان اهداف راهبردی و کلان تحول در برنامه تعریف شده و سپس ذیل هر کدام، مجموعه‌ای از ماموریت‌ها و راهبردهای مشخص، تبیین می‌شوند. هرکدام از ماموریت‌ها نیز در قالب مجموعه‌ای از راهبردهای اصلاحی که به‌نوعی تبیین‌کننده دوراهی‌های سیاست‌گذاری کلان کشور است، توضیح داده شده است.

در پیشنهاد مرکز، روایت محوری (دال مرکزی) برنامه عبارت است از «پیشرفت درون‌زا همراه با برون‌گرایی اقتصاد (مقاوم شدن اقتصاد ملی)» که به منظور تحقق آن، چهار هدف راهبردی کلان شامل «جهش اقتصادی از طریق توسعه سرمایه‌گذاری»، «کاهش مستمر تورم»، «ارتقای حکمرانی و توانمندسازی نهاد دولت» و «تقویت جامعه» باید در قالب مجموعه‌ای از ماموریت‌های مشخص توسط نهاد برنامه‌ریز کشور پیگیری گردند.

کلیدواژگان: برنامه هفتم، وضعیت اقتصادی، وضعیت اجتماعی، پیشرفت درون‌زا

مقدمه

در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، مجموعاً شش برنامه توسعه با الگوها و مدل‌های متفاوت به اجرا درآمده‌اند که متأسفانه نتوانسته‌اند زمینه‌ساز تحقق اسناد بالادستی شوند، بلکه با صرف فراوان انرژی بدنه اجرایی و کارشناسی کشور و مطابق با بررسی‌های نهادهای مختلف، در بهترین حالت حداکثر ۳۰ تا ۵۰ درصد از اهداف خود را محقق ساخته‌اند. حال که در آستانه تدوین برنامه هفتم قرار داریم، کوشش برای یک بازنگری اساسی و بهبود هرچه بیشتر فرایند برنامه‌ریزی پیشرفت و توسعه امری بسیار حیاتی خواهد بود. این مهم به‌ویژه باتوجه‌به تأکیدات اخیر مقام معظم رهبری (دامت‌برکاته) در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورخ ۴ خردادماه ۱۴۰۱ مبنی بر «پرهیز از کلی‌گویی»، «تبیین دقیق راه برای مسئولان اجرایی کشور» و «مسئله‌محور شدن برنامه هفتم پیشرفت و توسعه» از اهمیت و ضرورت دوچندانی نسبت به قبل برخوردار شده است.

شاید بتوان بیان داشت که یکی از مهم‌ترین دلایل این وضعیت، روش تنظیم برنامه‌های توسعه در کشور ما بوده است. عموماً به شیوه‌ای که در کشور ما در خصوص تنظیم احکام برنامه‌های توسعه اعمال شده است رویکرد «برنامه‌ریزی جامع» اطلاق شده است.^۱ در اینجا سخن آن است که چالش اصلی این الگوی برنامه‌ریزی، از دست رفتن توان اولویت‌گذاری به عنوان اولین کارکرد یک برنامه پیشرفت و توسعه است. این در حالی است که مسئله‌محور شدن برنامه هفتم پیشرفت و توسعه به معنای امکان اولویت‌گذاری شفاف و معین به منظور پیشبرد برخی سیاست‌های خاص با هدف دستیابی به یک وضعیت بهتر در یک افق حداکثر پنج‌ساله است. به بیان بهتر، یک برنامه پیشرفت و توسعه مطلوب، بایستی ابتدا در یک نگاه مسئله‌محور آن چه را که «اولویت» است بیان دارد و آن گاه مسیر تلاش خود را با توجه به محدودیت‌ها و قیود حاکم بر شرایط یک کشور در جهت تحقق آن اولویت‌ها ترسیم کند. در غیر این صورت ذکر مجموعه‌ای از آمال و آرزوهای همه‌پسند که اصطلاحاً در ایران به آن برنامه‌ریزی جامع اطلاق نموده‌ایم و به تناوب در اسناد برنامه‌های توسعه پیشین مشاهده می‌شود کمکی به برون‌رفت از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نخواهد کرد.

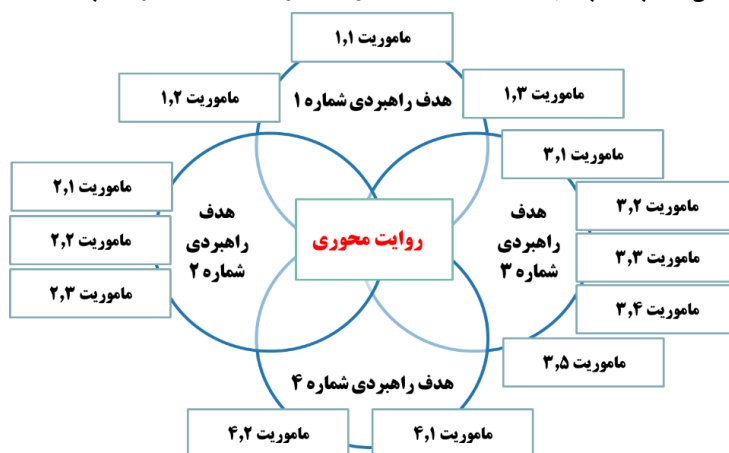
۱. البته این جامع بودن ناظر بر مفهومی است که میان سیاست‌گذاران به صورت بین‌الذهانی رایج است. در غیر این صورت ادبیات آکادمیک برنامه‌ریزی جامع با آن چه در فضای سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی جامع نامیده شده است، تفاوت معناداری دارد.

در این راستا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پس از بررسی رویکردهای مختلف و تجربیات متعدد کشورهای مختلف در امر برنامه‌ریزی توسعه که تفصیل آنها در گزارش‌های پشتیبان برنامه هفتم پیشرفت و توسعه مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر می‌شود، رویکرد برنامه‌ریزی «ماموریت‌گرای چندبعدی» را به‌عنوان رویکرد مختار خود برگزیده است. در این رویکرد مسئله اساسی آن است که هرچند ما در انتخاب اولویت‌ها بنا به ملاحظات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی نمی‌توانیم برنامه را متمرکز بر یک بخش خاص نماییم، اما یقیناً توجه به بخش‌های مختلف به معنای ارائه برنامه توسعه «بخش‌محور» نیست. در این رویکرد از تقسیم احکام برنامه به بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و... پرهیز شده و مبنای افراز سند برنامه پیشرفت و توسعه، اهداف راهبردی و کلانی است که توسط مقام برنامه‌ریز پس از تعامل با بخش‌های مختلف و مبتنی بر سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری احصا می‌شود. هر کدام از این اهداف راهبردی نیز ممکن است شامل مسائل یک یا چند بخش نظام حکمرانی کشور باشد. در واقع، مبتنی بر یک روایت واحد از فضای راهبردی حاکم بر محیط داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران که در ادامه به جزئیات آن اشاره خواهد شد، چند موضوع و ضرورت اصلی کشور در افق هرساله به‌عنوان اهداف راهبردی و کلان تحول در یک برنامه پیشرفت و توسعه تبیین خواهد شد و سپس ذیل هر کدام از این اهداف، مجموعه‌ای از ماموریت‌های مشخص تبیین خواهند شد. هر کدام از ماموریت‌ها نیز در قالب مجموعه‌ای از احکام معین زمان‌مند و مبتنی بر شاخص‌های مشخص ارزیابی در سند برنامه به اولویت‌های اجرایی کشور تبدیل خواهند شد. شکل ۱ تصویری شماتیک از الگوی موردنظر را نشان می‌دهد.

در اینجا هرچند جلسات متعدد کارشناسی و خبرگانی میان بخش‌های مختلف حاکم بر نظام تصمیم‌گیری کشور رخ خواهد داد، اما در نهایت بالاترین مقام اجرایی کشور یا سازمانی به نمایندگی از وی مسئول تدوین نسخه نهایی روایت مذکور و انتخاب ماموریت‌ها بر اساس ترسیم وضعیت کنونی و پیش‌بینی‌های آتی حوزه‌ها و دستگاه‌های بخشی خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که این تعامل با نهادها و دستگاه‌های بخشی متفاوت از شرایط کنونی تدوین برنامه‌های پیشرفت و توسعه است که عموماً دولت مرکزی مسئول تجمیع نظرها و آرای بخش‌های مختلف است.

در چهارچوب این رویکرد تحلیلی، ترسیم دقیق این ماموریت‌ها نیازمند ارائه یک تحلیل راهبردی در مقدمه هر نوع برنامه توسعه مبتنی بر فضای سیاسی داخلی و خارجی پیش روی کشور و محدودیت‌ها و چالش‌های موجود کشور است. این در حالی است که در زمان تدوین یا تصویب برنامه‌های توسعه پیشین عموماً احکام برنامه از یک سو بدون توجه به پیچیدگی‌های محیط بین‌الملل، فضای ژئوپلیتیک پیرامونی کشور و فرصت‌های نهفته در درون این موقعیت جغرافیایی تدوین شده است. از سوی دیگر، در تنظیم یا تصویب این احکام محدودیت‌های داخلی حاکم بر حوزه‌های زیرساختی و اقتصادی و اجتماعی کشور نیز به درستی در نظر گرفته نشده است و بعضاً احکام برنامه حاوی یک نوع آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه است. این در حالی است که نوع عملکرد کشورهای موفق به ویژه کشورهای تازه توسعه‌یافته به‌روشنی دلالت بر اهتمام آنها به داشتن یک رابطه دقیق میان مدل برنامه‌ریزی و شرایط و اقتضائات محیطی و همچنین محدودیت‌های زیرساختی دارد.

شکل ۱. چهارچوب شماتیک الگوی برنامه‌ریزی ماموریت‌گرای چندبعدی



بر این اساس، در ادامه سعی خواهد شد ابتدا روایت مختار پیشنهادی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی برای تدوین برنامه هفتم پیشرفت و توسعه مبتنی بر کلان روندهای حاکم بر محیط بین‌الملل، فضای ژئوپلیتیک پیرامونی کشور و فرصت‌های نهفته در درون این موقعیت جغرافیایی و همچنین محدودیت‌ها و چالش‌های کنونی کشور ترسیم شود و سپس ذیل آن اهداف کلان و راهبردی و ماموریت‌های اصلی پیشنهادی برای تدوین برنامه هفتم پیشرفت و توسعه کشور تبیین گردد.

۱. روایت محوری

جمعیت ملاحظات محیطی و داخلی ناظر بر برنامه هفتم پیشرفت و توسعه به‌ویژه تحولات خارجی پیرامون کشور که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، حاکی از آن است که در افق پنج‌ساله آینده «تحرک‌بخشی به چرخه قدرت ملی» بایستی از طریق تمرکز بر «جهش اقتصادی» به‌عنوان موتور محرکه سایر مولفه‌های قدرت پیگیری شود. در واقع، مبتنی بر تحلیل راهبردی مجموعه متغیرهای حاکم بر کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی، جهش اقتصادی برای کشور ایران به ویژه با تأکید بر جهش سرمایه‌گذاری علاوه بر آن که تأمین‌کننده اهداف اقتصادی است در راستای تقویت اقتدار ملی کشور نیز خواهد بود؛ بنابراین باید هدف محوری و اصلی تنظیم احکام برنامه هفتم پیشرفت و توسعه باشد. نگاهی به شاخص‌های اقتصادی کشور در یک دهه گذشته ضرورت این هدف محوری را دوچندان می‌کند. به طور مثال، در سال ۱۴۰۰ پس از ۳ سال رشد منفی و قرارگرفتن اقتصاد ایران در رکود، شاهد رشد اقتصادی ۲/۸ درصدی بودیم که البته بخش قابل‌توجهی از آن به واسطه ایجاد گشایش‌های محدود در فروش نفت خام بوده است. این در حالی است که در برنامه ششم هدف‌گذاری برنامه، دستیابی به رشد ۸ درصدی بوده است. ضمن آن که بخش قابل‌توجهی از رشد اقتصادی سال ۱۴۰۰، ناظر بر فروکش کردن همه‌گیری کرونا بوده است که به واسطه آن بخش خدمات پس از دو سال رشد منفی، در سال گذشته رشد ۳/۵ درصدی را پشت سر گذاشته است. در غیر این صورت، همچنان نرخ تشکیل سرمایه ثابت داخلی برای سومین سال پیاپی منفی است و همچنان میزان سرمایه‌گذاری انجام شده کفایت جبران استهلاک اقتصاد ایران را هم نمی‌دهد. بر اساس آخرین آمارهای موجود، در دهه ۹۰ شمسی میانگین نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی کشور منفی ۴/۴ درصد بوده است و نسبت تشکیل سرمایه به هزینه ناخالص داخلی از ۲۶/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۵/۴ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. همچنین، رشد بخش صنعت در سال ۱۴۰۰ منفی ۰/۶ درصد بوده است و رشد شاخص تولید در حوزه‌هایی نظیر فلزات پایه و شیمیایی (به جز دارو) به عنوان اصلی‌ترین بخش‌های تشکیل‌دهنده سرمایه ثابت غیرساختمانی کشور در سال ۱۴۰۰ به ترتیب منفی ۵/۱۵ و ۴/۱۹ بوده است.

در کنار این موارد و بنا بر اعلام مرکز آمار ایران، نرخ تورم در پایان سال ۱۴۰۰ برابر با ۴۰/۲ درصد بوده است. با توجه به کسری حدوداً ۲۹۰ هزار میلیارد تومانی دولت در بودجه سال ۱۴۰۰، افزایش شدید حداقل دستمزدها در سال ۱۴۰۱ (برابر با ۵۷ درصد) که پیش بینی می شود تخلیه آثار آن در سال های پیش رو نیز به طول بیانجامد و ناترازی بخش بانکی کشور به عنوان موتورهای ایجاد تورم، به نظر می رسد ما همچنان شاهد تورم های دو رقمی در سال های آینده خواهیم بود. همچنین، وضعیت نابسامان صندوق های بازنشستگی و وابستگی بالای آنها به دولت نیز بر حجم ناترازی های تشدید کننده تورم خواهد افزود. به نحوی که در سال ۱۴۰۱ پرداخت حقوق و مزایای کارکنان بازنشسته ۴ صندوق لشگری، کشوری، فولاد و اطلاعات نیازمند بیش از ۲۱۷۰۰۰ میلیارد تومان کمک دولت است. صندوق تامین اجتماعی نیز نیازمند دریافت ۹۰ هزار میلیارد تومان از دولت بابت بدهی های قبلی است که مجموعه این ها کسری تراز عملیاتی دولت را احتمالاً بیش از سال ۱۴۰۰ خواهد نمود.

در حوزه های زیرساختی کشور نیز برآوردها حاکی از آن است که با توجه به روند مصرف کنونی انرژی، نیازمند سرمایه گذاری حدوداً ۱۰۰ میلیارد دلاری برای افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز خواهیم بود تا بتوانیم مصرف داخلی و امکان صادرات حداکثری را فراهم نماییم. در غیر این صورت با روند صادرات یک میلیون بشکه ای نفت خام و میعانات گازی و حفظ سهم شرکت ملی نفت و عدم تغییر رابطه مالی شرکت ملی نفت و دولت، منابع کنونی در بهترین حالت توان نگهداشت ظرفیت کنونی تولید نفت کشور را در حد ۳/۸ میلیون بشکه در روز خواهند داشت.

بایستی توجه داشت که در حوزه گاز وضعیت از حوزه نفت خام نامناسب تر است و تولید مورد نیاز برای پاسخگویی به حداقل لازم مصرف داخلی (بدون اجرای طرح های توسعه ای در صنعت و صادرات) حداقل ۲۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد.

در حوزه برق نیز در صورتی که رشد سالانه پیک مصرف برق را بتوان از ۵ به ۳ درصد کاهش داد، با احداث بیش از ۲۷ هزار مگاوات نیروگاه جدید در طول پنج سال آینده می توان از محدودیت های جدی تامین برق داخلی کشور و همچنین صادرات برق به کشورهای هم جوار عبور کرد. این میزان سرمایه گذاری شامل احداث نیروگاه های راندمان بالا (۵۵ درصد)، افزایش ظرفیت از طریق ارتقای

واحدهای موجود، تبدیل تمامی نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی و بازنشستگی نیروگاه‌های فرسوده و جایگزینی آنها با واحدهای راندمان بالاست. برای تحقق این ۲۷ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاهی، لازم است در طول پنج سال آینده معادل ۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام شود. شبکه انتقال و توزیع نیز باید به تناسب توسعه ظرفیت نیروگاهی و باتوجه به رشد مصرف مراکز بار بازسازی، نوسازی و توسعه یابد که برآوردهای اولیه نشان می‌دهد این بخش از زنجیره تامین برق نیز به ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید نیاز دارد؛ لذا صنعت برق باید بتواند در طول پنج سال برنامه هفتم پیشرفت و توسعه حدود ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید انجام دهد و به بهره‌برداری برساند.

در کنار وضعیت شاخص‌های اقتصادی کشور که «جهش اقتصادی» را به عنوان هدف‌گذاری کلان و محوری برنامه هفتم پیشرفت و توسعه ضروری ساخته است، در عرصه بین‌الملل نیز شاهد رخدادهای دیگری هستیم که این موضوع را به صورت دوچندان ضروری می‌سازد. در واقع به تدریج ما شاهد برهم‌خوردن تدریجی نظم کنونی در عرصه بین‌الملل هستیم که ذیل آن شاهد روند انتقال منابع ثروت از غرب به طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه آسیایی و ظهور آسیا به عنوان کانون جدید ثروت در جهان (دوره رنسانس آسیایی با محوریت چین) هستیم. حال در صورت عدم جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه منطقه و فرامنطقه به واسطه کاهش درهم‌تنیدگی و یکپارچگی اقتصادی و تجاری میان ایران و کشورهای طرف معامله و شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش جدید در غیاب ایران، چالش‌های اقتصادی کشور بیش از گذشته خواهد بود.

از سوی دیگر، در صورت بی‌توجهی به زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به دلیل قرارگیری ایران در نقطه گرانیگاهی شکل‌گیری این نظم نوین جهانی که هسته مرکزی آن تغییر نظام بین‌المللی تقسیم‌کار شکل گرفته بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر رابطه اقتصادی و متعاقب آن رابطه امنیتی حوزه‌هایی نظیر چین، روسیه، هند، اتحادیه اروپا و آمریکا است، اثرگذاری تحریم‌ها می‌تواند تشدید گردد. تدقیق این موضوع نیازمند تبیین مهم‌ترین و اصلی‌ترین کلان روندها و رویدادهای محیطی بین‌المللی موثر بر محیط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم روشنی در جهت اتخاذ این هدف محوری در تدوین برنامه هفتم پیشرفت و توسعه داشته‌اند.

بر این اساس، در ادامه مهم ترین روندهای مذکور بررسی خواهد شد تا بر اساس آن مشخص گردد ذیل چالش های موجود داخلی و فضای پرتلاطم پیرامونی، اولاً، چگونه می توان فرصت هایی را برای جهش اقتصادی کشور در ۵ سال آینده شناسایی نمود. ثانیاً، ذیل آن چه اهداف راهبردی دیگری را برای پشتیبانی این هدف راهبردی باید در نظر داشت و ثالثاً، چه ماموریت هایی را بایستی به عنوان ماموریت های اصلی برای تحقق این اهداف راهبردی در برنامه پیگیری کرد.

۲. نگاهی به روندها و رویدادهای اصلی موثر بر محیط منطقه ای و فرامنطقه ای ج.ا. ایران

برنامه هفتم پیشرفت و توسعه کشور در شرایطی در دست تنظیم است که نشانه هایی معنادار از تغییراتی شگرف در ساختار سیاسی، امنیتی و اقتصادی بین المللی و پویای منطقه ای قابل مشاهده است. در واقع در سطح بین المللی، ضمن این که همکاری ها از تنوع و پیچیدگی رو به تزایدی برخوردار شده اند، جهت گیری مبادلات و تعاملات فراملی معطوف به درون مناطق شده، نا اطمینانی و عدم قطعیت افزایش یافته، تعارض ژئوپلیتیک میان قدرت های بزرگ احیا گشته، موازنه قدرت سیاسی و اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دچار تغییر شده و مراکز جدید قدرت سیاسی و اقتصادی در حال شکل گیری اند. به همین جهت، طی سال های گذشته به ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ نه تنها نوعی کاهش در سرعت جهانی شدن رخ داده، بلکه در برخی زمینه ها این فرایند سمت و سوی معکوس یافته است. در راستای جهانی شدن زدایی، از یک سو کشورها و ملت ها در ابعاد سیاسی و اجتماعی شاهد احیای گرایش ها و تمایلات ملی گرایانه هستند و از سوی دیگر، در ابعاد اقتصادی شاهد بازگشت حمایت گرایی و خوداتکایی هستیم.

در این میان، در بستر تحولات سیاسی و اقتصادی جهان، روندها و رویدادهایی نیز در برخی حوزه های موضوعی شکل گرفته اند که اگرچه اساساً از ماهیت اقتصادی و اجتماعی برخوردارند، اما دارای پیامدهای سیاسی - امنیتی چه در داخل و چه در خارج از کشورها هستند. تغییراتی که در زمینه های اقلیمی و محیط زیستی یا در زمینه های جمعیتی و سبک زندگی شهرنشینی یا در حوزه پیشرفت های فناوری، فضای سایبری و انقلاب صنعتی چهارم رخ داده اند، همگی نشانه هایی از روندهای متحول را بازتاب می دهند که با شدت و سرعت قابل توجه روبه جلو حرکت می کنند. حوزه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران نیز مستثنا از این تحولات نیست

و حتی می‌توان بیان داشت که در بطن برخی از این تحولات قرار دارد. از این‌رو، برنامه هفتم پیشرفت و توسعه کشورمان، بایستی بتواند در این فضای جدید مسیری در جهت افزایش منابع و توانمندی‌های اقتصادی کشور در سپهر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از طریق انتخاب اولویت‌های مشخص اقتصادی داشته باشد، البته در پیگیری این راهبرد باید به ملاحظات بنیادین مرتبط با اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نظیر استقلال سیاسی نیز توجه ویژه داشت. باید توجه داشت که فرایند تغییر این پارادایم در سیاست بین‌الملل فراتر از افق یک برنامه توسعه خواهد بود؛ بنابراین در دوره پنج‌ساله اجرای برنامه هفتم پیشرفت و توسعه در ایران، بیش از آن که نظامی جدید در صحنه بین‌المللی مستقر شود، فرایند تغییر تداوم خواهد یافت. مبتنی بر این مقدمه، در ذیل سعی خواهد شد به برخی از مصادیق این کلان روندها که مختصات شرایط محیطی بین‌المللی در دوره برنامه هفتم پیشرفت و توسعه حول آنها خواهد بود به‌اجمال اشاره می‌شود.

۲-۱. کلان روندهای محیط بین‌الملل و دلالت‌های آن برای محیط منطقه‌ای پیرامون ج.ا. ایران

پیشران اول: تغییر در ماهیت کنونی نظم بین‌المللی

پیشران دوم: انتقال منابع ثروت از غرب به شرق

پیشران سوم: تقویت ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی اقتصادی

پیشران چهارم: نقش‌یابی ابزارهای اقتصادی در معادلات ژئوپلیتیک: امکان استمرار و تشدید تحریم‌ها

پیشران پنجم: بحران حکمرانی جهانی

پیشران ششم: تغییر زنجیره‌های جهانی ارزش

پیشران هفتم: اتخاذ راهبرد نبرد ترکیبی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان آن

۲-۲. کلان روندهای موضوعی با پیامدهای گسترده اقتصادی

پیشران اول: تغییرات آب‌وهوایی و زیست‌محیطی

پیشران دوم: تغییرات اجتماعی و جمعیتی

پیشران سوم: تغییرات فناوری و سایبری

۳. فرصت‌های اصلی پیش روی کشور در پنج سال آینده

در کنار ارائه تحلیل‌های آسیب‌شناسانه از وضع موجود و تبیین چالش‌های کشور برای سیاست‌گذاری، ضروری است به ظرفیت‌ها، نقاط قوت و فرصت‌های مزیت‌ساز بی‌شمار کشور نیز توجه کافی نمود و راهکارهای متناسب را برای تدبیر و تمشیت امور پیش روی سیاست‌گذاران قرار داد. در این چارچوب و در نگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به نظر می‌رسد در آستانه ورود به برنامه هفتم پیشرفت و توسعه کشور در کنار این چالش‌ها سه حوزه خاص فرصت‌ساز نیز پیش روی کشور قرار دارد که عبارت‌اند از:

فرصت اول، شکل‌گیری تحولات فناورانه جدید است که این تحولات تمام شئون و امور کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی که در روند توسعه قرار گرفته‌اند را دربر گرفته است. آن چه در سال نیز با عنوان تولید دانش‌بنیان مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است، ناظر بر فرصتی است که این پنجره فرصت فناورانه پیش روی کشور قرار داده است، البته استفاده از این سیاست نیازمند تغییر رویکرد سیاست‌گذاری افقی کنونی نهادهایی نظیر معاونت علم و فناوری در حوزه توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و گردش پارادایمی به سمت سیاست‌های عمودی با تاکید بر حوزه‌هایی نظیر هوش مصنوعی، رباتیک، فناوری‌های همگرا، الکترونیک و برخی از موضوعات زیستی است. در واقع با توجه به آن چه در سطور بالا در خصوص چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بیان گردید، استفاده از این ظرفیت فناورانه با سیاست‌های افقی سال‌های پیشین نهادهای متولی توسعه فناوری ممکن نخواهد بود. ما نیازمند یک نوع اولویت‌گذاری در بهره‌برداری از این پنجره فرصت هستیم که این بدون تغییر ریل‌گذاری سیاست‌های توسعه فناوری کنونی محقق نخواهد شد. همچنین، بهره‌برداری از این فرصت فناورانه در پیوند با راهبرد توسعه صنعتی کشور نتایج موثری به ارمغان خواهد آورد. در غیر این صورت، اکوسیستم توسعه فناوری می‌تواند سکوی مهاجرت نخبگان و صرفاً محمل پرداخت هزینه‌های یادگیری در حین عمل آنها باشد؛ بنابراین، لازم است سیاست صنعتی با سیاست فناوری کشور به صورت یکپارچه مورد بازنگری جدی قرار گیرد و در برنامه هفتم پیشرفت و توسعه اولویت‌های هر دو به صورت یکجا و در ارتباط با یکدیگر مشخص گردند.

فرصت دوم، امکان و فرصت جانمایی جدید کشور در عرصه اقتصاد بین‌الملل است. همان گونه که اشاره شد، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در کنار گفتمان مقاومت و استکبارستیزی کشور، عوامل تعیین‌کننده نحوه تعامل کنش‌گران بین‌المللی با ایران هستند. در هر برهه‌ای از تاریخ به تناسب این که ایران، موقعیت جغرافیای اقتصادی خود را به نفع یا ضرر کدام قدرت بین‌المللی به کار گرفته است جبهه‌بندی‌های متفاوتی در نسبت با ایران در عرصه بین‌الملل شکل گرفته است. در دوران تحریم حداکثری، منافع بلوک غرب، اخراج ایران از زنجیره‌های ارزش بزرگ جهانی بوده است. این در حالی است که تا پیش از آن، بلوک غرب، یکی از ذی‌نفعان اصلی نفت ایران بوده اما به موجب یک تغییر ماهوی در نقشه تجارت اقلام اساسی جهانی و به طور خاص نفت، صحنه‌آرایی جدیدی در عرصه بین‌الملل به وجود آمد.

توضیح آن که تا پیش از تشدید تحریم‌ها در سال ۲۰۱۲، ایران فروشنده نفت و تامین‌کننده امنیت جریان انرژی از منطقه غرب آسیا به سایر نقاط جهان و به طور خاص کشورهای بلوک غرب بوده است. وجود منابع سرشار سوخت فسیلی در پهنه سرزمینی ایران باعث شده بود تا ایران بتواند نقش تامین‌کننده انرژی را در زنجیره‌های تولید جهانی ایفا و از محل درآمدهای حاصل از صادرات آن، نیازهای خود را در قالب انواع پروژه‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای پیگیری نماید. در این زیست‌نفتی، همه نیازهای فرامرزی ایران ذیل یک پرونده و آن هم پرونده صادرات نفت حل و فصل می‌گردید. در واقع اقتصاد ایران در ذیل مبادله «نفت در برابر توسعه»، نیازهایی اعم از تامین کالاهای اساسی، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مرتبط با تولید، تامین ارز خارجی جهت مدیریت بازار ارز داخلی، پوشش ریسک مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و... را پوشش می‌داد.

اما با تحریم‌های سال ۲۰۱۲ (که به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای کشور رقم خورد ولی درحقیقت عقبه آن تحولات و گذارهای فناورانه و سیاسی و تغییر مختصات بازارهای جهانی و اقتصاد کلان آن بود)، جایگاه ایران در زنجیره‌های تامین انرژی دست‌خوش تغییر و دگرگونی شد و با برهم‌خوردن معامله تاریخی نفت در برابر توسعه، جایگاه کشور در این عرصه اقتصادی به شدت رو به افول گذاشت، البته به موازات این تغییر، افزایش اقتدار منطقه‌ای و تقویت ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت، باعث شد کشور به لحاظ سیاسی و امنیتی دچار چالش‌های ساختاری و بنیادی نگردد، اما چالش‌های اقتصادی کشور ابعاد جدیدی به خود گرفت.

حال در این وضع معماگونه به نظر می‌رسد به واسطه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اخیر در عرصه بین‌الملل، شاهد شکل‌گیری نظم جدیدی در عرصه تولید و تجارت بین‌المللی هستیم که وجه مشخصه آنها، عدم ابتنا بر یک استاندارد فراگیر و جهان‌شمول است؛ به عبارت دیگر در این نظم جدید شاهد الگوهای تولید و تجارتي هستیم که هرکدام واجد استاندارد منحصر به فرد هستند و در پهنه‌ای از جغرافیای سیاسی در جریان هستند. در چنین شرایطی، در صورت داشتن هوشمندی مناسب و طراحی صحنه‌آرایی بدیل، فرصت جدیدی برای جهش اقتصادی کشور از یک‌سو و خروج از چالش‌های ساختاری و تاریخی زیست‌نفتی از سوی دیگر فراهم خواهد آورد. در واقع این فرصت را باید همان پیچ تاریخی دانست که مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر به‌کرات در سخنان خود به آن اشاره داشته‌اند. در نقطه مقابل چنانچه در این نظم در حال گذار، ایران نتواند جایگاه جدیدی برای خود در عرصه بین‌الملل به دست آورده و از آن طریق، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جدیدی برای خود بسازد بروز پدیده‌ای با عنوان «انزوای سیاسی و اقتصادی ایران» دور از انتظار نخواهد بود؛ به تبع آن رویداد، شاخص‌های کلان اقتصاد تضعیف شده و متعاقباً رفاه و معیشت جامعه ایران دچار انقباض خواهد شد.

از این حیث لازم است جمهوری اسلامی ایران با بسیج تمام ظرفیت‌ها مهيای این نظم جدید شود تا بتواند با استفاده از تمامی ابزارها و امکانات در اختیار، جانمایی جدیدی را برای خود در عرصه بین‌الملل رقم بزند. بر این اساس، برنامه پنج‌ساله هفتم جمهوری اسلامی ایران باید زیربنایی باشد برای جانمایی جدید و بهره‌گیری از این تحولات بین‌المللی در جهت حضور قدرتمند کشور در زنجیره‌های ارزش منطقه و فرامنطقه. به نظر می‌رسد این مهم نیازمند آن است که کشور در حوزه همکاری‌های چندجانبه خود و در ذیل برنامه هفتم، موضوعات زیر را به‌صورت اولویت‌بندی شده در دستور کار خود قرار دهد و با بازسازی ساختار نهادی تصمیم‌گیری کشور در حوزه پروژه‌های بزرگ، اولویت‌ها را شناسایی کرده و با قید فوریت به فرصت جدید افزایش اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل نماید:

۱. بازطراحی بازیگری ایران در نقشه زنجیره تامین جهانی اقلام اساسی (نفت، گاز، فلزات اساسی، غلات)
۲. بازطراحی رابطه دوسویه امنیت و اقتصاد در ایجاد کریدورهای مرتبط با جمهوری اسلامی ایران (به مثابه جاگیری امن و پایدار کشور در نقشه امنیتی اقتصادی جهان)

۳. بازنگری اساسی در بازیگری ایران در ژئوپلیتیک سرمایه و انعقاد جریان‌های پایدار نقدی خارجی (مانند اصلاح اساسی صندوق توسعه ملی، بازطراحی نقاط تسویه فرامرزی تجارت کشور و تغییر ریل سرمایه‌گذاری خارجی کشور)
 ۴. تدوین نقشه راه توسعه صنعتی کشور در انطباق با نقشه روابط اقتصادی خارجی کشور (مبتنی بر ظرفیت مازاد تولیدی کشور و جاگیری در مسیر زنجیره ارزش‌های جدید)
 ۵. تغییر نوع نگاه سیاست خارجی ایران از برّی به سیاست‌های بحری (توسعه دریا محور و ایجاد معاملات راهبردی با سایر قدرت‌ها در دریا)
 ۶. راهبری توسعه منطقه (به منظور توسعه سیاسی بازارهای کشور به وسیله بازسازی این کشورها، ایجاد ظرفیت اقتصادی جدید در کشور و ایجاد نقاط تسویه تجاری - ارزی جدید در فرامرز)
 ۷. ایجاد هژمونی نهادی توسط ایران و بازیگری ایران در کریدورهای مجازی (ائتلاف‌سازی و بسط نفوذ نهادهای ایرانی، اعمال استانداردهای ملی بر منطقه و ایجاد دست برتر در تنظیم روابط منطقه).
- شایان‌ذکر است که بررسی ابعاد و جوانب مختلف هریک از پروژه‌های راهبردی صدرالذکر نیازمند بررسی و واکاوی مجزاست که موضوع این گزارش نیست.
- فرصت سوم نیز، باقی‌مانده پنجره جمعیتی دهه ۶۰ و ۷۰ است که همچنان نیروی انسانی توانمندی برای توسعه کشور محسوب می‌شوند. نگاهی به برخی از حوادث و رخداد‌های سال‌های اخیر در زمان وقوع بحران‌های طبیعی نظیر سیلاب‌های سال‌های اخیر و یا اپیدمی کرونا یا برخی از حوادث سیاسی و اجتماعی در محیط منطقه‌ای کشور نظیر شکل‌گیری هسته‌های مقاومت مدافعین حرم و یا جریان‌های محرومیت‌زدایی که در تمامی آنها بعضاً شاهد شکست ساختارهای رسمی پیشین کشور و کمک‌رسانی جریان‌های غیررسمی مردمی بوده‌ایم نشان‌دهنده آن است که همچنان می‌توان به باقی‌مانده این پنجره جمعیتی به عنوان جمعیتی که بتواند بار پیشرفت و توسعه کشور را به دوش بکشد امید بست.

در واقع و در این رویکرد، مجموعه چالش‌هایی که در سال‌های اخیر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بر کشور تحمیل شده و در سطور بالا به تفصیل به جزئیات آن اشاره گردید، بایستی در یک فرایند رفت و برگشتی و با استفاده از مزیت‌های موجود در ابتکارهای مبتنی بر جغرافیای سیاسی و جانمایی در اقتصاد منطقه و فرا منطقه، داشتن نقشه هدف مناسب برای بهره‌گیری از ظرفیت تحولات فناورانه موسوم به انقلاب صنعتی چهارم و تمرکز بر حمایت از ظرفیت نخبگانی ماحصل پنجره‌های جمعیتی دهه ۶۰ و ۷۰ حل و فصل شود.

از منظر روایت فوق‌الذکر این هدف زمانی عملیاتی خواهد شد که حسب آن چه در خصوص چشم‌انداز کلان روندهای محیطی بین‌المللی و منطقه‌ای و تاثیر آنها بر برنامه‌های توسعه ایران بیان گردید، اجرای برنامه پنج‌ساله توسعه هفتم بر مدار «جهش اقتصادی مبتنی بر جانمایی جدید در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» مورد توجه باشد. این هدف راهبردی به عنوان دال مرکزی روایت فوق، در واقع تلاشی در جهت عملیاتی کردن «درون‌زایی همراه با برون‌گرایی» مورد تاکید مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که در سال‌های اخیر به کرات مورد اشاره معظم‌له بوده است.

در این نگاه آن چه برنامه هفتم پیشرفت و توسعه را به شرایط بین‌المللی پیوند می‌دهد، تلاش برای دستیابی به منابع بین‌المللی توسعه به منظور افزایش سطح کمی و کیفی تولید ملی است؛ به دیگر سخن، بخشی از منابع لازم برای اجرای برنامه هفتم پیشرفت و توسعه و «جهش تولید ملی»، لاجرم باید از محیط بین‌المللی تامین شود. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی به عنوان استراتژی دولت برای تامین بخشی از منابع پیشرفت و توسعه از محیط خارجی و حلقه پیوند شرایط داخلی به بین‌المللی از اهمیت محوری برخوردار است. به دیگر سخن، برنامه هفتم پیشرفت و توسعه کشور برای اجرایی شدن نیازمند طراحی دیپلماسی اقتصادی منسجم و واقع‌بینانه است. اما در طراحی دیپلماسی اقتصادی و در فرایند اجرای برنامه هفتم پیشرفت و توسعه، به چند نکته باید توجه داشت:

نخست، فضای روابط ایران و آمریکا و همچنین فضای سیاست داخلی ایالات متحده، اجازه لغو تحریم‌های این کشور در میان‌مدت را نخواهد داد. مقام معظم رهبری تأکید فرموده‌اند بدون معطل ماندن در مقوله سرنوشت تحریم‌ها، می‌بایست پیشبرد امور کشور را به‌طور جدی در دستور

کار قرار داد. طبعاً در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران در فرایند اجرای برنامه هفتم پیشرفت و توسعه، باید به این نکته توجه کافی مبذول داشت.

دوم، اتصال به زنجیره‌های تامین و ارزش جهانی با محوریت زنجیره‌های نوظهور در شرایط جدید، نه یک انتخاب، بلکه یک الزام برای کشور محسوب می‌شود. از همین رو کانون دیپلماسی اقتصادی ایران در طول برنامه هفتم پیشرفت و توسعه می‌بایست با گرایش به سمت قدرت‌های نوظهور (مخصوصاً چین) در جهت اتصال به زنجیره‌های جهانی جدید ارزش باشد.

سوم، نکته مهم در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران، توجه به محیط همسایگی است که می‌تواند بخشی از راه‌حل دیپلماسی اقتصادی ایران در فرایند اجرایی شدن برنامه هفتم پیشرفت و توسعه باشد. چهارم، در شرایط محیطی سیال و دگرگون‌شونده، انعطاف برنامه هفتم پیشرفت و توسعه می‌بایست مدنظر برنامه‌نویسان قرار گیرد تا به تناسب تغییرات در محیط بین‌المللی اجرایی شدن برنامه با راهبردهای بدیل مورد بررسی و بازبینی واقع شود. به عنوان مثال، روند تحول تنش میان چین و روسیه با مجموعه غرب بر همکاری ایران با چین و روسیه، میزان دسترسی ایران به منابع بین‌المللی، قیمت نفت و بسیاری از متغیرهای دیگر آثار قابل توجهی خواهد داشت. بنابراین، در متن شرایط مبهم و دگرگون‌شونده بین‌المللی، دیپلماسی اقتصادی ایران باید در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت مورد ارزیابی و بازبینی قرار گیرد.

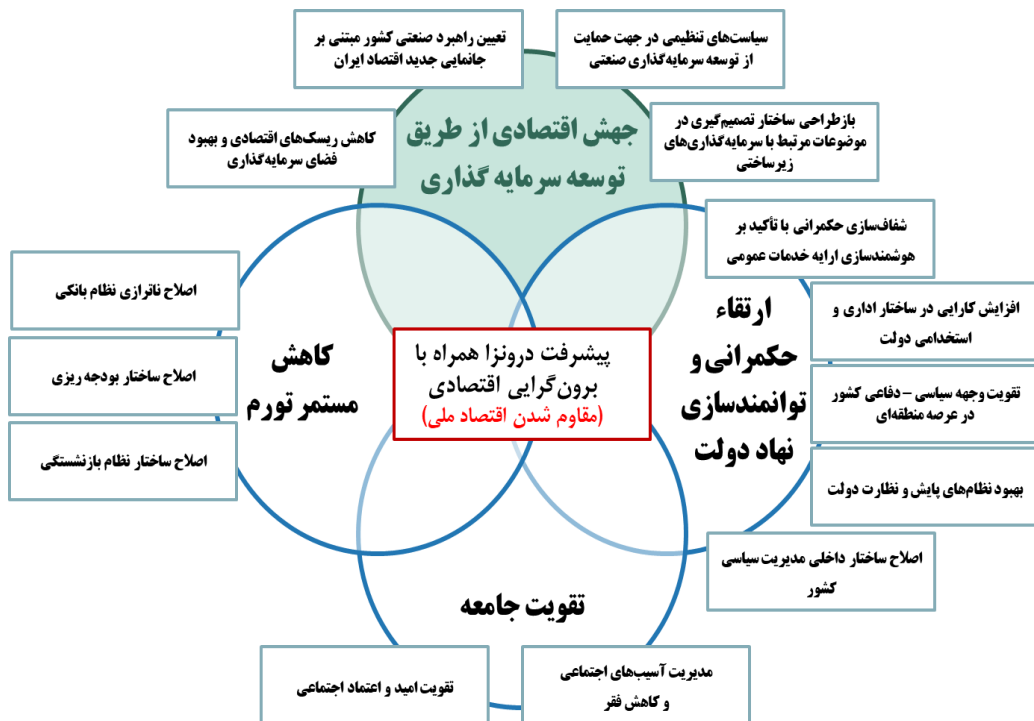
بنابراین و مبتنی بر این مقدمه تحلیلی - تفصیلی و حسب آن چه در خصوص اهمیت و ضرورت جهش اقتصادی با تاکید بر جهش سرمایه‌گذاری در فضای پر مخاطره پیرامون نظام جمهوری اسلامی ایران بیان گردید به نظر می‌رسد جهت‌گیری اصلی برنامه هفتم پیشرفت و توسعه باید ذیل ۴ هدف راهبردی زیر به عنوان اولویت و بستری برای قرار دادن مجموعه‌ای از دستورکارهای مشخص در مسیر تدوین برنامه هفتم پیشرفت و توسعه در نظر گرفته شود که سه هدف آن به صورت اهداف راهبردی میانی و در نقش پشتیبانی‌کننده هدف راهبردی اصلی که همانا «جهش اقتصادی» با تاکید بر «جهش سرمایه‌گذاری» است، خواهند داشت.

پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آن است که اهداف راهبردی و کلانی که توسط مقام برنامه‌ریز باید به‌عنوان مبنای ترسیم برنامه هفتم با رویکرد ماموریت‌گرای چندبعدی قرار گیرد چهار هدف جهش اقتصادی از طریق توسعه سرمایه‌گذاری، کنترل تورم، ارتقای حکمرانی و توانمندسازی نهاد دولت و تقویت جامعه خواهد بود که سه هدف آخر به دنبال تبیین ماموریت‌هایی میانی در جهت محقق نمودن هدف اصلی راهبردی یعنی جهش اقتصادی است.

در واقع جهش اقتصادی از طریق توسعه سرمایه‌گذاری نیازمند توجه به سه مجموعه اقدامات راهبردی میانی دیگر در حوزه کنترل تورم، ارتقای حکمرانی و توانمندسازی نهاد دولت و تقویت جامعه است که بدون توجه به آن امکان تحقق توسعه سرمایه‌گذاری محقق نخواهد شد.

شکل ۲ تصویری شماتیک از الگوی مورد نظر را نشان می‌دهد که مجدداً در شکل ۳ به همراه ماموریت‌های هرکدام از این اهداف راهبردی بازطراحی شده است. در نهایت در ادامه تلاش شده است تا مبتنی بر اهداف راهبردی فوق‌الذکر مجموعه‌ای از پیشنهادهاى اولیه در خصوص تبیین برنامه هفتم پیشرفت و توسعه ارائه گردد.

شکل ۳. تصویر شماتیک تفصیلی مدل پیشنهادی برنامه‌ریزی ماموریت‌گرای چندبعدی



۴. اهداف، ماموریت‌ها و راهبردهای کلان پیشنهادی

با توجه به استخراج اهداف راهبردی در بخش پیشین و با توجه به این که، در واقع جهش اقتصادی از طریق توسعه سرمایه‌گذاری نیازمند توجه به ۳ مجموعه اقدامات راهبردی دیگر در حوزه کنترل تورم، ارتقای حکمرانی و توانمندسازی نهاد دولت و تقویت جامعه است که بدون توجه به آن امکان تحقق توسعه سرمایه‌گذاری محقق نخواهد شد، در ادامه تلاش شده است تا مبتنی بر تحلیل راهبردی ارائه شده از چالش‌ها و مسائل پیش روی کشور در افق برنامه، مجموعه‌ای از راهبردها و رویکردهای کلان پیشنهادی برای برنامه هفتم پیشرفت و توسعه کشور ارائه گردد.

جدول ۱. اهداف راهبردی پیشنهادی به همراه ماموریت‌ها

اهداف راهبردی	ماموریت‌ها
جهش اقتصادی از طریق توسعه سرمایه‌گذاری	بازطراحی ساختار تصمیم‌گیری در موضوعات مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی
	تعیین راهبرد صنعتی کشور مبتنی بر جانمایی جدید اقتصاد ایران در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
	اجرای سیاست‌های تنظیمی در جهت حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری صنعتی
	کاهش ریسک‌های اقتصادی و بهبود فضای سرمایه‌گذاری
کاهش مستمر تورم	اصلاح ناترازی نظام بانکی
	اصلاح ساختار بودجه‌ریزی
	اصلاح ساختار نظام بازنشستگی
ارتقای حکمرانی و توانمندسازی نهاد دولت	تقویت وجهه سیاسی - دفاعی کشور در عرصه منطقه‌ای
	اصلاح ساختار داخلی مدیریت سیاسی کشور
	شفاف‌سازی حکمرانی با تأکید بر هوشمندسازی ارائه خدمات عمومی
	افزایش کارایی در ساختار اداری و استخدامی دولت
	بهبود نظام‌های پایش و نظارت دولت
تقویت جامعه	مدیریت آسیب‌های اجتماعی و کاهش فقر
	تقویت امید و اعتماد اجتماعی

پیش‌نیازهای تحقق سیاست‌های کلی برنامه هفتم

دکتر روستا آزاد^۱

چکیده

ماموریت انقلاب اسلامی گذر از وضع موجود به وضع مطلوب است. برای این ماموریت در برنامه هفتم تحول در جهت رسیدن به آرمان‌ها مبتنی بر شناخت و اصول پایه در نظر گرفته شده است.

در این راستا بر مبنای نظام علت و معلول، سامانه‌های حقیقی و حقوقی، مقاومت ما برای فرایند تغییر باید شناسایی و الزامات آن موردتوجه قرار گیرد و با تاکید بر بحث اولویت‌گذاری، واقعیت و ضرورت می‌توان وضعیت کشور را بهبود بخشید.

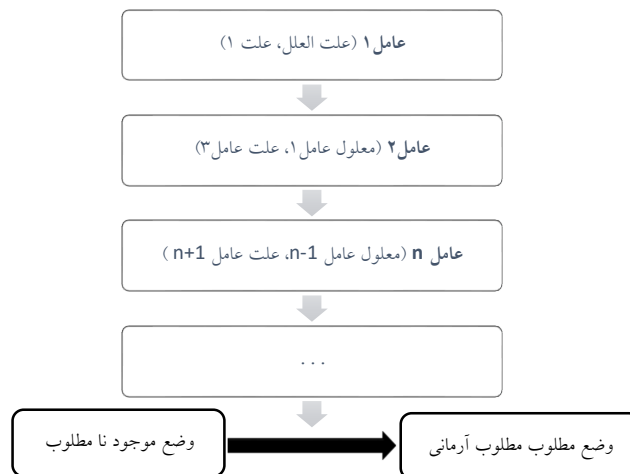
کلیدواژگان: سیاست‌های برنامه هفتم، دانش تغییر جمعی، ایده‌های برنامه هفتم

۱- استاد تمام دانشکده مهندسی شیمی و نفت دانشگاه صنعتی شریف

ماموریت بزرگ انقلاب اسلامی: گذر از «وضع موجود» به «وضع مطلوب» مبتنی بر شناخت است و در مفهوم اصیل و بنیادی موضوع نیز باید توجه داشت که ماموریت انبیا و رسل در طول تاریخ همین بوده است.

قرآن کریم، در سوره الرحمن آیه ۳۳ بیان می‌دارد که: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با سلطان و حضرت امام علی (علیه‌السلام) در تبیین مفهوم سلطان در نهج‌البلاغه بیان می‌دارند که: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد و با آن به موضوع یورش برد، پیروز شود و هر که آن را نیابد بر او یورش برند و مغلوب گردد). (نهج‌البلاغه) نتیجه این که در اجرای هر امری صرفاً خواست کافی نیست و دانش لازم است.

در نظام خلقت و در فطرت هستی، یک نظام علت و معلول چند لایه وجود دارد به نحوی که معمولاً هر لایه معلول لایه قبل و علت لایه بعد می‌باشد.



در دانش (مدیریت) امروزی نیز این امر ساری و جاری است. عوامل لازم برای رسیدن و تحقق اهداف مطلوب را به نام: الزامات تحقق (CSF^۱) شناخته می‌شود.

^۱ Critical success factor

بعضی از الزامات و ملاحظات مهم در دانش تغییر جمعی به عنوان هدف سیاست‌های برنامه، عبارت‌اند از:

۱- همراه کردن مردم و نهادها در مسیر تغییر

- هر سامانه حقیقی و یا حقوقی انسانی معمولاً نسبت به تغییر مقاومت می‌کند. آحاد انسانی معمولاً علاقه دارند آن چه را که قبلاً انجام می‌داده‌اند و به آن عادت کرده‌اند انجام دهند و حتی از اطاعت بخشنامه‌ها و دستورات در سیستم‌های رسمی و اداری پرهیزند.^۱

۲- ظرفیت تغییر در هر فرد و جمعی متفاوت است و تابع عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و غیره می‌باشد.

- برنامه‌ریزی برای یک تغییر با گامی بیش از توان آن جامعه عملاً نشدنی خواهد بود.
- برداشتن یک گام کوچک ولی شدنی بهتر از خیز برای یک گام بزرگ ولی نشدنی می‌باشد.
- کشف این ظرفیت و پتانسیل بسیار مهم است.

۳- آحاد و نهادهای انسانی همه در یک حال نیستند و معمولاً از تابع توزیع گوسین^۲ تبعیت می‌نمایند:



۱- پاسخ عامه مردم در مقابل دعوت انبیا به صلاح و درستی مقاومت در قرآن: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» (سوره الزخرف آیه ۲۲) بلکه گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی‌گیری از آنان راه یافتگانیم.

۲- توزیع گوسی (Gaussian) که به ندرت توزیع طبیعی گسسته می‌شود، یکی از مهم‌ترین توزیع‌های احتمال پیوسته در نظریه احتمالات است. علت نام‌گذاری و اهمیت این توزیع آن است که افت و خیز بسیاری از کمیت‌های طبیعی (فیزیکی) حول یک مقدار ثابت، از این توزیع پیروی می‌نمایند که دلیل این امر قضیه حد مرکزی می‌باشد. در قضیه حد مرکزی نشان داده می‌شود که مجموع متغیرهای تصادفی مستقل که هرکدام میانگین و واریانس متفاوتی دارند، با افزایش تعداد متغیرها، دارای توزیع بسیار نزدیک به توزیع نرمال است.

بر این اساس و در فرآیند اعمال تغییر، جامعه به ۳ بخش تقسیم می‌شود:

- بخشی از جامعه پیشرو است و به سرعت خود را با یک اشاره با تغییرات مطلوب را هماهنگ می‌کند.
- بخش دیگری از جامعه به شدت با هرگونه تغییر (صحیح و مثبت) مخالفت می‌کند.
- بخش عمده جامعه با صرف زحمت زیاد و تعلیم و تربیت امید است با فرایند تغییرات همراه شود.

بدیهی است یکی از الزامات مهم تغییر توجه به این ۳ گروه:

- رعایت حال و وضعیت ایشان در اعمال تغییرات است.
- به نحوی که لازمه تحقق آرمان‌ها محتاج تعیین CSFهای مختلف برای هر یک از این ۳ گروه مختلف است.
- بدون توجه به این ملاحظات تغییر قابل ملاحظه‌ای در جامعه اتفاق نخواهد افتاد.

۴- در فرایند تغییر، گاه لازم است نهاد جدیدی ایجاد شود و گاه لازم است نهاد مرتبط موجود اصلاح شود.

بدیهی است پس از گذشت حدود ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، به دلایل متعدد ترجیح بر حفظ نهادهای موجود و ارتقای آنان است.

۵- بر اساس قاعده عمومی ۲۰-۸۰، ۸۰٪ مشکلات با اصلاح ۲۰٪ عوامل تاثیرگذار هم اصلاح می‌شوند.

بنابراین با توجه به توان موجود در اصلاح کشور، یک بحث مهم اولویت‌گذاری در اهتمام به اجرای سیاست‌های کلی است به نحوی که با تشخیص اولویت ۲۰٪ اولیه بتوان ۸۰٪ در وضعیت کشور بهبود حاصل نمود. بدیهی است در گام‌های بعدی می‌توان مشکلات با اولویت بعدی را هم حل نمود.

۶- از آنجائی که سیاست‌گذاری و به خصوص اجرای سیاست در جامعه امری بسیار دشوار و ظریف می‌باشد:

در اهتمام به این مهم از هر تجربه‌ای بخصوص در بخش خصوصی و گروه‌های مردم‌نهاد (NGO) باید استفاده کرد.

۷- سیاست‌های کلی، تحلیل و تبیین «وضع موجود» کشور، ترسیم «وضع مطلوب» و نشان‌دادن «مسیر»ی است که از طریق آن می‌بایست از وضع موجود به وضع مطلوب رسید.

اصطلاح سیاست‌های کلی نظام توسط حضرت امام خمینی (ره) وارد ادبیات حقوقی-سیاسی کشور شد؛ ایشان در عمل، فرامینی را برای روشن کردن خط‌مشی حرکت نظام ابلاغ فرمودند که «فرمان هشت ماده‌ای ایشان درباره حقوق مردم، قانون، قوه قضاییه و لزوم اسلامی شدن روابط و قوانین» (خمینی، ۱۳۷۸، ۱۴۳- ۱۷:۱۳۹) از آن جمله است. در یکی از این فرامین، که در سال ۱۳۶۷ صادر شده، نخستین بار اصطلاح سیاست‌های کلی نظام در قالب فرمان «سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور» (خمینی، ۱۳۷۸، ۱۶۰- ۲۱:۱۵۵) از سوی ایشان استفاده گردید و وارد ادبیات حقوقی-سیاسی کشور شد.

۸- این موضوع در بازنگری قانون اساسی (سال ۱۳۶۸) مطرح شد و در بند یکم اصل (۱۱۰) قانون اساسی قرار گرفت. در این بند تصریح گردیده که «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» از وظایف و اختیارات رهبری است:

سیاست‌های کلی نظام که به موجب بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین آن بر عهده مقام رهبری گذاشته شده است، به عنوان یکی از هنجارهای لازم‌الاجرا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. از جمله آثار تعیین جایگاه سیاست‌های کلی نظام در سلسله مراتب هنجارها و قرارگرفتن این سیاست‌ها در جایگاه مافوق قوانین و مقررات، لزوم تبعیت قوانین و مقررات از چهارچوب‌هایی است که در سیاست‌های کلی نظام مشخص می‌گردد؛ بنابراین مراجع تصویب قانون و مقررات، مکلف به رعایت این سیاست‌ها هستند و قوانین و مقررات مغایر با این سیاست‌ها، به لحاظ حقوقی فاقد اعتبار به حساب می‌آیند.

حضرت آیت‌اله خامنه‌ای:

«...مهم‌ترین وظیفه‌ی رهبری در قانون اساسی، تنظیم سیاست‌های کلی است. فرایند تنظیم سیاست‌های کلی یکی از منطقی‌ترین و زیباترین فرایندهاست... فرایند تنظیم سیاست‌های کلی، فرایند بسیار قوی و مستحکمی است. این سیاست‌ها اول در کمیسیون‌های دولت تنظیم می‌شود و بعد به دولت می‌آید. دولت آن‌ها را بررسی و تصویب می‌کند و به رهبری پیشنهاد می‌کند. رهبری هم آن را به مجمع تشخیص مصلحت می‌دهد. این سیاست‌ها در کمیسیون‌های مجمع تشخیص مصلحت با حضور کارشناسان متعدد از بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، دانشگاهی، علمی که از خود مجمع و بیرون آن هستند، بررسی و تکمیل می‌شود؛ بعد مجدداً به رهبری می‌دهند. رهبری هم آن سیاست‌ها را با آن مبانی و اصول ارزشی نظام جمهوری اسلامی تطبیق می‌دهد، تصویب می‌کند و آن سیاست‌ها به دولت برمی‌گردد و به مجلس ابلاغ می‌شود. نقش رهبری در تنظیم سیاست‌ها این است که مراقب باشد تا برنامه‌ریزی‌هایی که در چهارچوب این سیاست‌ها می‌خواهد انجام بگیرد، نظام را به بیراهه و گمراهه نکشاند؛ منافع طبقات محروم و حقوق مردم پایمال نشود؛ خواسته‌ها و منافع قدرت‌های افزون‌طلب و سلطه‌طلب و مداخله‌گر تامین نشود. این مراقبت جزو وظایف رهبری است و اگر در این زمینه‌ها قصوری یا تقصیری پیش آید، متوجه رهبری است. بعد که این سیاست‌ها ابلاغ شد، آن وقت مجلس موظف است بر طبق این سیاست‌ها قانون بگذراند و دولت هم موظف است سیاست‌های اجرایی خودش را تنظیم و بر طبق آنها عمل کند. مجموعه این سازوکار مفصل دستگاه‌های اجرایی و قضایی و تقنینی در این چهارچوب به کار می‌افتند و کار می‌کنند که هرکدام مسئولانی دارند و مسئولیت‌هایی که باید کار را انجام دهند».

مجمع تشخیص مصلحت نظام:

سیاست‌های کلی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف، پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند.

رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۷:

«...بخش دیگر، مسئله انضباط کشور از لحاظ سیاست‌ها است. هندسه کلی عمل و اجرا در کشور، بسته به سیاست‌ها است. اگر سیاست‌های کلی یک نظام در جایی تبیین، تثبیت و توزیع نشود، نظام دچار بی‌رویی در رفتار خواهد شد. ممکن است یک قانون با قوانین دیگر، یک دستگاه با دستگاه‌های دیگر و دستگاه‌های مستقلی مثل قوای سه‌گانه در جاهایی با تصمیم‌گیری‌هایی که در آن استقلال قانونی دارند، با هم تعارض پیدا کنند، وقتی سیاست‌ها مشخص شد، به معنای آن است که هندسه کلی حرکت نظام و مسیر کلی معین شده و این چیز بسیار مهمی است».

دیدگاه رهبر انقلاب در خصوص تضمین ثبات سیاست‌ها:

«... در مواردی در طول سال‌های بعد از انقلاب شاهد بودیم، ضربه‌ای که بر اثر تغییر و تبدیل بی‌رویه سیاست‌های اجرایی وارد آمده، ضربه سنگینی بوده و گاهی تا مدت‌ها جبران‌ناپذیر بوده است. اگر سیاست‌های کلی معین شود و سیاست‌های اجرایی و برنامه‌ها جهت‌گیری خود را در این سیاست‌های کلی تنظیم کند، هرگز چنین اتفاقی نمی‌افتد».

نظر رهبری در خصوص ابعاد عملیاتی مجمع:

ابعادی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد عبارت است از:

- بن‌بست شکنی و گره‌گشایی و پویایی
- انضباط کلی نظام
- تعیین و تثبیت سیاست‌ها (مبنای سیاست‌ها، قانون اساسی و مجاری دین و همان چیزهایی است که از قانون اساسی استفاده می‌شود. سیاست‌ها کلی است لکن قانون اساسی نیست. اولاً باید کلی‌گویی در سیاست‌ها نباشد، ثانیاً جهت‌دار و مشخص و شفاف باشد و قابل حمل بر معنی مختلف نباشد و ثالثاً به تناسب نیازهای کشور باشد.

و به عبارت دیگر:

- تعیین و تثبیت سیاست‌ها (سیاست‌گذاری)
 - بن‌بست شکنی و گره‌گشایی و پویایی (حل معضل)
 - رفع اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان (تشخیص مصلحت)
 - نظارت و ارزیابی بر اجرا و کارآمدی (نظارت)
- مجمع تشخیص مصلحت نظام، در بیش از ربع قرن سابقه خود توانست با تبیین بیش از ۳۴ عنوان از سیاست‌های کلی نظام نقشی اثرگذار در راهبری و پیشبرد کشور داشته باشد. این نهاد با آغاز دور جدید فعالیت‌های خود، به سبب تجربه‌های ارزنده، حسب فرمان مقام معظم رهبری، مامور به ایجاد تغییراتی در محتوا و ساختار گردید که اهم آن عبارت‌اند از:
- سامان بخشیدن به مجموعه سیاست‌های کلی و بازنگری در عناوین و نیز در فرایند تعیین و تنظیم آن؛
 - سامان بخشیدن به مسئله نظارت بر اجرای سیاست‌ها؛
 - سازوکار لازم برای ارزیابی کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها؛
 - ایجاد انسجام کامل در ساختار تشکیلاتی و مدیریتی و تمرکز برنامه‌ها بر اساس آئین‌نامه مصوب؛
 - چابک‌سازی تشکیلات و حذف بخش‌های موازی و غیرضروری؛
 - تغییرات اصلاحی دیگری نیز در خلال انجام مأموریت و در سایه امعان‌نظر دست‌اندرکاران لازم می‌آید که عمل خواهد شد.
 - تدوین مجموعه‌ای کامل، منقح و یکپارچه از سیاست‌های کلی نظام

یک نکته قابل ملاحظه:

در این مستندات عملاً آمیزه‌ای از سیاست‌های کلی و سیاست‌های خرد و حتی الزامات تحقق آرمان‌ها آمده است. یعنی بندها و زیربندها عملاً تا حدودی از گستره سیاست‌های کلی فراتر رفته و مسیر را با جزئیات بیشتری نمایان ساخته است. این امر در حالی که عملاً کار را برای کارگزاران نظام سهل‌تر می‌کند، ممکن است در مواردی هم خوشایند ایشان نباشد.

در هر حال مستندات موجود گنجینه با ارزشی از دانش و تجربه سرمایه‌های نظام است که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده و توسط رهبری ابلاغ گردیده است. هرچند این مستندات در دوره‌های زمانی گذشته مفید فایده بوده است، ولی به تشخیص صاحب‌نظران این فایده می‌توانست و می‌تواند خیلی بیش از این باشد؛ لذا با درخواست مقام معظم رهبری اکنون وقت آن است که با بهره‌گیری از تجارب گذشته و در دهه چهارم انقلاب که به «پیشرفت و عدالت» موسوم است، این مستندات ویرایش و تنقیح شده و نصب‌العین فعالیت‌های آینده قرار گیرد.

خطوط کلی و ایده‌های اولیه تدوین برنامه پنج‌ساله هفتم (ملهم از سیاست‌های کلی ۱۰ ساله):

- ۱- برخی سیاست‌ها عملاً به سبب گذشتن تاریخ اجرای آنها، ملغی‌الاثرب می‌باشند. البته در جریان اجرای آنها اگر تجربه مفیدی (و مدون) حاصل شده باشد، می‌توان از آنها استفاده کرد.
- ۲- بعضی دیگر از این سیاست‌ها نیازمند بازنگری هستند. بعضی معیارهای بازنگری و روش‌های آن عبارت‌اند از:

- لحاظ نمودن مسائل جدید در سیاست‌ها
- قابلیت اجرایی‌شدن سیاست‌ها و تناسب سیاست‌ها با اهداف، روش‌ها و ابزار (سیاست‌های فاقد کارآمدی حذف شوند)
- سازگاری، انسجام و تلفیق عناوین و بندها
- سیاست‌هایی که تاریخ آنها گذشته یا انجام گرفته‌اند.
- برطرف کردن معانی مختلف و روزآمد کردن و دقیق‌سازی
- عناوین یا بندهای سیاستی که اوصاف لازم (کلی بودن، شفاف، صریح و استحکام) را ندارند.
- سیاست‌هایی که متروک و مهجور مانده‌اند.
- سیاست‌های کلی که بیش از ده سال از آنها گذشته است. (معیار زمان)
- پیشنهاد می‌شود این سیاست‌ها ملغی‌الاثرب و بند یا بندهایی از این سیاست‌ها که اجرای آنها ضرورت دارد، در سایر عناوین سیاست‌ها ادغام شود.

ملاحظات در خصوص توسعه ایده اولیه برنامه ۵ساله هفتم:

- ۱- برنامه باید قابل اجرا طی ۵ سال باشد.
- ۲- برنامه باید واقعیات ملی و بین‌المللی را طی یک تحلیل SWOT موردتوجه قرار دهد. در این صورت کلیه موارد تهدید، فرصت، ضعف و قوت را می‌بایست منظور نماید.
- ۳- در تدوین برنامه علاوه بر مشی گذشته یعنی ملاحظه نخبگان (دانشگاهیان) و خبرگان (مسئولین اجرایی در نهادها)، فعالین بخش خصوصی در اتحادیه‌ها و سندیکاها را هم به کار گیرد. در این رابطه باید یک کمیته مرکزی تشکیل گردد.
- ۴- برای تحقق هر چه بهتر برنامه‌ها، باید حتی‌الامکان کمیت افراد حقیقی و حقوقی مندرج در بند ۳ بیشتر باشند.
- ۵- لازم است از همه سیاست‌های ابلاغی، زیرمجموعه‌ای از آنها با اولویت برتر صورت استصوابی انتخاب و با جدیت کشور برای تحقق آنها بسیج شود.
- ۶- همان‌طور که آمد، در حداقل زمان، حداقل اصلاحات در سیاست‌ها جهت تنقیح آنها می‌بایست صورت گیرد. اهتمام گسترده به این مهم، وقت و توان کشور برای رفتن را به خود معطوف می‌کند.

بخش سوم: سیاست‌های پیشنهادی، ارزیابی و نقد

❖ درآمدی بر تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم (نظام مسائل)

- الف) نظام مسائل اقتصادی
- ب) نظام مسائل فرهنگی اجتماعی
- ج) نظام مسائل سیاست خارجی
- د) نسبت سیاست‌های برنامه با اسناد بالادستی
- هـ) ایده سیاست‌های برنامه هفتم توسعه

❖ سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم

- الف) پیشنهاد‌های کمیسیون‌های دبیرخانه مجمع تشخیص
- ب) جمع‌بندی کمیسیون تلفیق در خصوص سیاست‌ها
- ج) پیشنهاد‌های دستگاه‌های مختلف اجرائی کشور

❖ سیاست‌های ارسالی و نظرات مشورتی دبیرخانه، دولت و شورای مجمع

درآمدی بر تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم (نظام مسائل)

کمیسیون مشترک

مقدمه

بررسی پیشینه سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله، نشان می‌دهد که رویکرد حاکم بر آن برنامه‌ها جامع‌نگری و رفع همه مشکلات و مسائل کشور در یک دوره پنج‌ساله بوده است و به اصطلاح امور محور نگاشته شده‌اند و نه مسئله‌محور و فاقد اولویت‌های مشخص در هر یک از امور اداره کشور بوده است. این مطلب به عنوان یکی از آسیب‌های جدی مورد توجه کارشناسان قرارگرفت و در صدد رفع آن در سیاست‌های برنامه هفتم برآمدند. این اقدام در قالب تدوین نظام مسائل به عنوان ضرورت و پیش‌نیاز تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم صورت پذیرفت.

شایان ذکر است اگرچه در فرایند تدوین نظام مسائل، مسئله اصلی کشور اقتصاد شناسایی شد اما باید این توجه وجود داشت که راه‌حل آن، صرفاً اقتصادی نیست. مسیری که باید در آن حرکت کرد جامعه است و اگر مسیر تحقق پیشرفت هموار نشود، برنامه‌ها به انحراف رفته و به ثمر نمی‌نشیند. لذا این نکته کلیدی و مهمی است که دریچه را برای بررسی نظام مسائل، اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... باز می‌کند.

نظام مسائل کشور در دبیرخانه مجمع در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در کارگروه‌های تخصصی مختلف بررسی و احصاء شد و در کنار کارگروه‌های تخصصی هریک از کمیسیون‌های تخصصی مجمع نیز نظام مسائل حوزه تخصصی خود را بررسی نمودند. در ادامه گزارشات و فهرست‌هایی از نظام مسائل کشور در حوزه‌های فوق آمده است.

الف) نظام مسائل اقتصادی: اقتصاد ایران و دردهایش^۱

با تحلیل چالش های اقتصادی موجود و پیش بینی معضلات اقتصادی کشور طی پنج سال آینده، مهم ترین چالش های اقتصادی پیش رو طی برنامه هفتم توسعه احصا و ریشه های آن شناسایی و دسته بندی شده است و راهکارهایی برای برون رفت از مشکلات ارائه گردید. به طور خلاصه ریشه اغلب معضلات اقتصادی که با آنها روبه رو هستیم در محیط نامساعد کسب و کار، رشد بی ضابطه نقدینگی طی سال های گذشته، معطل ماندن پروژه های توسعه ای و راهبردی، تنگنای مالی تولید، دیپلماسی اقتصادی منفعل، نظام ارزی و تجاری ناکارا و نظام حمایتی ناکارا و غیر موثر می باشد.

پس از گذشت شش برنامه توسعه با نگاهی بر مسائل و مشکلات کشور می توان دریافت مهم ترین مسائل بر زمین مانده موضوعات اقتصادی است که طی ۱۰ سال گذشته به طور مستمر مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است به نحوی که در شعار سال های مختلف عمده تاً به مسائل اقتصادی پرداخته شده است. از همین رو برنامه هفتم توسعه می بایست در مسائل اقتصادی، رویکردی متفاوت از گذشته داشته باشد. با توجه به این مهم از میان معضلات مختلف اقتصادی و عوامل به وجود آورنده آنها که طی سال های گذشته منجر به بیکاری، رکود، تورم، فقر، شوک های ارزی و... شده است می توان به محیط نامساعد کسب و کار، رشد بی ضابطه نقدینگی (بمب نقدینگی)، معطل ماندن پروژه های توسعه ای و راهبردی، تنگنای مالی تولید، دیپلماسی اقتصادی منفعل، نظام ارزی و تجاری ناکارا و نظام حمایتی ناکارا و غیر موثر به عنوان اصلی ترین معضلات اقتصادی اشاره نمود.

۱- کارگروه شناسایی نظام مسائل اقتصادی توسط پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف با مدیریت دکتر علی ملکی عضو هیئت علمی و دکتر علی مروی استادیار دانشگاه علامه طباطبائی.

۱. محیط نامساعد کسب‌وکار

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از جمله عوامل موثر بر محیط کسب‌وکار، می‌توان موارد زیر را نام برد:

- نااطمینانی اقتصاد کلان طی سال‌های گذشته
- قیمت‌گذاری دولت
- انحصار یا طولانی شدن زمان اخذ مجوزها
- چشم‌انداز مبهم تصمیمات اقتصادی حاکمیت برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی
- فشار تامین اجتماعی
- مالیات‌ستانی سنتی و ممیزمحور

در این خصوص جهت تغییر شرایط محیط کسب‌وکار پیشنهادهای سیاستی زیر، حول سه محور مسائل مربوط به تامین اجتماعی، نظام مالیاتی و قیمت‌گذاری دستوری مطرح می‌گردد:

- ۱- در خصوص مسائل مربوط به تامین اجتماعی می‌بایست اقدامات زیر را انجام داد:
 - رفع انحصار از سازمان تامین اجتماعی و رقابت برای عرضه خدمات بیمه بازنشستگی
 - جابه‌جایی اجبار بیمه پایه کارکنان از کارفرما به خود کارکنان
 - استفاده از بانک اطلاعاتی سازمان مالیاتی
- ۲- در خصوص مسائل مربوط به نظام مالیاتی می‌بایست اقدامات زیر را انجام داد:
 - اخذ مالیات بر مجموع درآمد فرد و هم‌زمان کاهش نرخ مالیات مستقیم به ۱۵ درصد
 - سیستمی کردن مالیات‌ستانی (اجرای سریع قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان)
- ۳- در خصوص ایجاد انحصار و قیمت‌گذاری دستوری نیز می‌بایست موارد زیر را اصلاح نمود:
 - تغییر پارادایم از مجوزمحوری به استانداردگذاری برای فعالیت در بازارهای مختلف
 - حذف سرکوب قیمتی و تقویت رقابت

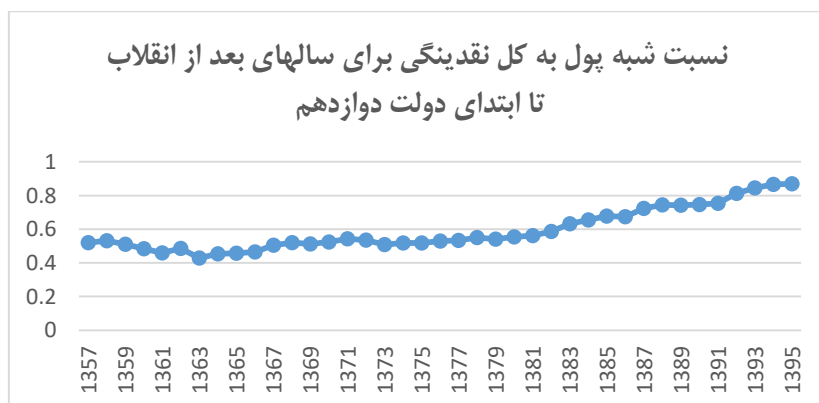
۲. نقدینگی

در موضوع کنترل نقدینگی می‌بایست از بروز دو چرخه جلوگیری نمود.

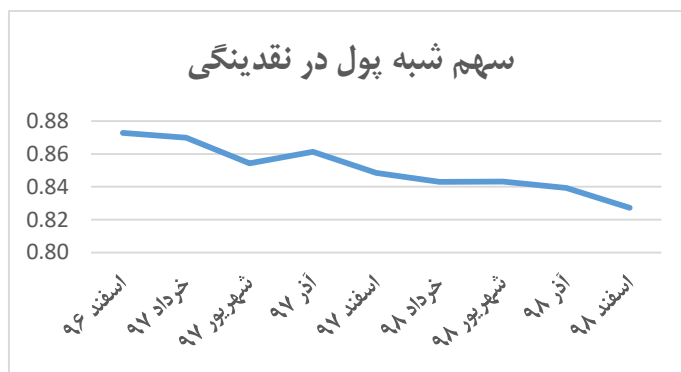
- اول: کسری بودجه دولت منجر به استقراض دولت از بانک مرکزی شده و این امر سبب افزایش پایه پولی می‌گردد که در نهایت منجر به افزایش حجم نقدینگی می‌شود.
- دوم: بحران بانکی سبب اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی گشته که این امر نیز باعث افزایش پایه پولی شده و در نهایت به افزایش حجم نقدینگی ختم می‌گردد.



در دولت یازدهم بحران بانکی سبب کسری ذخایر بانک‌ها گردید که این امر باعث رقابت شدید بانک‌ها با یکدیگر در جذب سپرده و بالا بردن نرخ سود سپرده‌ها شد که این دیده باعث افزایش نسبت شبه پول به پول گردید و در نهایت رشد بمب نقدینگی سبب شد.



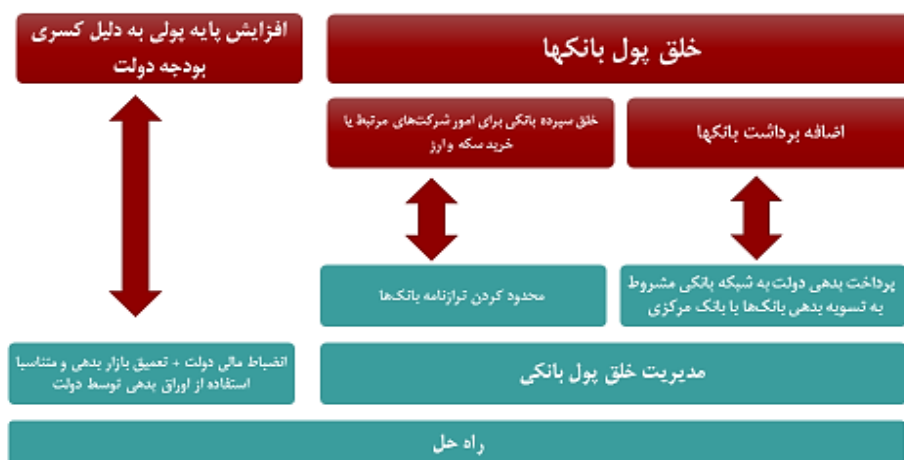
در دولت دوازدهم تبدیل شبه پول به پول که ثمره سیاست‌های دولت یازدهم بود و ورود نقدینگی به بازارهای مختلف باعث افزایش سرعت گردش پول گردید ($PQ=MV$) که این امر باعث افزایش قیمت مسکن، نرخ ارز و طلا و تقویت اثر شوک ارزی در سال‌های پایانی دولت گردید.



بمب نقدینگی: تصحیح آماری

با توجه به این که تفاوت معناداری بین سپرده‌های کوتاه‌مدت و حساب‌های جاری از حیث نقدشوندگی وجود ندارد، باید شاخص نسبت شبه پول به نقدینگی را تعدیل نمود. برآوردهای شهودی متخصصین بیانگر این است که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد شبه پول را سپرده‌های کوتاه‌مدت تشکیل می‌دهند. در راستای مدیریت نقدینگی سیاست‌های زیر به‌عنوان راهکاری برای کنترل بمب نقدینگی پیشنهاد می‌گردد:

۱- مدیریت جریان ورودی به استخر نقدینگی



۲- مدیریت استخر نقدینگی از طریق:

- جریان دادن نقدینگی در بخش انرژی با اصلاح یارانه حامل‌ها
- وضع FTT بر تراکنش‌های بزرگ
- بازار سرمایه و پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای
- وضع PIT به‌عنوان ابزار تنظیم انگیزه‌ها

۳- انهدام بخشی از استخر نقدینگی از طریق:

- فروش اموال مازاد بانک‌ها
- تهاتر سپرده‌ها و تسهیلات کلان مرتبط

۳. تنگنای مالی و تشکیل سرمایه ثابت

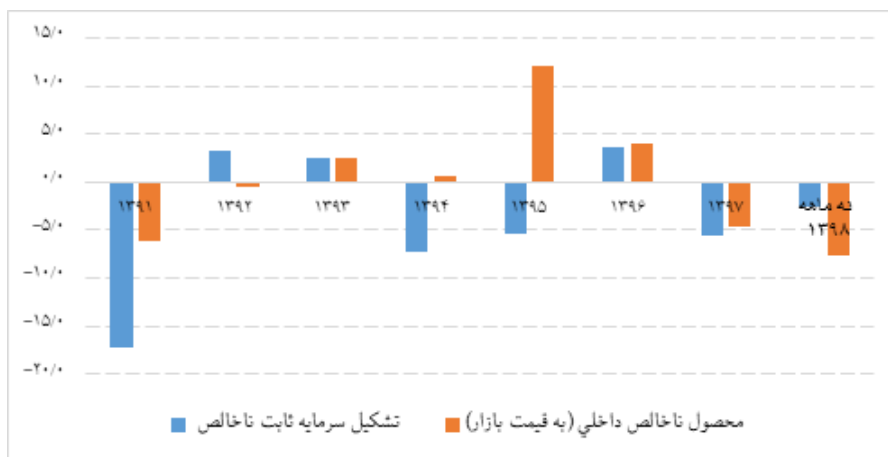
از مهم‌ترین تنگنای مالی در ۵ سال آینده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ناتوانی بانک‌ها در پاسخگویی به نیازهای مالی بنگاه‌ها و زنجیره تولید
- نارسایی بازار سرمایه در تأمین مالی تولید
- توان پایین بنگاه‌ها در تأمین مالی داخلی به دلیل سود تقسیمی بالا

تنگنای مالی و نرخ سود تسهیلات

برخلاف باور نسبتاً رایج، نرخ سود تسهیلات عامل تنگنای مالی نیست. علی‌رغم کاهش دستوری نرخ سود، تشکیل سرمایه در سال‌های اخیر روندی نزولی داشته است. کاهش نرخ سود بین‌بانکی یکی از متهمین اصلی تلاطمات اخیر در بازارهای کلیدی است.

رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و رشد اقتصادی بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۸



منبع: پژوهشکده آمار بر اساس حساب‌های فصلی ۹۸-۱۳۹۰ مرکز آمار ایران

پیشنهادهای سیاستی برای برون‌رفت از تنگنای مالی و تشکیل سرمایه ثابت می‌توان در سه سطح تامین مالی داخلی، نظام بانکی و بازار سرمایه ارائه نمود.

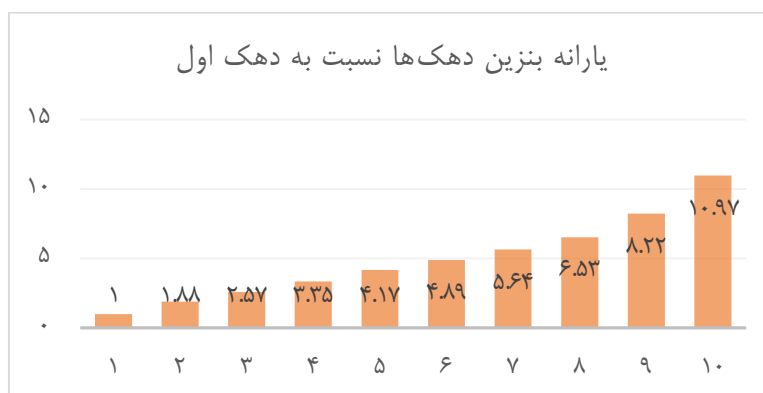
۱- در تامین مالی داخلی می‌توان تصحیح قانون مالیات بر سود تقسیمی شرکت‌ها و نیز وضع مالیات بر مجموع درآمد فرد را مدنظر قرارداد.

۲- در نظام بانکی با افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها با حل‌وفصل بحران بانکی و نیز توسعه روش‌های تامین مالی مبتنی بر زنجیره ارزش را می‌توان به عنوان سیاست‌های جدید در نظر گرفت.

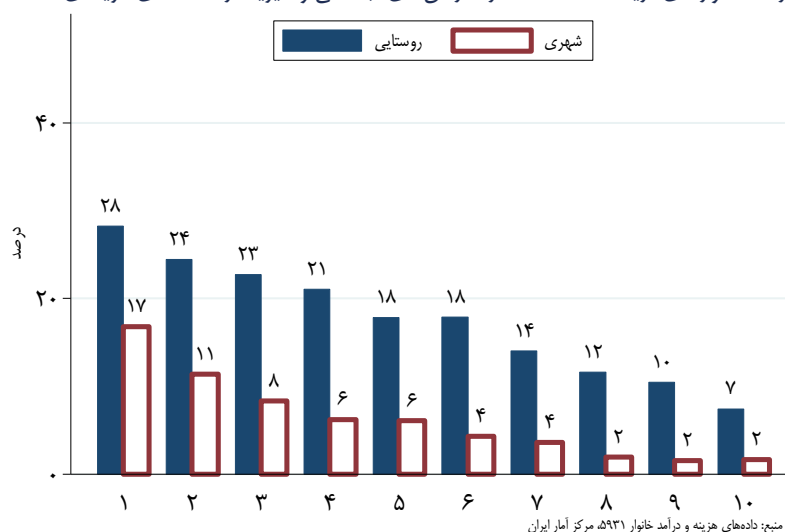
۳- در بازار سرمایه نیز تعمیق بازار بدهی، تصحیح محدودیت سهام شناور شرکت‌ها و توسعه ابزارهای بازار سرمایه مشتمل بر تامین مالی پروژه می‌بایست به عنوان راه‌حل‌های جدید ارائه گردند.

۴. نظام حمایتی ناکارا و غیرمؤثر

از مهم‌ترین اشکالات اصلی سیاست‌های حمایتی موجود می‌توان به یارانه دادن بر مصرف انواع حامل‌های انرژی (که سبب بازتوزیع ظالمانه به نفع دهک‌های بالای درآمدی می‌گردد)، روش‌های تشخیص ناکارآمد (با خطای شمول بالا و نیز خطای عدم شمول بالا) اشاره نمود. برای مثال یارانه یازده برابری مصرف بنزین برای دهک دهم نسبت به دهک اول را می‌توان مورد اشاره قرار داد.



درصد خانوارهای دریافت‌کننده کمک از سازمان‌های اجتماعی و خیریه در دهک‌های هزینه‌ای



درصد خانوارهای بهره‌مند از بیمه رایگان در دهک‌های هزینه‌ای



اصول سیاست حمایتی بهینه شامل دو دسته مصارف و منابع می‌گردد:

مصارف

موثر: تامین نیازهای ضروری قشر کم‌درآمد

کارا: ارجحیت یارانه نقدی به کالایی

حذف خطاهای نوع اول و دوم

منابع: عدم ایجاد کسری بودجه؛ جلوگیری از افزایش بی‌ضابطه نقدینگی

حمایت موثر بدون تامین منابع متناظر پایدار امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ زیرا حمایت موثر بدون تامین منابع موجب کسری بودجه شدید گردیده که این امر مسبب افزایش نقدینگی و نیز تشدید تورم (ابرتورم) و نهایتاً بی‌اثر شدن حمایت‌ها می‌شود.

پیشنهادهای سیاستی در خصوص نظام حمایتی ناکارا و غیرموثر تحت سه عنوان سازو کارهای شناسایی، یارانه حامل‌های انرژی و یارانه سایر کالاها می‌بایست مورد بررسی قرار داد.

سازوکارهای شناسایی

استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی برای بهبود شناسایی

یکپارچگی اطلاعاتی نهادهای مختلف حمایتی

یارانه سایر کالاها

تغییر پارادایم از یارانه کالایی به یارانه نقدی

تغییر پارادایم از «اعطای منابع به سمت عرضه و رصد زنجیره تولید» به «اعطای مستقیم منابع به نیازمندان»

یارانه حامل‌های انرژی

تشکیل بازار متشکل انرژی و کشف قیمت بر اساس بازار

اختصاص بخشی از منابع آزاد شده برای حمایت از دهک‌های نیازمند

۵. نظام ارزی و تجاری ناکارا

سیاست‌های ارزی

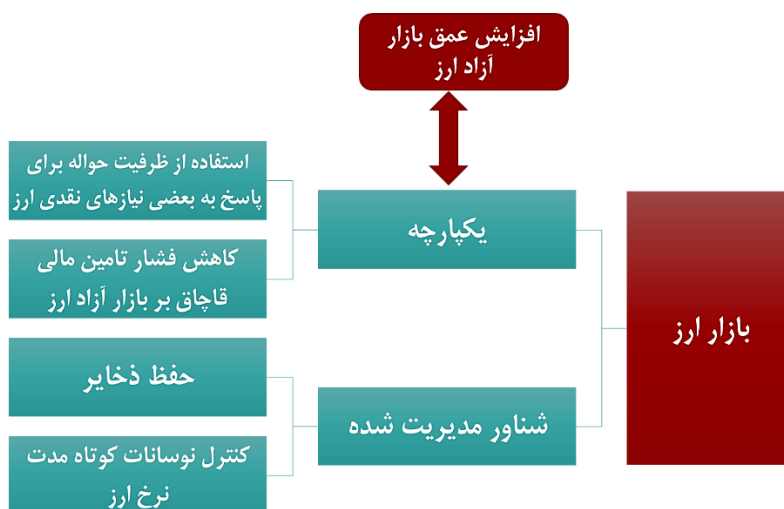
- ۱- تبعات سرکوب ارزی می‌توان در سه گروه زیر دسته‌بندی نمود:
 - فشرده شدن فنر ارزی سبب شوک‌های ارزی دوره‌ای گردیده که این امر باعث نامساعد شدن محیط کسب‌وکار می‌گردد.
 - در طی مدت سرکوب ارزی به صادرات کشور آسیب وارد شده و واردات تقویت می‌گردد که این امر باعث وابستگی بالای اقتصاد به واردات شده و به اصطلاح صنعت‌زدایی رخ داده و واحدهای صنعتی به سمت مونتاژ حرکت می‌کنند.
 - کاهش ذخایر ارزی کشور سبب کاهش توان تامین نهاده‌های خارجی در پروژه‌های توسعه‌ای گردیده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به توسعه پایدار و منافع بین‌نسلی وارد می‌گردد.
- ۲- تبعات ارز ترجیحی: تبعات ارز ترجیحی را می‌توان در دو گروه زیر دسته‌بندی نمود:
 - توزیع رانتهی ذخایر ارزی کشور که زمینه‌ساز افزایش فساد گردیده و کاهش سرمایه اجتماعی را در پی دارد.
 - افزایش نظارت‌ها برای مقابله با فساد باعث افزایش زمان ترخیص کالا از گمرک و نیز افزایش هزینه‌های واردات و تولید می‌گردد.
- ۳- تبعات تفکیک بازار آزاد و سامانه نیما: تبعات تفکیک بازار آزاد و سامانه نیما را می‌توان در سه گروه زیر دسته‌بندی نمود:
 - افزایش امکان ردیابی تجار در شرایط تحریمی مسبب افزایش هزینه مبادله تجارت و در نهایت افزایش هزینه تمام شده محصولات می‌گردد.
 - از طرفی کاهش عمق بازار آزاد باعث افزایش تأثیر اخبار بر بازار ارز و افزایش نوسانات کوتاه‌مدت ارزی می‌گردد.
 - همچنین افزایش هزینه تجارت در بخش رسمی باعث خروج سرمایه (دورزدن مجاری رسمی) می‌گردد.

سیاست‌های تجاری

- ۱- نظام تعرفه‌ای پیچیده و ناکارآمد و موانع بالای غیر تعرفه‌ای سبب افزایش هزینه تجارت رسمی و در نتیجه افزایش قاچاق می‌گردد از طرفی کاهش امکان نظارت به دلیل پیچیدگی‌های تعرفه‌ای افزایش فساد را منجر می‌گردد. از سوی دیگر ایجاد انحصار برای کالاهای نیازمند مجوز رسمی سبب عدم افزایش کیفیت تولیدات داخلی می‌شود.
- ۲- عدم استفاده از ظرفیت پیمان‌های تجاری و پولی از یک سو به دلیل افزایش هزینه تعاملات برای تاجر داخلی باعث ضریب نفوذ تجاری پایین کشور در سایر کشورها گردیده و از سوی دیگر عدم استفاده کافی از ظرفیت دیپلماسی تجاری افزایش ریسک کشوری برای تاجر ایرانی را در پی داشته است.

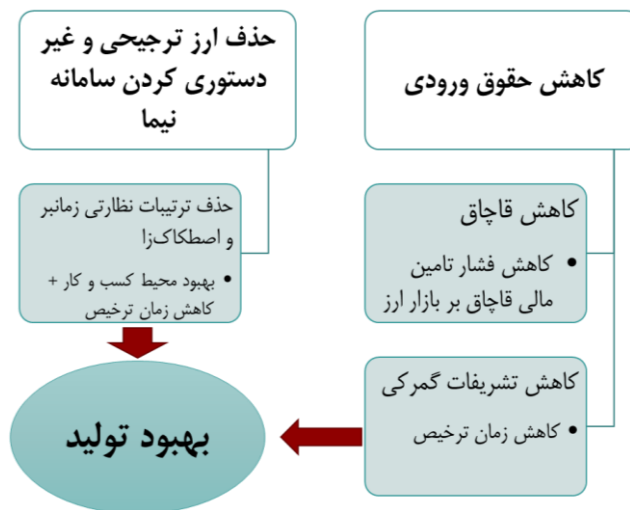
سیاست‌های ارزی

- کنترل بازار ارز با استفاده از ایجاد یکپارچگی و نیز استفاده سیستم شناور مدیریت شده:
- یکپارچه (افزایش عمق بازار آزاد ارز) از طریق استفاده از ظرفیت حواله برای پاسخ به بعضی نیازهای نقدی ارز و نیز کاهش فشار تامین مالی قاچاق بر بازار آزاد ارز
 - شناور مدیریت شده از طریق حفظ ذخایر و کنترل نوسانات کوتاه‌مدت نرخ ارز



سیاست‌های تجاری

از یک سو با کاهش حقوق ورودی که اولاً منجر به کاهش قاچاق گردیده و در نهایت کاهش فشار تامین مالی قاچاق بر بازار ارز را سبب می‌گردد و ثانیاً باعث کاهش تشریفات گمرکی (کاهش زمان ترخیص) و از سوی دیگر با حذف ارز ترجیحی و غیر دستوری کردن سامانه نیما از طریق حذف ترتیبات نظارتی زمان‌بر و اصطکاک‌زا می‌توان در میان‌مدت انتظار بهبود سطح تولید را داشت.



۶. معطل ماندن پروژه‌های توسعه‌ای و راهبردی کشور

عدم توجه به پروژه‌های توسعه‌ای و راهبردی طی ادوار گذشته یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه آینده می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان از عدم توسعه ترانزیت ریلی شمال به جنوب، بی‌توجهی به کریدور شمال به جنوب، سیاست‌های منفعلانه در سایر پروژه‌های توسعه‌ای و غفلت از ژئوپلیتیک راه و خطر حذف ایران از مسیر ابریشم نام برد.

ب) تحلیل نظام مسائل فرهنگی – اجتماعی کشور^۱

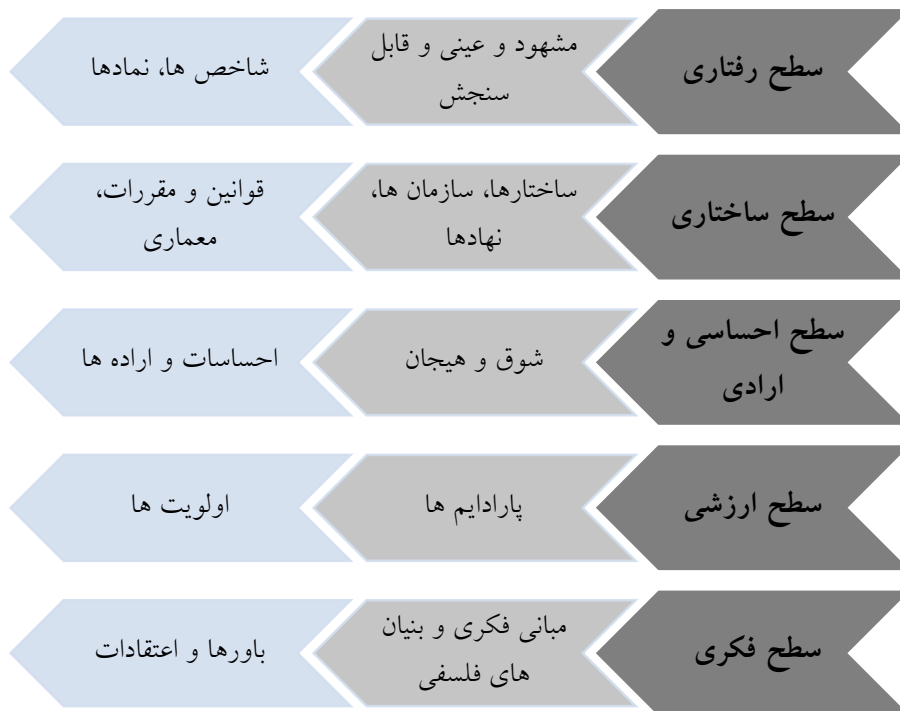
پس از تحلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در آستانه برنامه هفتم و احصای چالش‌ها، آسیب‌ها و موانع به احصای نظام مسائل رهنمون شدیم و به الزامات نظام مسائل و چگونگی تحلیل و گستره و عمق آن پرداختیم و نهایتاً، رهیافتی از مجموع این بررسی‌ها حاصل شد که: «برای تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم که چهارچوب و رویکرد حاکم بر برنامه را روشن می‌کند چاره‌ای نیست جز پرهیز از پرداختن به سیاست‌های امور محور و تکیه بر مسئله‌محوری برای برون‌رفت از این وضعیت.»

در این مقاله مشخص شده است که برای تدوین نظام مسائل کشور تفکر عمیق و لایه‌ای لازم است و باید به سطوح مختلف مدیریت اجتماعی (سطح رفتاری، سطح ساختاری، سطح احساسی و ارادی، سطح ارزشی و سطح فکری) توجه نمود. با بررسی مسائل و مشکلات کشور، کلان مسئله در جامعه امروزی نبود اراده قوی و شوق ملی در جامعه و ناکارآمدی که یکی از شقوق آن عدم بهره‌وری شناخته شده است. البته از اهمیت روایت‌گری در نظام مسائل کشور را نباید غافل شد که روایت مسئله، خود مسئله را تعیین می‌کند.

تفکر عمیق و لایه‌ای در نظام مسائل

در تدوین نظام مسائل کشور، تفکر عمیق و لایه‌ای لازم است. در این رابطه لزوماً باید به سطوح مختلف مدیریت اجتماعی توجه نمود، از این جمله: سطح رفتاری، سطح ساختاری، سطح احساسی و ارادی، سطح ارزشی، سطح فکری. در نمودار زیر از بالا به پایین، قدرت اثرگذاری، تنوع بازیگران، نفوذ تکنولوژی، قابلیت سنجش و ارزیابی کم می‌شود و از پایین به بالا، زمان تغییر، اینرسی تغییر، پایداری و دوام و اهمیت تمدنی کم می‌شود.

۱- کارگروه نظام مسائل فرهنگی، با محوریت پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی با مدیریت دکتر محمدمجید فولادگر - رئیس پیشین پژوهشکده چشم‌انداز



در این تبیین مسائل زیر قابل احصاء است:

کلان مسئله:

- نبود هیچ اراده و شوق ملی در جامعه، ناکارآمدی که یکی از شقوق آن عدم بهره‌وری است.
- بروکراسی نابودکننده که همانند چرخ‌گشت هرچه در آن ریخته شود خرد کرده مخلوط بی‌خاصیت برون می‌دهد: شفافیت یکی از شقوق برون‌رفت آن است.
- چرخش نسلی:

۱- نسل اول، (پدران، بالای ۵۵ سال) با نقش کارزماتیک

۲- نسل دوم، (کنش‌گران دهه هفتاد، ۴۵-۵۵ سال)، نسل شبکه اجتماعی و نسل در سایه

۳- نسل سوم، (جوانان، ۳۰-۴۵)، نسل سونامی‌وار، گلابدیاور با مدارک بالا

- تاب‌آوری اجتماعی: از شقوقی، جامعه ما در برابر سختی‌ها تاب‌آوری اجتماعی خوبی نشان می‌دهد. سؤال این است که آیا از این تاب‌آوری استفاده مطلوب می‌شود؟ جواب خیر

- سیاست‌گذاری سوزنی: (مداخله حداقلی، دستاوردهای حداکثری، قانون ۲۰-۸۰)

اهمیت روایت‌گری در نظام مسائل کشور:

روایت مسئله، خود مسئله را تعیین می‌کند. این مهم است که چگونه روایت کنیم. از حیث مبانی فکری و فلسفی سه جریان در کشور فعال‌اند و هر سه جریان به‌صورت موازی در جامعه فعالیت می‌کنند: ۱. جریان استکبار ۲. جریان غیرانقلابی ۳. جریان انقلابی

۱. جریان استکبار

روایت این جریان، فروپاشی است و در مواجهه با نظام سلطه، رویکرد سرسپردگی دارد. روایت این جریان از ناکارآمدی نظام عبارت این‌گونه است: اصل تشکیل نظام اسلامی مردود است. حرکت در مسیر توسعه تنها در گرو پذیرش قواعد جهانی و غرب است. راه‌حل‌های غرب تنها راه‌حل ممکن و پذیرش سلطه آنان اولین گام توسعه به شمار می‌آید.

۲. جریان غیرانقلابی

روایت این جریان، آزادی و جامعه کثرت‌گرا است و در مواجهه با نظام سلطه، رویکرد سازش‌کارانه دارد. روایت این جریان از ناکارآمدی نظام این‌گونه است: ناکارآمدی ناشی از اصول و مبانی انقلاب اسلامی، رهبری، بی‌اعتمادی مردم به نظام، تفکرات تاریخ مصرف گذشته و بسته و متحجر، لژیون‌های سیاسی و اقتصادی و عدم تعامل با قدرت‌های جهانی است.

۳. جریان انقلابی

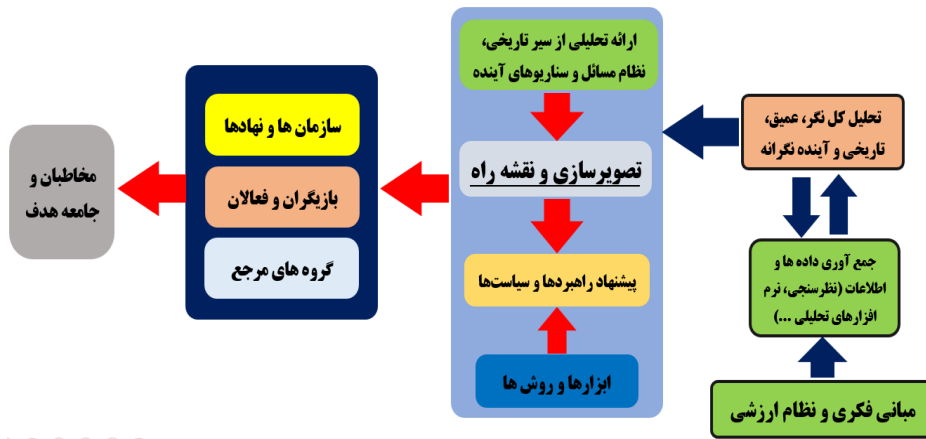
روایت این جریان، عدالت و کارآمدی است و در مواجهه با نظام سلطه، رویکرد مقاومتی دارد. روایت این جریان از ناکارآمدی نظام این‌گونه است: ناکارآمدی ناشی از سوءمدیریت، عدم خودباوری، ضعف در قانون‌گذاری و قاعده‌سازی، اشرافی‌گری و رانت‌خواری و تفکر وابسته مدیران ارشد، رویکردهای غیرانقلابی و غیرجهادی و غیره می‌باشد. در تطبیق سطوح مدیریت اجتماعی با این سه جریان، اگر بخواهیم میزان تمرکز هریک از جریان‌ها را در سطوح مختلف نشان دهیم؛ شکل زیر را به دست خواهد آمد:



در گام بعدی برای فهم بهتر تفاوت‌های این سه جریان از حیث روایت، رهبران، نحوه مواجهه با نظام سلطه، افق حاکمیتی، استراتژی، موقعیت و وضعیت، ظرفیت، سهم در قدرت، تعیین سطح تمرکز، گروه‌های مرجع، بازیگران، واکنش به مسائل نوظهور، ارتباط با نخبگان، ارتباط با مردم، حاملان گفتمانی، قدرت رسانه‌ای، روایت تاریخی، محدوده جغرافیایی، مزیت رقابتی، قابلیت‌های نرم و سخت، میزان انسجام و نقاط آسیب‌پذیر، مورد بررسی قرار گرفته و در جدول صفحه بعد تطبیق داده شده است:

جریان انقلابی	جریان غیرانقلابی	جریان استکبار	
دوگانه عدالت و کارآمدی	دوگانه آزادی و جامعه کثرت‌گرایی	دوگانه حاکمیت دیکتاتور و لیبرال	روایت
مقام معظم رهبری و رهبران مقاومت	روشنفکران متأثر از غرب (خاتمی، ...)	غرب‌گرایان وابسته (منافقین ...)	رهبران
رویکرد مقاومتی	رویکرد سازش‌کارانه	رویکرد سرسپردگی	مواجهه با نظام سلطه
تمدن نوین اسلامی	حکومت ایران	مستعمره غرب	افق حاکمیتی
SwTO	WOT و حاشیه‌سازی	WT	استراتژی
در حاشیه و انفعالی	در متن و فعال	در حاشیه و بیش فعال	موقعیت و وضعیت
خوب، پراکنده ولی مفصل	خوب، نیمه پراکنده و متصل	بسیار کم، پراکنده ولی متصل	ظرفیت
رهبری و نهادهای حاکمیتی	دولت و بخشی از مجلس	بسیار کم	سهم در قدرت
سطوح فکری و ارزشی	سطوح احساسی و ساختاری	سطوح رفتاری و ساختاری	تمرکز
محدود و ایستا	گسترده و پویا	محدود و پویا	گروه‌های مرجع
میان‌سال و سستی	جوانان، دانشجویان و سلب‌ریتی‌ها	بخش محدودی از جامعه	بازیگران
شگفت‌زده و دفاعی	پیش‌دستانه و بهره‌بردار	بهره‌بردار و موج‌ساز	واکنش به مسائل نوظهور
محدود و حداقلی	گسترده و حداکثری	محدود و حداقلی	ارتباط با نخبگان
در قالب قدرت از بالا به پایین	از مسیر نخبگان	با هژمونی فکری فرهنگی غرب	ارتباط با مردم
بالقوه جوانان مؤمن انقلابی	طبقه متوسط شهری	منافقین و سلطنت‌طلبان	حاملان گفتمانی
زیاد و غیرهوشمند	کم ولی هوشمند	بسیار زیاد و هوشمند	قدرت رسانه‌ای
روایت تاریخی به‌شدت ضعیف است	روایت تاریخی مفصل	روایت تاریخی نسبتاً قوی	روایت تاریخی
جهانی (جبهه مقاومت)	کشور ایران	ایران بالکانیزه شده	محدوده جغرافیایی
اندیشه و اراده قدرتمند	انطباق‌پذیری با دنیای مدرن	اتصال به قدرت استکباری	مزیت رقابتی
ضعف در قابلیت‌های نرم و قوت در سخت	قوت در قابلیت‌های نرم و ضعف در سخت (اجرا)	قوت در قابلیت‌های نرم و قوت در سخت	قابلیت‌های نرم و سخت
ضعف در انسجام، همدلی و فهم مشترک	دارای انسجام نسبی و همدلی	قوت در انسجام، همدلی و فهم مشترک	کیفیت انسجام
حاشیه‌سازی	مبانی و اصول، دنیاطلبی	منافع اقتصادی، امنیت و آرامش	نقاط آسیب‌پذیر

زنجیره عملکردی در جریان‌های سه‌گانه رقیب:



آن چه به وضوح از مسائل پیش‌گفته آشکار می‌شود: نیاز تکمیل و تقویت حلقه‌های این زنجیره در جریان انقلابی است و نکته دیگر این که در این موقعیت، کوچک‌ترین ظرفیت‌ها اهمیت دارند. در میان جنگ اندیشکده‌ها و پیروزی در این میدان است که عامل تعیین‌کننده است.

منابع مورد استفاده برای تدوین نظام مسائل اجتماعی و سیاسی

۱. فراتحلیل بیگ دیتای فضای مجازی (اینستاگرام و توییتر)
۲. گزارش‌های نظرسنجی ملی (صدا و سیما، مرکز افکارسنجی بسیج و ایرانیان و دانشگاه تهران)
۳. گزارش‌های تحلیلی و سیاستی مرتبط با موضوع
۴. فراتحلیل نظرات تحلیل‌گران و کارشناسان

نظام مسائل اجتماعی

روندها:

- تغییر مرجعیت‌های اجتماعی
- جامعه اندرویدی و شبکه‌ای
- تنوع ساختارها، نهادها و بازیگران اجتماعی
- ظهور نیروهای مرکز گریز
- نقش‌پذیری متفاوت زنان و دگرگونی نهاد خانواده

- فردگرایی (دیدن و دیده شدن)
- تغییر در هنجارها، پارادایم‌ها و باورها
- کاهش اراده جمعی و شوق ملی
- آمیختگی با تمدن و فرهنگ غیر
- تغییر الگوهای سرگرمی

چالش‌ها:

- آسیب‌های اجتماعی
- تشدید شکاف‌های اجتماعی
- سلامت (با رویکرد سلامت همه‌جانبه)
- احساس محرومیت نسبی
- کاهش امید به آینده و افزایش نگرانی نسبت به آینده
- افت سرمایه اجتماعی نظام
- ناکارآمدی و ضعف نهادها و ساختارهای اجتماعی
- تضعیف نهاد خانواده
- کاهش جمعیت و پیری و تحولات نسلی
- کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی
- بحران در آموزش و پرورش و آموزش عالی

فرصت‌ها:

- جمعیت جوان
- پیوندهای اجتماعی مذهبی و جغرافیایی
- جامعه چهل تکه منسجم (امکان و تجربه مدیریت تنوع‌ها)
- تاب‌آوری اجتماعی
- اعتماد بنفس بالای اجتماعی
- بدنه مومن و انقلابی (نیروهای جهادی)
- ظرفیت‌های دینی و مذهبی
- ایران (نماد هویت ملی)
- منابع کافی سرزمینی و درآمدی
- رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

ج) نظام مسائل سیاست خارجی

مقدمه

تهیه سیاست‌های کلی برنامه‌ای در مجمع تشخیص مصلحت نظام رویه‌ای ثابت دارد، در این زمینه کمیسیون‌های تخصصی دبیرخانه با دعوت از مسئولین، کارشناسان و متخصصان هر حوزه و اخذ گزارشات و پیشنهادات سازمان‌ها ابتدا نسبت به تهیه جدول تطبیقی سیاست‌های کلی قبلی با نگرش مقایسه‌ای، اقدام و مواردی را که نیاز به تمدید و یا حذف در سیاست‌های پیشنهادی جدید دارند را استخراج می‌نمایند. همچنین موضوعات و مسایل جدید نیز که با توجه به مسائل مستحدثه و روز در کشور به نسبت سیاست‌های گذشته ضروری تشخیص داده می‌شود، نیز مشخص می‌گردد. سپس نسبت به تهیه لیستی از مسائل و معضلات عمده کشور در حوزه‌های تخصصی از طرق مختلف همانند جلسات خبرگی، نخبگی، کارشناسی، نظرات تخصصی دستگاه‌های متولی در مورد معضلات و ... تهیه و در جلسات کارشناسی اهمیت و اولویت آنها مشخص می‌گردد. همچنین اهداف و جهت‌گیری‌های کلان کشور در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی، سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز و بیانات امام (ره) و مقام معظم رهبری و ... احصاء و ضمن سنجش شرایط و وضعیت موجود کشور نسبت به جمع‌بندی و پیشنهاد اولیه اقدام می‌نمایند.

بر این اساس در کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه نیز ضمن اصل قرارداد رهنمودها و منویات مقام معظم رهبری تلاش بر این بود که رویکرد آرمانگرا، هدف محور، توسعه‌گرا با توجه به واقعیات محیطی سیاست‌های معطوف به اثربخشی پیشنهاد گردد و این مهم در جلسات متعدد کارشناسی، خبرگی و نخبگی با دستگاه‌ها و کارشناسان برجسته هر حوزه حاصل گشته است.

نتیجه این که برای تدوین پیش‌نویس سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم در حوزه سیاسی، دفاعی و امنیتی اهداف، جهت‌گیری‌ها، راهبردها و اولویت‌های کلان ملی با توجه به مسائل و معضلات اساسی کشور مبتنی بر یک روش تحقیق علمی و تفکر استراتژیک با رویکرد سیستمی، آینده نگر، اقتضایی و تعاملی باید مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر سیاست‌ها باید با توجه به نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت‌های موجود درون و برون کشور پیشنهاد شود.

چالش‌ها:

- حضور و نفوذ آمریکا و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای پیرامونی و منطقه‌ای
- تلاش صهیونیسم جهانی برای نفوذ و حضور در مناطق پیرامونی با هدف اخلال در نظم و امنیت منطقه و تاثیرگذاری در روندهای منطقه‌ای خصوصا با نزدیکی به محور عربی
- جنگ فراگیر روانی و تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌ها، مواضع و رفتارها
- اعمال نفوذ قدرت‌های موثر بین المللی در تصمیمات نهادهایی نظیر شورای امنیت، کنوانسیون‌های بین المللی و سایر کارگزاری‌های وابسته .
- وجود اختلافات سیاسی و حقوقی میان ایران و کشورهای همسایه
- گسترش تحرکات فرقه‌ای و قومی فرامرزی و تأثیرپذیری از تمایلات تجزیه‌طلبانه برون مرزی
- جریان‌سازی افراطی اسلامی و نظام‌سازی انحرافی منطقه‌ای جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران
- امکان ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی، جابجایی اولویت‌ها و به چالش کشیده شدن جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر منطقه
- تلاش برای خنثی سازی ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در منطقه، بویژه در چارچوب ایران هراسی

فرصت‌ها:

- نقش آفرینی قدرت‌های نوظهور در مناسبات بین المللی و معادلات منطقه‌ای
- بیداری اسلامی و رشد آگاهی ملت‌های تحت ستم در زمینه استقلال‌خواهی و رهایی بخشی
- نفوذ منطقه‌ای ایران در سطح افکار عمومی، نخبگان و جریانات فکری و گروه‌های مقاومت
- وجود تعارضات بین قدرت‌های موثر بین‌المللی با توجه به شرایط در حال گذار نظام بین‌الملل
- موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه
- بهره‌مندی از منابع انرژی و قرارگرفتن در موقعیت عبور و بیضی انرژی منطقه
- همکاری هدفمند و موثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی

مسائل اساسی پیش رو:

- چندجانبه گرایی در روابط بین‌المللی و شکستن انحصار قدرت غرب
- زمینه همکاری استراتژیک با روسیه و چین و قدرت‌های نوظهور
- رویکرد اقتصاد محور و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان.
- شیوه تعامل با جریان مقاومت اسلامی در منطقه
- شیوه مقابله با جریان موسوم به ائتلاف عربی، عبری به رهبری عربستان سعودی
- سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا در منطقه
- نوع برخورد و تعامل جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه
- تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی در دستگاه دیپلماسی
- بررسی تئوری‌های معطوف به نظم و امنیت بین‌المللی پساکرونا
- بررسی ماهیت جنگ‌های آینده مشتمل بر جنگ‌های متافیزیکی، جنگ‌های خاموش (بیوتروریسم)، جنگ‌های مجازی، جنگ‌های نرم و جنگ علم و ... خواهد بود.
- تغییر ماهوی و رویکردی آمریکا در حوزه دیپلماسی عمومی بر علیه جمهوری اسلامی ایران
- کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی
- نوع تعامل با کشورهای اروپایی و چگونگی ادامه آن بر اساس تعهدات متقابل برجام
- تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های ثانویه و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای مقابله
- آینده نظام سیاسی در سوریه
- چگونگی تعامل با روند دولت‌سازی در عراق
- سازماندهی و احیا مجدد داعش

د) نسبت اسناد بالادستی با سیاست‌های کلی پنج‌ساله

آسیب شناسی سیاست‌های کلی و برنامه‌های توسعه گذشته، نگاهی به چالش‌های موجود و پیش‌رو در طول پنج سال آینده و همین‌طور شناسایی نظام مسائل کشور، کارشناسان را به این نتیجه رساند که سیاست‌های کلی برنامه هفتم می‌بایست مسئله‌محور تدوین گردد. در نتیجه بررسی‌های به‌عمل‌آمده و آسیب‌شناسی‌های انجام شده، رویکرد مسئله‌محور برای تدوین ایده اتخاذ شد که مبتنی بر موارد زیر است:

۱- ابتناء سیاست‌ها بر مسائل به‌جای امور. (برنامه‌های قبلی بر اساس امور ۸ گانه بوده است).

نقد امور محوری:

- تعریف دقیق و حدود مرز امورات مشخص نیست.
- تصویر منسجمی از ذهن سیاست‌گذار به‌نظام برنامه‌ریزی ارائه نمی‌کند.
- افزایش نامناسب از امورات در کنار تشتت‌های نگارشی در تدوین بندهای سیاستی، علاوه بر تداخل بین حوزه‌ها، انسجام درونی میان بندهای سیاستی را خدشه‌دار می‌سازد.

۲- استاندارد کردن الگوی نگارشی (هدف، راهبرد و مسئله) و این که حل مسئله، باید هدف سیاست باشد نه محتوای سیاست.

۳- ترسیم نگاشت نهادی برای بندهای سیاستی (متولیان اجرای سیاست)

۴- نظام مسائل بر اساس اهمیت، ضرورت و اولویت با بهینگی و کارایی «۲۰-۸۰» احصاء و در سطوح ساختاری، رفتاری، احساسی و ارادی، ارزشی و فکری، تحلیل لایه‌ای شوند.

اما نکته مهم‌تر این بود که سیاست‌های کلی پنج‌ساله هفتم می‌بایست نسبت به خود را با سیاست‌های کلی موضوعی مشخص می‌کرد که تلاش شد با برشی در بازه زمانی پنج‌ساله، اولویت‌هایی از سیاست‌های کلی موضوعی استخراج و در برنامه هفتم توسعه لحاظ گردد.

پس از شناسایی مسئله‌ها از مجموع تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت گرفته، دسته‌بندی آنها در ۱۲۰ مسئله انجام شد. در گام بعد بر اساس ۴ شاخص اهمیت در نگاه رهبری، اهمیت برای مردم، ضرورت و فوریت، ۳۹ مسئله برگزیده شد و بر اساس آنها، ایده اولیه سیاست‌های کلی برنامه هفتم، در ۱۴ بند به‌عنوان چهارچوب و رویکرد حاکم برای رفع آن مسائل و تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم به شرح زیر پیشنهاد گردید:

هـ) ایده سیاست‌های کلی برنامه هفتم

- ۱- ارتقای قدرت سایبری جمهوری اسلامی ایران در تراز قدرت‌های اثرگذار جهانی، تحکیم حاکمیت و امنیت ملی در فضای مجازی و توسعه و ارتقای همه‌جانبه شبکه ملی اطلاعات
- ۲- اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی، تقویت اعتمادبه‌نفس ملی، افزایش سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی، تقویت فرهنگ مقاومت در جامعه و اصلاح فرهنگ اقتصادی
- ۳- رساندن نرخ باروری به بالاتر از نرخ جانشینی طی برنامه هفتم در قالب سیاست‌های کلی جمعیت با بسیج همه ظرفیت‌ها و منابع
- ۴- ارتقای نقش فعال و سازنده منطقه‌ای، حضور مؤثر در شکل‌دهی فضای بین‌المللی و غلبه بر چالش‌ها و توطئه‌های استکبار با ظرفیت‌سازی در وزارت امور خارجه، همکاری ارگان‌ها و نهادهای مسئول در روابط خارجی و کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی
- ۵- افزایش توان بازدارندگی و دفاعی و ضریب امنیتی کشور در تراز قدرت منطقه‌ای در جهت تأمین منافع و امنیت ملی
- ۶- رفع موانع تحقق سیاست‌های نظام اداری

- ۷- ایجاد چندین طرح ملی و زیرساختی عظیم
- ۸- افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و ارتقای و روزآمدی نظام آموزشی و پژوهشی کشور
- ۹- جهت‌دهی نقدینگی و هدایت اعتبارات به فعالیت‌های مولد با تحول در نظامات پولی، بانکی، مالی، تجاری و بودجه‌ریزی، علاج ریشه‌ای بیماری‌های مزمن اقتصادی و تکریمی کردن تورم
- ۱۰- تحول نظام مالیاتی با رویکرد تامین مالی پایدار دولت، در جهت رفع وابستگی بودجه جاری به نفت با تأکید بر عدالت مالیاتی و دریافت متناسب از دارایی‌ها و درآمدها
- ۱۱- تحقق سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با توجه به مزیت‌های بالفعل و بالقوه و اجرایی ساختن موارد برجسته آن با توجه ویژه بر دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی
- ۱۲- ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، فحشا و فساد بر اساس شاخص‌های روشن و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم
- ۱۳- بهداشت محوری در نظام سلامت و بهره‌مندی از طب سنتی
- ۱۴- ارتقای امنیت غذایی کشور

سیاست‌های پیشنهادی برای برنامه هفتم توسعه

کمیسیون مشترک

پس از ابلاغ ایده سیاست‌های برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون‌های تخصصی، اندیشکده‌های مرتبط با حوزه سیاستگذاری اقدامات لازم برای تدوین پیشنهادات بندهای سیاستی خود را آغاز کردند و از سوی دیگر سامانه «نظام جمع سپاری دبیرخانه مجمع» با عنوان (نجم) راه اندازی شد و در این فرایند ۷۳۹ مورد مشارکت ثبت شد و جمعی از نخبگان و صاحب‌نظران کشور در یک اقدام نو پیشنهادات خود را به کمیسیون‌های دبیرخانه عرضه نمودند و در نهایت این پیشنهادات که در گام اول به طور مفصل ارائه شده بود به حدود ۳۰۰ بند و زیربند رسید. در گام بعدی کمیسیون تلفیق در دبیرخانه مجمع تشکیل گردید تا ضمن تلفیق بندهای پیشنهادی مبتنی بر ایده ابلاغی و با اولویت‌بندی و مسئله‌محوری و بدون در نظر گرفتن حوزه‌های بخشی، پیشنهادات دبیرخانه مجمع تشخیص را در خصوص سیاست‌های برنامه هفتم ارائه کند.

الف) مرحله اول پیشنهاد‌های کمیسیون‌ها دبیرخانه مجمع تشخیص

در این مرحله پس از آن که ایده اولیه در دستور کار دبیرخانه مجمع قرار گرفت؛ کمیسیون‌های تخصصی با بهره‌گیری از نتایج گزارشات اندیشکده‌ها و استفاده از روش جمع‌سپاری و بهره‌مندی از نظرات نخبگان و دانشگاهیان، پیشنهادات خود را در قالب ۳۰۰ بند و زیربند به عنوان سیاست‌های برنامه هفتم عرضه کردند که در ادامه خواهد آمد.

۱- پیشنهاد‌های کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی

۱. پیش‌بینی سازوکار مناسب و کارآمد برای کادرسازی و آموزش و تربیت نسل جوان، مومن، انقلابی، جهادگر و خلاق و برنامه‌ریزی برای انتقال تجارب و انتقال قدرت و مدیریت در سطوح مختلف مدیریتی به آنان در طول برنامه
۲. ارتقا و گسترش رفاه و عدالت در حوزه‌های امدادی، حمایتی - بیمه‌ای به منظور کاهش فقر، رفع محرومیت و تبعیض‌های ناروا و تامین عادلانه نیازهای اساسی مردم و توانمندسازی و کارگستری آنان با یکپارچه‌سازی نظام استحقاق‌سنجی و راه‌اندازی و استقرار نظام جامع و کارآمد و چندلایه و هدفمندسازی یارانه‌ها و مالیات‌ها
۳. ایجاد سازوکار پایش و کنترل انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی، سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشینی و سکونت‌های غیررسمی به منظور کنترل و کاهش فقر، فساد، اعتیاد، طلاق و خشونت
۴. افزایش جمعیت کشور و نرخ مولید در حد بالای ۲/۱٪ و برنامه‌ریزی برای توانمندسازی جمعیت با اجرای کامل سیاست‌های کلی خانواده و جمعیت و رفع موانع آنها
۵. رصد و پایش مستمر وضعیت فرهنگی کشور، شناخت آسیب‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها و قوت‌ها و آسیب‌زدایی از نظام فرهنگی کشور با ایجاد تقویت قرارگاه فرهنگی و انسجام‌بخشی به جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و تقویت روحیه دینی، ملی و انقلابی جوانان
۶. افزایش تولید ثروت از طریق ارتقای علم و فناوری و رسوخ آن در صنایع مختلف و گسترش بازارهای صادراتی دانش‌بنیان با توسعه و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان

۷. تقویت حاکمیت ملی در حوزه فضای مجازی با تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات در لایه‌های محتوا و خدمات و مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی و سایبری جهت توسعه پیام‌رسان‌های بومی، افزایش نسبت ترافیک داخلی و سرعت دسترسی مردم به خدمات و محتوای فرهنگی
۸. طراحی و ایجاد نظام نوین تنظیم‌گری همگرا با هدف حمایت و ساماندهی فعالیت عموم رسانه‌های کشور از طریق سیاست‌گذاری، تنظیم مقررات و نظارت بر اجرا
۹. اصلاح نظام بانکی در جهت بانکداری اسلامی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای جذب سرمایه‌های مردم و هدایت آن در جهت تقویت تولید ملی و اشتغال مولد
۱۰. اصلاح ساختار بودجه و بودجه‌ریزی عملیاتی کشور بر اساس اقتصاد بدون نفت، رعایت تعادل بین منابع و مصارف، جلوگیری از رشد هزینه‌های سرباری دولت، تنظیم رابطه برنامه‌ها با بودجه سنواتی، رعایت اولویت‌ها و عدم تحمیل کسری بودجه.
۱۱. برنامه‌ریزی برای تقویت تولید ملی، حمایت از تولیدگران، تسهیل امور صادرات، جلوگیری از واردات کالاهای مختلف مگر در موارد حیاتی
۱۲. پایش نظام اداری کشور و کاهش تصدی‌گری، برای کارآمدسازی و تقلیل هزینه‌های سرباری جامعه
۱۳. ایجاد سازوکار قوی و کارآمد کنترل، بازرسی و نظارت بر اجرای سیاست‌ها و قوانین در کشور با راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند و الکترونیکی و مسدود نمودن راه تصمیمات فردی در امور حساس و با ارزش و پیش‌بینی مجازات بازدارنده متناسب برای متخلفین در ابعاد مختلف با همکاری و مشارکت قوای سه گانه کشور
۱۴. افزایش قدرت دفاعی و موشکی، جهت بازدارندگی از تجاوز دشمنان و پاسخ قاطع و مناسب به تجاوزات احتمالی
۱۵. مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر و روان‌گردان و اهتمام بر اجرای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر با رصد و اشراف اطلاعاتی از طریق ایجاد سامانه‌های لازم در تمامی حوزه‌ها

۲- پیشنهاد های کمیسیون زیربنایی

الف) محورهای اصلی:

۱. اصلاح نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی کشور؛
۲. اقتصاد بدون اتکای به فروش نفت خام؛
۳. تکیه بر ظرفیت و توان داخلی؛
۴. حمایت از تولید و توسعه صادرات؛
۵. بهره‌برداری پایدار از منابع و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست و تخریب غیرقابل جبران.

ب) مأموریت نظام تصمیم‌گیری کشور در تحقق سیاست‌ها:

برای تحقق اهداف و سیاست‌های برگرفته از محورهای اصلی تدوین برنامه، نظام تصمیم‌گیری کشور با رویکرد ایجاد زیرساخت‌های لازم و با استفاده از ابزار «مدیریت هزینه» و «خلق منابع جدید» اقدام به تصمیم‌گیری و اجرا می‌نماید. سیاست‌های برنامه هفتم کشور با توجه به راهبردهای کلان باید به گونه‌ای تدوین گردد که از طریق راهکارهایی با قابلیت شاخص‌گذاری، سنجش و ارزشیابی در طول برنامه میسر گردد.

ج) رویکردها و راهکارهای عمومی:

۱. کاهش حجم و هزینه‌های دولت از طریق کاهش تصدی‌گری و واگذاری امور به نهادهای عمومی و بخش‌های خصوصی و تعاونی‌ها
۲. ارتقای سطح مشارکت مردم در تصدی‌گری امور با تاکید بر ایجاد نهادها و تشکلهای مردمی
۳. خوداتکایی نسبی بخشی در برنامه‌های سالانه و کاهش وابستگی به منابع خزانه کشور با برقراری تعادل در منابع و مصارف بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف
۴. سامان‌بخشی به فضای زیست و فعالیت و تعادل‌بخشی سرزمینی
۵. کاهش هزینه‌های بهای تمام شده محصولات از طریق بازنگری در هزینه‌های تحمیلی بر محصولات نظیر مالیات، عوارض و تعرفه‌های متعدد دولتی وضع شده و غیردولتی نظیر هزینه‌های مالی تسهیلات و مبادله و حمل‌ونقل باهدف رقابتی شدن محصولات برای صادرات
۶. هدفمندسازی یارانه‌ها با اولویت حمایت از تولید و اشتغال و صادرات
۷. هدف‌گذاری در بازار گسترده و متنوع منطقه

۸. اعطای یارانه موثر برای صادرات محصولات تحریمی برای تحریم‌شکنی
۹. حمایت موثر از جذب سرمایه‌ها برای توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری برای تولید و ایجاد اشتغال
۱۰. تاکید بر استفاده از فناوری‌های جدید و دانش‌بنیان
۱۱. ارتقای بهره‌وری عوامل و منابع تولید
۱۲. طراحی نظام جامع زنجیره ارزش در بخش‌های تولیدی و خدماتی
۱۳. ترویج و حمایت از اقتصاد سبز و اصلاح الگوی تولید، توزیع و مصرف با مشارکت عمومی
۱۴. تقویت مدیریت بحران کشور با پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از حوادث طبیعی و انسان ساخت
۱۵. ارتقای زیست‌پذیری، پایداری و تاب‌آوری سکونتگاه‌های شهری و روستایی
۱۶. تکمیل و بهره‌برداری از طرح‌ها و پروژه‌های زیربنایی و تولیدی نیمه‌تمام با اولویت جذب منابع بخش خصوصی
۱۷. الزام به داشتن پیوست‌های فرهنگی اجتماعی و زیست‌محیطی برای طرح‌های بزرگ جهت رسیدن به توسعه پایدار
۱۸. توسعه مدیریت در طراز نظام اسلامی.

د) جدول تطبیق سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه هفتم با سیاست‌های کلی برنامه ششم

۱- آمایش، مدیریت شهری، مسکن و شهرسازی

سیاست‌های کلی برنامه هفتم	سیاست‌های کلی برنامه ششم
۱. ارتقاء زیست‌پذیری، پایداری و تاب‌آوری سکونتگاه‌های شهری و روستایی	۱۹- تقسیم‌کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستایی
۲. بازتعریف چگونگی استقرار نظام مدیریت یکپارچه شهری به ویژه کلان‌شهرها و تقویت مشارکت مردم در اداره امور شهری و روستایی	۴۸- هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی - ایرانی.
۳. تهیه و تصویب برنامه جامع آمایش سرزمین در سال دوم برنامه توسط دولت	۴۹- سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.
۴. ساماندهی و احیاء بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رفع موانع قانونی و ارائه مشوق‌های موثر برای ساخت مسکن	
۵. توسعه فناوری‌های نوین و صنعتی‌سازی در بخش ساختمان.	

۲- آب، کشاورزی و منابع طبیعی

سیاست‌های کلی برنامه ششم	سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه هفتم
۴-۱۰- سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک‌های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک‌های مذکور برای ارائه تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه ملی.	۶. ارتقای سطح خوداتکایی در امنیت غذایی، با تأکید بر توان داخلی و استفاده از فناوری‌های نوین به میزان حداقل ۹۰ درصد
۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.	۷. استقرار کامل نظام مدیریت منابع آب کشور
	۸. افزایش بهره‌وری ۱۰ درصدی سالیانه آب در کلیه بخش‌ها با تأکید بر بخش کشاورزی
	۹. احیاء و تعادل‌بخشی منابع آب زیرزمینی به میزان حداقل ۱۰ میلیارد مترمکعب
	۱۰. افزایش سالانه ۱۰ درصدی صادرات محصولات فرآوری‌شده بخش کشاورزی با تکمیل زنجیره ارزش و تأمین
	۱۱. اصلاح و بهبود خاک کشاورزی به میزان ۲,۵ میلیون هکتار
	۱۲. اجرای عملیات آبخیزداری به میزان ۱۰ میلیون هکتار
	۱۳. اصلاح الگوی کشت و ترویج کشت مجدد به منظور افزایش تولید.

۳- حمل‌ونقل و توسعه دریا محور

سیاست‌های کلی برنامه ششم	سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه هفتم
۱۹- تقسیم‌کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستایی	۱۴. طراحی و نوسازی شبکه ترکیبی و ناوگان حمل‌ونقل با استفاده از مشوق‌ها و روش‌های نوین تأمین مالی با تأکید بر حمل‌ونقل ریلی
۲۱- توسعه اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار- خرمشهر با تأکید بر سواحل مکران.	۱۵. تقویت و هوشمندسازی شبکه حمل‌ونقل و دسترسی به سهم بیشتر ترانزیت کالا و مسافر باتوجه به موقعیت راهبردی کشور حداقل به میزان دوبرابر
۲۳- توسعه بازارهای دریایی و ایجاد مناطق مهم اقتصادی در زمینه‌های دارای مزیت.	۱۶. توسعه دریا محور با تقسیم‌کار ملی و ارائه مشوق، حمایت‌های مؤثر و تسهیل در اعطای مجوزهای لازم با تأکید بر حوزه‌های حمل‌ونقل، کشاورزی، شیلات، گردشگری، انرژی، تدارکات و ...
۲۴- اولویت بخش ریلی در توسعه حمل‌ونقل و ایجاد مزیت رقابتی برای آن.	
۲۵- توسعه حمل‌ونقل ریلی باری با اولویت تجهیز شبکه و پایانه‌های باری و اتصال شبکه به مراکز بزرگ اقتصادی، تجاری و صنعتی و مبادی ورودی و خروجی مهم کشور و شبکه‌های ریلی منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه کریدور شمال- جنوب باهدف توسعه صادرات و ترانزیت بار.	
۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.	

۴- توسعه روستایی و عشایری

سیاست‌های کلی برنامه ششم	سیاست‌های کلی برنامه هفتم
۱۷. اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایری (کانون تولید و ارزش‌آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقای شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند ۹ سیاست‌های کلی کشاورزی.	۱۸. باز تعریف، طراحی و اجرای الگوی آبادانی و پیشرفت جامع روستایی ۱۹. تثبیت قلمرو، افزایش جمعیت و حفظ و تنوع‌بخشی به کارکرد تولیدی مناطق روستایی با تأکید بر ارتقای نقش تعاونی‌ها و فناوری‌های بومی و نوین ۲۰. حفظ و ارتقا منابع و سرمایه‌ها، توانمندسازی و تاب‌آوری، بازیابی و اعتباربخشی اصالت، هویت و آیین‌های جوامع روستایی ۲۱. ارتقای نظام حکمروایی محلی و برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه منطقه‌ای و ملی توسعه روستایی. ۲۲. ساماندهی کوچ و اسکان فصلی، تنوع‌بخشی و تقویت توان تولیدی، صیانت از الگوی زیست، فرهنگ، شکل‌ها، قلمروهای زیست بومی، مراتع و ایل راه‌ها، نظام دامداری و دانش بومی عشایر

۵- انرژی

سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه هفتم	سیاست‌های کلی برنامه ششم
۲۳. اصلاح ساختار حکمرانی حوزه انرژی کشور از طریق تفکیک وظایف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت، تنظیم‌گری و واگذاری تصدی‌گری	۱۰- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تامین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و دائمی شدن اساس‌نامه صندوق توسعه ملی با تنفیذ اساس‌نامه موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.
۲۴. حمایت از توسعه تولید برق، گسترش فعالیت‌های خرده‌فروشی، ارتقای کارایی فنی، اقتصادی و عرضه خدمات شرکت‌های توزیع	۱۱- تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.
۲۵. جلوگیری از اتلاف انرژی در مراحل تولید، تبدیل، انتقال و توزیع و کاهش شدت مصرف انرژی به یک‌دوم میزان کنونی از طریق انجام اصلاحات قیمتی و غیر قیمتی	۱۲- حمایت از تاسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور به‌ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
۲۶. گسترش اکتشاف حوزه‌های مشترک، توسعه تولید صیانتی، بهبود مستمر ضریب بازیافت	۱۳- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک‌مقیاس.
۲۷. افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین به میزان حداقل ده درصد کل تولید برق تا پایان برنامه	۱۴- تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی.
۲۸. توسعه تجارت خارجی پایدار انرژی و تسهیل صادرات با اولویت ایجاد بازار برق منطقه‌ای با قراردادهای بلندمدت با همسایگان	۱۵- واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه میادین نفت و تاسیسات صنعت نفت به مردم.
۲۹. تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز با تأکید بر پرهیز از خام‌فروشی و ارتقای صادرات فرآورده‌های پالایشی و محصولات پتروشیمیایی با ارزش افزوده بالاتر.	۱۶- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی)
	۱۷- دانش‌بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تاسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به‌منظور افزایش خودکفایی.
	۱۸- افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌های نفت و گاز.
	۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.

۶- حمایت از تولید ملی، صنایع، معادن و فن آوری

سیاست‌های کلی برنامه ششم	سیاست‌های کلی برنامه هفتم
۳۰. تدوین و تصویب الگوی توسعه صنعتی کشور بر اساس سند آمایش سرزمین تا پایان سال دوم برنامه	۴-۱۰. سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک‌های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک‌های مذکور برای ارائه تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه ملی.
۳۱. جهش تولید به کمک ارتقای ساخت داخل در صنایع پیرشان و رقابت‌پذیر از طریق توسعه صادرات به بازارهای متنوع	۲۶- افزایش نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات محصولات آن با اجرای سیاست‌های کلی صنعت و معدن.
۳۲. حذف تصدی‌گری دولت به‌منظور توسعه فضای کسب‌وکار با افزایش سهم بخش خصوصی و تعاونی و حذف سهام ممتاز دولتی	۲۷- دانش‌بنیان نمودن شیوه تولید و محصولات صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان.
۳۳. بازسازی و نوسازی صنایع و معادن و ارتقای بهره‌وری صنایع داخلی با تأکید بر فناوری‌های نوین و دانش‌بنیان	۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.
۳۴. تکمیل زنجیره ارزش هم اتکا و پیونددهنده صنایع کوچک و متوسط و خوشه‌سازی صنعتی	۲۹- اولویت دادن به تأمین مواد موردنیاز صنایع داخلی کشور با تأکید بر تکمیل ظرفیت زنجیره ارزش افزوده مواد معدنی و اجرای بند ۳ سیاست‌های کلی معدن.
۳۵. حذف تصدی‌گری و بازتعریف نقش سازمان‌های توسعه‌ای به‌عنوان حامی زیست‌بوم نوآور، دانش‌بنیان و فن‌آور در جهت استقرار مؤلفه‌های بنیادین انقلاب صنعتی چهارم	۵۱- حمایت از صنایع‌دستی و صیانت از میراث فرهنگی.
۳۶. ایجاد جذابیت و امنیت برای سرمایه‌گذاری در صنعت با نگاه بر مشوق‌های مالی جهت هدایت نقدینگی و بازار سرمایه به سمت تولید	۷۹- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام و توسعه تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان.
۳۷. تدوین و اجرای بسته‌های سیاستی از مرحله تأمین مواد اولیه تا عرضه محصول و تکمیل زنجیره ارزش در صنایع منتخب (نساجی، پوشاک، کفش، چرم، لوازم‌خانگی، خودرو و لاستیک، پلاستیک، فلزات اساسی، پائین دستی پتروشیمی و نفت، غذایی، ماشین‌آلات و کاغذ) باتکیه بر توان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی.	

۷- محیط‌زیست

سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم
۳۸. تعیین ظرفیت و قابلیت‌های بهره‌مندی متناسب مناطق کشور با رعایت محیط‌زیست ۳۹. بهبود ۱۵ رتبه‌ای شاخص عملکرد محیط‌زیست کشور در سطح جهان و کاهش مؤثر آلودگی هوای کلان‌شهرها به میزان ده درصد و مقابله و تاب‌آوری در مواجهه با پدیده‌های نوظهور مانند تغییرات اقلیم با استفاده از ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی ۴۰. حفاظت، احیاء و توسعه منابع طبیعی تجدیدپذیر، جلوگیری از تخریب و دگرگونی زیست‌بوم‌ها با تأکید بر وضع و اجرای قوانین مرتبط و بهره‌برداری پایدار از منابع بر پایه ظرفیت قابل تحمل محیط و بازتوانی چرخه زیستی با مشارکت ذی‌ربطان و جوامع محلی ۴۱. حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری‌های سازگار با محیط‌زیست و اقلیم مانند بازیافت با استفاده از ابزارهای اقتصادی همچون مالیات و عوارض سبز.

۸- بند عمومی

سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم	سیاست‌های برنامه ششم
۴۲. جهت‌دهی تولید و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در حوزه‌های راهبردی مانند صنایع، انرژی (نفت، گاز و برق)، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، شهرسازی، ساختمان، سکونتگاهی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب، کشاورزی و محیط زیستی با افزایش نقش شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری و صادرات محصولات فناورانه. ۴۳. تکمیل پروژه‌های تولیدی، زیربنایی، صنعت، خدمات و سایر بخش‌ها و سایر بخش‌ها با پیشرفت بیش از ۸۰ درصد، با اولویت مشارکت بخش خصوصی ۴۴. ارتقای جایگاه و فعال‌سازی هیئت عالی مقررات‌زدایی در جهت تسهیل فضای کسب‌وکار از طریق کاهش یا حذف مجوزات زائد در بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور.	۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.

۳- پیشنهادهای کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه

الف - در حوزه سیاست خارجی

۱. اولویت‌بخشی به دیپلماسی اقتصادی با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ورود موثر به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته بر مبنای سند چشم‌انداز و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
۲. تعامل فعال و موثر در حوزه صادرات غیرنفتی، فروش و انتقال انرژی بر پایه مزیت‌های اقتصادی و جغرافیایی کشور با محیط پیرامونی و منطقه‌ای (با هدف تحقق سالیانه ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی)
۳. حمایت موثر و هدفمند از نهضت‌ها، جنبش‌ها و پویش‌های حقوقی و مردمی در مقابله با اشکال مختلف تبعیض، استعمار و استثمار
۴. حضور فعال و موثر در فرایند شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی با هدف دفاع از منافع ملی و ارزش‌های انقلابی
۵. حضور موثر فرهنگی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای بر مبنای ظرفیت‌های علمی رسانه‌ای و علائق مشترک در راستای ترویج، توسعه و تعمیق اندیشه‌های اسلامی، انقلابی و میراث تاریخی، تمدنی و ادبی کشور در جوامع هدف
۶. تقویت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای به ویژه با بهره‌گیری هوشمندانه از فضای مجازی باهدف صیانت از وجهه جمهوری اسلامی ایران و ترویج دستاوردهای آن در نظام بین‌الملل
۷. حفظ و افزایش دستاوردهای سیاسی، امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا با تقویت محور مقاومت و مبارزه مستمر و فراگیر با حضور و نفوذ استکبار، صهیونیسم و تروریسم دولتی در منطقه
۸. کمک به ایجاد صلح و ثبات در منطقه غرب آسیا به‌ویژه عراق، افغانستان، سوریه، یمن و لبنان
۹. حفظ و اولویت‌بخشی موضوع فلسطین در کانون فکری و سیاسی جهان اسلام و حمایت از آرمان ملت فلسطین مبنی بر تشکیل دولت مستقل و واحد در تمامی سرزمین‌های اشغالی
۱۰. انعقاد و اجرای توافقات‌های راهبردی و بلندمدت با قدرت‌های نوظهور آسیایی (به‌ویژه روسیه و چین)

۱۱. ایجاد زمینه‌های لازم در جهت جذب سرمایه و توان علمی- تخصصی ایرانیان خارج از کشور در توسعه ملی

۱۲. ارتقای روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلام

ب- در حوزه دفاعی

- ۱- تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور برای تقویت بنیه دفاعی
- ۲- ارتقای توان بازدارندگی فعال کشور در مقابله با هر تهدید، در هر سطح و هر زمان
- ۳- تقویت دیپلماسی و همکاری‌های دفاعی، امنیتی و انتظامی با کشورهای منطقه، مسلمان و همسور.
- ۴- تقویت اشراف اطلاعاتی و قدرت کنشگری اثربخش در بحران‌های منطقه‌ای در جهت مدیریت مؤثر محیط راهبردی و فضای تهدیدات متنوع و عدم غافلگیری
- ۵- مقابله هوشمند، به‌موقع، غافلگیرساز، تهاجمی در برابر هر اقدام دشمن، متناسب با آسیب‌پذیری‌های دشمن و فرصت‌های در اختیار
- ۶- معماری و طراحی مجدد سامانه‌های دفاعی و امنیتی و نیروهای دفاعی و امنیتی و ایجاد سامانه یکپارچه فرماندهی و کنترل با رویکرد کنشگری هوشمند و قدرت سازی برای دفاع و امنیت همه‌جانبه در محیط ملی و فراملی به‌ویژه عرصه‌های جدید تهدید
- ۷- تحکیم و تعمیق امنیت ملی در همه ابعاد، اشراف بر نیت و اقدامات دشمن از جمله فعالیت‌ها و اقدامات در فضای مجازی و فعالیت گروه‌ها و جریان‌ات معاند بخصوص گروهک‌های تروریستی، نفوذ بیگانگان و پیشگیری از هرگونه غافلگیری راهبردی
- ۸- تامین اشراف کامل بر وضعیت امنیت ملی (در سطوح سه‌گانه راهبردی، عملیات و اجرایی) و ابعاد و مولفه‌های آن و نیز امنیت منطقه و نیت و اقدامات دشمنان از جمله اشراف بر فعالیت‌ها در فضای مجازی، فعالیت گروه‌ها و جریان‌ات معاند بخصوص گروهک‌های تروریستی، نفوذ بیگانگان و ایمن‌سازی جامعه در برابر غافلگیر شدن و یارگیری گروه‌ها و جریان‌ات معاند و وابسته به استکبار جهانی
- ۹- حراست از منافع جمهوری اسلامی ایران، بسط عمق راهبردی و مقابله با ائتلاف‌سازی‌های نظام سلطه و هم‌پیمانان آنها.

- ۱۰- دستیابی به فناوری‌های بستر ساز حال و آینده، با تاکید بر توسعه تحقیقات، نوآوری و افزایش ضریب خوداتکایی در فناوری‌ها و قطعات گلوگاهی تا ۱۰۰٪
- ۱۱- تقویت کمی و کیفی بسیج و سازوکارهای نقش‌آفرینی هرچه بیشتر آن در همه ابعاد از جمله دفاعی، امنیتی، فرهنگی، سازندگی، محرومیت‌زدایی و علم و فناوری
- ۱۲- تقویت زیر ساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای ملی (عمومی) و دستگاهی برای مصون‌سازی و مدیریت هوشمند و پیشگیری تهدیدات، به‌ویژه تهدیدات سایبری و زیستی، شیمیایی و پرتویی با محوریت پدافند غیرعامل

ج) حوزه مدیریت شهری

۱. تفکیک امور محلی از امور ملی و واگذاری تدریجی آن به مدیریت محلی در حوزه امور اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی، خدماتی، عمرانی، تفریحی، رفاهی و زیر ساخت‌های آموزشی و ایجاد مدیریت یکپارچه شهری تحت خط‌مشی‌ها، حمایت‌ها و نظارت شوراهای و دولت از طریق اصلاح قوانین مربوطه
۲. تقویت و اصلاح نظام ایمنی شهری و ساختارها و سازوکارهای مدیریت بحران و پدافند غیرعامل و خروج صنایع خطرآفرین از محدوده شهرها
۳. تامین منابع و درآمدهای پایدار توسعه و عمران و مدیریت امور شهری و روستایی با تاکید بر نظام (درآمد - هزینه) ای

د) در حوزه داخلی

۱. انجام اقدامات لازم در راستای تحقق دولت اسلامی (سومین حلقه ایجاد تمدن نوین اسلامی) با تحقق شاخص‌های حکمرانی اسلامی در کلیه دستگاه‌ها و نهادها: (۱- سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی. ۲- خدمت به خلق. ۳- عدالت پیشگی در پیشرفت. ۴- سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد. ۵- قانون‌گرایی. ۶- حکمت و خردگرایی در کارها. ۷- تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور) باتکیه بر میدان‌داری جوانان

۲. گفتمان‌سازی و ترویج مبانی و اندیشه‌های گام دوم انقلاب و عینیت‌بخشی در همه سطوح از جمله حوزه تقنین ...
۳. رویکرد «نتیجه و پیامد محور» در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امور برنامه‌ریزی، اجرایی و تقنینی با امکان ارزیابی جامع تاثیرات اجرای تصمیم
۴. شناسایی و مقابله همه‌جانبه با عوامل موثر در فرسایش سرمایه اجتماعی و حفظ و ارتقای روزافزون آن با افزایش اعتماد، رضایتمندی عمومی و مشارکت اجتماعی و بررسی تاب‌آوری اجتماعی با رصد هوشمند تغییرات شاخص‌های مرتبط
۵. تخصیص حداقل دو درصد بودجه عمومی برای زمینه‌سازی لازم برای رشد جمعیت به نرخ حداقل هر خانوار سه فرزند با ایجاد ساختار ملی رصد جمعیت و هماهنگی و تقسیم‌کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذی‌ربط با تأکید بر اشخاصی که فرصت ازدواج و فرزندآوری آنان در حال اتمام است.
۶. پوشش ۱۰۰ درصدی بیمه برای درمان ناباروری زوجها تا پایان برنامه هفتم
۷. ایجاد شبکه ملی نظارت بر تحقق سیاست‌های کلی، تحت‌نظر هیات عالی نظارت و فعال‌سازی ظرفیت دستگاه‌های ذی‌ربط
۸. تصویب قوانین لازم برای تحقق هریک از سیاست‌های کلی نظام تا پایان برنامه

هـ) حوزه امنیت

۱. تقویت نهادهای اطلاعاتی و ایجاد فرماندهی واحد به‌منظور افزایش هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌های اطلاعاتی مربوط.
۲. پایش دائمی تهدیدات و مؤلفه‌های امنیتی کشور، تقویت زیرساخت‌های شبکه اشراف ملی اطلاعات کشور و یکپارچه‌سازی بانک‌های اطلاعاتی
۳. طراحی بانک اطلاعات هوشمند جهت مدیریت اثربخش اطلاعات عملیاتی دشمنان در راستای مقابله با ترور و ارتقای بهره‌وری جامعه اطلاعاتی

۴. پیشگیری و مقابله بازدارنده و تهاجمی با فعالیت‌های خصمانه دولت‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی و گروه‌ها در ج.ا. ایران و کشورهای هدف
۵. تامین امنیت پایدار مناطق مرزی با انسداد کامل نرم‌افزاری - سخت‌افزاری، تقویت و توسعه یگان‌های مرزبانی، دیپلماسی مرزی، فعالیت‌های اطلاعاتی و مشارکت‌دهی مرزنشینان با نگهداشت جمعیت و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آنان (تکرار ماده ۵۵ برنامه ششم) و (تکرار سیاست‌های کلی امنیت ملی)
۶. ساماندهی مناطق و مبادی مرزی کشور (زمینی، هوایی و دریایی) از طریق مدیریت یکپارچه با هدف امنیت پایدار
۷. مدیریت جهادی یکپارچه جهت مقابله با جنگ تمام‌عیار اقتصادی دشمن با تکیه بر توان ملی و اقتصاد مقاومتی
۸. تامین امنیت فرایندهای سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری بنگاه‌ها و دستگاه‌های اقتصادی کشور (دولتی، تعاونی و خصوصی)
۹. شناسایی و مقابله هوشمند با طراحی شبکه‌های تولید ناامنی‌های اقتصادپایه
۱۰. نظام‌بخشی و اعمال نظارت ملی در راستای شفافیت فرایندهای اقتصادی کشور به منظور ارتقای سلامت اقتصادی و مبارزه نظام‌مند با مفاسد
۱۱. تدقیق و تقویت نگاه جامع در ابعاد مختلف تعاملات اقتصادی به منظور جلوگیری از غافلگیری راهبردی
۱۲. اتخاذ تدابیر لازم در راستای تقویت همه‌جانبه فرایندهای زیرساختی دانش و فناوری حاکم در مقابله با تهاجمات سایبری
۱۳. تکمیل شبکه ملی اطلاعات باتکیه بر حفظ امنیت آن و پیشگیری و مقابله با تهدیدات
۱۴. توسعه و تقویت عوامل مقوم وحدت و انسجام ملی در راستای ارتقای امنیت اجتماعی مبتنی بر تنویر افکار عمومی

۱۵. تعیین سازمان‌های مسئول و تقویت نهادها و تعیین سازوکارهای لازم برای رفع آسیب‌های اجتماعی از جمله حاشیه‌نشینی، فقر، اعتیاد، جرم و جنایت ...

و) حوزه مبارزه با فساد

۱. تدوین برنامه جامع ملی مبارزه با فساد. اقتصادی و تعیین نقش همه دستگاه‌های و نهادهای رسمی و مردمی و اعمال نظارت ملی با نهادهای سازای فرایند نظارت همگانی و جرم‌انگاری بازدارنده برای تقویت پیشگیری از وقوع فساد
۲. پیشگیری و مبارزه سیستمی با مفاسد اقتصادی قاچاق کالا، ارز، جریان‌های فسادانگیز ناسالم و رانت‌خواری با ایجاد نهاد فراقوه‌ای به‌گونه‌ای که کاهش قابل‌ملاحظه‌ای در ۵ سال آینده داشته باشد.
۳. ممنوعیت صدور مجوز از جمله تأسیس، اکتشاف، بهره‌برداری، موافقت اصولی برای کلیه نمایندگان، مقامات از شهرستان تا وزراء، قضات هم برای خود و هم اعضای خانواده‌های نزدیک خود در طول مدت مسئولیت
۴. ممنوعیت فعالیت اقتصادی شخصی کارکنان دولت در دوران خدمت
۵. ممنوعیت از انتصاب افراد و مدیران دولتی موجب بروز تعارض منافع
۶. کاهش حساب‌های جاری بانکی به‌گونه‌ای که هر فرد حقیقی یا حقوقی در سنین معقول می‌تواند حداکثر دارای یک حساب جاری باشد مشروط به اینکه کارمند بخش دولتی، عمومی یا خصوصی یا مدیرعامل شرکت باشد.

۴- پیشنهادهای کمیسیون حقوقی و قضائی دبیرخانه مجمع

الف) سیاست های پیشنهادی قضائی

سیاست پیشنهادی	مستندات
۱- طراحی و اجرای برنامه های شفاف ساز فعالیت های سازمانی، باهدف مبارزه قاطع، سختگیرانه و بدون ملاحظه به شیوه سیستمی فراگیر با هر نوع فساد به ویژه فساد قضائی.	۱. بندهای ۲ و ۳ پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۴ سیاست های برنامه دوم ۳. بندهای ۲۷ و ۳۳ سیاست های برنامه سوم ۴. بند ۱۷ سیاست های برنامه چهارم ۵. بند ۴ توصیه های بیانیه گام دوم
۲- اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرایند دادرسی و دستیابی سریع و آسان مردم به حقوق خود و بهره مندی از حقوق شهروندی در مراجع قضائی.	۱. بند ۴ پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۴ سیاست های برنامه دوم ۳. بند ۱۷ سیاست های برنامه چهارم ۴. بند ۱ و ۶ سیاست های کلی قضائی ۵. بند ۱۱ سیاست های قضائی پنج ساله
۳- ارتقای سلامت قضائی و اداری قوه قضائیه مبتنی بر شاخص های علمی - آماری با ارائه برنامه زمانی سالیانه و پنج ساله.	۱. بندهای ۱ تا ۳ پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۴ سیاست های برنامه دوم ۳. بند ۲۷ سیاست های برنامه سوم ۴. بند ۱۷ سیاست های برنامه چهارم ۵. بند ۱۴ سیاست های برنامه پنجم ۶. بندهای ۱ و ۱۳ سیاست های کلی قضائی ۷. بندهای ۱، ۴ و ۶ سیاست های قضائی پنج ساله ۸. بند ۴ توصیه های بیانیه گام دوم
۴- صیانت قاطع و توأمان از استقلال و سلامت قضات و دستگاه قضا.	۱. بندهای ۲-۳-۵-۶ و ۷ پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۲۹ سیاست های برنامه سوم ۳. بند ۱۷ سیاست های برنامه چهارم ۴. بند ۱۴ سیاست های برنامه پنجم ۵. بندهای ۱۰ و ۱۳ سیاست های کلی قضائی ۶. بندهای ۴ و ۷ سیاست های قضائی پنج ساله ۷. بند ۴ توصیه های بیانیه گام دوم
۵- شناسایی و به کارگیری نیروی انسانی صالح از بین جوانان انقلابی فاضل جهت تصدی مسئولیت های دستگاه قضا.	۱. بندهای ۲ و ۳ و ۶ از پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۳ سیاست های برنامه دوم ۳. بند ۳۳ سیاست های برنامه سوم ۴. بند ۱۷ سیاست های برنامه چهارم ۵. بند ۱۴ سیاست های برنامه پنجم ۶. بند ۱۳ سیاست های کلی قضائی ۷. بند ۴ سیاست های قضائی پنج ساله ۸. بندهای ۱ و ۲ تأکیدات بیانیه گام دوم
۶- تدوین و اجرای برنامه زمانی سالیانه و پنج ساله جهت پیشگیری از وقوع جرم و تخلف، از طریق هم افزائی بین قوا در حیطه کشف، مدیریت و اصلاح زمینه های موجد جرائم و تخلفات.	۱. بندهای ۱ و ۸ پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۱۷ سیاست های برنامه چهارم ۳. بندهای ۱۴ و ۱۶ سیاست های برنامه پنجم ۴. بند ۳ سیاست های قضائی پنج ساله

ب) سیاست‌های پیشنهادی حقوقی

عنوان سیاست پیشنهادی	مستندات
۱- تدوین و اجرای برنامه زمانی سالیانه و پنج‌ساله جهت گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادی‌های مشروع باهدف ارتقای اعتماد و امید مردم به‌نظام حاکمیت.	۱. بندهای اول، دوم و خصوصاً چهارم پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بند ۱۷ سیاست‌های برنامه چهارم ۳. بند ۱۴ سیاست‌های برنامه پنجم ۴. بند اول سیاست‌های کلی قضائی مصوب ۱۳۸۱
۲- ایجاد سازوکار لازم در جهت برخورداری قطعی هر خانواده از یک وکیل دادگستری باهدف کسب مشاوره و خدمات حقوقی و قضائی تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی.	۱. بند ۴ پیوست حکم مقام معظم رهبری در انتصاب رئیس قوه قضائیه ۲. بندهای سیاست‌های کلی برنامه چهارم و پنجم ۳. بند ۱۳ و ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی قضائی ۴. بند ۱۱ سیاست‌های قضائی پنج‌ساله ۵. بند ۴ توصیه‌های بیانیه گام دوم انقلاب
۳- بالابردن سطح دانش حقوقی و قضائی آحاد جامعه نسبت به امور حقوقی به‌ویژه آثار جرائم و تخلفات، از طریق آموزش‌های سمعی و بصری.	۱- بند ۱۶ سیاست‌های کلی قضائی ۲- بند ۱۱ سیاست‌های قضائی پنج‌ساله

۵- پیشنهادهای کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری

- ۱- استفاده از مزیت نفت و گاز کشور در توسعه صنایع پایین‌دستی و وابسته به آن
- ۲- تدوین و اجرای طرح پایش عمومی سلامت و کسب آمادگی برای مقابله با بیماری‌های همه‌گیر
- ۳- تقویت نقش‌آفرینی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در اقتصاد ملی
- ۴- ایجاد زیرساخت‌های فنی، قانونی و اقتصادی جهت بهره‌برداری و استخراج رمزارزها
- ۵- تدوین و اجرای طرح جامع مدیریت حوزه‌های آبخیز کشور و حفاظت و حمایت از جنگل‌ها و مراتع
- ۶- ساخت موتور ملی (بنزینی، دیزلی، برقی و هیبریدی و...)
- ۷- چابک‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت، استقرار دولت الکترونیک و کنترل مخارج عمومی دولت
- ۸- مرتبط کردن ساختاری سازمان‌های دولتی و حذف مجموعه‌های موازی
- ۹- بازتعریف نظام اداری کشور متناسب با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تعیین محدوده فعالیت‌های بخش دولتی
- ۱۰- روان‌سازی فرآیند انجام امور در نظام اداری کشور
- ۱۱- متناسب‌سازی اختیار، مسئولیت و پاسخگویی در نظام اداری
- ۱۲- استقرار نظام جانشین‌پروری در نظام اداری کشور و انتقال مدیریت به نسل جوان
- ۱۳- ریشه‌کن کردن فساد در نظام اداری کشور از طریق؛ اولویت دادن به اقدام‌های پیشگیرانه، شفاف‌سازی، اصلاح قوانین، جلوگیری از تعارض منافع و مجازات شدید دست‌اندرکاران در فساد در تمام سطوح

۱۴- هدایت اعتبارات به سمت فعالیت‌های مولد:

- اعتبارات به سمت طرح‌های دارای توجیه مالی - اقتصادی - تجاری هدایت شود و به هیچ وجه، موجب افزایش تسهیلات معوق نگردد.
- ارائه‌دهنده تسهیلات باید بر مصرف تسهیلات نظارت کند و از نشت منابع اعتباری به خارج از طرح اولیه، که برای آن تسهیلات در نظر گرفته شود.
- افزایش سرمایه بانک‌ها و موسسات اعتباری و استانداردسازی آنها با هدف افزایش تامین اعتبار توسط بانک‌ها
- تنوع در شیوه‌های تامین مالی طرح‌ها از طریق بازار سرمایه، منابع خارجی و کاهش اتکا به تامین مالی از طریق بانک‌ها
- استفاده از روش مشارکت دولتی - خصوصی در تامین مالی طرح‌ها
- هدف‌گذاری برای تامین مالی پروژه‌های بازپرداخت تسهیلات اعتباری از محل درآمد پروژه بعد از بهره‌برداری به میزان ۳۰ درصد از کل تسهیلات ارایه شده
- طرح‌های دولتی و شرکت‌های دولتی که توجیه مالی - اقتصادی - تجاری قابل قبول برای بانک‌ها را ندارند، صرفاً از طریق ضمانت معتبر دولت برای بازپرداخت تسهیلات، قابل ارایه می‌باشد.

۱۵- تحول در نظامات پولی، مالی، بودجه‌ای، بیماری‌های مزمن اقتصادی و تورم تک‌رقمی:

- ممنوعیت استقراض از بانک مرکزی برای تامین مالی کسری بودجه با اعمال سلطه مالی بر سیاست‌های مالی
- در جهت قاعده‌مندشدن سیاست‌های پولی و برنامه هفتم توسعه، حداکثر رشد سالیانه نقدینگی میزان ۱۵ درصد تعیین می‌گردد.
- سیاست‌های پولی در جهت دستیابی به تورم تک‌رقمی هدایت می‌شود.
- سیاست‌های پولی و ارزی به نحوی اعمال می‌شود که کاهش ارزش پول ملی در برنامه هفتم توسعه متوقف شود.

۱۶- تدوین برنامه بلندمدت نظام مالیاتی کشور با رویکرد ایجاد سازمان درآمدهای ملی به‌عنوان یکی از معاونت‌های رییس‌جمهور با هدف تامین مالی پایدار دولت و تجمیع سازمان امور مالیاتی کشور و گمرک جمهوری اسلامی ایران.

۱۷- تدوین قانون جامع مالیاتی با هدف یکپارچه‌سازی قوانین متعدد فعلی و لحاظ نمودن تشکیلات، وظایف و اختیارات مالیاتی، مالی و اداری سازمان وصول مالیات

۱۸- دسترسی کامل نظام مالیاتی به داده‌های با کیفیت از تمام کنش‌های اقتصادی و سوابق رفتارهای اقتصادی مودیان، به منظور طراحی نظام یکپارچه، روزآمد، داده‌مبنا و برخوردار از مجموعه‌ای از سامانه‌های تحلیلی، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر به همراه پایگاه دانش قواعد با حداقل دخالت انسانی و مبتنی بر مدیریت ریسک و فرآیندهای الکترونیکی هوشمند، با هدف گسترش پایه‌های مالیاتی، افزایش تعداد مودیان جدید، افزایش نرخ تمکین داوطلبانه، افزایش رضایت ذی‌نفعان، کاهش هزینه‌های وصول و ارتقا عدالت مالیاتی و پیشگیری از فرار مالیاتی.

۱۹- استقرار کامل نظام رتبه‌بندی کارکنان و مدیران نظام مالیاتی بر اساس ریسک فساد اداری.

ب) مرحله دوم جمع‌بندی کمیسیون تلفیق در خصوص سیاست‌ها

در این مرحله دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت، اقدام به تشکیل کمیسیون تلفیق نمود و مقرر گردید هر کدام از کمیسیون‌های تخصصی بر مبنای ایده اولیه سیاست‌ها، تحلیل بندهای پیشنهادی اندیشکده‌ها و بندهای رسیده و تحلیل‌شده از نظام جمع‌سپاری، دو یا حداکثر سه بند سیاستی پیشنهاد دهند البته با عنایت به اولویت و ضرورت و با محوریت رفع مسائل شناسایی‌شده در هر حوزه تخصصی. در ادامه جمع‌بندی کمیسیون تلفیق در خصوص سیاست‌ها در قالب ۴۵ بند آمده است:

۱- تحکیم حاکمیت و صیانت از ارزش‌های اسلامی - ایرانی در حوزه فضای مجازی در ابعاد سیاسی، امنیتی، دفاعی، اقتصادی و فرهنگی و ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های تاثیرگذار جهانی با ظرفیت‌سازی و مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی سایبری و کلان‌داده کشور، تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات در لایه‌های محتوا و خدمات، توسعه پیام‌رسان‌های بومی و افزایش نسبت ترافیک و سرعت دسترسی به خدمات و محتوای داخلی با احراز هویت کاربران.

۲- طراحی و ایجاد نظام نوین تنظیم‌گری پویا و همگرای رسانه‌ای متناسب با تحولات فناوری ارتباطات با هدف حمایت و ساماندهی فعالیت عموم رسانه‌های کشور در جهت تحقق حکمرانی هوشمند، پیشگیری و مقابله با تهدیدات و حوادث فضای مجازی و تقویت آرایش و قدرت بازدارندگی رسانه‌های داخلی در مواجهه با رسانه‌های نظام سلطه.

۳- افزایش سهم اقتصاد دیجیتال از کل اقتصاد مبتنی بر تحول دیجیتال در حوزه‌های آموزش، بهداشت و خدمات دولتی و تحقق نظام کسب‌وکار و تولید محتوا و خدمات فرهنگی.^۱

۱- ایده ۱- ارتقای قدرت سایبری جمهوری اسلامی ایران در تراز قدرت‌های اثرگذار جهانی، تحکیم حاکمیت و امنیت ملی در فضای مجازی و توسعه و ارتقای همه‌جانبه شبکه ملی اطلاعات (شامل مواد ۱ تا ۳)

۴- رصد و پایش مستمر وضعیت فرهنگی کشور در ابعاد مختلف و هماهنگی و تقسیم‌کار بین دستگاه‌های مسئول جهت:

۴-۱- تقویت فرهنگ مقاومت با پایداری و اعتلای باورهای دینی، انقلابی و ملی جوانان، صیانت از سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت روحیه امید، اعتماد، تعاون و مشارکت اجتماعی مردم و شناسایی و مقابله با عوامل موثر در فرسایش سرمایه اجتماعی.

۴-۲- انسجام‌بخشی به جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.

۴-۳- مقابله همه‌جانبه با تهاجم فرهنگی.

۵ - برنامه‌ریزی برای اصلاح فرهنگ اقتصادی اعم از ارتقای فرهنگ تولید، بهبود وجدان کاری و اصلاح فرهنگ مصرف.^۱

۶ - برنامه‌ریزی برای افزایش جمعیت کشور و رشد نرخ مولید در حد بالای ۲/۵٪ با ایجاد سازوکار ملی رصد جمعیت کشور، هماهنگی و تقسیم‌کار بین دستگاه‌های مسئول با رفع موانع و ایجاد مشوق‌های موثر و متناسب‌سازی قوانین، مقررات، توسعه خدمات بیمه‌ای برای پوشش و درمان انواع ناباروری تا پایان سال اول برنامه هفتم.

۷ - برنامه‌ریزی برای تقویت نهاد خانواده، ساماندهی و تسهیل فرصت‌های ازدواج آسان برای جوانان با رفع موانع آن و بسیج همه ظرفیت‌ها و منابع، ایجاد مشوق‌های موثر به‌ویژه در امر مسکن و اشتغال.^۲

۸ - تقویت دیپلماسی رسمی و عمومی با ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی در دستگاه دیپلماسی از طریق ارتقای نقش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، اجتناب از موازی‌کاری و رابطه سالاری، تمرکز بر تخصص‌گرایی و همکاری هدفمند مؤثر با سایر ارگان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.

۱- ایده ۲- اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی، تقویت اعتماد به نفس ملی، افزایش سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی، تقویت فرهنگ مقاومت در جامعه و اصلاح فرهنگ اقتصادی (شامل مواد ۴ و ۵)

۲- ایده ۳- رساندن نرخ باروری به بالاتر از نرخ جانشینی طی برنامه هفتم در قالب سیاست‌های کلی جمعیت با بسیج همه ظرفیت‌ها و منابع (شامل مواد ۶ و ۷)

- ۹ - توسعه مناسبات بین‌المللی، منطقه‌ای و پیرامونی ج.ا.ا. در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصاد با رویکردهای تعاملی و ائتلاف‌ساز با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک، دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، دانش فنی و مهارتی، ورود موثر به بازارهای جهانی بر پایه مزیت‌های جهت تثبیت صلح و ثبات و نفی حضور و نفوذ استکبار، صهیونیسم و تقویت محور مقاومت.
- ۱۰ - حضور فعال و موثر در فرایندهای شکل‌گیری کنوانسیون‌ها، هنجارها و رژیم‌های بین‌المللی و معادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای باهدف تامین منافع ملی و دفاع از ارزش‌های انقلابی.^۱
- ۱۱ - تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور به تقویت بنیه دفاعی به‌منظور ارتقای بازدارندگی فعال و تقویت توان نیروهای مسلح و اکتساب فناوری‌های برترساز و اقتدارآفرین موردنیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار.
- ۱۲ - تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای ملی (عمومی) و دستگاهی برای مصون‌سازی و مدیریت هوشمند پیشگیری تهدیدات، به‌ویژه تهدیدات سایبری و زیستی، شیمیایی و پرتویی با محوریت پدافند غیرعامل.^۲
- ۱۳ - چابک‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت، استقرار دولت الکترونیک و کنترل مخارج عمومی دولت.
- ۱۴ - مرتبط کردن ساختاری سازمان‌های دولتی و حذف مجموعه‌های موازی.
- ۱۵ - بازتعریف نظام اداری کشور متناسب با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تعیین محدوده فعالیت‌های بخش دولتی.
- ۱۶ - تفکیک امور محلی از امور ملی به جز مسائل حوزه دفاعی، سیاسی، قضایی و امنیتی و انتظامی در حوزه امور اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی، خدماتی، عمرانی، تفریحی، رفاهی و زیرساخت‌های آموزشی و ایجاد و مدیریت یکپارچه شهری.

۱- ایده ۴- ارتقای نقش فعال و سازنده منطقه‌ای، حضور موثر در شکل‌دهی فضای بین‌المللی و غلبه بر چالش‌های و توطئه‌های استکبار با ظرفیت‌سازی در وزارت امور خارجه، همکاری ارگان‌ها و نهادهای مسئول در روابط خارجی و کنش‌گری فعالی در دیپلماسی رسمی و عمومی (شامل مواد ۸ تا ۱۰)

۲- ایده ۵- افزایش توان بازدارندگی و دفاعی و ضریب امنیتی کشور در تراز قدرت منطقه‌ای در جهت تامین منافع و امنیت ملی (شامل مواد ۱۱ و ۱۲)

- ۱۷ - روان‌سازی فرایند انجام امور در نظام اداری کشور.
- ۱۸ - متناسب‌سازی اختیار، مسئولیت و پاسخگویی در نظام اداری کشور.
- ۱۹ - استقرار نظام جانشین‌پروری در نظام اداری کشور و انتقال مدیریت به نسل جوان.
- ۲۰ - ریشه‌کن کردن فساد در نظام اداری کشور، از طریق اولویت دادن به اقدام‌های پیشگیرانه، شفاف‌سازی، اصلاح قوانین، جلوگیری از تعارض منافع و مجازات شدید دست‌اندرکاران در فساد در تمام سطوح.^۱
- ۲۱ - استفاده از مزیت نفت و گاز کشور در توسعه صنایع پایین‌دستی و وابسته به آن.
- ۲۲ - تدوین و اجرای طرح پایش عمومی سلامت و کسب آمادگی برای مقابله با بیماری‌های همه‌گیر.
- ۲۳ - تقویت نقش‌آفرینی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در اقتصاد ملی به ویژه در حوزه صادرات.
- ۲۴ - ایجاد زیرساخت‌های فنی، قانونی و اقتصادی جهت بهره‌برداری و استخراج رمزارزها.
- ۲۵ - تدوین و اجرای طرح جامع مدیریت حوزه‌های آبخیز کشور و حفاظت و حمایت از جنگل‌ها و مراتع کشور.
- ۲۶ - ساخت موتور ملی (بنزینی، دیزلی، برقی و هیبریدی و...) ^۲
- ۲۷ - فراهم‌نمودن سازوکارهای لازم برای اجرایی‌سازی اسناد «تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «نقشه جامع علمی» و «سند امور نخبگان» در طول برنامه و بازنگری در معیارهای ارتقای معلمان و اعضای هیئت علمی.
- ۲۸ - برنامه‌ریزی برای کسب سهم ۵ درصدی از بازار جهانی محصولات و خدمات دانش‌بنیان با افزایش نفوذ فناوری و نوآوری در صنایع مختلف، گسترش بازارهای صادراتی دانش‌بنیان کشور و توسعه و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان.

۱- ایده ۶- رفع موانع تحقق سیاست‌های کلی نظام اداری (شامل مواد ۱۳ تا ۲۰)

۲- ایده ۷- ایجاد چندین طرح ملی و زیرساختی عظیم (شامل مواد ۲۱ تا ۲۶)

۲۹ - بازتعریف نقش سازمان‌های توسعه‌ای به‌عنوان پیش‌ران و حامی زیست‌بوم نوآوری، دانش‌بنیان و فناور در جهت نفوذ فناوری، افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرفته و فناوری‌های تحول‌آفرین و استقرار انقلاب صنعتی چهارم.

۳۰ - بازسازی و نوسازی صنایع و معادن و ارتقای بهره‌وری صنایع داخلی با تاکید بر فناوری‌های نوین و استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور و تکمیل زنجیره ارزش هم‌اتکا و پیونددهنده صنایع کوچک و متوسط و خوشه‌سازی صنعتی.^۱

۳۱ - هدایت اعتبارات به سمت فعالیت‌های مولد:

۱-۳۱- اعتبارات به سمت طرح‌های دارای توجیه مالی - اقتصادی - تجاری هدایت شود و به‌هیچ‌وجه، موجب افزایش تسهیلات معوق نگردد.

۲-۳۱- ارائه‌دهنده تسهیلات باید بر مصرف تسهیلات نظارت کند و از نشت منابع اعتباری به خارج از طرح اولیه که برای آن تسهیلات در نظر گرفته شده جلوگیری شود.

۳-۳۱- افزایش سرمایه بانک‌ها و موسسات اعتباری و استانداردسازی آن‌ها باهدف افزایش تامین اعتبار توسط بانک‌ها.

۴-۳۱- تنوع در شیوه‌های تامین مالی طرح‌ها از طریق بازار سرمایه، منابع خارجی و کاهش اتکا به تامین مالی از طریق بانک‌ها.

۵-۳۱- استفاده از روش مشارکت دولتی - خصوصی در تامین مالی طرح‌ها.

۶-۳۱- هدف‌گذاری برای تامین مالی پروژه‌های بازپرداخت تسهیلات اعتباری از محل درآمد پروژه بعد از بهره‌برداری به میزان ۳۰ درصد از کل تسهیلات ارائه شده.

۷-۳۱- طرح‌های دولتی و شرکت‌های دولتی که توجیه مالی - اقتصادی - تجاری قابل قبول برای بانک‌ها ندارند، صرفاً از طریق ضمانت معتبر دولت برای بازپرداخت تسهیلات، قابل ارائه می‌باشند.

۱- ایده ۸- افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و ارتقا و روزآمدی نظام آموزشی و پژوهشی کشور (شامل مواد ۲۷ تا ۳۰)

- ۳۲- تحول در نظامات پولی، مالی، بودجه‌ای، بیماری‌های مزمن اقتصادی و تورم تک‌رقمی:
- ۱-۳۲- ممنوعیت استقراض از بانک مرکزی برای تامین مالی کسری بودجه یا اعمال سلطه مالی بر سیاست‌های پولی.
- ۲-۳۲- در جهت قاعده‌مند شدن سیاست‌های پولی و برنامه هفتم توسعه، حداکثر رشد سالیانه نقدینگی میزان ۱۵ درصد تعیین می‌گردد.
- ۳-۳۲- سیاست‌های پولی در جهت دستیابی به تورم تک‌رقمی هدایت می‌شود.
- ۴-۳۲- سیاست‌های پولی و ارزی به نحوی اعمال می‌شود که کاهش ارزش پول ملی در برنامه هفتم توسعه متوقف شود.^۱
- ۳۳- سقف مخارج عمومی دولت در سال‌های برنامه هفتم توسعه به میزان ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی تعیین می‌گردد.
- ۳۴- منابع درآمد دولت در سال‌های برنامه هفتم توسعه به میزان ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی تعیین می‌گردد و به شرح ذیل بایستی محقق گردد:
- ۱-۳۴- درآمد مالیاتی به‌عنوان محور اصلی تامین مالی پایدار بودجه به تدریج در طول برنامه هفتم توسعه از ۷ درصد به ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی (۱۴-۱۲/۵-۱۱-۹/۵-۸) افزایش می‌یابد و متناسب با این افزایش‌ها، سالیانه از سهم درآمد نفتی ۶/۵ درصد به صفر درصد تولید ناخالص داخلی (۵/۵-۴-۲/۵-۱-۰) کاسته می‌شود.
- ۲-۳۴- استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای تراز بودجه عمومی ممنوع است.^۲
- ۳۵- توسعه دریا محور با تقسیم‌کار بین سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و فعالان بخش و ارائه مشوق‌ها، حمایت‌های موثر و تسهیل در اعطای مجوزهای لازم و تاکید بر دستیابی به ترانزیت کالا به میزان دوبرابر وضعیت فعلی با جهت‌گیری حمل‌ونقل ریلی پرسرعت (۳۵۰ کیلومتر در ساعت).

۱- ایده ۹- جهت‌دهی نقدینگی و هدایت اعتبارات به فعالیت‌های مولد با تحول در نظامات پولی، بانکی، مالی، تجاری و بودجه‌ریزی، علاج ریشه‌ای بیماری‌های مزمن اقتصادی و تک‌رقمی کردن تورم (شامل مواد ۳۱ و ۳۲)

۲- ایده ۱۰- تحول نظام مالیاتی با رویکرد تامین مالی پایدار دولت، در جهت رفع وابستگی بودجه جاری به نفت با تاکید بر عدالت مالیاتی و دریافت متناسب از دارایی‌ها و درآمدها (شامل مواد ۳۳ و ۳۴)

۳۶- تکمیل و توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز با تاکید بر پرهیز از خام‌فروشی و ارتقای تولید و صادرات فرآورده‌های پالایشی و محصولات پتروشیمیایی نهایی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و با ارزش افزوده بالاتر با استفاده از اصول فنی و مهندسی به‌روز.

۳۷- واگذاری اختیارات مکفی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای به مسئولین باهدف شکوفایی مناطق.^۱

۳۸- ارتقا و گسترش رفاه و عدالت اجتماعی از طریق تهیه و استقرار نظام فراگیر، مستقل، شفاف، کارآمد و چندلایه تامین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به‌منظور تأمین عادلانه گیرندگان خدمات.

۳۹- شناسایی سرچشمه‌های فقر و فساد با ایجاد سازوکار پایش و کنترل انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی از جمله فساد و فحشا، اعتیاد، طلاق، خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی، تخلفات و جرایم و حاشیه‌نشینی و برنامه‌ریزی برای ریشه‌کنی آن‌ها با رویکرد محله محوری، تقسیم‌کار بین دستگاه‌های مسئول و بهره‌گیری از مشارکت همه‌جانبه مردم در طول برنامه.

۴۰- مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر و روان‌گردان و اهتمام بر اجرای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر با رصد و اشراف اطلاعاتی از طریق ایجاد سامانه‌های لازم در تمامی حوزه‌ها.^۲

۴۱- تقویت رویکرد پیشگیری (بهداشت محوری)، به‌حداقل رساندن هزینه‌های درمانی به ویژه برای اقشار نیازمند و مقابله با بیماری‌های نو و فراگیر با تاکید بر:

۱-۴۱- جمع‌آوری داده‌های اطلاعات سلامت اشخاص با تکیه بر پرونده الکترونیک سلامت.

۲-۴۱- برنامه‌ریزی برای خودکفایی در تولید داروهای زیست‌فناورانه، شیمیایی و گیاهی، واکسن و تجهیزات پزشکی بر مبنای اولویت‌های کشور.

۳-۴۱- تقویت و ترویج طب سنتی به‌عنوان مکمل طب نوین در آموزش، پژوهش، بهداشت، درمان و توان‌بخشی.

۱- ایده ۱۱- تحقق سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با توجه به مزیت‌های بالفعل و بالقوه و اجرایی ساختن موارد برجسته آن با توجه ویژه بر دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی (شامل مواد ۳۵ تا ۳۷)
۲- ایده ۱۲- ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، فحشا و فساد بر اساس شاخص‌های روشن و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم (شامل مواد ۳۸ تا ۴۰)

۴۲- بهبود ۱۵ رتبه‌ای شاخص عملکرد محیط‌زیست کشور در سطح جهان و کاهش موثر آلودگی هوای کلان‌شهرها به میزان ۱۰ درصد تا پایان برنامه، تاب‌آوری و مقابله با تغییر اقلیم با استفاده از ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های بوم‌سازگار زیستی مانند بازیافت.^۱

۴۳- امنیت غذایی به میزان حداقل ۹۰ درصد همراه با افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی و افزایش سالانه ده‌درصدی صادرات محصولات فراوری شده کشاورزی با اصلاح الگوی کشت با محوریت دشت‌ها و صیانت از آن‌ها، ترویج کشت مجدد، کشت فراسرزمینی با جهت‌گیری محصولات وارداتی پرمصرف (دانه‌های روغنی، برنج، ذرت کنجاله دام و طیور)، اصلاح و بهبود خاک و ایجاد زیرساخت‌ها و تکمیل زنجیره تامین و ارزش.

۴۴- استقرار کامل نظام مدیریت منابع آب کشور، افزایش بهره‌وری ده‌درصدی سالیانه آب، احیای منابع آب زیرزمینی به میزان حداقل ده میلیارد مترمکعب، کنترل آب‌های سطحی و اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوان‌داری به میزان حداقل ده میلیون هکتار و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آب‌های ژرف و بازچرخانی آب‌های صنعتی و فاضلاب.^۲

۴۵- توسعه فناوری‌های فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب و بهره‌برداری از منظومه‌های ماهواره‌ای، ماهواره‌های زمین‌آهنگ و اکتشافات فضایی و حفظ و بهره‌برداری از موقعیت‌های مداری همراه با رشد ضریب نفوذ خدمات و فناوری‌های فضایی از طریق آزادسازی بخش دولتی، مشارکت بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان در زنجیره ارزش فضا و تامین منابع متنوع و پایدار مالی.

۱- ایده ۱۳- بهداشت محوری در نظام سلامت و بهره‌مندی از طب سنتی (شامل مواد ۴۱ و ۴۲)

۲- ایده ۱۴- ارتقای امنیت غذایی کشور (شامل مواد ۴۳ و ۴۴)

ج) نقد و نظرهای مشورتی دستگاه‌های مختلف اجرائی در خصوص سیاست‌ها

پیشنهادات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات:

۱. ارتقاء حکمرانی و توانمندی‌های فضای مجازی و صنعت فضایی در تراز قدرت‌های برتر جهانی، تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات، با تاکید بر مزیت‌بخشی محتوا، مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و تحقق حکمرانی مبتنی بر داده و تسهیل دسترسی آزاد مردم به خدمات و محتوای امن و سالم فضای مجازی، توسعه اقتصاد دیجیتال و دانش‌بنیان و تعامل فعال در بازارهای بین‌المللی جهت تحکیم و تقویت حاکمیت ملی و ارزش‌ها و گفتمان اسلامی- ایرانی.

۲. تحول و اصلاح ساختار نظام اداری مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام اداری با تاکید بر:

- هوشمندسازی و تحقق دولت یکپارچه الکترونیک؛
- تنقیح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات خصوصا در عرصه‌های فناوری؛
- اصلاح فرآیندها و روش‌ها و حذف تشکیلات موازی و غیرضرور؛
- رفع فساد و تعارض منافع در مناسبات اداری با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و خدمات زیرساختی شبکه ملی اطلاعات.

۳. شتاب‌بخشی به نوآوری و فناوری، تجاری‌سازی و شکل‌دهی بازار داخلی و بین‌المللی محصولات و خدمات نوآورانه با تکیه بر حوزه‌های نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات (هوش مصنوعی، پردازش‌های نوین، اینترنت اشیا، میکروالکترونیک و فناوری‌های فضایی).

- حمایت، تقویت و توسعه کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان.
- روزآمدسازی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور و هم‌راستاسازی آن با بخش‌های نوآورانه و دانش‌بنیان.
- لجستیک هوشمند پست.

۴. ارائه برنامه و تدوین و تصویب قوانین و مقررات لازم برای اجرایی‌شدن سیاست‌های کلی آمایش سرزمین حداکثر تا پایان سال دوم برنامه، با تمرکز بر طرح‌های توسعه اقتصادی کشور در دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی و استقرار واحدهای اقتصادی، صنعتی و جمعیتی در سواحل جنوب کشور و اصلاح و جابجایی فعالیت‌های اقتصادی بر اساس آمایش سرزمین و حوضه‌های آبخیز کشور با بهره‌گیری از فناوری‌های حوزه سنجش از دور فضایی و سایر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تحقق و پایش سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با توج خاص به زیست‌بوم بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات.

۵. توسعه و تثبیت فناوری‌های بومی و خدمات فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب یا تامین و بهره‌برداری از ماهواره‌ها یا منظومه‌های ماهواره‌ای در مدارات عملیاتی پایین و بالای زمین و توسعه علوم و اکتشافات فضایی و حفظ و بهره‌برداری از موقعیت‌های مداری همراه با رشد ضریب نفوذ خدمات و فناوری‌های فضایی با مشارکت بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان در زنجیره ارزش فضا.

۶. ارتقاء بهره‌وری در تمامی بخش‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی کشور با استفاده از فناوری‌های روزآمد و موثر ارتباطی و اطلاعاتی، فضایی و هوشمندسازی برای حل و فصل چالش‌ها و مسائل حوزه‌های کلیدی و اولویت‌دار کشور خصوصا در رفع ابرچالش‌های ملی و تامین منابع و نیازمندی‌های استراتژیک کشور و پایدارسازی و توسعه زیست‌محیطی.

۷. تطبیق نظام‌های آموزشی، پژوهشی و صنعتی کشور و تاکید بر تربیت نیروی انسانی کارآمد، خلاق و متعهد، شناسایی نخبگان، حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی و ارتقاء روحیه خودباوری و خوداتکایی و زمینه‌سازی به منظور جلوگیری از مهاجرت نیروی ماهر داخلی.

پیشنهادات صدا و سیما:

۱. اعتلاء فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی- ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقاء روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با ترویج و بازمعرفی آموزه‌های اسلامی و احیای میراث فرهنگی و تمدن اسلامی- ایرانی با هماهنگی و هم‌افزایی تمامی دستگاه‌ها و نهادهای عمومی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و گروه‌های خودجوش.
۲. کنش‌گری راهبردی در دیپلماسی رسمی و عمومی به منظور ارتقاء جایگاه ج.ا. ایران در محیط بین‌الملل با تاکید بر گسترش تعاملات موثر با همسایگان، کشورهای منطقه و اسلامی و توجه به راهبرد نگاه به شرق جهان (آسیا) از طریق ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی و تحول و کارآمدسازی سازوکارهای دستگاه دیپلماسی و هماهنگی و همکاری هدفمند و موثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.
۳.
 - افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات، هوش مصنوعی، علوم شناختی و زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر.
 - تقویت و توسعه کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان.
 - روزآمدسازی، چابکی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور.
۴. بازتعریف قواعد و قوانین حکمرانی در فضای نوین مجازی، به منظور تمرکز سیاست‌گذاری‌های تمامی سطوح این حوزه اعم از کلان، راهبردی، اجرایی و تنظیم‌گری در ارکان حاکمیت.
۵. تقویت بنیه فرهنگی و رسانه‌ای ج.ا. ایران در حوزه ملی و بین‌المللی، تولید و پخش محتوای انبوه و فاخر اسلامی- ایرانی، ایجاد دسترسی حداکثری به برنامه‌های رسانه ملی، تنظیم‌گری و نظارت بر بسترهای تولید و انتشار محتوای صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با افزایش سهم دولت در تامین بودجه صدا و سیما به ۱/۵ درصد از بودجه عمومی دولت، تحقق عدالت رسانه‌ای در کشور و ارتقای سواد رسانه‌ای عموم.

۶. حل حداقل سه مساله اصلی، ریشه‌ای و تنش‌آفرین در هر یک از شهرهای کشور.

۷. بازنگری و کنترل تمامی فرآیندهای قانونی و اداری در تمامی قوا، دستگاه‌ها و نهادهای کشور به منظور شناسایی نقاط فسادزا و افراد فاسد و برخورد قاطع، سریع و عبرت‌آموز با فساد، رانت و رشوه و تخلف از قوانین و مقررات به ویژه در حوزه‌های اقتصادی.

۸.

- حفظ و ارتقاء مرجعیت فرهنگی ایران اسلامی در جهان، منطقه و به ویژه در حوزه «ایران فرهنگی» با تقویت «دیپلماسی فرهنگی»؛
- ایفای نقش هدایت، سیاست‌گذاری، حمایت و نظارت فرهنگی و کاهش نقش تصدی‌گری دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی؛
- نوسازی فرهنگی، تحقق عدالت فرهنگی و اصلاح مصرف فرهنگی در کشور؛
- افزایش انسجام فرهنگی در کشور؛
- حمایت از صنایع خلاق و فرهنگی.

پیشنهادهای سازمان برنامه و بودجه کشور:

- ۱- ایجاد اینترنت ملی، تکمیل، توسعه و ارتقاء شبکه ملی اطلاعات، ارتقاء قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی برتر و تامین خدمات متناسب با تاکید بر مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور و تسهیل دسترسی آحاد مردم به شبکه ملی اطلاعات، تنظیم مقررات و ضوابط مصونیت‌سازی، فضای مجازی و فراشهر امن و سالم در جهت تحکیم و تقویت حاکمیت ملی، ارزش‌ها، گفتمان اسلامی- ایرانی و مرجعیت خبری و تحلیلی رسانه‌های ج.ا. ایران در داخل و کشورهای حوزه مقاومت، ارتقاء آگاهی و سواد رسانه‌ای.
- ۲- تحکیم و ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی با اعتلاء رویکرد خانواده‌محوری، تقویت شادی درونی، توسعه فعالیت‌های فیزیکی، تقویت نقش گروه‌های مرجع الگو، توسعه فناوری‌های فرهنگی و بازی‌های رایانه‌ای، توجه به صنایع فرهنگی- هنری، حمایت از تولید محصولات یکپارچه و تکمیل حلقه‌های مفقوده نهادی مکمل در زنجیره تولید و اصلاح الگوی مصرف؛ با اعتلای مرجعیت رسانه ملی در اعتلای فرهنگ عمومی، انعکاس اخبار و تحلیل‌های خبری و سیاسی؛ افزایش سرمایه اجتماعی، همبستگی اقشار مردم و وحدت ملی و به‌روزرسانی و اجرای اسناد نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
- ۳- کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی به منظور ارتقاء جایگاه ایران در محیط بین‌الملل با کلیه کشورها، به ویژه همسایگان و کشورهای آسیا و اقیانوسیه، بر اساس احترام متقابل و در جهت تامین منافع ملی از طریق ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی و تحول و کارآمدسازی سازوکارهای دستگاه دیپلماسی و هماهنگی و همکاری هدفمند و موثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی با محوریت وزارت امور خارجه (با تاکید بر دیپلماسی فرهنگی و علمی و فناوری).
- ۴- پیشنهاد امور عمومی، قضایی، دفاعی، امنیتی: تقویت بنیه دفاعی، امنیتی و انتظامی به منظور ارتقاء بازدارندگی و اکتساب علوم و فناوری‌های اقتدارآفرین مورد نیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار و دفاع فعال و برقراری امنیت پایدار در مرزها با تخصیص معادل حداقل ۵ درصد از بودجه عمومی دولت.

۵- پیشنهاد معاونت علمی، فرهنگی و اجتماعی: تقویت بنیه دفاعی، امنیتی و انتظامی به منظور ارتقاء بازدارندگی و اکتساب علوم و فناوری‌های اقتدارآفرین مورد نیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار و دفاع فعال و برقراری امنیت پایدار در مرزها.

۶- تقویت بنیه دفاعی به منظور ارتقاء قدرت بازدارندگی و اکتساب فناوری‌های اقتدارآفرین مورد نیاز بخش دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار و به‌کارگیری امکانات نیروهای مسلح در زمان صلح در جهت تحقق برنامه‌های اولویت‌دار بخش‌های غیردفاعی.

۷- تقویت زیرساخت‌ها و ظرفیت‌سازی برای دفاع هوشمند و نرم به بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و پیشگیری از تهدیدات سایبری، زیستی، شیمیایی، پرتویی و... با رویکرد پدافند غیرعامل در فضای واقعی و مجازی.

۸- آن دسته از شرکت‌هایی که وظایف و فعالیت‌های غیرحاکمیتی دارند، به نهادهای عمومی و بخش خصوصی واگذار یا به شرکت‌های سهامی عام یا تعاونی تبدیل شوند؛ به جز شرکت‌هایی که واگذاری آن‌ها با منافع و امنیت ملی مغایر باشد.

۹- شرکت‌هایی که وظایف حاکمیتی دارند، به سازمان یا موسسه دولتی تبدیل شوند ولی از شخصیت حقوقی و اختیارات مشخص برای انجام فعالیت‌های مالی، اداری و تجاری برخوردار باشند؛ در هر حال مقررات اداری و مالی، نظارت و حسابرسی، درج برنامه ۵ ساله و بودجه سالانه آن‌ها در قانون و موارد مشابه عیناً مقررات حاکم بر دستگاه ذی‌ربط باشد. به ازای سرمایه واقعی و به روز شده خود، سالانه درصد معینی به عنوان سود سرمایه به عنوان درآمد دولت منظور شود.

۱۰- واحدها و موسسات بند (۲) باید توان خود را در امور مدیریتی سازمان دهند؛ وظایف موازی و مشابه آن‌ها حذف و با جدیت، کوچک، چابک و بهره‌ور شوند. برون‌سپاری طرح‌ها و اقدامات، مبنای آن‌ها باشد و مجاز به هیچ‌گونه رقابتی با بخش‌های خصوصی و تعاونی نباشند.

۱۱- اصلاح نظام اداری با تاکید بر: توسعه مشارکت بخش‌های مردمی، خصوصی و عمومی غیردولتی با شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای، متناسب‌سازی اندازه دولت، کاهش تعدد مراکز تصمیم‌گیری و افزایش هم‌افزایی نهادهای نظارتی؛ تفویض اختیار به مناطق و استان‌ها در قالب شکل‌گیری وزارتخانه‌های منطقه‌ای و پاسخ‌گویی در قبال مجلس و دولت در چهارچوب سیاست‌های صیانت از استقلال ملی؛ تامین و به‌کارگیری نیروی انسانی و انتصاب مدیران با رویکرد رقابتی و رعایت شایسته‌سالاری بر اساس تدوین و احراز شرایط انتصاب در مناصب مدیریتی و سیاستی تا مشاغل تخصصی.

۱۲- جابجایی اداری نیروی انسانی شاغل در بخش‌های دولتی و عمومی بر اساس نیازهای جغرافیایی و انجام ماموریت‌های سازمانی و پرداخت‌های حقوق و مزایای کارکنان مبتنی بر شایستگی‌ها، سوابق و عملکرد شاغلین؛ هوشمندسازی نظام حکمرانی با رویکرد خودکاربری، توسعه دولت الکترونیک، خودکارسازی و مکانیزه کردن فرآیندها؛ حذف دستگاه‌های موازی و موازی‌کاری‌ها.

۱۳- ایجاد نهاد رصد و رفع تعارض منافع در دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی.

۱۴- شتاب در پیشرفت علم و نوآوری در راستای افزایش رشد اقتصادی با رعایت سیاست‌های کلی علم و فناوری با اولویت عرصه‌های اطلاعات و ارتباطات و هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، ریزفناوری، انرژی‌های نو و تجدیدپذیر، علوم‌شناختی و فناوری‌های حکمرانی با تاکید بر: تدوین سند راهبردی پیشرفت مبتنی بر فرهنگ بومی، علم، فناوری، نوآوری، کارآفرینی؛ ماموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی کشور هم‌زمان با اصلاح آیین‌نامه ارتقاء دانشگاه‌ها؛ بهبود و تعمیق نظام حکمرانی شبکه‌ای در عرصه نوآوری با مشارکت بخش‌های دولتی، مردمی، خصوصی، عمومی غیردولتی و بازرگانی و تسهیل استقرار نهادهای ذی‌ربط در سطح ملی، بخشی، منطقه‌ای و اکوسیستم‌های فناورانه؛ فعال‌سازی دیپلماسی علم و فناوری با رویکرد دستیابی به مرجعیت علمی و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ اهتمام به خوداتکایی مالی دانشگاه‌ها در راستای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان و ساماندهی فعالیت‌های پژوهشی و جهت‌دهی آن‌ها به سمت حل مسائل کشور و ارائه خدمات مورد نیاز جامعه؛ ارتقاء جایگاه علمی کشور در نظام رتبه‌بندی منطقه‌ای و جهانی؛ به‌روزرسانی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سند اسلامی کردن دانشگاه‌ها و استقرار نظام مالکیت فکری.

۱۵- افزایش نرخ ازدواج به میزان ۱۵ درصد سالیانه و نرخ باروری و مولید به حداقل ۱۲ درصد سالانه در طول دوره برنامه با حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری با رفع موانع و ایجاد مشوق‌های موثر و اصلاح فرهنگی و از جمله افزایش موثر حقوق سربازان وظیفه متاهل با تامین هزینه‌های آن از محل خرید خدمت سربازی سربازان وظیفه غایب.

۱۶- ارتقاء سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و فساد بر اساس شاخص‌های روشن و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم در قالب پنجره واحد ارائه خدمات حمایتی.

۱۷- اطمینان از تامین حداقل معیشت خانوار و افزایش قدرت خرید مردم با عادلانه‌سازی یارانه حامل‌های انرژی به صورت مرحله‌ای و تدریجی از طریق اعطای سبدي از حامل‌های انرژی منتخب در قالب بسته یارانه‌ای مصون در برابر تورم و تخصیص آن بر اساس شماره ملی و متناسب با بُعد خانوار و امکان مبادله آن توسط مردم و تعیین قیمت برق و گاز برای خانوارها مبتنی بر الگوی پلکانی بر اساس ضرایبی از قیمت‌های کشف‌شده در بورس انرژی متناسب با اقلیم، میزان مصرف و بُعد خانوار در عین توجه به عدم بروز شوک قیمتی برای خانوارهای دارای الگوی مناسب مصرف با رعایت اصل تقدم دریافت حمایت‌ها به عنوان پیش شرط اجرا.

۱۸- استقرار نظام تامین اجتماعی چندلایه با تاکید بر کاهش نابرابری اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی از طریق توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر و ایجاد فرصت‌های برابر شغلی با ایجاد نظام حمایتی فراگیر و یکپارچه؛ اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها با رویکرد جامعه‌محوری و مشارکتی.

۱۹- ارتقا و هوشمندسازی نظام سلامت با اولویت پیشگیری بر درمان از طریق بازنگری و به‌روزرسانی شبکه بهداشت، اجرای پرونده الکترونیک سلامت، نظام سطح‌بندی و ارجاع، برنامه پزشکی خانواده و بهره‌مندی از طب سستی، رفع تعارض منافع ساختاری بخش سلامت با تفکیک تامین مالی از تولید و ارائه خدمات و خرید راهبردی خدمات سلامت توسط نظام بیمه‌ای؛ حمایت از توسعه بیمارستان‌ها و موسسات درمانی غیردولتی به نحوی که سهم آنان در ارائه خدمات درمانی حداقل به ۳۰ درصد تخت‌های بیمارستانی تا سال پایانی برنامه برسد؛ کاهش پرداخت از جیب توسط مردم در طول برنامه؛ ارتقاء نظام بیمه سلامت به نحوی که همه ایرانیان مقیم کشور را دربر گیرد.

۲۰- اجرای کامل سند تحول قضایی با تاکید بر الزامی کردن و توسعه ثبت رسمی کلیه اعمال حقوقی راجع به اموال غیرمنقول و منقول دارای سابقه ثبتی، نظارت‌های توسعه گزارش‌دهی مردمی با ایجاد نظام انگیزشی متناسب و با حفظ محرمانگی هویت و تامین امنیت، نظارت هوشمند بر فعالیت دادگاه‌ها، بازداشتگاه‌ها و سایر مراجع مرتبط با قوه قضاییه، استفاده از فناوری هوشمند در فرایندهای رسیدگی قضایی و حفظ حقوق مردم با افزایش تبعات متواری شدن محکومان.

۲۱- حمایت مالی- حقوقی دولت از تولید محتواهای مناسب و توسعه فناوری‌های نوین و روندساز آینده و دارای تاثیرات عمیق بر رشته فعالیت‌های تولیدی و محصولات صنعتی و کشاورزی به ویژه اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، زنجیره بلوکی، کلان‌داده‌ها، پردازش ابری، ۵G و مشارکت صنایع و بنگاه‌های عمده تولیدی کشور در سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه و آینده‌نگری.

۲۲- اجرای کامل و به‌روزرسانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند تحول نقشه جامع علمی کشور به عنوان اسناد بالادستی حوزه علم و فناوری.

۲۳- ارتقاء کیفیت یاددهی- یادگیری و تربیت مربیان در فرآیند آموزش و پرورش عمومی در طراز جمهوری اسلامی؛ تقویت اقتصاد آموزش و پرورش و ایجاد رقابت عادلانه در نظام تربیتی کشور با رویکرد توسعه مشارکت‌های بخش‌های دولتی، مردمی، خصوصی، عمومی غیردولتی تحت هدایت بخش دولتی؛ رعایت عدالت آموزشی و افزایش سطح پوشش تحصیلی با اولویت مناطق مرزی، حاشیه شهرها و مناطق کمتر برخوردار با رویکرد آموزش ترکیبی (حضور و الکترونیکی)، افزایش سهم آموزش‌های مهارتی از نظام آموزشی کشور و گسترش و تعمیق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای پاسخ‌گویی به نیازهای حال و آینده جامعه و آماده‌سازی مرحله‌ای افراد برای بازار کار؛ مشاوره و هدایت تحصیلی و شغلی، گذر از مدرسه کنکورمحور به مدرسه زندگی اسلامی- ایرانی؛ تولید محتوا با رویکرد چندرسانه‌ای و تامین و تربیت معلمان و مربیان آینده‌ساز؛ بازنگری در اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اسناد زیرنظام‌ها.

۲۴- بهبود و ارتقاء اقتصاد فرهنگ؛ اتخاذ رویکرد جامع و اعمال حکمرانی شبکه‌ای با مشارکت بخش‌های دولتی، مردمی، خصوصی و عمومی غیردولتی برای توسعه گردشگری چندوجهی و بهبود فضای عمومی گردشگری پذیر کشور؛ احیای گردشگری مذهبی و سلامت و تفریحی؛ توسعه تولید، ترویج و صادرات صنایع دستی؛ حفظ میراث تمدنی و ارزش‌های فرهنگی؛ گسترش ورزش همگانی و عمومی در راستای سلامت جسمی و روانی؛ غنی‌سازی اوقات فراغت و ارتقا و افزایش دسترسی به سرگرمی‌های سازنده.

۲۵- افزایش ظرفیت کارآفرینی و اشتغال‌زایی پایدار و کار شایسته در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی با تاکید بر:

- اولویت‌دهی به کارآفرینی و اشتغال‌زایی برای جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی و حوزوی به ویژه با ایجاد کسب‌وکارهای نوین و ارزش‌آفرین؛
 - حمایت از توسعه فعالیت‌های تکمیل‌کننده زنجیره ارزش رشته‌های پر اشتغال با ظرفیت تولید بالا مبتنی بر اسناد آمایش سرزمین؛
 - حمایت از توسعه اشتغال در بنگاه‌های اقتصادی به منظور برخورداری از حقوق و روابط کار؛
 - تشویق نهادهای عمومی غیردولتی به اجرای طرح‌های اشتغال‌آفرینی؛
 - کارآمدسازی حکمرانی بازار کار با استقرار کامل نظام جامع اطلاعات بازار کار (LMIS)؛
 - متناسب‌سازی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی کشور با نیازهای حال و آینده بازار کار؛
 - اهتمام به افزایش مهارت‌های کارآفرینی و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان در نظام آموزش عالی؛
 - طراحی سازوکارهای متناسب‌سازی حقوق و دستمزدها با بهره‌وری نیروی کار، سطح هزینه‌های زندگی و شرایط اقتصادی بنگاه؛
 - توسعه مشاغل نوین خانگی با هدف تعادل بخشی نقش بانوان در خانواده و بازار کار، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و اشتغال روستایی؛
- ۲۶- اصلاح قانون کار در راستای توسعه ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و اشتغال‌زایی.

پیشنهادهای ستاد کل نیروهای مسلح:

۱. تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات، ارتقاء قدرت سایبری در تراز قدرت‌های تاثیرگذار جهانی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی، تامین محتوا، خدمات و امنیت قابل رقابت با رقبای، با تاکید بر ظرفیت‌سازی، مقاوم‌سازی، تنظیم‌گری هوشمند و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور در جهت بهره‌گیری بهتر و بیشتر مردم و دستگاه‌ها از فضای مجازی و خلق ثروت در این فضا توأم با دفاع فعال و هوشمند از حاکمیت و امنیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی - ایرانی و افزایش سواد رسانه‌ای عمومی.
۲. تقویت زیرساخت‌های فرهنگی و رسانه‌ای و فناوری‌های نرم و پیش‌بینی و پیاده‌سازی سازوکارهای لازم برای تولید قدرت نرم (بازدارنده، دفاعی و تهاجمی موثر)، جهاد تبیین و مصون‌سازی جامعه در برابر جنگ و تهاجم شناختی و فرهنگی دشمنان.
۳. اعتلاء فرهنگ عمومی در جهت ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و تقویت سرمایه اجتماعی با نهادهای دین‌مداری، تقویت وحدت، همبستگی و اعتماد به نفس ملی، رونق فرهنگ اقتصاد مقاومتی، ارتقاء روحیه مقاومت انقلابی، تعاون و کار در جامعه به خصوص در کارکنان دستگاه‌ها و مدیران با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی.
۴. تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و ارتقاء تاب‌آوری دارایی‌های حیاتی در قبال تهدیدات نظامی، سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتوی با رویکرد پدافند غیرعامل توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و تامین منابع مورد نیاز.
۵. ارتقاء امنیت عمومی و احساس امنیت در فضای حقیقی و مجازی با سازوکارهای جدید، هوشمندانه و مقتدرانه از مرحله پیش‌بینی و پیشگیری تا مقابله قاطع و موثر با تاکید بر پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی و حذف زمینه‌های آن‌ها، برخورد با جرایم سازمان‌یافته، خشن و نافی عفت عمومی با اولویت مرز، مناطق و شهرهای حساس و اولویت دادن به موضوعات قاچاق کالا، سلاح و ارز و مفاسد مالی و اخلاقی و ایجاد سازوکار همکاری و هماهنگی همه دستگاه‌ها و مردم در این زمینه و ارتقاء سطح علمی، فنی و اخلاقی دست‌اندرکاران.

۶. اجرای چند طرح عظیم پیشران، زیرساختی، روزآمد و تحول‌زا با استفاده از توان بومی در بخش خصوصی و عمومی و قرارگاه‌های سازندگی از قبیل:

- ایجاد رمز ارزهای بومی؛
- کسب توانمندی فضایی مناسب؛
- کاهش مصرف انرژی به میزان ۲۰ درصد تا پایان برنامه و تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین؛
- سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز با اولویت مخازن مشترک و پتروپالایشگاه‌های کوچک؛
- توسعه تولیدات معدنی با تاکید بر زنجیره صنایع مربوط و پرهیز از خام‌فروشی؛
- توسعه صنایع تبدیلی به خصوص در محصولات کشاورزی دامی، نفت و گاز و معدن؛
- تامین آب مورد نیاز کشور از دریا؛
- تولید خودروهای ملی با فناوری نو؛
- حل مسکن دهک‌های پنجم و پایین‌تر؛
- ارتقاء جهشی بهداشت و سلامت عمومی.

۷. مانع‌زدایی و تسریع جهشی در تحول نظام اداری، جوان‌سازی هدفمند عناصر مدیریتی، تبدیل شرکت‌های دولتی به واحدهای سازمانی همراه با چابک‌سازی ساختار و سازمان بخش‌های دولتی و عمومی، افزایش هماهنگی‌ها و هم‌افزایی بین دستگاهی با سازوکار قرارگاهی، هوشمندسازی و تحقق کامل دولت الکترونیک امن و پایدار، به‌روزرسانی تمام قوانین و مقررات، برون‌سپاری و مردمی‌سازی امور غیرحاکمیتی، اصلاح فرآیندها و روش‌ها، ارتقاء سلامت اداری و اقتصادی و رفع و دفع فساد و تعارض منافع در مناسبات اداری و کاری.

۸. تحول و روزآمدسازی نظام آموزشی و پژوهشی کشور با رویکرد تربیت‌محوری و مهارت‌افزایی، حفظ شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و دیجیتال به ویژه در حوزه‌های علوم پایه، علوم و فناوری‌های بین رشته‌ای و نوظهور از قبیل: کوانتوم، هوش مصنوعی، اطلاعات و ارتباطات، زیست‌فناوری، نانو و ریزفناوری، اتمی، شناختی، مواد پیشرفته، فضایی، نفت و گاز و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر با تقویت و توسعه کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان.

۹. تحول در نظام قضایی و حقوقی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی با تاکید بر:
- ظرفیت‌سازی و تحول کمی و کیفی در نیروی انسانی و سازوکارهای دستگاه قضایی و مراجع حقوقی دولتی و غیردولتی و هوشمندسازی سامانه‌ها، فرآیندها و بهره‌گیری از فناوری نوین در ارائه خدمات؛
 - پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان؛
 - حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار با تشکیل دادگاه‌های تخصصی اقتصادی با حضور هیات منصفه تخصصی؛
 - کاهش عناوین جرم و مجازات زندان؛
 - توسعه نظام مصالحه و استفاده از ظرفیت‌های مردمی، تقویت مشاوره و مددکاری اجتماعی؛
 - تقویت تعامل با نهادهای حقوقی و قضایی بین‌المللی در جهت به چالش کشیدن ظالمان و مستکبران و تامین منافع ملی.
۱۰. استقرار نظام مدیریت یکپارچه و حکمرانی منابع آب در حوضه‌های آبریز کشور با مشارکت ذی‌نفعان، افزایش بهره‌وری ۲ درصدی سالیانه آب، کنترل آب‌های سطحی، اجرای عملیات آبخیزداری و آب‌خوان‌داری و جلوگیری از آلودگی و هدر رفت منابع آبی و برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از آب‌های غیرمتعارف و سایر آب‌ها، بازچرخانی آب‌های صنعتی و فاضلاب با تامین کامل منابع مالی آن‌ها و تقویت دیپلماسی آب با کشورهای هم‌جوار برای تامین و صیانت از حقوق آبی کشور.
۱۱. تامین امنیت غذایی و اقلام راهبردی (دسترسی و ثبات قیمت) با خوداتکایی در زنجیره تامین اقلام اساسی و کاهش وابستگی نهاده‌ها و مواد اولیه به خارج از کشور و تولید کامل اقلام دارویی و حداقل ۹۰ درصد کالاهای اساسی و اقلام غذایی در داخل، حفظ و ارتقاء ذخایر ژنتیکی و منابع آبی، افزایش بهره‌وری و کاهش ضایعات ۱۰ درصدی سالانه در تولید و مصرف، افزایش سطح سلامت و ایمنی و بهداشت مواد غذایی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و کشاورزی دانش‌بنیان و اصلاح الگوی کشت و آبیاری با صرفه با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای.

۱۲. ارتقاء نظام سلامت با تاکید بر:

■ تکمیل و استقرار سامانه جامع سلامت ایرانیان و مقابله با تعارض منافع در ساختار حکمرانی و مالی سلامت؛

■ گسترش بیمه سلامت به نحوی که همه ایرانیان را دربر گیرد و بیماران بیش از ۱۰ درصد هزینه درمان را متقبل نشوند؛

■ حمایت از توسعه بیمارستان‌ها و موسسات درمانی غیردولتی به نحوی که سهم آنان حداقل به ۳۰ درصد کل تخت بیمارستانی در پایان برنامه برسد.

۱۳. استقرار نظام چندلایه و هوشمند رفاه و تامین اجتماعی با تقدم حوزه‌های امدادی و حمایتی، کاهش ضریب جینی به کمتر از ۰/۳۵، فراگیرسازی جهشی پوشش‌های بیمه‌ای و اجرایی‌سازی همه شقوق بیمه‌های زندگی برای حداقل هشت دهک در سطوح پایه، مازاد و مکمل به منظور ارائه عادلانه خدمات توأم با پایدارسازی صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه و بازنشستگی حداکثر تا سال چهارم برنامه، به نحوی که در سال پایانی برنامه، صندوق‌ها هیچ اتکایی به بودجه کشور نداشته باشند و پرهیز از هر گونه ایجاد تعهد جدید بدون ارائه منابع متناسب.

۱۴. ارتقاء سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش ۵۰ درصدی آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و هنجارشکنی بر اساس شاخص‌های روشن و با بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم، روحانیت، نهادهای عمومی و بخش خصوصی.

۱۵. حمایت همه‌جانبه از نهاد خانواده، ازدواج آسان و فرزندآوری و افزایش نرخ باروری به حداقل ۲/۵ فرزند طی پنج سال، حفظ و افزایش جمعیت روستاها و شهرهای کوچک با اصلاح فرهنگی، رفع موانع، ایجاد مشوق‌های موثر و بسیج همگانی همه ظرفیت‌ها، منابع و دستگاه‌ها و نهادهای دولتی، عمومی، خصوصی و مردمی.

۱۶. بهبود شاخص‌های عملکردی محیط‌زیست، کاهش موثر آلودگی هوای کلان‌شهرها و مقابله با آثار و عوارض تغییر اقلیم با استفاده از ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

۱۷. ابتنای همه طرح‌های ملی و منطقه‌ای در کلیه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به سند ملی و اسناد استثنای آمایش سرزمین (که ذیل سیاست‌های کلی آمایش، به تصویب شورای ملی آمایش منتخب از طرف رهبری می‌رسد)، با لحاظ پرهیز از تطویل بررسی و سیر مراحل تدوین و تصویب آن‌ها و رعایت الزامات دفاعی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی آن‌ها.

۱۸. اصلاح نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی کل کشور و همه دستگاه‌ها از جمله:
 - ساماندهی نظام آمار و اطلاعات و بانک‌های اطلاعاتی کشور و ارتقای امنیت آن‌ها؛
 - ابتنای بودجه به برنامه و برنامه‌ها به طرح‌های راهبردی و بلندمدت با لحاظ جامعیت در کلیه منابع و فعالیت‌ها در هر سه سطح؛
 - تنوع در منابع و تحول در شیوه‌های تامین مالی؛
 - بودجه‌ریزی عملیاتی و قیمت تمام‌شده؛
 - واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسر بودجه و استقراض از بانک‌ها؛
 - پایبندی به حقوق بین نسلی در تعهدات بلندمدت؛
 - مولدسازی دارایی‌های غیرمولد؛
 - احصاء، شفاف‌سازی، کنترل و مدیریت بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت، شرکت‌های دولتی، صندوق‌های بازنشستگی و شهرداری‌ها بدون تامین منابع مطمئن پایدار؛
 - شمول تمامی منابع و مصارف دولت در سقف بودجه، ضابطه‌مند نمودن فرآیند تخصیص بودجه و کاهش مستمر نسبت کسری تراز عملیاتی به بودجه عمومی و تحقق بودجه‌ریزی با کسری صفر، حداکثر تا سال پایانی برنامه؛
 - حذف کامل بودجه جاری از درآمدهای نفتی و استفاده از آن‌ها فقط در طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای ملی؛
 - تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام با واگذاری و مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی و تعاونی در کلیه طرح‌های عمرانی؛
 - ارائه طرح‌های جدید عمرانی صرفاً با تایید گزارش‌های توجیهی، فنی، اقتصادی، مالی، فرهنگی، پدافند غیرعامل و رعایت آمایش سرزمین؛
 - شفاف‌سازی و ضابطه‌مند نمودن منابع و مصارف شرکت‌های دولتی و ارتقاء بهره‌وری با اصلاح ساختار و نظارت بر عملکرد آن‌ها از طریق اصلاح فرآیند بودجه‌ریزی، درج همه برنامه‌های آن‌ها در بودجه و طبقه‌بندی شرکت‌ها بر حسب مأموریت و عملکرد آن‌ها؛
 - تحقق کامل هدفمندی یارانه‌ها و حذف یارانه‌های پنهان.

۱۹. تثبیت نقش ثبات‌ساز صندوق توسعه ملی با اصلاح قاعده تسهیم منابع نفتی با پرداخت سالانه مقداری ثابت از کل درآمد نفت به دولت و پرداخت هزینه ثابت عملیاتی و سرمایه‌گذاری به شرکت ملی نفت به ازای هر بشکه تولید و واریز مابقی به صندوق توسعه ملی (در هر صورت سهم صندوق توسعه ملی نباید کمتر از ۵۰ درصد باشد و در طول برنامه هفتم سالانه ۲ درصد افزایش یابد و بانک توسعه‌ای به عنوان عامل صندوق توسعه ملی ایجاد شود).

■ ایجاد صندوق توسعه دفاع و امنیت ملی با واریز سالانه ۵ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و میعانات گازی به آن و افزایش حداقل یک واحد درصد سالیانه به آن؛

■ تدوین و تصویب لایحه بودجه در دولت در تحقق سیاست‌های کلی و متضمن اجرای احکام پنج‌ساله توسعه و مبتنی بر منابع واقعی و قابل حصول و تقدیم آن در موعد مقرر قانونی به مجلس و رسیدگی در مجلس با رعایت اهداف و حفظ ساختار کلی و انسجام لایحه و اجتناب از تغییر سقف بودجه و پرهیز از هر گونه سهم درصد در بودجه به جز موارد مصرح در سیاست‌های کلی؛

■ توسعه چشم‌گیر استانداردسازی و مدیریت کیفیت در فرآیندها، محصولات و واحدهای سازمانی و کاری در دو سطح ملی و بین‌المللی؛

■ کاهش نقش دولت در تصدی‌گری‌های اقتصادی و تقویت نقش حاکمیتی آن، فعالیت‌های اقتصادی دولت و نهادهای عمومی غیردولتی در چهارچوب ذیل تنظیم می‌گردد:

○ در اجرای بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دولت می‌باید مجموع مالکیت مستقیم و غیرمستقیم خود را در شرکت‌ها و دستگاه‌های مشمول این بند تا پایان برنامه به حداکثر ۲۰ درصد برساند و بیش از آن مجاز نمی‌باشد (به جز موارد خاص با ملاحظات امنیتی)

○ خروج از فعالیت‌هایی که بخش‌های خصوصی و تعاونی، توان آمادگی حضور در آن را دارند؛

○ جایگزینی و رقابت با بخش‌های خصوصی و تعاونی ممنوع است.

۲۰. ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد استقرار نظام هوشمند مالیاتی، افزایش سالانه یک واحد درصد نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در هر سال برنامه، تامین مالی کامل بودجه جاری دولت از محل مالیات، برقراری عدالت مالیاتی، پشتیبانی از تولید، جلوگیری از فرار مالیاتی، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد و تجمع کلیه عوارض‌ها و مالیات در ذیل عنوان مالیات، تسهیل و ساده‌سازی و شفاف‌سازی فرآیندها.

۲۱. اصلاحات در سازوکارهای اقتصادی با تاکید بر:

- دستیابی به رشد اقتصادی متوسط ۸ درصدی در طول برنامه (حداقل ۳/۵ درصد ناشی از افزایش بهره‌وری)؛
- کنترل رشد نقدینگی در حد ۱۰ درصد در سال و جهت‌دهی به آن و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد و جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد؛
- ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و توزیع عادلانه کالا و خدمات؛
- حفظ ارزش پول ملی و حذف مرحله‌ای دلار از نظام بازرگانی خارجی؛
- تکریمی کردن تورم و بیکاری طی پنج سال؛
- تحول در نظام بانکی، مالی، پولی و تجاری؛
- مدیریت انتظارات و مطالبات مادی و معیشتی مردم و اصلاح الگوی مصرف جامعه؛
- افزایش سه برابری جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی؛
- جهش چهار برابری صادرات فرآورده‌ها و جلوگیری از خام‌فروشی؛
- تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی در منطقه.

۲۲. ایفای نقش تاثیرگذار در صحنه‌های بین‌المللی، برقراری امنیت مشترک و اعتمادسازی متقابل و تبادل اطلاعات با دولت‌ها و ملت‌های هم‌سو، توجه ویژه به گسترش و تقویت عمق و نفوذ راهبردی نظام و انقلاب اسلامی و حفظ و افزایش دستاوردهای سیاسی، دفاعی و فرهنگی ج.ا. ایران در جهان، تقویت و تحکیم قطب دفاعی امنیتی مقاومت، تحدید نفوذ نظام سلطه و اخراج نیروهای استعمارگر و تروریست آمریکایی از منطقه، مقابله هوشمند و همه‌جانبه با دسیسه‌های ضد ایرانی، به ویژه با رژیم صهیونیستی با استفاده از ظرفیت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی داخل و خارج کشور.

پیشنهادات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

۱- کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی با تاکید بر چندجانبه‌گرایی به منظور ارتقاء جایگاه ج.ا. ایران در محیط بین‌الملل و ایفای نقش محوری در هندسه قدرت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و گسترش عمق راهبردی و تقویت جبهه مقاومت با تاکید بر گسترش تعاملات موثر با همسایگان، کشورهای منطقه و اسلامی و توجه به راهبرد نگاه به شرق جهان (آسیا) از طریق ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی و تحول و کارآمدسازی سازوکارهای دستگاه دیپلماسی و هماهنگی و همکاری هدفمند و موثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی خصوصاً در تبادلات اقتصادی و تحول‌آفرینی در نظام بین‌الملل بر پایه ارزش‌های اسلامی.

۲- تقویت بنیه دفاعی و امنیتی به منظور ارتقاء بازدارندگی موثر، تامین امنیت و دفاع همه‌جانبه مردم‌محور و پیش‌کنش‌گر و اکتساب فناوری‌های اقتدارآفرین مورد نیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار با تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور.

۳- افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت دفاع هوشمند دانش‌بنیان بر مبنای فناوری‌های نو و برترساز و تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی، تاب‌آوری و پیشگیری از تهدیدات، به ویژه تهدیدات نظامی، سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتویی با رویکرد پدافند غیرعامل در فضای حقیقی و مجازی.

۴- اجرای چند طرح عظیم اقتصادی ملی، پیشران، زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده‌نگری با بهره‌گیری ترکیبی از انرژی‌های تجدیدپذیر و تامین آب مورد نیاز کشور از دریا.

۵- رفع تعلل در تحول نظام اداری و اصلاح ساختار آن مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام اداری با تاکید بر: هوشمندسازی و تحقق دولت یکپارچه الکترونیک؛ تنقیح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات؛ اصلاح فرآیندها و روش‌ها و حذف تشکیلات موازی و غیرضرور و رفع فساد و تعارض منافع در مناسبات اداری و ساماندهی نظارت موثر بر آن.

۶-

- افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات، سایبر و هوش مصنوعی و زیست‌فناوری و ریزفناوری، انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و دفاعی - امنیتی.
- روزآمدی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور با تحول در ساختار، رویکرد و محتوای آن.
- توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان.

۷- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد استقرار نظام هوشمند مالیاتی، تامین مالی بودجه جاری دولت از محل مالیات، برقراری عدالت مالیاتی، پشتیبانی از تولید، اعمال مالیات بر سرمایه‌های غیرمولد، جلوگیری از فرار مالیاتی، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد.

۸-

- شفاف‌سازی و ضابطه‌مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی در بودجه و نظارت بر عملکرد برنامه آن‌ها؛
- تحقق کامل هدفمندی یارانه‌ها؛
- نگاشت نهادی نظام‌مند و هوشمند تامین و مصرف بودجه کشور در جهت تحقق اهداف برنامه؛
- برنامه‌ریزی و اجرای مرحله‌ای حذف دلار از مبادلات ارزی با خارج از کشور.

۹- ارائه برنامه و تدوین و تصویب قوانین و مقررات لازم برای اجرایی‌شدن سیاست‌های کلی آمایش سرزمین حداکثر تا پایان سال دوم برنامه، با تمرکز بر طرح‌های توسعه اقتصادی کشور در دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی و استقرار واحدهای اقتصادی، صنعتی و جمعیتی در سواحل جنوب کشور با رعایت ملاحظات دفاعی - امنیتی.

۱۰- افزایش نرخ باروری و مولید به حداقل ۲/۵ طی پنج سال و حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری با رفع موانع و ایجاد مشوق‌های موثر و اصلاح فرهنگی مبتنی بر سیاست‌های آمایش جمعیتی کشور.

۱۱- ارتقاء فرهنگ و سلامت اجتماعی بر مبنای بنیان متعهدانه خانواده و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و فساد بر اساس شاخص‌های روشن و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم با تاکید بر بهره‌گیری نظام‌مند از بسیج مستضعفین.

۱۲- استقرار نظام جامع تامین اجتماعی و امدادسانی (مواسات) بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی تامین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به منظور ارائه عادلانه خدمات.

۱۳- ارتقاء نظام سلامت بر اساس سیاست‌های کلی سلامت و مقابله با تعارض منافع در ساختار حکمرانی و مالی سلامت و هوشمندسازی نظام درمانی و به‌سازی روابط پزشک و بیمار.

۱۴- تامین امنیت غذایی و تولید حداقل ۹۰ درصد کالاهای اساسی و اقلام غذایی در داخل بر اساس اهمیت و صرفه آن، همراه با حفظ و ارتقاء ذخایر ژنتیکی و منابع آبی و افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی.

۱۵- اصلاح الگوی کشت و آبیاری با صرفه با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای و منابع آبی با اولویت‌بخشی به تولید کالاهای راهبردی کشاورزی.

۱۶- استقرار نظام مدیریت یکپارچه منابع آب کشور و افزایش بهره‌وری ۱۰ درصد سالیانه آب خصوصاً آبیاری غرقابی، کنترل آب‌های سطحی و اجرای عملیات آبخیزداری و آب‌خوان‌داری و جبران آب‌های زیرسطحی کشور و جلوگیری از آلودگی منابع آبی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به سایر آب‌ها با تاکید بر بهره‌گیری از دریا و بازچرخانی آب‌های صنعتی و فاضلاب.

۱۷- روزآمدسازی سند تحول قضایی و اجرای آن با تاکید بر:

- پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی
- هوشمندسازی سامانه قضایی کشور
- به‌سازی فرآیند اداری
- سالم‌سازی محیط قضایی و اداری

پیشنهادهای سازمان اداری و استخدامی کشور (مرکز آموزش مدیریت دولتی):

۱. توسعه دانش پایه، مبتنی بر دانایی و ارتقای اثربخشی حاکمیت با رویکرد آموزش مستمر و موثر مدیران در مرکز آموزش مدیریت دولتی (تربیت مدیران حکمرانی)؛
۲. حاکمیت موثر و استقرار دولت شایسته از طریق استمرار در آموزش و سنجش اثربخشی آن در کارایی مدیران توسط مرکز آموزش مدیریت دولتی (شایستگی مدیران)؛
۳. مدیریت دانش و تجارب مدیران معرب و استقرار چرخه انتقال تجربه در نظام اداری توسط مرکز آموزش مدیریت دولتی (تجارب مدیران)؛
۴. توسعه و به‌روزرسانی سامانه بانک اطلاعات مدیران و جمع‌آوری و ثبت سرانه آموزش کارکنان نظام اداری (شایسته‌گزینی مدیران).

پیشنهادات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی:

۱- کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی به منظور ارتقاء جایگاه ج.ا. ایران و خروج از محدوده تحریم‌پذیری در محیط بین‌الملل با تأکید بر گسترش تعاملات موثر با هم‌سایگان، کشورهای منطقه و اسلامی و توجه به راهبرد نگاه به شرق جهان (آسیا) از طریق جانمایی مجدد اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل و ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی و تحول و کارآمدسازی سازوکارهای دستگاه دیپلماسی و هماهنگی و همکاری هدفمند و موثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.

۲-

- ایجاد تناسب در نرخ رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی؛
- مهار تورم و تک‌رقمی نمودن آن تا پایان برنامه و کاهش نوسانات نرخ ارز حقیقی موثر، با هدف حفظ رقابت‌پذیری محصولات داخلی در بازارهای داخلی و بین‌المللی؛
- افزایش بهره‌وری اقتصاد؛
- جهت‌دهی نقدینگی و هدایت اعتبارات بانکی به فعالیتهای مولد و جذابیت‌زدایی از فعالیتهای غیرمولد با تحول در نظامات پولی، بانکی، مالی و تجاری؛
- ایجاد امکان سرمایه‌گذاری بانک‌ها در پروژه‌های پیشران و با ارزش افزوده بالا و عدم بنگاهداری آن‌ها؛
- تقویت اثرگذاری بانک‌های تخصصی دولتی و سازمان‌های توسعه‌ای از طریق افزایش سرمایه مستمر دولت و ارتقای کیفیت دارایی‌ها به منظور تامین مالی پروژه‌های توسعه‌ای؛
- افزایش اقتدار نظارتی بانک مرکزی و کنترل تعارض منافع در بانک مرکزی و شبکه بانکی و پاسخگویی بانک مرکزی در قبال سلامت شبکه بانکی و اصلاح ناترازی بانک‌ها با کمترین تحمیل هزینه به بودجه عمومی و پایه پولی؛
- تنوع‌بخشی به ابزارها و نهادهای تامین مالی کسب‌وکارها و بهبود دسترسی آحاد مردم به خدمات مالی.

۳- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد استقرار نظام هوشمند مالیاتی با بهره‌گیری از اطلاعات معاملات و تراکنش‌های مالی، تامین مالی بودجه جاری دولت از محل مالیات، برقراری عدالت مالیاتی، پشتیبانی از تولید، جلوگیری از فرار مالیاتی با محدود نمودن و هدفمند سازی معافیت‌های مالیاتی، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد.

۴- افزایش یک واحد درصدی نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در طول سال‌های برنامه.

۵- اساسنامه صندوق توسعه ملی صرفاً با هدف تامین موارد زیر اصلاح خواهد شد:

- تدوین برنامه‌های عملیاتی دوساله توسط هیات‌عامل صندوق به همکاری سازمان برنامه و بودجه کشور شامل تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری و پرداخت تسهیلات با رعایت اسناد بالادستی با ملاحظه راهبرد سیاست صنعتی کشور و آمایش سرزمین با تمرکز بر پروژه‌های کلان‌مقیاس، دارای بازده اقتصادی و مولد جریان درآمد ارزی مستمر؛
- صیانت از منابع ارزی صندوق و جلوگیری از تبدیل‌شدن منابع به ریال در پرداخت و بازپرداخت تسهیلات و فروش دارایی‌ها؛
- توسعه ابزارهای صندوق به پرداخت تسهیلات ارزی به اشخاص حقوقی ایرانی (اعم از خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی) و خارجی؛
- سرمایه‌گذاری مستقیم در پروژه‌های کلان ملی، نهادهای مالی و اشخاص حقوقی در داخل و خارج از کشور در راستای اهداف و مشارکت با دولت، بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی و عموم مردم و در صورت تصویب هیات امناء با اشخاص خارجی در امور فوق‌الذکر و ضمانت تعهدات اشخاص فوق‌الذکر؛
- استفاده اهرمی از منابع صندوق با تجهیز منابع مالی ارزی و ریالی از داخل و خارج کشور؛
- وصول کلیه مطالبات صندوق توسعه ملی از دولت و بخش‌های عمومی غیردولتی و خصوصی تا پایان برنامه به صورت نقد یا واگذاری و تملک دارایی‌ها، مرتبط با مأموریت‌های صندوق؛

■ افتتاح حساب و مدیریت منابع ارزی توسط هیات‌عامل در چهارچوب مصوبات هیات‌امنا و در هماهنگی با سیاست‌های ارزی بانک مرکزی با هدف حفظ قدرت رقابت‌پذیری تولیدات کشور؛

■ استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی؛

■ شفافیت منابع و مصارف صندوق برای عموم مردم؛

■ صندوق مجاز به تاسیس شعبه یا نمایندگی است؛

■ درآمدهای صندوق و شرکت‌های زیرمجموعه (به استثنای درآمد حاصل از تسعیر ارز) مشمول مالیات خواهد بود.

۶- ارائه برش پنج‌ساله اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین به پیوست لایحه برنامه و تدوین و تصویب قانون برنامه مبتنی بر آن.

-۷

■ استقرار نظام جامع تامین اجتماعی بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی تامین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به منظور ارائه عادلانه خدمات؛

■ انتظام‌بخشی و ایجاد وحدت رویه در عملکرد صندوق‌های بازنشستگی از طریق ایجاد مقام تنظیم‌گر (رگولاتور) به منظور مدیریت صندوق‌های بازنشستگی از نظر مدیریت وجوه، سرمایه‌گذاری‌ها، عدم تخطی در امانت‌داری و رعایت محاسبات بیمه‌ای (اکچوئری)؛

■ کمک به پایداری مالی صندوق‌های بازنشستگی از طریق به‌روزرسانی مولفه‌های مربوط به بازنشستگی با توجه به تغییرات جمعیتی.

پیشنهادات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

- برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به تعاونی‌ها در شبکه‌سازی، توسعه اشتغال و فناوری، توانمندسازی نیروی انسانی، جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و مدیریت تعارض منافع در طرح‌های رانت‌زا به عنوان محرک اصلی رشد اقتصاد مردمی.

پیشنهادات اتاق تعاون ایران:

۱. افزایش سهم بخش تعاون به ۲۵ درصد اقتصاد ملی جهت توسعه عدالت اجتماعی و شکل‌سازی فعالیت‌های اقتصادی.
۲. استفاده از ظرفیت اتاق‌ها در مجامع و شوراهای عالی اقتصاد کشور به منظور اثربخشی مصوبات.

پیشنهادات بانک مرکزی:

- کنترل و مدیریت رشد نقدینگی از طریق مکانیزم خودکار (رعایت نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها مطابق با استانداردهای تعریف‌شده) و ایجاد تناسب میان نرخ رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی؛
- تحکیم و تقویت استقلال بانک مرکزی از طریق انضباط مالی دولت و حل معضل ناترازی دولت و بانک‌ها و ممنوعیت استقراض به هر شکل ولو به صورت غیرمستقیم، منع مداخله در سیاست‌گذاری پولی، ارزی و نظارتی در این بانک، از جمله تعیین نرخ سود بانکی با سازوکار بازار بین بانکی، قاعده‌مند کردن تامین مالی بانک‌ها، نظارت بر بانک‌ها، اعطای هر گونه تسهیلات و خط اعتباری به شبکه بانکی صرفاً با تودیع/توثیق اوراق معتبر مالی و سایر دارایی‌های بانک‌ها که مورد تایید بانک مرکزی باشد؛
- هدایت اعتبارات بانکی به فعالیت‌های مولد، شناسایی بخش‌های مولد و پیشران توسعه از نقطه‌نظر ایجاد ارزش افزوده، اشتغال‌زایی، بهره‌وری، رقابت‌پذیری، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، کمک به حفظ محیط‌زیست، بهبود راندمان مصرف انرژی و غیره، مطابق با اهداف استراتژی توسعه صنعتی و پیگیری آن در قالب برنامه هفتم توسعه؛
- جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد با اصلاح نظامات پولی، بانکی، مالی و تجاری؛
- کاهش نوسانات نرخ ارز از طریق تحقق نظام ارزی شناور مدیریت‌شده و هماهنگ‌سازی سیاست‌های ارزی و تجاری و پولی؛
- انعقاد پیمان‌های دو یا چندجانبه پولی و ارزی با مشارکت کشورهای همسایه و متحد.

پیشنهادهای ستاد مبارزه با مواد مخدر:

■ مبارزه همه‌جانبه با جرایم مواد مخدر، روانگردان و پیش‌سازهای آن با اولویت اقدامات تحولی در پیشگیری از اعتیاد، ضربه به بنیان‌های مالی قاچاقچیان مواد مخدر و روانگردان، افزایش مانایی ترک معتادان، کاهش بروز و شیوع اعتیاد، ایجاد سختی دسترسی به مواد مخدر و روانگردان و به‌روزرسانی و اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در جهت تحقق اولویت‌های بیان‌شده.

پیشنهادهای صندوق توسعه ملی:

- ۱- اصلاح حکمرانی و اساسنامه صندوق توسعه ملی و اعطای نقش ثبات‌ساز بودجه با تغییر عنوان آن به صندوق ثروت ملی از طریق واریز تمامی منابع حاصل از صادرات نفت، گاز، میعانات گازی و فراآورده‌های نفتی در هر سال و پرداخت میزان ثابت به دولت (در حد متوسط مصرف دهه قبل) از محل درآمدها و منابع صندوق و پرداخت هزینه‌ای ثابت در ازای هر بشکه نفت برای هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری نفتی به شرکت ملی نفت، که میزان آن‌ها در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌شود. ایجاد بانک توسعه کشور به عنوان زیرمجموعه و عامل صندوق جهت اعطای تسهیلات، مشارکت و سرمایه‌گذاری صندوق در داخل و خارج کشور و نیز تامین مالی در سقف ۱۰ درصد منابع سالیانه برای پروژه‌های توسعه‌ای و دارای توجیه دولتی با اولویت انرژی، دانش‌بنیان و کریدورها و دریا؛
- ۲- واریز بخش از درآمد انفال و صادرات مواد خام معدنی و واگذاری بخشی از دارایی‌های غیرمولد به صندوق توسعه ملی؛
- ۳- هر گونه برداشت از منابع صندوق توسعه ملی، تسهیلات تلقی می‌گردد و عدم بازپرداخت آن ممنوع و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است.

د) جمع‌بندی نهایی در مورد سیاست‌های پیشنهادی برنامه هفتم:

- کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی

۱. تحکیم حاکمیت ملی و صیانت از افکار و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ و تمدن ناب ایرانی با گفتمان‌سازی موثر و هدفمند در فضای مجازی بین‌المللی، تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و تامین محتوا و خدمات متناسب و ارتقاء قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی با تاکید بر مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور.
۲. اعتلاء فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقاء روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با ترویج و بازمعرفی آموزه‌های اسلامی و احیای میراث فرهنگی و تمدن اسلامی-ایرانی در ابعاد مختلف زندگی زیستی، اجتماعی و الگوگیری از شخصیت‌های اثرگذار، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و پشتیبانی موثر دولت.
۳. افزایش شتاب پیشرفت علم و فناوری و تکمیل نظام نوآوری ملی، تثبیت جایگاه رتبه اول ایران در منطقه در علم و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات و زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر. با تخصیص حداقل ۳٪ از تولید ناخالص ملی در امر پژوهش.
۴. روزآمدسازی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور.
۵. حفظ و ارتقای ساختار جمعیت و تحکیم و تقویت جایگاه و نقش نهاد خانواده با افزایش نرخ باروری به بالاتر از سطح جانشینی طی برنامه هفتم، حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری، توانمندسازی جمعیت با رفع موانع و آسیب‌ها و ایجاد مشوق‌های مؤثر و فرهنگ‌سازی و جهت‌گیری همه سیاست‌ها برنامه‌ها در راستای صیانت و تقویت نهاد خانواده.
۶. رفع فقر مطلق و تبعیض‌های ناروا، ارتقا و گسترش رفاه اجتماعی با پیگیری و اقدام موثر و مشخص در جهت استقرار نظام جامع چندلایه تامین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه و مکمل، توانمندسازی و توسعه اشتغال نیازمندان به‌ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار.

۷. ارتقای نظام سلامت، اولویت پیشگیری بر درمان، توسعه کمی و کیفی بیمه‌های درمانی و بهداشتی و همگانی ساختن بیمه درمان پایه برای آحاد مردم و مقابله با تعارض منافع در ساختار حکمرانی و مالی سلامت با رعایت سیاست‌های کلی سلامت.

- کمیسیون حقوقی و قضائی

روزآمدسازی سند تحول قضایی و اجرای آن با تاکید بر:

- پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان ؛
- هوشمندسازی فرایندها و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در ارائه خدمات ؛
- اجرای ۱۰۰ درصدی حد نگار؛
- حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار؛
- استفاده از ظرفیت‌های مردم و توسعه روش‌های مشارکتی و غیرقضایی در حل و فصل دعاوی؛
- ضرورت تامین بودجه متناسب با وظایف و مأموریت‌های محوله خصوصاً در اجرای سند تحول قضایی با زمان‌بندی مناسب
- بالابردن سطح علمی، حرفه‌ای و شایستگی اخلاقی کارکنان و ضابطان عام و خاص قوه قضاییه
- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین مجرمانه و کاهش استفاده از مجازات حبس.

- کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی

۱. کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی به‌منظور ارتقای جایگاه ج.ا. ایران در محیط بین‌الملل با تاکید بر کشورهای منطقه، محور مقاومت و توجه به راهبرد نگاه به شرق با ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی و سازوکارهای دستگاه دیپلماسی و هماهنگی و همکاری هدفمند و موثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.

۲. تقویت همه‌جانبه عرصه‌های دیپلماسی به‌ویژه دیپلماسی اقتصادی و حقوقی با رعایت منافع کشور و تحکیم پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان و فعال‌شدن در پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی.

۳. پیشنهاد اصلاح و تکمیل: تقویت بنیه دفاعی به منظور ارتقای بازدارندگی و اکتساب علوم و فناوری‌های اقتدارآفرین مورد نیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار و دفاع فعال با تخصیص معادل ۵ واحد درصد از بودجه عمومی و تامین امنیت پایدار مناطق مرزی و ارتقای سطح امنیتی و انتظامی کشور با تخصیص ۲/۵ واحد درصد از منابع بودجه عمومی کشور.

۴. تامین امنیت پایدار مناطق مرزی و ارتقای سطح امنیتی و انتظامی کشور با تخصیص ۲/۵ واحد درصد از منابع بودجه عمومی کشور.

۵. تقویت زیرساخت‌های پدافند غیرعامل و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری در دارایی‌های حیاتی و پیشگیری از تهدیدات به‌ویژه تهدیدات نظامی، سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتوی با رویکرد پدافند غیرعامل و با اختصاص ردیف مستقل بودجه برای سازمان پدافند غیرعامل کشور.

– کمیسیون زیربنایی و تولیدی

۱. توسعه شبکه ملی اطلاعات و ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی و صیانت از ارزش‌های اسلامی – ایرانی و تامین محتوا و خدمات متناسب و تاکید بر مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور و تسهیل دسترسی آحاد مردم به فضای مجازی در جهت تحکیم حاکمیت ملی.

۲. افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات و زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و تکمیل زنجیره صنایع بزرگ و اساسی و بازتعریف نقش سازمان‌های توسعه‌ای به حمایتی.

۳. تدوین و تصویب قوانین و مقررات لازم برای اجرایی‌شدن سیاست‌های کلی آمایش سرزمین (ابلاغی ۱۳۹۰) تا پایان سال دوم برنامه.

۴. توجه ویژه در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه اقتصادی کشور بر دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی و استقرار واحدهای اقتصادی، صنعتی و جمعیت در سواحل دریا

۵. اصلاح الگوی کشت باتوجه‌به مزیت‌های منطقه‌ای و منابع آبی و خوداتکایی و تضمین تامین امنیت غذایی همراه با حفظ و ارتقای ذخایر ژنتیکی و افزایش سطح سلامت، ایمنی و بهداشت مواد غذایی.

۶. استقرار نظام مدیریت یکپارچه منابع آب کشور در حوضه‌های آبریز با مشارکت ذی‌نفعان و افزایش بهره‌وری ۱۰ درصدی سالیانه آب، کنترل آب‌های سطحی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به سایر آب‌ها و بازچرخانی آب‌های صنعتی و فاضلاب.

- کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری

۱. تقویت رویکرد اقتصاد محور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان با محوریت مناطق آزاد تجاری- صنعتی.

۲. اجرای چند ابر پروژه پیشران، زیرساختی، روزآمد و تحول‌زا در سرزمین اصلی و مناطق آزاد تجاری- صنعتی.

۳. رفع تعلل و موانع تحول در نظام اداری، اصلاح ساختار اداری و هوشمندسازی آن، رفع فساد و تعارض منافع، از طریق:

- اصلاح فرایندها و روش‌ها و حذف تشکیلات موازی و غیرضرور

- تنقیح و بروز رسانی قوانین و مقررات

- استقرار دولت یکپارچه الکترونیک

۴. جهت‌دهی نقدینگی و هدایت اعتبارات بانکی به فعالیت‌های مولد و جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد با تحول در نظامات پولی، بانکی، مالی، تجاری و بودجه‌ریزی؛

۵. علاج ریشه‌ای بیماری‌های مزمن اقتصادی؛

۶. ایجاد آرامش و ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز؛

۷. کاهش نرخ تورم به میزان حداقل ۷ واحد درصد در سال‌های برنامه هفتم توسعه و تک‌رقمی نمودن آن با ایجاد تناسب در نرخ رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی و افزایش بهره‌وری اقتصاد.

۸. تشکیل شورای ثبات مالی با حضور نهادهای تنظیم‌گر و ناظر نظام مالی کشور اعم از بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور به منظور تقویت هماهنگی و همکاری میان اعضا در خصوص موضوعات مرتبط با ثبات مالی، شناسایی ریسک‌های سیستمی و کلان، ارزیابی ثبات سیستم مالی، تسهیل همکاری و تبادل اطلاعات میان نهادهای ناظر و ارائه توصیه و مشاوره در زمینه مقررات‌گذاری.

۹. ایجاد تحول در نظام مالیاتی با استقرار نظام هوشمند مالیاتی با هدف: تامین مالی پایدار دولت، شفاف‌سازی، برقراری عدالت مالیاتی، پشتیبانی از تولید، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی و انتفاع عمومی از درآمدهای مالیاتی.

۱۰. اصلاح ساختار بودجه دولت با:

- احصا و شفاف‌سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تادیه بدهی‌ها؛
- واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از تورمزایی کسری بودجه؛
- متناظر کردن منابع و مصارف بودجه در جهت تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی؛
- استفاده از ظرفیت بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی در طرح‌های عمرانی انتفاعی.

۱۱. آمایش سرزمین با توجه به مزیت‌های بالفعل و بالقوه با تاکید بر دریا، فضا، سواحل، بنادر، دشت‌ها و آب‌های مرزی و حوضه‌های آبخیز با تقسیم کار ملی و فرا استانی.

۱۲. استقرار نظام مدیریت یکپارچه منابع آب کشور و افزایش بهره‌وری منابع و مصارف آب، کنترل آب‌های سطحی و اجرای عملیات آبخیزداری و آب‌خوانداری و برنامه‌ریزی برای دستیابی به سایر آب‌ها و بازچرخانی آب‌های صنعتی و فاضلاب و جلوگیری از ایجاد آلودگی‌های صنعتی و کشاورزی در منابع آب‌های سطحی، زیرزمینی، دریاها، رودها و تالاب‌ها.

۱۳. اصلاح نقش و جایگاه مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی در اقتصاد ملی و فراملی به عنوان پیشران توسعه اقتصادی کشور با تمرکز بر افزایش سرمایه‌گذاری و صادرات و تاکید بر ثبات و کارآمدی قوانین و مقررات خاص اقتصادی مناطق در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

۱۴. تقویت نقش و جایگاه مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی در اقتصاد ملی و فراملی به عنوان الگوی پیشران توسعه اقتصادی کشور با تمرکز بر افزایش سرمایه‌گذاری، صادرات و تاکید بر ثبات و کارآمدی قوانین خاص مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی با حکمرانی واحد.

۱۵. حمایت از تعاونی‌ها در شبکه‌سازی، توسعه فناوری، توانمندسازی نیروی انسانی، جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و مدیریت تعارض منافع در طرح‌های رانت‌زا به عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد اقتصادی و دستیابی به اقتصاد مردمی.

سیاست‌های ارسالی و نظرات مشورتی دولت و شورای مجمع

پس از پیشنهاد ۴۵ بندی دبیرخانه مجمع در خصوص سیاست‌های برنامه هفتم مبتنی بر ایده‌های ۱۴گانه، در گام بعدی کمیسیون‌های مجمع فعال شده و با همکاری دستگاه‌های اجرایی مختلف پیشنهاد‌های از سطح کشور دریافت شد. پس از جمع‌بندی نظرات، نقدها و پیشنهادات سیاست‌هایی در ۲۱ بند تنظیم و برای نظر مشورتی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد. در ضمن ۴۵ جلسه کمیسیون مشترک مجمع با حضور اعضاء منتخب از هر کمیسیون تخصصی، وزرا و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مجلس نظر مشورتی خود را به شورای مجمع تقدیم کردند.

در گام آخر نظر مشورتی مجمع تشخیص پس از برگزاری ۲۱ جلسه به محضر مقام معظم رهبری تقدیم گردید که در ادامه هر کدام از این موارد خواهد آمد:

الف) سیاست‌های ارسالی برای نظر مشورتی

- ۱- تحکیم حاکمیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی - ایرانی در فضای مجازی با تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و تامین محتوا و خدمات متناسب و ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی با تاکید بر مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور.
- ۲- اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقای روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های کشور، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و مردمی و افراد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی و حمایت و پشتیبانی موثر دولت از آن.
- ۳- کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی با ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی در دستگاه دیپلماسی و همکاری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.
- ۴- تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان.

۵- تقویت بنیه دفاعی به منظور ارتقای بازدارندگی و اکتساب فناوری‌های اقتدارآفرین مورد نیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار با تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور.

۶- تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و پیشگیری از تهدیدات، به ویژه تهدیدات سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتویی با رویکرد پدافند غیرعامل.

۷- اجرای چند ابر پروژه پيشران، زیرساختی، روزآمد و تحول‌زا.

۸- رفع تعلل در تحول در نظام اداری و اصلاح ساختار اداری، هوشمندسازی و تحقق دولت الکترونیک، حذف تشکیلات موازی و غیرضرور، به‌روزرسانی قوانین و مقررات، اصلاح روش‌ها و رفع فساد و تعارض منافع در مناسبات اداری.

۹-

- افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات و زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر.

- روزآمدسازی و ارتقای نظام آموزشی و پژوهشی کشور.

۱۰- ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز و تکریمی کردن تورم طی پنج سال و جهت‌دهی به نقدینگی و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد، جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد.

۱۱- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تامین مالی بودجه جاری دولت از محل مالیات، جلوگیری از فرار مالیاتی، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید به منظور تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تاکید بر عدالت مالیاتی.

۱۲- اصلاح ساختار بودجه دولت از طریق:

- احصا و شفاف‌سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تادیه بدهی‌ها؛
- واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسر بودجه؛
- تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام با واگذاری از طریق مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی در طرح‌های عمرانی انتفاعی (با رعایت بندهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند ۱۰ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف)؛
- شفاف‌سازی و ضابطه‌مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی در بودجه؛
- تحقق کامل هدفمندی یارانه‌ها.

۱۳- تحقق سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با توجه به مزیت‌های بالفعل و بالقوه و اجرایی ساختن موارد برجسته آن با توجه ویژه بر دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی.

۱۴- افزایش نرخ باروری و مولید به حداقل ۲/۵ درصد طی پنج سال و حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری با رفع موانع و ایجاد مشوق‌های موثر و اصلاح فرهنگی.

۱۵- ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و فساد بر اساس شاخص‌های روشن و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم.

۱۶- استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به‌منظور ارائه عادلانه خدمات.

۱۷- ارتقای نظام سلامت بر اساس سیاست‌های کلی سلامت.

۱۸- تأمین امنیت غذایی و تولید حداقل ۹۰ درصد کالاهای اساسی و اقلام غذایی در داخل، همراه با حفظ و ارتقای ذخائر ژنتیکی و منابع آبی و افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی.

۱۹- اصلاح الگوی کشت با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای و منابع آبی و با اولویت‌بخشی به تولید کالاهای راهبردی کشاورزی.

۲۰- استقرار نظام مدیریت یکپارچه منابع آب کشور و افزایش بهره‌وری ۱۰ درصدی سالیانه آب، کنترل آب‌های سطحی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به سایر آب‌ها و بازچرخانی آب‌های صنعتی و فاضلاب.

۲۱- روزآمدسازی سند تحول قضایی و اجرای آن با تاکید بر:

- پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی؛
- هوشمندسازی فرایندها و بهره‌گیری از فناوری نوین در ارائه خدمات قضایی؛
- اجرای ۱۰۰ درصدی حدنگار؛
- حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار؛
- استفاده از ظرفیت‌های مردم و توسعه روش‌های مشارکتی و غیرقضایی در حل و فصل دعاوی؛
- تقویت و تثبیت سهم قوه قضائیه از منابع بودجه عمومی دولت و تامین نیازهای مالی و استخدامی قوه قضائیه؛
- بالابردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری؛
- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان.

ب) پیشنهادات دولت در خصوص سیاست‌های کلی

۱. مرجعیت‌بخشی به رویکرد خانواده محوری در نظام برنامه‌ریزی کشور و رفع موانع تاخیر ازدواج و حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری با ایجاد مشوق‌های موثر از جمله اصلاح نظام‌وظیفه عمومی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی با اصلاح سازوکارهای تنظیم‌گری نظام فرهنگی، تقویت نقش گروه‌های مرجع الگو، توسعه فناوری‌های نرم و حمایت از تولید محصولات یکپارچه.
۲. تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات، ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی برتر و تامین خدمات متناسب با تاکید بر مقاوم‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور و تسهیل دسترسی آحاد مردم به شبکه ملی اطلاعات و فضای مجازی امن و سالم در جهت تحکیم و تقویت حاکمیت ملی، ارزش‌ها و گفتمان اسلامی - ایرانی.
۳. ارتقای بهره‌وری زنجیره خدمات بخش عمومی با تاکید بر استقرار حکمرانی مبتنی بر داده و شواهد، ارائه یکپارچه و هوشمند خدمات و خودکاربری نمودن حداکثری خدمات، سنجش ضابطه‌مند میزان رضایت‌مندی ذی‌نفعان نهایی از کیفیت ارائه خدمات، اصلاح الگوی استخدام دائم و عادلانه کردن نظام ارتقا و جبران خدمات کارکنان مبتنی بر عملکرد، تفویض اختیارات در سطوح منطقه‌ای و استانی، بازتعریف نقش مردم در اداره کشور با واگذاری حداکثری تولید و مدیریت خدمات در دستگاه‌های اجرایی به مردم و بخش غیردولتی و تقویت ضمانت اجرای موثر صیانت از سلامت اداری و توسعه نظارت‌های همگانی با سازوکارهای تشویقی
۴. جهت‌دهی ظرفیت‌های حمایتی نظام علم، فناوری و نوآوری به سمت تقاضامحوری با محوریت شرکت‌های بزرگ و صنایع بالغ و اولویت فناوری‌های نوظهور اولویت‌دار به ویژه زیست‌فناوری، هوش مصنوعی، دیجیتال و بلاک‌چین با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان.
۵. بسط الگوی جامعه‌محور دانشگاه اسلامی با تاکید بر خوداتکایی دانشگاه‌ها و تنوع‌بخشی در ماموریت‌های دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی.

۶. اجرای طرح‌های عظیم اقتصادی ملی، پیش‌رانه زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده‌نگری با تاکید بر:

- توسعه میدان‌های نفتی و گازی، توسعه نیروگاه‌ها، طرح‌های ذخیره‌سازی گاز و برق، تنوع‌بخشی به سبد انرژی کشور، توسعه عمودی زنجیره خوراک گاز و مایع پتروشیمی، توسعه افقی زنجیره خوراک مایع پتروپالایشگاهی و توسعه تجارت خارجی پایدار انرژی با جلب مشارکت‌های مالی مردم و بخش غیردولتی؛
- توسعه کریدور جاده ابریشم، اعم از ریلی، جاده‌ای و مسیر دریایی با محوریت بندر جاسک، توسعه کریدور جاده کتان (مسیر مائوسام) با محوریت بندر چابهار، گسترش و تکمیل شبکه ترانزیتی کشور، اعم از ریلی و زمینی، با اولویت توسعه کریدورهای شمال به جنوب و شرق به غرب از طریق اهرم سازی مزیت انرژی کشور و جلب مشارکت مالی کشورهای ذی‌نفع؛
- توسعه متوازن ناوگان دریایی متناسب با فرصت‌های صادراتی کشور با ایجاد و توسعه مراکز پشتیبانی و تدارکاتی بندری و تکمیل و توسعه امکانات زیرساختی و تجهیزاتی ریلی داخل بنادر و پایانه‌ها با اولویت اتصال به شبکه حمل‌ونقل ریلی داخلی و بین‌المللی؛
- اتخاذ رویکرد توسعه زنجیره‌های ارزش در صنایع مبتنی بر منابع پایه، اکتشافات معدنی و صنایع مصرفی بادوام با تاکید بر توسعه فناوری و دانش‌بنیانی از طریق اصلاح قیمت‌های نسبی، سازماندهی ظرفیت‌های موجود، دستیابی به مقیاس اقتصادی و رقابت‌پذیری.

۷. تحکیم و تقویت اقتدار بانک مرکزی و تمرکز سیاست‌گذاری پولی، ارزی و نظارتی در این بانک با هدف کنترل تورم از طریق تعیین سقف تسهیلات تکلیفی توسط بانک مرکزی به صورت کاهنده، تعیین نرخ‌های سود بانکی متناسب با نرخ سود در بازار بین‌بانکی، اعطای هرگونه تسهیلات و خط اعتباری به شبکه بانکی صرفاً با تودیع اوراق معتبر مالی دولت توسط بانک‌ها، مدیریت نرخ ارز جهت حفظ قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی، اصلاح ساختار و رویه‌های هیئت انتظامی بانک مرکزی، رفع ناترازی دارایی و بدهی بانک‌ها، بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها، قاعده‌مند کردن تسهیلات‌دهی بانک‌ها و برقراری نظارت یکپارچه بر شرکت‌های تابعه و وابسته بانک‌ها و شرکت‌های سهام‌دار اصلی بانک.

۸. اصلاح ساختار بودجه‌ای دولت از طریق:

- بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بر اساس خروجی‌های سنجش‌پذیر با اولویت خدمات کمیت‌پذیر و پرتکرار؛
- درج تمامی منابع و مصارف دولت در سقف بودجه؛
- ارائه لایحه یکپارچه بودجه توسط دولت و رسیدگی مجلس شورای اسلامی صرفاً به ارقام کلی مندرج در فصول لایحه بودجه سالیانه بدون ورود به جزئیات و عدم افزایش سقف منابع و مصارف در مجموع احکام، جداول و فصول بودجه؛
- ممنوعیت هرگونه تعیین سهم درصدی در بودجه‌های سنواتی و عدم تغییر در ارقام بودجه در طول اجرای بودجه در قالب پیشنهاد طرح؛
- تعیین سقف تعهدات و تضامین دولت و شرکت‌های دولتی و جایگزینی تدریجی روش‌های فعلی ایجاد بدهی توسط دولت با انتشار اوراق مالی اسلامی، به‌نحوی که در پایان برنامه کلیه بدهی‌های دولت صرفاً از طریق انتشار اوراق ایجاد گردد؛
- شناسایی دارایی‌ها، بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت، شرکت‌های دولتی، صندوق‌های بازنشستگی و شهرداری‌ها مبتنی بر قواعد مالی و گزارشگری ریسک‌های مالی عمومی؛
- پرهیز از ایجاد هرگونه تعهد جدید در طرح‌ها، لوایح پیشنهادی و تصمیمات سایر مراجع برای دولت، شرکت‌های دولتی، صندوق‌های بازنشستگی و شهرداری‌ها بدون پیش‌بینی درآمدهای پایدار در سال‌های اجرای تعهد و اخذ موافقت کتبی سازمان برنامه و بودجه.

۹. برقراری عدالت مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد از طریق یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و یارانه، استقرار نظام مؤدی محور مالیات بر مجموع درآمد خانوار، حذف معافیت‌های مالیات بر ارزش‌افزوده هم‌زمان با تعریف حد آستانه مشمولیت برای مؤدیان و اختصاص اعتبار خرید برای هر خانوار، متناسب با بُعد خانوار و جایگزینی تدریجی مالیات بر تولید با مالیات بر ارزش‌افزوده.

۱۰. تثبیت نقش ثبات ساز صندوق توسعه ملی از طریق:

- واریز تمامی منابع حاصل از صادرات نفت، خالص گاز و میعانات گازی به صندوق توسعه ملی از طریق بانک مرکزی؛
- پرداخت مبلغ ثابت سالانه به‌اندازه میانگین ده‌ساله دریافتی دولت از عواید حاصل از صادرات نفت، خالص گاز و میعانات گازی (معادل سالانه ۲۶ میلیارد دلار) از منابع صندوق به دولت در ابتدای برنامه؛
- پرداخت هزینه ثابت، عملیاتی و سرمایه‌گذاری به شرکت ملی نفت به‌ازای هر بشکه تولید متناسب با میدان؛
- ایجاد بانک توسعه ذیل صندوق توسعه ملی با اهرم‌سازی منابع صندوق توسعه ملی به منظور تامین مالی کلان پروژه‌های توسعه‌ای سودده با اولویت توسعه انرژی، کریدورها و دریا به صورت اختصاص ۸۰ درصد منابع به تامین مالی بخش خصوصی و ۲۰ درصد منابع به تامین مالی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی.

۱۱. یکپارچه‌سازی مالکیت اموال دولتی با انتقال یکجای مالکیت تمام دارایی‌های غیرمنقول دستگاه‌های اجرایی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران، اخذ اجاره از دستگاه‌ها بابت بهره‌برداری زمین و املاک دولتی و مولدسازی سایر زمین‌ها و مستغلات دولت.

۱۲. کاهش اتکای صندوق‌های بازنشستگی به بودجه عمومی و تسهیلات بانکی با استقرار نظام چندلایه رفاهی و تامین اجتماعی در قالب تامین حداقل‌های معیشتی، بیمه پایه، مکمل و اختیاری در لایه‌های مختلف، تشکیل نهاد تنظیم‌گر مستقل بیمه‌های اجتماعی، اصلاحات قواعد و معافیت‌های بیمه‌ای و ممنوعیت ایجاد تعهدات بدون پیش‌بینی منبع مناسب و مازاد بر منابع پیش‌بینی‌شده در بودجه سالانه، اصلاحات سنج‌های صندوق‌های بازنشستگی مشتمل بر مبنا قراردادن حق بیمه پرداختی در تمام سنوات در تعیین حقوق بازنشستگی و افزایش متوسط سن و سابقه بازنشستگی و ممنوعیت ایجاد هرگونه تعهد توسط مراجع قانونی.

۱۳. بازتعریف فعالیت‌های اقتصادی دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی با تغییر نقش دولت به نهاد سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و ناظر در بازارها بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تسهیل شکل‌گیری بازارهای رقابتی از طریق رفع موانع رقابت در بازارهای انحصاری، پیاده‌سازی کامل رژیم ارزی شناور مدیریت‌شده، ساده‌سازی حداکثری نظام تعرفه‌ای، حذف تدریجی قیمت‌گذاری دولتی متناسب با شرایط کشور هم‌زمان با ایجاد نظام حمایتی از طریق اعطای یارانه‌های هدفمند به مصرف‌کننده و ایجاد مزیت رقابتی در زنجیره‌های تولید با حمایت‌های مشروط و زمان‌دار دولت از تولیدکنندگان کالا و خدمات به‌منظور افزایش بهره‌وری انرژی از محل اجرای مرحله‌ای و تدریجی عادلانه سازی یارانه حامل‌های انرژی بخش‌های مرتبط.

۱۴. ریشه‌کنی فقر مطلق، کاهش فقر نسبی، افزایش عدالت اجتماعی و اطمینان از تامین حداقل معیشت خانوار با عادلانه‌سازی یارانه حامل‌های انرژی به‌صورت مرحله‌ای و تدریجی از طریق تبدیل تدریجی یارانه قیمتی انرژی به یارانه هدفمند، مستقیم، محدود و مشروط.

۱۵. اصلاح ساختار حکمرانی حوزه انرژی کشور به‌منظور زمینه‌سازی برای مدیریت و برنامه‌ریزی یکپارچه انرژی از طریق تفکیک وظایف سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی، تنظیم‌گری و تصدی‌گری، تقویت شرکت‌های ملی و مادر تخصصی با تمرکز بر فعالیت‌های تصدی‌گری و واگذاری امور حاکمیتی، اصلاح نظام حکمرانی شرکت‌های دولتی، ایجاد نهادهای تنظیم‌گر تخصصی مستقل و اصلاح نظام قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی بر اساس ضرایبی از قیمت‌های کشف‌شده در بورس انرژی.

۱۶. تامین امنیت غذایی با رویکرد خوداتکایی در تولید کالاهای اساسی و اقلام غذایی همراه با حفظ و ارتقای ذخایر ژنتیکی و منابع آبی و افزایش سطح سلامت و امنیت غذایی، اصلاح الگوی کشت متناسب با شرایط اقلیمی و گسترش زنجیره ارزش محصولات کشاورزی، به‌ویژه توسعه محصولات در زنجیره‌هایی با ارزش اقتصادی بالا و مبتنی بر بازارسازی برای خدمات دانش‌بنیان.

۱۷. اصلاح نظام حکمرانی آب با تمهید مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب مبتنی بر حوضه‌های آبریز، تعادل‌بخشی به منابع آب زیرزمینی و کند کردن روند فرونشست‌ها از طریق اولویت‌دهی به اعطای حقابه محیط‌زیست، تعیین آب قابل برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین، به‌کارگیری ظرفیت و توانمندی دیپلماسی فعال و هوشمند برای مبادله آب و بهره‌برداری پایدار از آب‌های مرزی و زیست‌بوم‌های مشترک.

۱۸. توسعه مسیرهای نوین و جایگزین برای تامین آب کشاورزی با استفاده از منابع ژنتیکی بهره ور و سازگار با شرایط اقلیمی ایران، اصلاح نژاد و فناوری های صیانتی در اراضی کشاورزی آبی و کشت گیاهان راهبردی کم آب بر و حمایت از توسعه صنعت و تکمیل زنجیره ارزش دام های بیابانزی و کشت و تولید گیاهان نامتعارف علوفه ای و صنعتی خشکی پسند و شورپسند و توسعه مسیرهای نوین و جایگزین برای تامین آب صنعتی استاندارد با بهره برداری از منابع آب غیرمتعارف و بهبود سیستم های بازیافت و بازچرخانی آب و استفاده از زه آب ها، پساب ها و فاضلاب ها.

۱۹. کاهش سهم هزینه مسکن در سبد خانوار از طریق افزایش عرضه موثر در بخش مسکن با وضع مالیات بر ارزش زمین و ملک هم زمان با عرضه حداکثری زمین های محدوده و حریم قانونی شهرها در بازار زمین و توسعه افقی شهرها با رعایت سیاست های آمایش سرزمین و رفع موانع حقوقی سرمایه گذاری مشارکتی یا تدریجی در ساخت یا خرید مسکن.

۲۰. انجام اقدامات پیشگیرانه در مورد ابر روندهای مخرب محیط زیست از قبیل تغییرات اقلیمی، خشک شدن تالاب ها و دریاچه ها، تخریب جنگل های زاگرس، ریزگردها، آلودگی هوا، فرونشست زمین و بسترسازی برای نقش آفرینی مردم و جوامع محلی در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی.

۲۱. ارتقای نظام سلامت با اولویت پیشگیری بر درمان از طریق بازنگری و به روزرسانی شبکه بهداشت، اجرای پرونده الکترونیک سلامت، نظام سطح بندی و ارجاع، برنامه پزشکی خانواده و بهره مندی از طب سنتی، رفع تعارض منافع ساختاری بخش سلامت با تفکیک تامین مالی و ارائه خدمات از تولید و ارائه خدمات و خرید راهبردی خدمات سلامت توسط نظام بیمه.

۲۲. اجرای کامل سند تحول قضایی با تاکید بر:

- الزامی کردن ثبت رسمی کلیه اعمال حقوقی راجع به اموال غیرمنقول و منقول دارای سابقه ثبتی؛
- توسعه نظارت های مردمی با ایجاد نظام انگیزشی متناسب و حفظ محرمانگی هویت و تامین امنیت گزارش دهندگان؛
- نظارت هوشمند بر فعالیت دادگاه ها، بازداشتگاه ها و سایر مراجع مرتبط با قوه قضاییه؛
- استفاده از فناوری هوشمند در فرایند رسیدگی های قضایی؛
- حفظ حقوق مردم با افزایش تبعات متواری شدن محکومان.

۲۳. تقویت توان بازدارندگی و دفاعی و ضریب امنیتی و انتظامی کشور در تراز قدرت منطقه‌ای در جهت تامین منافع و امنیت ملی از طریق توسعه و انباشت یکپارچه قابلیت‌های دفاعی و صنعتی کشور در حوزه‌های راهبردی و دومنظوره.

۲۴. کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی به‌منظور ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در محیط بین‌الملل با تاکید بر گسترش تعاملات موثر، متوازن و راهبردی با اولویت همسایگان، کشورهای منطقه، کشورهای اسلامی و قدرت‌های نوظهور اقتصادی از طریق انعقاد توافق‌نامه‌های دو یا چندجانبه تجاری و پولی و ایجاد سازوکارها و ابزارهای جایگزین مشترک با کشورهای تحت تحریم و سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی اقتصادی.

۲۵. پیشنهاد و تصویب برنامه هفتم توسعه منحصراً با تمرکز بر موضوعات و جهت‌گیری‌های مصرح در سیاست‌های ابلاغی و ممنوعیت تعیین هر گونه سهم درصدی در برنامه.

ج) جمع‌بندی و نظر نهایی مشورتی شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱ الحاقی اقتصادی	هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم با رعایت سیاست‌های کلی مصوب، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت (عدالت‌محور) با نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد در طول برنامه تعیین می‌شود.
۲ الحاقی اقتصادی	• بهبود محیط کسب‌وکار و ایجاد ثبات و پایداری در سیاست‌ها و مقررات اقتصادی کشور و ارتقای حداقل پنجاه رتبه کشور در شاخص‌های محیط کسب‌وکار در طول برنامه؛ • افزایش صادرات غیرنفتی با تاکید بر محصولات دانش‌بنیان و نیل به تراز تجاری غیرنفتی مثبت در پایان برنامه و جلوگیری از واردات کالاهای مصرفی که در داخل به‌اندازه کافی و با کیفیت مناسب قابل تامین و تولید است، با رعایت حقوق مصرف‌کننده؛ • افزایش حداقل ۲/۸ واحد درصد بهره‌وری کل عوامل تولید (منابع انسانی، سرمایه، فناوری و مدیریت) از ۸ درصد رشد اقتصادی، در طول برنامه؛ • افزایش خالص موجودی سرمایه با رفع موانع و تسهیل سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) و جلوگیری از خروج سرمایه از کشور، مگر برای اهداف اقتصادی.
۳ اقتصادی	ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز و کاهش نرخ تورم به میزان حداقل ۷ واحد درصد در هر سال برنامه هفتم توسعه و تکریمی نمودن آن تا پایان برنامه، از جمله از طریق: - کنترل و مدیریت نقدینگی و ایجاد تناسب در نرخ رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی به‌گونه‌ای که نرخ رشد نقدینگی در هر سال نسبت به سال قبل حداقل ۲۰ درصد کاهش داشته باشد؛ - جهت‌دهی به نقدینگی و هدایت اعتبارات بانکی به فعالیت‌های مولد و جذابیت‌زایی از فعالیت‌های غیرمولد با اصلاح نظامات پولی، بانکی، مالی و تجاری؛ - تحکیم و تقویت استقلال و اقتدار بانک مرکزی و تمرکز سیاست‌گذاری پولی، ارزی و نظارتی در این بانک؛ تعیین سقف تسهیلات تکلیفی توسط بانک مرکزی. اعطای هرگونه تسهیلات و خط اعتباری به شبکه بانکی و بخش دولتی صرفاً با توثیق اوراق معتبر مالی دولت و سایر وثایق نقدشونده به تشخیص بانک مرکزی توسط بانک‌ها و دولت. به‌روزرسانی و اصلاح روش‌های تامین مالی بانک‌ها، بخش‌های دولتی و بازار سرمایه. تقویت نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها.

مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام	ردیف
اصلاح ساختار، فرایند و سازوکار بودجه کل کشور با رعایت موارد زیر: - درج تمامی منابع و مصارف دولت در سقف بودجه عمومی؛ - واقعی کردن منابع، مدیریت مصارف و اجتناب از کسری بودجه و ناترازی عملیاتی دولت؛ - احصا و شفاف سازی دارائی‌ها و بدهی‌ها و تعهدات دولت و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مدیریت بدهی‌ها؛ - تعیین تکلیف طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) نیمه تمام تا پایان سال دوم برنامه با استفاده از روش‌های مختلف از جمله: اتمام و تکمیل طرح‌ها، واگذاری آنها و مشارکت در احداث و بهره‌برداری از طرح‌ها؛ - شفاف سازی و ضابطه مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی، تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت‌ها و رفع تعارض منافع؛ - تامین مالی هزینه‌های دولت با افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها (مطابق با بندهای ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی) از محل مالیات و سایر درآمدهای عمومی و مولدسازی دارائی‌های دولت و اختصاص عواید حاصل از صادرات نفت، گاز و میعانات گازی به سرمایه گذاری و تامین مالی طرح‌های زیرساختی و توسعه‌ای. - این امر تا پایان برنامه هفتم می‌بایست تحقق یابد؛ - تدوین و تصویب لوایح بودجه با رعایت سیاست‌های کلی و منطبق بر سیاست‌های کلی برنامه هفتم و در اجرای اهداف و احکام برنامه پنج ساله و رسیدگی در مجلس با رعایت اهداف و حفظ ساختار کلی و انسجام بودجه و اجتناب از تغییر سقف لایحه دولت و ممنوعیت تعیین سهم درصد بودجه، به جز موارد مصرح در سیاست‌های کلی.	۴ اقتصادی
بازبینی، ساماندهی و تعیین تکلیف شرکت‌های دولتی با رعایت سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به شرح زیر: - واگذاری شرکت‌هایی که وظایف غیرحاکمیتی دارند یا بخشی از وظایف آنها غیرحاکمیتی است کلاً و یا جزئاً به تناسب، به بخش خصوصی یا تعاونی؛ - تبدیل شرکت‌هایی که منحصراً وظیفه حاکمیتی دارند به سازمان و ساختار دولتی مناسب، مگر موارد ضروری به تشخیص مجلس و از طریق قانون برنامه؛ - تعیین تکلیف شرکت‌های دولتی زیان‌ده و دارای وظایف موازی از طریق اصلاح، ادغام و یا انحلال آنها؛ - شفاف سازی و ضابطه مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی، تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت‌ها و رفع تعارض منافع.	۵ الحاقی اقتصادی

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۶ الحاقی اقتصادی	فعالیت‌های اقتصادی دولت و نهادهای عمومی غیردولتی در چهارچوب زیر تنظیم می‌گردد: - در اجرای بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دولت می‌بایست مجموعه مالکیت مستقیم و غیرمستقیم خود را در شرکت‌ها و بنگاه‌های مشمول این بند، به گونه‌ای که منجر به ایجاد انحصار نشود، تا پایان برنامه به حداکثر ۲۰ درصد برساند؛ - فرایندها و مقررات واگذاری شرکت‌های دولتی مشمول بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌بایست مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند و واگذاری‌ها با استفاده از روش‌های معتبر و سالم واگذاری و اهداف مذکور در این سیاست‌ها به‌ویژه ارتقای کارایی و بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، حفظ و افزایش سطح اشتغال و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت، تسهیل و تسریع گردد؛ - در واگذاری شرکت‌های دولتی مشمول بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴، اولویت با بخش خصوصی و تعاونی است و تنها در صورتی که متقاضی بخش خصوصی و تعاونی واجد شرایط وجود نداشته باشد، به نهادهای عمومی غیردولتی واگذار می‌شود؛ - شفاف‌سازی دارایی‌ها و بدهی‌های نهادهای عمومی غیردولتی و ارائه گزارش سالانه به دولت برای درج در ترازنامه مالی کشور.
۷ الحاقی اقتصادی	در تحقق سیاست تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن از منبع تامین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» اساسنامه صندوق توسعه ملی با اعمال اصلاحات زیر تنفیذ می‌شود: - واریز سالانه ۴۲ درصد از عواید حاصل از صادرات نقدی و تهاتری نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش ۲ واحد درصد سالیانه آن؛ - افزایش و تقویت منابع صندوق توسعه ملی از طریق سرمایه‌گذاری در داخل و خارج از کشور، خرید سهام، سپرده‌گذاری و مشارکت (با سهم کمتر از پنجاه درصد) با بخش خصوصی و تعاونی در طرح‌ها و پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای دارای بازده مناسب مشروط بر آن که به بنگاه‌داری و توسعه تشکیلات صندوق منجر نشود؛ - استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی و استقلال مدیریت حساب‌های آن از بانک مرکزی؛ - ایجاد یا تملک نهاد مالی تخصصی متناسب با وظایف صندوق، بدون شعبه و بدون امکان سپرده‌گیری و خلق پول؛ - وجوه تخصیص‌یافته به دستگاه‌ها از صندوق توسعه ملی با مجوز خاص، عیناً در بودجه کل کشور درج می‌شود.

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۸ اقتصادی	ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد؛ تبدیل مالیات به منبع اصلی تامین بودجه جاری دولت، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی، محدود و هدفمندسازی معافیت‌ها، استقرار سامانه یکپارچه و هوشمند مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تاکید بر رونق تولید و عدالت مالیاتی.
۹ اقتصادی	• رفع فقر و کاهش نابرابری اقتصادی با کاهش شاخص ضریب جینی سالیانه حداقل یک‌صدم واحد در طول سال‌های برنامه؛ • استقرار نظام جامع تامین اجتماعی و بیمه همگانی بر اساس سیاست‌های کلی تامین اجتماعی؛ • تأدیه بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی حداکثر تا سال چهارم برنامه، به‌نحوی که در سال پایانی برنامه، صندوق‌ها هیچ اتکائی به بودجه کشور نداشته باشند و پرهیز از هرگونه ایجاد تعهد جدید بدون ارائه منبع متناسب و تحقق‌پذیر؛ • کاهش کسری صندوق‌های بازنشستگی با اصلاحات سنجه‌ای به‌ویژه اصلاح سن بازنشستگی.
۱۰ امور زیربنائی	امنیت غذایی؛ اطمینان از بسندگی و ایمنی منابع غذایی از طریق: - تامین امنیت غذایی و خوداتکائی در تولید داخلی محصولات و کالاهای اساسی کشاورزی همراه با حفظ و ارتقای ذخایر ژنتیکی و منابع آبی و نیل به الگوی مطلوب مصرف مواد غذایی و محصولات کشاورزی؛ - افزایش سطح سلامت و ایمنی و بهبود کیفیت مواد غذایی؛ - بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و توسعه و ترویج کشاورزی دانش‌بنیان با تاکید بر افزایش بازدهی محصول در واحد سطح؛ - تکمیل زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی و اصلاح الگوی کشت با رعایت سیاست‌های کلی آمایش سرزمین؛ - ارتقای جایگاه راهبردی جمهوری اسلامی ایران در شبکه تامین زنجیره غذا و محصولات کشاورزی در منطقه با تاکید بر ویژند (برند) حلال.

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۱ امور زیربنائی	• استقرار نظام مدیریت یکپارچه در منابع و مصارف و حکمرانی منابع آب کشور بر اساس حوضه‌های شش‌گانه آبریز با لحاظ ارزش آب؛ • افزایش بهره‌وری متوسط پنج درصدی سالیانه آب کشاورزی در کشور؛ • کنترل و مدیریت آب‌های سطحی و افزایش منابع زیرزمینی آب از طریق آبخیزداری و آبخوان‌داری حداقل بیست میلیون هکتار از اراضی طی سال‌های برنامه با ایجاد مشوق و جلب مشارکت بخش‌های غیردولتی؛ • نمک‌زدایی آب‌های شور و بازیابی و بازچرخانی آب‌های صنعتی و پساب؛ • تقویت دیپلماسی آب با کشورهای هم‌جوار برای تامین و صیانت از حقوق آبی کشور.
۱۲ الحاقی امور زیربنائی	بهبود شاخص‌های عملکردی محیط‌زیست حداقل پنج پله در هر سال، کاهش ده درصدی سالانه آلودگی هوای کلان‌شهرها و مدیریت اثرات و عوارض تغییر اقلیم با استفاده از ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و با اجرای سیاست‌های کلی محیط‌زیست به‌ویژه بندهای ۲ و ۱۰ آن سیاست‌ها.
۱۳ الحاقی امور زیربنائی	• افزایش حداکثری تولید نفت خام و گاز طبیعی در میدین مشترک با سرمایه‌گذاری و مشارکت داخلی و خارجی در اکتشاف و استخراج مخازن؛ • افزایش تولید صیانتی و ضریب بازیافت میدین مستقل؛ • کاهش خام‌فروشی نفت و گاز با توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز و رساندن ظرفیت پتروپالایشگاهی به ۳ میلیون بشکه در روز؛ • کاهش شدت مصرف انرژی به میزان متوسط سالانه ده درصد با رعایت بند هفتم سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف؛ • رفع موانع و ایجاد سازوکار مناسب به‌منظور افزایش تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین به میزان ۱۲ هزار مگاوات در طول سال‌های برنامه با مشارکت بخش خصوصی و عمومی.
۱۴ امور زیربنائی	اجرا و تکمیل چند طرح عظیم اقتصادی ملی، پيشران، زیرساختی، روزآمد، ارزآور و اشتغال‌زا مبتنی بر آینده‌نگری، صرفاً با پیشنهاد دولت در لایحه برنامه هفتم.

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۵ الحاقی امور زیربنائی	فعال‌سازی مزیت‌های ژئوپلیتیکی و تبدیل ج.ا. ایران به مرکز مبادلات و خدمات تجاری، انرژی، ارتباطات و حمل‌ونقل با روان‌سازی مقررات و ایجاد و توسعه زیرساخت‌های لازم.
۱۶ امور زیربنائی	• اجرای سیاست‌های کلی و قانون آمایش سرزمین با توجه ویژه بر طرح‌های توسعه اقتصادی کشور در دریا، سواحل، بنادر و آب‌های مرزی و استقرار واحدهای اقتصادی، صنعتی و جمعیتی متناسب در سواحل جنوب کشور؛ • خلأهای قانونی و مقرراتی حداکثر تا پایان سال دوم برنامه می‌بایست مرتفع گردد.
۱۷ امور زیربنائی	ارتقای نظام سلامت بر اساس سیاست‌های کلی سلامت و بهبود شاخص‌های آن و نیل به جایگاه اول در منطقه تا پایان برنامه با تأکید بر: - اولویت بهداشت و پیشگیری بر درمان در نظام سلامت؛ - بازسازی، تقویت و تکمیل شبکه بهداشتی و درمانی کشور منطبق بر نظام سطح‌بندی، پزشکی خانواده و ارجاع؛ - تکمیل و استقرار سامانه جامع (پرونده الکترونیک) سلامت ایرانیان؛ - گسترش بیمه پایه سلامت برای آحاد جامعه؛ - تأکید بر تدوام و تثبیت ادغام آموزش پزشکی و خدمات سلامت در ساختار واحد.
۱۸ فرهنگی اجتماعی	• اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی و مقابله با تهاجم فرهنگی، افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت امید، همبستگی و اعتمادبه‌نفس ملی، ارتقای هویت ملی، روحیه مقاومت، ایثارگری، کار و تلاش در جامعه با تبیین و ترویج آموزه‌های قرآن، عترت و نهادهای فرهنگ‌آفرین انتظار و احیاء میراث فرهنگی و تمدن اسلامی - ایرانی و با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های کشور؛ • به‌روزرسانی و اجرایی‌شدن سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور در برنامه هفتم و الزام به تهیه و اجرای پیوست فرهنگی طرح‌های بزرگ؛ • ایفای نقش قرارگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارزیابی، هدایت و هم‌افزا و نتیجه بخش کردن فعالیت‌های فرهنگی کشور.

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۹ الحاقی فرهنگی اجتماعی	• بازآرایی نظام رسانه‌ای و تبلیغی با محوریت توسعه و تعمیم جهاد تبیین و مقابله موثر با جنگ شناختی دشمنان و شبهه‌افکنی و ناامیدسازی رسانه‌های بیگانه؛ • تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی در گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی - ایرانی و مواجهه موثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان از طریق: - تولید و پخش محتوای غنی، جذاب و امید افزای فرهنگی، سیاسی، خبری و دانش‌افزایی و همچنین ترویج گفتمان پیشرفت و عدالت اقتصادی؛ - پوشش صددرصدی صداوسیما ج.ا. ایران بر بسترهای انتشار در دسترس در داخل و دسترسی حداکثری در سطح بین‌المللی با تأمین بودجه لازم؛ - تثبیت بودجه سازمان صداوسیما ج.ا. ایران به میزان یک درصد بودجه عمومی دولت.
۲۰ الحاقی فرهنگی اجتماعی	تحکیم نهاد خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی با تأکید بر نقش محوری زنان و شأن مادری در آن و برنامه‌ریزی و تحقق الزامات فرهنگی، حقوقی و اقتصادی برای ایفای این نقش و بهره‌گیری از توان و ظرفیت زنان در پیشرفت و حل مسائل کشور با تأکید بر حفظ کرامت آنان در جامعه و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان.
۲۱ فرهنگی اجتماعی	کاهش سالیانه میانگین سن ازدواج و نرخ طلاق و مقابله با سقط جنین غیرقانونی و افزایش سالیانه نرخ ازدواج و افزایش نرخ باروری به حداقل ۲/۵ فرزند طی ۵ سال با تحکیم بنیان خانواده و تشویق و تسهیل ازدواج‌های آسان و به هنگام، حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری و رفع موانع آن و ایجاد مشوق‌های مؤثر به‌ویژه تأمین مسکن و شغل برای جوانان و اصلاح فرهنگی و مدیریت مهاجرت‌های داخلی و خارجی.
۲۲ الحاقی فرهنگی اجتماعی	توسعه صنعت گردشگری و تبدیل آن به یکی از پیشران‌های رشد و رونق اقتصادی کشور و صیانت از میراث فرهنگی و ترویج صنایع دستی با رفع موانع، اعطای مشوق‌های حمایتی، ایجاد هماهنگی‌های بین دستگاهی و رعایت موازین شرعی و ارزش‌های اسلامی.

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۳ فرهنگی اجتماعی	ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش سالیانه آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و فساد بر اساس شاخص‌های معتبر با بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم و هدایت بودجه‌ها، منابع و امکانات مرتبط دستگاه‌های اجرایی با برنامه‌های خانواده محور.
۲۴ علمی، فناوری، آموزشی	توسعه و تقویت فضای مجازی به منظور تحکیم حاکمیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی - ایرانی از طریق: - تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و استقرار نظام حکمرانی داده‌ای هوشمند، یکپارچه و امن با تامین کلیه ملزومات حقوقی، فنی، محتوایی و توسعه سواد مجازی به ویژه در حوزه خدمات دولت، اقتصاد، تعلیم و تربیت و رسانه؛ - ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی برتر با تاکید بر مقاومت‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و حساس و کلان‌داده کشور؛ - تسهیل مشارکت و دسترسی آحاد مردم به شبکه ملی اطلاعات و فضای مجازی سالم، ایمن و مفید، با تاکید بر حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی؛ - تامین استقلال کشور در لایه‌های مختلف فضای مجازی از جمله بومی‌سازی حداکثری خدمات پایه کاربردی، سکوها، خدمات‌رسان، سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و مدیریت شبکه ضمن مشارکت با سایر کشورها؛ - بهره‌گیری حداکثری از فناوری ارتباطات و اطلاعات برای تحول دیجیتال، توسعه اقتصاد دیجیتال و عرضه محصولات و خدمات دیجیتال ایرانی در بازارهای بین‌المللی.

مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام	ردیف
• افزایش سالانه شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آنها به ویژه دستیابی به افق‌های جدید علم و علوم نوپدید در حوزه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، فضایی، هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، نانوفناوری، انرژی‌های نو و تجدیدپذیر؛ • تقویت و توسعه کمی و کیفی واحدهای فناور و شرکت‌های دانش‌بنیان و ارتقای نقش آنان در حل مسائل و نیازمندی‌های اصلی کشور و افزایش سهم اقتصاد دانش‌بنیان به ۱۰ درصد در تولید ناخالص داخلی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر؛ • گسترش اقدامات زمینه‌ساز برای اثرگذاری هرچه بیشتر نخبگان در جهت پیشرفت کشور؛ • ارتقای و روزآمدسازی نظام آموزشی و پژوهشی و تحول در نظام سنجش و انگیزش به ویژه ضوابط جذب و ارتقای اعضای هیئت علمی و پژوهشگران و جهت‌دهی به پایان‌نامه‌ها و تحقیقات در جهت حل مسائل جامعه و رفع نیازهای واقعی کشور و حمایت مادی و معنوی از تولید و ترویج دانش و متون و آثار علوم انسانی و اجتماعی و تحول و ارتقای آنها مبتنی بر ارزش‌ها و اندیشه‌های متعالی اسلام در نظام آموزش عالی کشور؛ • توسعه عدالت آموزشی و رفع تبعیض‌های ناروا در فرایندهای جذب، تعیین سهمیه و جابه‌جایی دانشجویان؛ • اجرایی‌شدن سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش و نیز به‌روزرسانی و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رفع موانع قانونی و اجرایی و تعیین تکالیف دستگاه‌ها در قبال آموزش و پرورش با تأکید بر تقویت مهارت‌های زندگی به‌ویژه در دوره ابتدایی و طراحی و استقرار الگوی مدرسه تراز ج.ا. ایران، مبتنی بر عدالت و فرصت برابر تربیتی و آموزشی و بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت‌های مردمی.	۲۵ علمی، فناوری، آموزشی
تسهیل و ارتقای مشارکت سیاسی و اجتماعی آحاد جامعه در چهارچوب حفظ و تقویت وحدت و همبستگی ملی و مردم‌سالاری دینی به‌ویژه افزایش سطح مشارکت مردم در انتخابات.	۲۶ الحاقی سیاسی، سیاست خارجی

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۷ سیاسی، سیاست خارجی	• کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی به منظور ارتقای جایگاه ج.ا. ایران در محیط بین‌الملل با تاکید بر گسترش تعاملات مؤثر با همسایگان، کشورهای منطقه و اسلامی و توجه به راهبرد نگاه به شرق جهان (آسیا) از طریق ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی و تحول و کارآمدسازی سازوکارهای دستگاه دیپلماسی و هماهنگی و همکاری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی؛ • تقویت رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی در جهت روان‌سازی تجارت کشور در روابط منطقه‌ای و جهانی به ویژه با همسایگان و ظرفیت‌سازی برای سرمایه‌گذاری خارجی به خصوص ایرانیان خارج از کشور در ایران و فعال‌شدن در پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی برای تامین منافع کشور؛ • حمایت از ایرانیان خارج از کشور و فراهم‌سازی تسهیلات لازم برای گسترش روابط و تعامل با ایشان و استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان.
۲۸ دفاعی و امنیتی	• تقویت بنیه دفاعی، امنیتی و انتظامی به‌منظور ارتقای بازدارندگی و اکتساب علوم و فناوری‌های اقتدارآفرین موردنیاز صنایع دفاعی و امنیتی با تاکید بر خودکفایی کشور در سامانه‌ها، تجهیزات و خدمات اولویت‌دار و دفاع فعال و برقراری امنیت پایدار در مرزها با تخصیص معادل حداقل ۷/۵ واحد درصد از بودجه عمومی دولت؛ • بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و دستاوردهای نیروهای مسلح در جهت تحقق اهداف برنامه مشروط به آن که به آمادگی نظامی آنها لطمه وارد نشود.
۲۹ دفاعی و امنیتی	تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری دارایی‌های حیاتی و حساس در قبال تهدیدات نظامی، سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتویی با رویکرد پدافند غیرعامل توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و تامین منابع مورد نیاز.

ردیف	مصوبات شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام
۳۰ اداری، حقوقی و قضائی	تحول در نظام اداری و اصلاح ساختار آن مبتنی بر سیاست‌های نظام اداری با تاکید بر: - هوشمندسازی و تحقق دولت یکپارچه الکترونیک؛ - تنقیح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات؛ - چابک‌سازی تشکیلات کلان دولت با اصلاح فرایندها و روش‌ها و حذف تشکیلات موازی و غیرضرور؛ - رفع فساد و تعارض منافع در مناسبات اداری؛ - اصلاح قوانین و مقررات مغایر با سیاست‌های کلی برنامه هفتم تا پایان سال اول برنامه؛ - کاهش نسبت نیروی انسانی شاغل در مشاغل غیرتخصصی دستگاه‌های اجرایی؛ - تمرکز زدایی و ارتقای حکمرانی محلی با تفکیک وظایف ملی و محلی؛ - اصلاح نظام جبران خدمات بر اساس عدالت، بهره‌وری، ارزیابی عملکرد و رقابت‌پذیری.
۳۱ اداری، حقوقی و قضائی	روزآمدسازی و اجرای کامل سند تحول قضایی با تاکید بر: - پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی؛ - هوشمندسازی فرایندها و بهره‌گیری از فناوری نوین در ارائه خدمات قضایی؛ - اجرای ۱۰۰ درصدی حدنگار؛ - حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار با تشکیل دادگاه‌های تخصصی اقتصادی و مقابله با مفاسد اقتصادی؛ - استفاده از ظرفیت‌های مردم و توسعه روش‌های مشارکتی و غیرقضایی در حل و فصل دعاوی؛ - تثبیت بودجه قوه قضائیه به میزان ۴ درصد بودجه عمومی دولت؛ - بالابردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری؛ - بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان؛ - حمایت از حقوق مالکیت با رفع موانع ثبت معاملات و تسهیل صدور اسناد رسمی و عدم‌پذیرش تدریجی معاملات عادی اموال غیرمنقول در محاکم تا پایان برنامه.